كنوز الأسرار الخفية

في

علوم الغريبة

جلد اوّل

تهيه و تنظيم

اقل العباد الشيخ حبيب بن موسى الرضا

افشاری ارومیه ئی النجفی

از انتشارات کتابخانهٔ ارومیه

قم گذرخان

کنوز الأسرار
الخفیة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلق الله محمد خاتم النبیین وسید المرسلین و آله الطیبین الطاهرین قوله تعالی اقرأ وربك الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم قوله تعالی وعلم آدم الاسماء کلها وبعد توفیق ربانی نصیب این جانب حبیب بن موسی الرضا بن شیخ نظر علی افشاری اردبیلی گردید که مدت ها بجمع آوری کتب خطی که نزد این حقیر بود اشتغال آوردم تا مجموعه کتبی که در علوم غریبه مانند جامع الفوائد وکشکول در علوم غریبه و در علم جفر چند قسم و علم رمل و وغیره و بچاپ رسیده و در دسترس طالبان

این علوم قرار گرفت وچون مشاهده شد که این قبیل کتب نزد بعض کتابخانه های خصوصی دبوده بود لیکن بهیچ وجه در دسترس همگان قرار نمیدهند وبدینجهت این قبیل از مخطوطات نفیسه قدیمه جمع آوری نمود ولیکن ازینها تا از دست تطاول زمانه محفوظ ماند واتلاف انها جلوگیری شود این مجموعه را بنام کنوز الاسرار الخفیة مسمی نمودم بعد از صرف مدتها دست برای جمع آوری وتصحیح انها نمودم بحمد الله توفیق رفیق وبطبع ان موفق گردید نادری امیداست ارباب بصیرت در آن بدیده عفو واغماض بنگرند واگر بعلت کبرسن وکثرت اشتغال در آن سهوی مشاهده نمایند در تصحیح ان بکوشند واز آن خطا چشم بپوشند که «العفو عند کرام الناس مقبول» واین حقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایند والله ولی التوفیق

آنانکه بصیر در حقایق باشند — داننده اسرار ودقایق باشند
بر نیک وبد خلق چو حکمی رانند — تصدیق کند عقل که لایق باشند

وله

العلم کنز ذخر لا فناء له — نعم القرین اذا ما صاحب صحبا

این مجموعه ایست بر دو مجلد و جلد اوّل مشتمل است
بر بیست و سه باب و هرباب برچند مطالب و فوائد

بسم الله الرّحمن الرّحیم

فصل باب اوّل در بیان معرفت حروف تهجّی و کلمات ان

وصف جمیل بر وجه تعظیم و تبجیل سزاوار آن صاحب جلال است
که نفس حقایق انفاس خلایق را گردانید و کتاب معجم در عرب
و عجم خطور و سطور وجه اصحاب حسن و جمال فانی را گردانید
والف قامت خوبان را در عین مشهود بر استواء وجود وحدت
ذات دال و مستور ساخت و از خال رخ خط محبوبان که هندسه
روحانی در قوم دفتر معانی است چه هر قدر نقطه که بر نسخه کا
ئنات و صفحه صحیفه موجودات مرقوم و مسطور است ساخت
ان علمی که در مکتب خانه وَكَتَبْنَا لَهُ فِی الْاَلْوَاحِ ادم را معلم
ارواح و مدرس اشباح کرد و در محاسبه ابجد عشق او را
قیاس با جمیع کتب سماوی مساوی الواح کرده و نعت جلیل
و ستایش جزیل بر سمای صه دین که در محاربه منکران
حروف مقطعه شعارش حم لَا يُنصَرُونَ كهيعص
بود و در میعاد حل عقود و جواهر قران و فتح باب خزائن
رحمان متکلم بکلمه اَنَا اَفصَحُ مَن تَکَلَّمَ بالضاد بود و بر آل
و اصحاب تخصص بر قائل اَنَّ کلامکم الله النَّاطِق که
نقطه تحت الباء از روی فوقیه منزلت ولایت شده

و حروف کتاب کمالات نقطه جزویه از عالم علم و درابتد
بالتماس فقیری که ناگاه از مطلع غیب طالع شد و از حسن
طالعی که داشت استدعا و التماس نسخهٔ کرد در حروف تهجی
و انچه فکر را مجال در میادین سؤالات او باشد نوشته کرده
و بر حسب ملتمس او بطریقی بدیعه هر روز آن مقدار که قدرت
بر حفظ آن داشت از منی ضمیر بر صفحهٔ ظاهر مسطور میکردید
و بواسطه تفرقهٔ چند که لازم اوقات شریف اهل حق از
محاسده و معانده در باب شیاطین میباشد فرصت آن نشد
که در لطنام خیام کلمات از اطناب رود اما چون حواشی شرین
لبان مختصر و مفید افتاد و از غایت نفاست مضمون و لطافت
مضموم بر مطایف الحقایق شد و از حسن نحوی که داشت این
رباعی از عالم معنی در وصف او روی نمود

این نسخه نفایس الحقایق باشد — دانستن او فرض خلایق باشد
در نزد مبارزان میدان حروف — شرین بمثال شهد فایق باشد

و دیگر این قطعه نیز بموافقت آن رباعی بدین نهج دست داد

گرچه بسیار از رسائل هست انشای شریف
هر یکی با خطبهٔ دیباجه مضمون خوب
بهر فهم مبتدی مانند این نسخه نیست

پاك من کل العیوب از فیض علام الغیوب

هر که مستحضر این نسخه در علم حروف
کس بر آن در معرفت مشکل تواند خبر شد
بر مثال صیقل افتاد است نسبت با کسی
کز غبار جهل مرات ضمیرش تیره شد

و بالله العصمة والتوفیق ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز
س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه
لا ی ج ژ گ پ و علم آدم الاسماء کلها علم الاسماء
تمام این بود تا نبیذ داری که با این دین بود از این حروف
مذکور ١٤ او را محکمات و ام الکتاب میخوانند و ١٤ دیگر را
ظاهرا بیت ابهمات مینامند چنانکه نص قرانی را دلالتی بر
این است کما قال الله تعالی هو الذی انزل علیک الکتاب
منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر متشابهات
ان کیست که فرو فرستاد بر ترای محمد ص کتاب را که بعضی از
او آیات محکمات است که انها مادر و اصل کتابند و بعضی دیگر
از متشابهات است و آن چهارده که محکمات است اینست
الر کهیعص طس حم ق ن و آن دیگر که متشابهات
است این است ب ت ث ح خ د ذ ش ض ظ ف غ

وان ۱۴ محکمات که در تلفظ میایند ازاین متشابهات
۳ حرف دیگر همراه خود دارند چنانکه از الف یا قاف یا
یاکاف ف وازصاد د واز نون ن ظاهر میشود پس در
حقیقت محکمات ۱۷ میشود ومتشابهات ۱۱ گویند که این
حرف تهجی وضع کیست وانرا براین ترتیب که بنا کرده گوئیم
که اورا براین نهج که حالات مترتب شده است ازادم ع است
زیراکه حدیثی که ابوذر غفاری روایت میکند ازحضرت رسالت
ع دلالت براین معنی دارد ابی ذرر غفاری رض انّهٗ قَالَ
سَئلْتُ رَسُولَ اللهِ صَ ع فقلت یارَسُولَ اللهِ کُلُّ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ
بِمَ هُوَ مُرْسَلٌ قَالَ بِکِتَابٍ مُنْزَلٍ عَلیٰ اٰدَمَ فَقُلْتُ اَیُّ کِتَابٍ
مُنْزَلٍ اَنْزَلَ اللهُ عَلیٰ اٰدَمَ قَالَ الْکِتَابُ مُعْجَمٌ فَقُلْتُ اَیُّ
کِتَابٍ مُعْجَمٍ قَالَ اب ت ث ج الی اٰخِرِهٖ فَقُلْتُ یارَسُولَ اللهِ
کَمْ حَرْفًا قَالَ تِسْعَةٌ وَعِشْرِینَ حَرْفًا فغضب رَسُولُ اللهِ صم
حَتیٰ اَحْمَرَتْ عَیْنَاهُ ثُمَّ قال یا اباذر وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیًّا
ما اَنْزَلَ اللهُ تع علی آدَمَ اِلاَّ تِسْعَةً وَعِشْرِینَ حَرْفًا فقلت
یارَسُولَ اللهِ اَلَیْسَ فِیهَا الف ولام فقال رَسُولُ اللهِ ع لام
الف حَرْفٌ وَاحِدٌ قد انزلَ اللهُ تع علی فی صحیفةٍ واحدةٍ
وَلَهُ سبعون الف ملك من خالف لام الف فقد کفر

بما اَنْزَلَ اللهُ تع علی اٰدم ومن لم یعد لام الف حرفًا واحدًا
وهو بریٌ منی وانا بریٌ منه ومن لم یؤمن بالحروف و
تسعةٌ وعشرون حرفًا لا یخرج من النّار ابدًا مضمون این
حدیث انستکه روزی ابوذر غفاری میگوید که پرسیدم ازحضرت
رسالت که یارسول الله هر نبی که مرسل است بچه چیز مرسل است
درجواب فرمود بکتابی که فرو فرستاده است ازحق تعالی برآدم
گفتم کدام است که حق تع برآدم فرستاده است گفتکه کتاب معجم
گفتم کدام است کتاب معجم گفت اب ت ث ج الا اخر گفتم یارسول
الله چند حرف است گفت بیست نه حرف است گفتم یارسول الله
شمردم بیست وهشت حرف است حضرت رسالت ص خشم گرفت
چنانچه چشم مبارکش سرخ شد گفت یااباذر بدان خدا سوگند
میخورم که مرا بحق فرستاد ازروز پیغمبری که فرونفرستاد
خدایتعالی بادم الا بیست نه حرف گفتم یارسول الله دراین
حروف لام الف نیست فرمود که لام الف حرف واحد است
که فرستاد خدایتعالی ازابرادم در یك صحیفه ودروقتیکه
اورا میفرستاد با او هفتاد هزار فرشته همراه بود وهرکسیکه
خلاف کند درلام الف پس بدرستیکه کافر شد بهرچه
خدا تع بادم فرستاد وهرکسیکه لام الف را حرف واحد

بدانند پس او نیز بیزار است از من و من بیزارم از او و هر
که ایمان بحروف ندارد و حال آنکه او ۲۹ حرف است بیرون
نیابد از دوزخ ابداً اگر گویند که چرا الف را مقدم جمیع
حروف کردانیدند انستکه چون الف را اشارت بذات
احدیت است از روی فردانیت و وحدانیت و استواء
که دارد حق تعالی جمیع ذرات است هم چنین الف در مرتبه حروف
مقدم بر همه شد اگر گویند که بعد از الف در حروف تهجی
چرا ب و ت را نوشته اند گوئیم از جهت آنکه در مرتبه نوع
انسان که کلام ناطق حق است بقول جناب علی ع که فرموده
انا کلام الله ناطق انسان کامل مقدم این نوع است در
مرتبه کلام صامت خواستند ترتیبی رعایت کنند که چون
ملاحظه و مشاهده ان نمایند او را دلالتی و مناسبتی بکلام
ناطق باشد که ادم است و از ترتیب الف و بی ترکیب و
صورت اب که ادم است ظاهر میگردد و تی را با بی
چون جمعیت افتد ابت می شود چنانچه در قران فرموده
است که اِذْ قَالَ یُوسُفُ لِاَبِیهِ یَا اَبَتِ اِنِّی رَاَیْتُ اَحَدَ
عَشَرَ کَوْکَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَاَیْتُهُمْ لِی سَاجِدِینَ
یعنی یوسف گفت بر پدر خود که یعقوب است که ای پدر
که

من دیدم یازده ستاره و افتاب و ماه را که مرا سجده میکردند
اگر گویند که چرا بی نقطه بزیر دارد گوئیم که چون الف دلالت
دارد بر ذات احدیت از روی یکتائی چون بی در بی اوات
مرتبه ادم دارد زیراکه آدم را حق تعالی خلیفه خوانده است
چنانکه گفت وَاِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّی جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ
خَلِیفَةً و خلیفه از پی درایند و را گویند پس بی در پی
الف درآمد و خلیفه او شد و ادم منصب خلافت دارد
و اول انبیا است پس نبی باشد و نبوت او را ثابت است
و نقطه مرتبه ولایت دارد از جهت آنکه نقطه ولایت بر وحدت
دارد و قسمت پذیر نیست هم چنین مرتبه ولایت مقام وحدت
است و قابل قسمت و تجزیه نیست و هر چند که ولایت مرتبه
فوقیت دارد نسبت با نبوت اما چون نبوت تعلق بظاهر
اشیا دارد و از منصب ظهور است و ولایت را تعلق بباطن
است و باطن نسبت بظاهر بحسب ابتدای فطرت در تحت
او واقع شده است زیراکه اصل درخت نسبت با فرعش
مرتبه تحتانیت دارد و این امریست بغایت ظاهر از اینست
که علی ع که مقام و منصب ولایت مطلقه دارد زیرا
که ولایت حضرت رسالت است و ایشان با همدیگر

اشتراك واختصاصی که دارند در اینجا مرتبه است چنین میفرماید
که اَنَا النّقطة تحت الباء یعنی منم نقطه که زیر باست زیرا که
که چون گفتیم که بی مرتبه ادم دارد و علی ع فرزند خاص ادم
است و فرزند بحسب وجود مرتبه در تحت پدر است و وجه
دیگر انکه نقطه که در تحت بی واقع شده است در عین کاتب
است و از اصحاب یمین میشود بخلاف انکه در فوق واقع شود
و علی ع از اصحاب یمین است از این بود که گفت اَنَا النّقطة
تحت الباء و نقطه ممیز است یعنی تمیز میان حروفات بنقطه
واقع میشود و بعضی را تمیز بیك نقطه حاصل است و بعضی را
بدو نقطه و بعضی را سه نقطه و این نقاط بعضی در تحت
اند و بعضی در فوق و حکمت هر یکی را باز نمودن که چنین چرا است
از قبیل سؤال دوری میشود امّا چون مرتبه حروفات حکم الف
و بی و تی دیگر است و ایشانرا بحسب منزلت و مقامی که دارند
اشارتی بمرتبه حق که آدم است میباشد از این جهت در اینجا
هر دو فی الجمله سخنی چند گفته میشود که علی ع فرمود که العِلمُ
نُقطَةٌ کَثَّرَهَا الجاهِلون یعنی علم یك نقطه است او را بسیار
کردانیده اند جاهلان و جهل جهال اقتضای ان میکنند
که مشاهده وحدت در کثرات کرده نشود و توجه بعالم
دوم

وحدت که غاية القصوى اهل توحید است بیفتد نقطه منبسط
شد و در لباس کثرت ظهور کرد سؤال کند که چرا نقطه را عدد
زیاده از سه نیست هم چنانکه در ثی و شین و غیره گوئیم والله اعلم
که چون نقطه انبساط یافت و در لباس حروف ظهور کرد
و کمال ظهور ان انستکه در قران است و قران که کلام حق است
در سه مرتبه ظاهر گشت یکی توحید است چنانکه قُل هُوَ اللهُ
اَحَد تا اخر و ایضاً وَاِلهُکُم اِلهٌ واحِدٌ و غیر ان این ایتها
که دلالت از وحدت حضرت حق دارد مرتبه امر و نهی است
است چنانکه یا اَیُّهَا النّاسُ اعبُدُوا رَبَّکُم لا تَقتُلُوا اَولادَکُم
لا تَأکُلُوا اَموالَ الیَتامی و امثال این ایات که دلالت بر امر
و نهی کند سیم قصص و اخبار است چنانکه اِذ قالَ یُوسُفُ لِاَبیهِ
یا اَبَتِ وَاِذ قالَ اِبراهیمُ لِاَبیهِ آزَرَ اَتَتَّخِذُ اَصناماً آلِهَةً
و سایر ایات که در او قصه آدم و نوح و غیرهما باشد پس قران
از این سه نمط و سه طریق بیرون نیست که نقطها بحسب ظهور
از سه عدد زیاده نیست گویند که حروف تهجی چرا منحصر در
۲۹ است در کلام محمدی ع و حکمت این عدد چیست گوئیم
که کلمه الهی قبل از ظهور در مظهر انسان منزه است از کثرت
عدد یعنی صیحه واحده است امّا چون خواست که در مظهر

انسان ظاهر شود حکمت حق اقتضای ان کرد که در لباس زوج
و فرد بظهور اید زیرا که عدد یا زوج است یا فرد و فردیت لازم
ثلثه است و زوجیت لازم اربعه است پس عدد هفت ملزوم
زوج و فرد است و در ابتدای که این کلمات الهی ظاهر میشود
در زوجه ادم ظهور کرد و چون ادم و زوجه ادم مرکب از عناصر
اربعه بود این عدد هفت نسبت با هر یك از عناصر خود را
ظاهر کرد و هفت را که در چهار ضرب کنند ۲۸ است
اگر گویند ۲۸ را چه حکمت است از انحصار تمام کلمات
در ۲۸ چراست گوئیم که چون حکمت حضرت باری معلوم
شد و متعین شدن کلمه موقوف است بر ترکیب عنصری
یعنی کلمات الهی که مجرد است از شکل و صورت و پیکر
چون خواهد که مثال و علیت خود ظاهر کند اورا هیئات
عنصری انسان گزیر نیست اکنون این بیست هشت کلمه
و این چهار مرتبه ظهور او که عناصر اربعه باشد راست باشد
این فی الجمله وجهی است در انحصار کلمه در این عدد
گویند که نقطه اشرف و اعلی از حرف است با انکه حرف از نقطه
گوئیم که وجود حرف مکتوب موقوف است بر نقطه از روی
بیان و ادای حقایق و معانی و کمالات معنوی و صوری

از

حرف را زینتی بر نقطه هست و بینش ذکر شد که نقطه مرتبه ولایت
دارد بلکه از نقطه حرف متعین است و نقطه مقوّم وجود حرف
است امّا در اظهار کمالات نقطه موقوف بر حرف است و
حرف در وجود موقوف نقطه است از این است حق جلّ و علی
خود را حرف خوانده چنانکه یٓسٓ و طٰهٰ و حٰمٓ و حضرت
ولیّ غالب علی بن ابی طالب ؑ خود را نقطه گفت و تعلیم و
تفهیم مسائل شرایع و حکمت الهی حضرت ولی محتاج نبی است
و بمنزلت و مشرّیت او تنزل است چنانکه فرمود علمنی رسول
الله ص الف باب یعنی تعلیم کرد مرا حضرت رسالت هزار
باب از حکمت پس گشوده شد مرا از هر بابی هزار باب
گویند که چرا حروف تهجی منتهی به یی در حساب جمل که حساب
معتبر انبیاست ده است و ده عدد کامل است باین معنی
که از یکی تا ده همه اعداد احاد مستقل اند بوجود خود و
مضاف با دیگری نیستند و چون بده میرسند همه مضاف
و منسوب بده میشوند همچنانکه یازده که از یکی و ده است
و دوازده که ده است و دو و هم چنین تا بیست و ان مقدار
که بالا رود پس مبداء اضافات و نسبت ده باشد پس
کمال دارد و این عدد از ان روی که مرتبه احاد همه با و مضاف

میشود ومذکرات اعدا داست ازدوی اضافه ودیگر ازجمیع
حروف اورا خصوصیتی هست درده دلالت کردن برانکه اسم
عین مسما است زیراکه این الفاظ که تهجی کند درحقیقت اسمند
که مسمای ایشان ازحروف مفرده بسیط است که او درتلفظ ی
مثلاً الف اسمیست ازان وب اسمیست ازان وهمچنین تا بی
که اسمیست ازان واسم ومسما هردویکی اند وهیچ اسمی را این
حال نی است اگرچه واو ومیم ونون نیز بجزوی خود منتهی شود
همچنانکه ی که بجزوی منتهی است امادرمیان خود واسطه
دارند که واو الف درمیان دارد ومیم بی ونون وامای بجزد
قایم است پس ازاین وجه همه حروفات منتهی وختم بحرف ی
شده اند دی بدووجه ملفوظ ومکتوب میشود همچنانکه
یاکه درعبارات عربی چنین است ویکی انکه منتهی وختم ی
میشود پس وقتیکه منتهی بالف میشود وان وجه رواعتبار
میکنیم درهفت مرتبه از حروف ظهور دارد وهمچنانکه
درجیم وسین وشین وعین وغین ومیم ویکی دجود دار
هفده باشد زیراکه اورده است وباهفت حرف همراه
اوست که دلالت برهفده محکمات کند چنانکه الر
کهیعص طس حم ق ن وسه حرف دیگر ازانیها
بزن

میشود که از الف یاقاف یاکاف ووازصادال واز نون
داد وقتیکه خوانیم بطریق امالة که بی منتهی وختم بنفس خود
شود راست اورا دلالتی بر ۲۸ میشود زیراکه درهفده مرتبه
ازحروف ظهور دارد ویکی نفس اوهم چنانکه بی تی ثی
جی حی خی دی ذی سین شین طی ظی عین غین
فی میم هی یی واین حال نیست باهیچ یك ازحروف نبود
لاجرم ختم باشد کومند این بیست هشت حرف را اشکال
وصور آدم بیدار کرد بتعیم حق که عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ
مَا لَمْ یَعْلَمْ ای عَلَّمَ اللّٰهُ الْخَطِّ الْاِنْسَانَ بِالْقَلَمِ یعنی حق تعالی
تعلیم کرد بقلم انسانرا خط ومراد از انسان ادم است بدلیل آیه
هَلْ اَتٰی عَلَی الْاِنْسَانِ حِیْنٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ یَکُنْ شَیْئاً مَذْکُوراً
یعنی بدرستیکه آمد برانسان هنکامی ازدهر که شیٔ مذکور را
نبود بحسب ظاهر مگر درعلم الله واشکال وصور اگرچه بسیار
است اما اصول ان ازسه شکل بیرون نیست مستدیر ومعوج
ومستوی یعنی گرد وکج وراست وهرشکل صوری که درامکان
مقدور است یا مستوی معوج وشکل مدور است که بنگری
بدیده تحقیق معرفت انسان بدین شکل معین مصور است
اکنون الف شکل مستواء ولام شکل اعوجاج ومیم شکل مستدیر

لغت کرد در کلام ابتدالحروف مقطعه کرده اند وافتتاح بالف
ولام ومیم شد تا مع اشکال ثلاثه باشد ودر جمیع خطوات که
هست حروفات ازاین سه شکل بیرون نیست انستکه گاه باشد
که الف درخطی ازخطوت شکل استواند اشته باشد بلکه حروف
دیگر را شکل مستوی داده باشد واین ۲۸ حرفرا هرطایفه از
غیرملل واهل ملل اشکال خاصی مینهند بر مقتضای طبیعت
وارادت خود اما با وجود انکه اشکال مختلفه بحسب طباع مختلفه
واشخاصی بسیار این حروف ۲۸ کانه را پیدا میکرده ولیکن
ازاین سه شکل بیرون نیست واشکال ذاتی حروف الیست که
بهیچ وجه تغیر بحسب ازمنه وامکنه واشخاصی نباید وان نیست
الا ان کتابت که حق جلّ وعلی بر وجه آدم مکتوب کردانید که ان
بهیچ وجه ازهیات خاصی که دارد مبدّل نمی شود بلکه این
حروف ازاشکال وصور در حق ذات خود منزه

همچو حق بیصورت از صورت بری بر رخ ادم ازآن صورت کری
غیر مربی هریك در ذات حق فاش کفتم رفت سر پوش طبق

کویند چرا بعد از بیست وهشت حرف لام الف را مینویسند
کوئیم زیرکه حضرت رسالت کفته اند که بعثت بجوامع الکلم
یعنی برانکیخته شدم بکلمات جامعه وکلمات جامعه ۲۸ کلمه

صحت

صحت ومحمّد ص ۳ ۴ متکلم بان چهار حرف عجمی نبود درعوض
ان چهار حرف لام الف را حضرت حق تعالی باو داد تا او
فنیکه مکرّر از لام الف بدره روبم چهار حرف بماند بدین
طریق ل ا م ی کویند که چرا لام ومیم ننهاده یا کلمه
دیکر که سه حرفی باشد کوئیم لام الف حرفی است که دلالت
بر نفی دارد چون در ترکیب بر نفی دارد چون در ترکیب ظاهر
میشود ترکیب وجود لام والف لا امد وبرای نفی اشیاء
تا اثبات این معنی کند که بغیر ازاین کلمات مذکوره که قبل
از لام الف واقع شده اند هیچ شیئ که موجود باشد بوجود
مستقل نیست ودیکر انکه الف که اول حرف وفاتست در
تلفظ سه حرف است که الف ولام وفی باشد خواستند
که حرفی که در اخر هم واقع میشود حرفی باشد که او را عینیتی
وبنتی با حرف اول باشد اکنون لام الف دو حرف است
ظاهر در کتابت حروف تهجی که الف سه حرف است ثلثان
اوست که منعکس شده است ولام الف کشته تا دلالت
کند برانکه اول واخر همه یک حقیقتند که ان الف است
که دلالت بر ذات احدیت دارد وهیچ حرف را ازاین ۲۸
حرف بغیر ازالف باین حال نبود که ثلثان او لام الف شود

یا دلالت بر نفی اشیا باشد گویند که انزل القرآن علی
سبعة احرف چه معنی دارد گوییم که مراد ازین حدیث
انستکه این جمیع حروف بعضی از آن قبیل است که مرکز
و منزل ایشان واقع شده است یکی از آن فیست چنانچه
الف و قاف و کاف را منزل یعنی محل نزول فی شده است
و بعضی را بی همچون بی و تی و ثی و جی و حی و خی و
دی و زی و طی و ظی و هی و یی که منزل ایشان
بی است و بعضی را میم مانند جیم و لام و میم و بعضی را
دال مثل صاد و ضاد و بعضی را لام همچون دال و ذال
و بعضی را نون همچون سین و شین و عین و غین و نون
و بعضی را واو مثل واو و وقتیکه اعتبار ع بیست کنیم در اینها
بعضی الف هم یکی از این جمله است همچون باوتاد الی اخره
اما چون الف منتهی نفی میشود از آن وجه اعتبار رهان هفت
کرده اند گویند که این بیست و هشت حرف را چون است
که بعضی را محکم میگویند در این اصطلاح و بعضی را متشابهات
و محکمات چون است که اصل است نسبت با متشابهات
گوییم که از آن جهت اصل است که متشابه در قیام وجود
محتاج بمحکمات است و محکمات محتاج نیست و هرچه محتاج
الیه

امیست او را فرعیت ثابت است نسبت با آنکه محتاج نیست
مثلاً ا ح د ر س ص ط ع ف ق ک ل م ن و ه ی
این هفده حرف در قیام خود محتاج غیر خود نیستند همچنانکه
الف قایم به فی و فی به بی و بی به بی و حی به لی و دال
به لام و ر به بی و سین به نون و صاد بدال و طی به بی و عین
به نون و فی به فی و قاف به فی و کاف به فی و لام به میم و
میم و نون بنون و واو بواو و هی به بی و بی به بی پس همه
بوجود خود قایمند یعنی حرف محکمات همه بحرف چند قایمند
که اینها هم از محکمات بخلاف متشابهات که قیام ایشان
بی محکمات است مثلاً بی تی ثی به بی قایمست که از محکمات
است و میم بمیم که میم از محکمات است و ثی به بی و ذال بلام
و ز به بی قایمند و شین بنون و ضاد بدال و ظی به بی و
غین بنون که از محکمات اند پس اعراین نکته که متشابهات
را در میکند بوجهی معینی اینست که این حروف متشابه
بغین اخر شد ازین است که در حساب ابجد غین در اخر
ترکیب ابجد است و دلالت بر هزار دارد زیرا که نهایت ندارد
در نهایت عدد هزار است و در مرتبه حروف وقتیکه محکمات
را از متشابهات بیرون میبری و متشابهات را ذکر میکنیم

بر ترتیب تهجی غین از همه اخر است و نهایت حروف است
هم چنین ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ وبك وجه
دیگر احتیاج متشابهات بمحکمات اینست که محکمات بر متشا
بهات مقدم اند که والفضل للمتقدم و محتاج نقطه اند
در تمیز در قران که کلام الله است و مرکبات واقع شده اند
سائل سؤال کند که تو گفتی که یکی از صفات محکمات ان است
که مقدم اند بر متشابهات که والفضل للمقدم پس میگوئی
در جیم و حا و خی که حی از محکمات است و متاخر است از انچه
از متشابهات است که جیم است گوئیم که چون این سه حرف
بحسب اشکال مناسب هم اند پس خواستند که حی از محکمات
است در وسط واقع شود تا سر نکته خیر الامور اوسطها
ظاهر گردد گویند که از این حروف ۲۸ گانه کدام حروف
را جامعیت بیشتر است بحسب مرتبه یعنی الف که دلالت بر ذات
احدیت دارد گوئیم نون را زیراکه از روی عدد پنجاه است
که دلالتی بر پنجاه حرف دارد و نقطه قرانی یعنی ۲۸ حرف را
بیست دو نقطه همراه است پس حرف که دلالت بر جمیع حروف
قرانی دارد و نقاط و حروف بغیر از نون حرفی دیگر نبوده و
دیگر انکه از حروف قران وقتیکه خواسته که ترکیب کنند

دلالت

دلالت بر ایجاد و تکوین اشیا کند و جامع اجزاء حروف تهجی و
انبساط او باشد بغیر از کلمه کن هیچ کلمه دیگر مناسب ندیدند
و این کلمه منتهی بنون است و اقل عدد که او را بوحدت قرب
باشد دواست و این کلمهٔ کن دو حرف است که چون خواهند
که او را دو صورت فردیت اعتبار کنند و هریك حرف که نهایت
اواست قرار دهند ان حرفیست که بحسب مضمون و مفهوم عددی
ادای جمیع حروف و نقاط قرانی کند

گر نه این بودی ز حرف کاف ان	این همه نقش از کی اید برون
بلکه از یک حرف او اید همین	معنی تو سین واو و نی ببین

گویند که چرا حرفی که جامعیت دارد بحسب مراتب سین نباشد
که دلالت بر ۲۸ و ۲۸ دارد گوئیم دلالت بر دارد و هجده
دیگر که میماند مرتبه عالم است بوجهی زیراکه از پنجاه وقتیکه
برای مرتبه اسما ذات و کلیات صفات که عین ذات است
بدر میرویم هجده که مرتبه عالم است میماند که هجده هزار
عالم بوجهی اعتبار از این است از این جهت که عالم ماسوی
الله را میگویند و این هجده که ماسوی الله که مرتبه ذات
اشیا است و عین ذات حق است میماند اگر گویند که هریك
از این هجده هزار چون میشود جواب گوئیم که چون در مرتبه

ذات هر شئ که هست عین ذاتست که اگر نباشد کثرت در ذات
لازم اید یعنی ذات محل کثرات گردد ذات حق منتهی همه اشیاست
بحکم وَاَنَّ اِلیٰ رَبِّکَ المُنتَهیٰ و هزار منتهای مراتب عدد است
پس هر یکرا دران مرتبه حکم هزار گرفته اند وصفت منتهائی پیدا
کرده اند والسّلام اگر گویند که چرا حرف و نقطه از چهار بیش
نیست اند سین و شین جواب گوئیم که از جهت آنکه این حروف
تهجی چون در ذات خود وحدتی و فردانیتی دارند و اعداد را
مراتب است یکی احاد و عشرات و مات و الوف و مرتبه احاد
از یکی تانه است پس خواستند که وقتیکه حروف تهجی در لباس
اجزا و نقاط ظهور کند از مرتبه احاد تجاوز نکند و در عدد
کامل ظاهر شود اکنون حروف بحسب تلفظ از دو و سه در نمی
گذرد پس بی باعتبار حرف و نقطه هفت است که ملزوم
زوج و فرد است و شین از روی حرف و نقطه نه است که
نهایت مرتبه احاد است و چون این حروف مفرده همه در
مصاف باید یکر اتحاد دارند زیرا که همه اشیا اند و مبدء
خیر و شر اند و قهر و لطف پس همه در ذات خود یک کلمه
باشند و فردانیت همه را ثابت باشد و چون کلمه کن را
انبساط خود بحرف و نقطه نه میشود بدین صورت کاف

و نون که شش حرف و سه نقطه باشد تا هم در حقیقت دلالت
بر کلمه کن داشته باشند اگر گویند که در اصطلاح طائفه
حروفیه انستکه میزان همه ارکان شرعی این حروف است و هر
عددی که در لسان صاحب شرع بعین رفته است بر این میزان
راست میاید همچون عددهای نماز پنجگانه که بعضی دو رکعت
و بعضی سه رکعت و بعضی چهار رکعت و از این نمیگذرد از کجا
و بر چه میزان سنجیده گوئیم که نماز وتر که در اصح اقوال یکرکعت
است که اِنَّ اللهَ وِترٌ وَیُحِبُّ الوِترَ در ازای الف است و دو
رکعت در مقابل بی است و سه رکعت در ازای تی است و دو
نقطه او و چهار رکعت در ازای ثی است و سه نقطه او زیرا
که این حروفات با نقطه خود دلالت بر مفهوم خاص میکنند
گویند که نزد طایفه شیعه مقرر است که امام دوازده است بر
این میزان چون راست میاید و چرا باید که بیش کم نباشد
گوئیم که چون سین در مرتبه دوازدهم حرفست ۱۲ امام را
ال پس میخواهند باید که بیش از این نباشد گویند که حضرت
رسالت چون بود نه زن خواست و بیش از این نه در عقد
او نبود گوئیم که حق تعالی اورا سین خواند و جفت سین
شین است و شین بحسب حرف و نقطه نه است و حروف

باعتبار حرف و نقطه زیاده از این نیست گویند که این حروف
حروفاترا هیچ معنای خاصی هست برایشان وضع از برای
ان کرده باشند گوئیم که بیش از این که در ترکیب ابجد ایشانرا
دلالت بر هیچ معنی نیست زیرا که چون هر یك در حد ذات خود
عین حقند و بجمیع صفات کمال که احاطه بر اشیاست و غیر
مقید شدن و مربی بودن است اراسته اند پس اگر چنانچه
ایشانرا دلالتی بر معنی خاص باشد این احاطت و صفاتی
چند که مستلزم کاملیت ایشان است نخواهد بود و دلالت
بر اعداد که میکنند مقرر است که در ترکیب ابجد ظاهر میکردند
هر صفت کز یك بجوئی این بسه
دیگری دارد همان یکتا نظر
اما در اصطلاحات صوفیه امده است که اَلْاَلِفُ يُشَارُ بِهِ
اِلَى الذَّاتِ الاَحَدِيَّةِ اَىْ اَلْحَقُّ مِنْ حَيْثُ هُوَ اَوَّلُ الاَ
شْيَآءِ فِىْ اَزَلِ الاَزَالِ یعنی الف اشارت است بذات
احدیت که حق باشد از ان حیث که از اول اشیاست در ازل
ازال هر چند که این چنین گفته اند اما این سخن ایشان معترض
است از جهت انکه هر چه مشار الیه شود از دو حال خالی نیست
که مراد بان اشارت حسی خواهد بود یا اشارت عقلی اگر
اشارت

اشارت حسی باشد لازم میاید که حق تعالی جسم باشد از این
جهت که تعریف جسم باشد چنین گفته اند که مشار الیه باشارت
حسی باشد باز مبنی که توان گفت که اینجاست یا انجا والسلام
و اگر مراد باشارت اشارت عقلی باشد هم ممنوع است و فساد
لازم میدهد زیرا که هر چه مشار الیه باشارت عقلی شود پس
ناچار است که حکم کند عقل بترکیب او از این جهت که هر چه
محدود میشود البته مرکب است دو معنی لازم اید که حق تعالی
محل کثرت متعدده شود و دیگر انکه اشارت کنند بحقیقت
چیزی مدعای او انستکه ان چیزرا یافته است و تصور کرده
است پس واجب میکرداند او را حدی که ذهن او انجا واقف
شود و قرار گیرد او را تمیز کند از غیرا و هر چه چنین باشد
عقل او را احاطت کرده باشد و حق را جل جلاله هیچ شیئ
محیط نمی شود و دیگر بحسب صوفیه از مرتبه عقل نیست هم
چنانکه رئیس طایفه ایشان یعنی شیخ محی الدین عربی در
فصوص میگوید که وَهٰذَا الّٰتی يَعْرِفُهُ عَقْلٌ بِطَرِيْقِ نَظَرٍ فِكْرِيٍ
بَلْ هٰذَا الفن بِهِ مِنَ الاِدْرَاكِ لَا يَكُوْنُ اِلَّا عَنْ كَشْفٍ اِلٰهِيٍّ
یعنی این علم حقیقت را در نمی یابد عقل بنظر فکری بلکه این
فن از ادراك نمیباشد الا از کشف الهی و در فصوص در

در محل دیگر میگوید که مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ بِهَا مِنْ طَرِیقِ النَّظَرِ الْفِکْرِیْ فَقَدَ اسمهن ذاورم وَنَفَخَ فِیْ غَیْرِ ضَرَمٍ یعنی هر که خواهد که علم بحقیقت نفی وماهیت او از طریق نظر فکری راه عقل باشد حاصل کند پس بدرستیکه خداوند ورم را فربه میشمرد پس میدمد دم در آتش بی فروزینه و در محل دیگر میگوید اَلْحَقُّ مَحْسُوسٌ مَشْهُودٌ عِنْدَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَاَهْلِ الْکَشْفِ وَالْوُجُودِ وَمَا عَدَا هٰذَیْنِ الصِّنْفَیْنِ فَالْحَقُّ عِنْدَهُمْ مَعْقُولٌ وَالْخَلْقُ مَشْهُوْدٌ وَلَکِمْ بِمَنْزِلَةِ الْعَذْبِ الْفُرَاتِ السَّائِغِ لِشَارِبِهٖ یعنی حق محسوس و مشهود است نزدیک مؤمن واهل کشف ووجود انها که بغیر از این دو طایفه اند پس حق نزدیک ایشان معقول است وخلق مشهور است وهم یعنی این دو طایفه که حق نزد ایشان معقول است وخلق مشهود بمنزلت اب شور تلخند وان طایفه که حق نزد ایشان محسوس ومشهود ان بمنزلت اب خوشگوارند نسبت با کسانی که مثل ماندند از اعراض انکه نزد طایفه صوفیه وجود بحکم بر شهود وامور حقه است و حکم عقل را چندان اعتباری نمیکند پس اشارت از این دو بیرون نیست یا عقلیت یا حسی واین هر دو نسبت با حق راست

ثانیا

نمایند پس الالف یشار به الی الذات الاحدیت چون باشد و دیگر مراد از این الف الف مکتوب است یا ملفوظ و هر دو متعلق بعید است وظاهرا روایت و دیگر انکه امیر امیرالمؤمنین علی علیه السّلام فرموده است که مَنْ اَشَارَ اِلَیْهِ فَقَدْ حَدَّهٗ وَمَنْ حَدَّهٗ فَقَدْ عَدَّهٗ یعنی هر که اشاره بحق کرد پس بدرستیکه اورا حدی پیدا کرد و هرکه اورا حدی پیدا کرد بدرستیکه اورا شمار کرد پس نشاید با و اشارت کردن والله اعلم بالصواب المنان

باب دوم در بیان معرفت علوم حروف

بسم الله الرحمن الرحیم

در هر علمی اولاً باید سه چیز تصور کرد اوّل موضوع آن علم دوم دانستن آن علم سیم تعریف آن علم موضوع علم اعداد یکه عدد است تعریف شریف او وشناختن الواح است فائده سؤال نصب وتجنب وتفریق و هکذا اولاً باید دانست طرح ودفق الواحرا که از سه ده تا صد دفق او چیست وطرحش چیست از این شعر معلوم میشود نظم

نصف کن لوح وبک بده تخفیف
ضرب در ضلع وضلع ونیم تضعیف

این چنین وفق او شود ظاهر
در فنون عدد شود ظاهر

ضلع از وفق کر بیندازی
طرح الواح را عیان سازی

معنی توضیح شعر اینست مثلث در مثلث نه خانه است نصفی و چهار نیم میشود یکی از تخفیف به ۵ سه و نیم میشود بعد را ضرب کن در یك ضلع ده نیم میشود یك ضلع و نیم که چهار نیم باشد تضعیف کن میشود پانزده واین وفق مثلث در مثلث هر چه میمنی که ملاحظه میکنی و نقش پانزده است یك ضلع که می اندازی میماند دوازده همان دوازده طرح است از اصل همه واین طرح دو وفق جمیع الواح اصل مثلث در مثلث از هشت قسم بیرون نیست دو آتشی دو بادی دو آبی دو خاکی هر عدد یك در وسط ضلع بالا است آتشی اگر در وسط ضلع طرف راست است بادی است اگر در ضلع طرف چپ است آبی اگر در ضلع پائین است خاکی آتشی از برای تبرع است بادی از برای فتوحات آبی از برای تخریب خاکی از برای تفریق ومثالها اینست چهار قسم میشود نوشت و چهار قسم دیگر عکس اینها میکنند مشخص میشود

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

فائدة رفتار مثلث در مثلث بطهٍ زهجٍ واحٍ است این مثلث کلمه خداوند مثلث در مثلث است واین هشت معتدل است وغیر ازاین هشت قسم است ان ندارد مثلاً میخواهی عدد را باعدد اسمی را در مثلث در مثلث پر کنی قاعده است اینست که اولاً عدد را ملاحظه کن که کسر وارد یا ندارد اگر ندارد دوازده طرح کن وعدد را ثلث کن وهمان ثلث را در خانه اول بنویس ودر خانه دویم یکی زیاد کن تا اخر از وقت هر طرف که ملاحظه میکنی وفق میدهد اگر کسی داشته باشد یا یکی است یا دو تا است اگر یکی است طرجا که عددش ۲۰ است زیاد کن اگر دو است اجهزط که ۲۵ است زیاد کن مثلا رضا عددش هزار یك است ثلث صحیح ندارد کسر دارد دو کسرش هم دو است دوازده طرح میشود از اصل عدد باقی میماند ۹۸۹ لفظ اجهزط زیاد میکنم که ۲۵ عدد است با عدد رضا بعد از طرح میشود ۱۴ ثلث میشود سه عدد ۳۳۸ سی راشت همین ثلث را در خانه اول بنویس ودر خانه دو یکی زیاد کن تا اخر اصل عدد رضا هزار یك بود اجهزط زیاد شد شد هزار بیست شش حالا ۱۰۲۶

از هر طرف اینجا که نگاه میکنی با این عدد یکی باشد مثلا باقر

۳۴۱	۳۴۶	۳۳۹
۳۴۰	۳۴۲	۳۴۴
۳۴۵	۳۳۸	۳۴۳

عددش ۳۰۲ است کاظم ۱۰۹۱ است جمع هر دو ۱۲۶۴ است ملاحظه ثلث صحیح ندارد کسر دارد وکسرش یکی است باید عدد طزجا زیاد شود اصل عدد ۱۲۶۱ طزجا که زیاد میشود ۱۲۸۹ حال ثلث برمیدارد ۱۲ طرح میشود باقی میماند ۱۲۶۹ ثلث او میشود ۴۲۳ همین ثلث را درخانه اوّل بنویس و درخانه دویم یکی زیاد کن تا اخر اما هرگاه ثلث صحیح دارد مثلا عدد ۱۵۲ بگیر ۹۲۶ طرح کن باقی میماند ۹۵ ثلثش میشود ۸۰۲۵ ثلث را درخانه اول بنویس

۴۲۶	۴۲۱	۴۲۴
۴۲۵	۴۲۷	۴۲۹
۴۲۰	۴۲۳	۴۲۸

ودرخانه دویم یکی زیاد کن اخر بهمین تفصیلی که گذشت ودر هر هشت قسم مثلث جدی است خود خوانند اتصالش را پر میکند اصل عدد ۸۵ و هرگاه بخواهی ۵۲ تفریق بکنی میان دو نفر قاعده این است که عدد آن دو نفر را می بیند

۳۳	۳۸	۳۱
۳۲	۳۴	۳۶
۳۷	۳۰	۳۵

چه میشود بعدد ایه شریفه القینا بینهما یوم القیامة همراه اسماء میکند و ۶۲ طرح میکند ومابقی را ثلث میکنند وثلثش در خانه اول بنویسند ودرخانه دویم یکی زیاد میکنند تا اخر

اگر ثلث داشته باشد اگر ثلث نداشته باشد همان قاعده سابق با اجهزط اگر کسر دو است یا طزجا اگر کسر ۱ است مثلاً حسن ۱۱۸ دم ۹۸ نحیعلی عدد ایه شریفه ۳۳۶۳ جمع هرسه اینست ۴۵۵۲ ملاحظه میکنم ثلث ندارد وکسر هم دو است اجهزط زیاد میشود با اصل همه این میشود ۴۵۷۷ طرح ۱۲ باقی ثلث ۱۳۵۵

۱۳۵۸	۱۳۶۳	۱۳۵۶
۱۳۵۷	۱۳۵۹	۱۳۶۱
۱۳۶۲	۱۳۵۵	۱۳۶۰

فائده چیزهای که درمثمر درمثمر ازبرای تفریق بکار میخورد اینست وقتی که خانه اوّل را مینویسد یکدفعه بگوید اطط هیالٍ درخانه دویم دو دفعه بگوید بطط هیالٍ درخانه سیم جطط هیالٍ درخانه چهارم دطط هیالٍ درخانه پنجم هطط هیالٍ درخانه ششم وطط هیال درخانه هفتم زطط هیالٍ درخانه هشتم حطط هیال درخانه نهم ططط هیالٍ اطراف لوح هم بنویسد همین اسما را اگر بسیار مفید است قاعده اعمال درالواح بردو قسم است یا قهریست یا لطفی بعباره اخری یا جلالی جمالی اگر عمل قهری وجلالی است درمثه درمثر که ثلث ندارد وطزجا یا اجهزط باید زیاد شود اگر عمل اط داگر جی است اگر کسر ۱ است عدد

بدوح زیاد کند واکر کسر ۲ است ۵ که در خانه قلب است پهلوی
بدوح بکذارد و زیاد کند چونکه ۵ در جمیع اضلاع سطر در سطر مشا
مشارکت دارد باین مناسبت خوب است قاعده در ذیل
این قاعده باید مثلث دوتا و مثلث بدوح و مثلث ضلع
الکتا بر فهمیده بشود اما مثلث دو پا باید خانه اولش خالی
بماند چه خاکی چه آتشی چه بادی چه آبی فرق نمیکند رفتار
ش اینست حالا میخواهیم اسمی پر کنیم هر اسمی نمیشود
باید اسمی باشد که ثلث صحیح داشته باشد
باسط ۷۲ است و ثلث صحیح وارد باید
دوازده قسمت بشود یکقسمت را در خانه

۳	۸	۱
۲	۴	۶
۷		۵

اول عارضی بکذارد و بقدر همان قسمت بیفزاید در خانه دوم
بکذارد تا آخر حال ۷۲ دوازده شش است شش را در خانه
اول و در خانه دوم شش دیکر علاوه کنی الی آخر مثال اینست
قاعده مثلث دو با وفق ۱ و ۱۲ است
میشود که پانزده باشد مثل اینکه اول
در خانه آ عارضی مینویسی و ۲ را در
خانه دوم و عوض ۴۳ مینویسد یکی زیاد میکنی و در خانه
قلب ۵ مینویسد و در خانه شش ۶ و در خانه ۷ هشت
مینویسی ایضاً یکی زیاد میکنی مثال اما هرکاه بخواهی

۱۸	۴۸	۶
۱۲	۲۴	۳۶
۴۲		۳۵

۴	۱۵	۷
۲	۵	۸
۹		۶

اسمی پر کنی باید ثلث داشته باشد اگر
ثلث ندارد نمیشود باسط که هفت و ۲
است در این جا باید ۱۵ قسمت بشود
۱۵ پنج میشود هفتاد و پنج سه کم میآید در آن جائیکه یکی
علاوه کرده مقابل ۱ یک قسمت باید زیاد شود که در حقیقت
۳ قسمت زیاد شده است و عوض آن یکی که در دفتار زیاد
شد در این دو جا که قسمت زیاد میشود یکی کم میشود باسط ۷۲

۱۶	۴۱	۵
۱۰	۲۴	۳۸
۴۳		۲۹

قاعده مثلث ذو الکتابه آنهم باید ثلث
داشته باشد و عددش هم زیاد نباشد
اول سه اسم در ضلع بالا بنویس و ثلث
او را بگیر در خانه وسط بکذار بعد دو قطر را درست کن بعد
تمام کن مثال

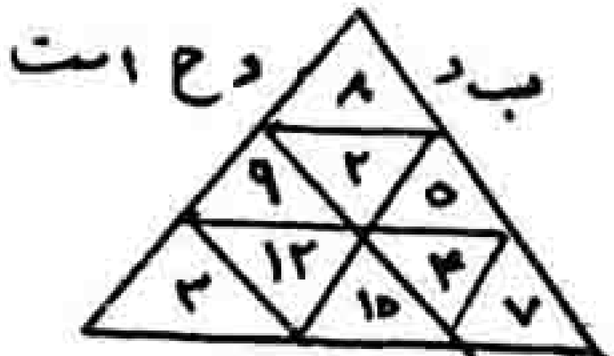
۱۳۵	۱۸	۹۲
فاطمه	حسن	محمد
۷۴	۱۱۵	۱۵۸
۱۲۱	۱۱۲	۹۵

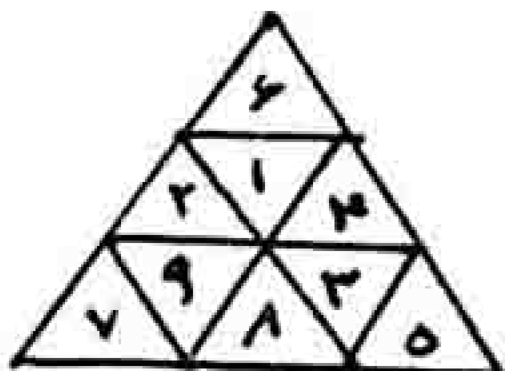
ربع ۲۴۵

ثلث راستی بیش ۵۹۱
که در قلب است و ثلث
طرف چپ میشود ۱۱۵
که در قلب است

الم	عدد	حبیب
۲۸	۵۹	۹۵
۸۳	۴۲	۵۲

ان مثلث بدوح رفتارش اینست خود بدوح است در این مثلث





قاعدة مربع از این شعر معلوم میشود

باطریق جده کن است معیار چهار   در هر ضلعی تو فصل و ششی نگار
پس هر رقمی و فصل را هفده کن   تا در فن اعداد شوی برخوردار
اخر بوجده هشت حرفست معیار چهار   در ۴ است مینویسند در ضلع او را

اگر فصل نوشتند ضلع و کمرا فصل بنویسد و هکذا از بالا به بین و از پایین به بالا و از طرف چپ براست و از طرف راست بجب بسیط و مرکب و مرتب و مشوش بهر قسمی که بنویسد صحیح است بعد همین رقومات که نوشتند مثل است با خانه تبلش هفده عدد بگیرند مثل این معتدل است

غیر معتدل

	۷	۲	
۶			۳
	۴	۵	
۱			۸

قاعدة
لوح چهار بر دو
قسم است معتدل
و غیر معتدل
آنست که هر قطری که ملاحظه میکنی

	۱	۸	
۷			۲
	۶	۳	
۴			۵

از هر دوری یک قسمت بوده باشد و غیر معتدل آن است که از هر دوری دو قسمت بوده باشد و هر دوری ۱۴ است آتش باد و آب و خاک ۴ در ۴ خود چهار است بعبارة اخری لوح معتدل بر دو قسم است معتدل

او

و غیر معتدل معتدل آنست که کسر برمیدارد و غیر معتدل

آتش ۱	باد ۴	آب ۳	خاک ۲
خاک ۳	آب ۲	باد ۱	آتش ۴
باد ۲	آتش ۳	خاک ۴	آب ۱
آب ۴	خاک ۱	آتش ۲	باد ۳

خانه اول دوم ۴ وسیم تا اخر بین ترتیب است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	
۱۵	۴	۵	۱۰

۳

که عدد کسر دارد دو فق نمیدهد

هد قاعدة خانه اول لوح را مفتاح میگویند و اخرش مغلاق با اخر با اخر ابتدا و انتها و توضیح طرح و دو فق ۴ در ۴ اینست که مربع ۱۶ خانه نصف کن هشت میشود یک تخفیف بده باقی بماند هفت هفت را ضرب میکنی در ضلع که چهار است میشود ۲۸ یک ضلع نیم تضعیف میکنی که ۶ است میشود ۳۴ این دفق ۴ در ۴ است طرحش انداختن یک ضلع است که ۱۲ است پس طرح ۴ در ۴ ۳۰ است حالا اگر بخواهی عددی را در ۴ در ۴ بنویسی اول سی و پنج از اصل عدد طرح کن به بین عدد ربع تمام دارد یا ندارد و اگر ربع صحیح دارد در خانه اول بنویس و در خانه دویم یکی زیاد کنی تا اخر اگر عدد کسر دارد ۳ است یا دو است یا ۱ است اخر ۳ است در خانه پنج یکی زیاد کنی

واگر کسر است در ۱۳ یکی زیاد کن

فاضل ۹۱۱ طرح ۱۳۰ باقی ۸۸۱ کسر ۱

قاعده

هرگاه عدد ربع صحیح داشته باشد ۳۵ طرح میکند و ربع را مینویسند درخانه اول و در خانه دویم یکی زیاد میکند تا آخر الوفق هر طرف که ملاحظه وفق میدهد

۲۲۵	۲۲۴	۲۳۵	۲۲۷	
۲۳۱	۲۲۶	۲۲۱		۲۲۳
۲۲۵	۲۲۸	۲۳۶	۲۲۲	
۲۲۵	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۹	

عدد ۲۲۵ طرح ۳۵ باقی ۲۰۰ ربع ۵۰

۵۰	۶۳	۶۰	۵۷	
۶۱	۵۶	۵۱		۶۲
۵۵	۵۸	۶۵	۵۲	
۶۴	۵۳	۵۴	۵۹	

این قاعده پر کردن ۴ در ۴ است آن اقسام ۴ در ۴ از دو هزار بالا تر است این ها نوشته شد بجهة آنکه رفتار شی مشخص شود انشاء الله بعد از این میاید بر سر مطلب

تنبیه

لوح بر چهار قسم است فرد الفرد اول آن است که فرد است و ثلث هم دارد مثل سه در سه و نه در نه و ۵ در ۵ وهکذا دویم فرد مطلق و آن است که فرد است اما ثلث ندارد مثل ۵ در ۵ و ۷ در ۷ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۹ وهکذا سیم زوج الزوج و آن است که نصف دارد و ربع هم دارد مثل ۴ در ۴ و ۸ در ۸ و

و ۱۲ در ۱۲ او ۱۶ او ۲۰ وهکذا چهارم زوج الفرد و آنست که نصف دارد اما ربع ندارد مثل ۱۰ در ۱۰ و ۱۴ در ۱۴ او ۱۸ در ۱۸ وهکذا تا آخر

قاعده

و قاعده در ذیل این قاعده ذکر میشود بجهة کسر که در جمیع الواح است اول آنکه عددی که در لوح می نویسند هرگاه کسر داشته باشد همان کسر را هرچه باشد در اول دور آخر منویسند صحیح است دویم آنکه مثلا کسر در ۴ اگر سه است در اول دور دویم که خانه پنج است یکی زیاد میکنند اگر کسر ۲ باشد در اول دور ۳ که خانه ۹ است یکی زیاد میکنند اگر کسر باشد در اول دور ۴ باشد که خانه سیزدهم است یکی زیاد میکنند ۵ در ۵ کسر ۴ است یا سه است یا ۲ است یا ۱ است اگر ۴ است در اول دور ۲ که خانه ۶ است یکی زیاد میکنند اگر کسر ۳ است در اول دور ۳ یکی زیاد میشود اگر ۲ است در اول دور ۴ که ۱۶ است زیاد میشود اگر کسر است در دور ۵ زیاد میشود او را همچنین است تا صد در صد

قاعده

لوح مربع معتدل بر دو قسم است بسیط و مرکب بسیط که دو قسم است مرتب و مشوش مرتب هم بر دو قسم است منصوب و مغلوب لوح معتدل بسیط مرتب منصوب

قاعده است

اينست كه عدد اورا آتش آبى نويسيد ۲ درآتش ۲۲ در
آتش ۳ ۳ درآتش ۵۴ در باد اول ۶ در باد ۲ ۷ در
باد ۳ ۸ در باد ۴ ۹ درآب ۱۰۱ درآب ۱۱۲ درآب ۲۲
درآب ۴ ۲ درخاك ۱۴، درخاك ۲ ۱۵ درخاك ۳ ۶ در
خاك ۴ مثال لوح بسيط منصوب اينست

اما بسيط مرتب مغلوب آنست كه عدد
آرا درخانه آتش چهارم مينويسند ۲ را
درآتش ۳ درآتش دويم ۴ درآتش
اول ۵ در باد چهارم ۶ در باد سيم ۷
در باد دو ۸ در باد اول ۹ درآب چهارم ۱۰ درآب سيم
۱۱ درآب ۲ درآب اول ۱۳ درخاك چهارم ۱۴ درخاك
سيم ۱۵ درخاك دويم ۱۶ درخاك اول مثال بسيط مرتب
مغلوب اينست قاعدة

۱۴	۱۱	۸	۱
	۵	۱۰	۱۵
۹	۱۶	۳	۶
۷	۲	۱۳	۱۲

۴

۱۵	۱۰	۵	۴
	۸	۱۱	۱۴
۱۲	۱۳	۲	۷
۶	۳	۱۶	۹

۱

اما مشوش هم بر سه قسم است
مشوش دورى آنست كه عدد در
آتش اول بنويسد ۲ درآتش سيم
۳ درآتش دويم ۴ درآتش ۵ در
اباد اول ۶ در باد سيم ۷ در باد دويم ۸ در باد چهارم ۹ در

آب

آب اول ۱۰ درآب سيم ۱۱ درآب دويم ۱۲ درآب چهارم
۱۳ درخاك اول ۱۴ درخاك سيم ۱۵ درخاك دويم ۱۶ در
خاك چهارم مثال بسيط مشوش دورى اينست. دويم

۱۵	۱۰	۸	۱
	۵	۱۱	۱۴
۹	۱۶	۲	۷
۶	۳	۱۳	۱۲

۴

اما بسيط مشوش عنصرى اينست
كه عدد آورا آتش اول بنويس ۲ در
آتش دويم ۳ درآتش سيم ۴ در
آتش چهارم ۵ درآب اول ۶ در
آب دويم ۷ درآب سيم ۸ درآب چهارم ۹ در باد اول
۱۰ در باد دويم ۱۱ در باد سيم ۱۲ در باد چهارم ۱۳ درخاك
اول ۱۴ درخاك دويم ۱۵ درخاك سيم ۱۶ درخاك چهارم
مثال مشوش عنصرى اينست

۱۴	۷	۱۲	۱
۴	۹	۶	۱۵
	۱۶	۳	۱۰
۱۱	۲	۱۳	۸

۵

اما بسيط مشوش دورى وعنصرى
آنست كه عدد اورا آتش اول بنويس
۲ درآتش سيم ۳ درآتش چهارم ۴
درآتش دويم ۵ درآب اول ۶ درآب
سيم ۷ درآب چهارم ۸ درآب دويم ۹ در باد اول ۱۰ در
باد سيم ۱۱ در باد چهارم ۱۲ در باد دويم ۱۳ درخاك اول ۱۴
درخاك سيم ۱۵ درخاك چهارم ۱۶ درخاك دويم مثال مشوش

دوری عنصری اینست

۱		۶	
	۸		۳
	۲		۵
۷		۴	

اما مرکب هم بر دو قسم است مرتب ومشوش مرتب هم بر دو قسم است منصوب ومغلوب مشوش هم بر سه قسم است دوری وعنصری ودوری وعنصری با هم مرکب

مرتب منصوب اینست .

۱			۸
	۷	۲	
۶			۳
	۴	۵	

مرکب مرتب مغلوب

۴	۱۵	۱۰	۵	
۹	۶	۳	۱۶	
۷	۱۲	۱۳		۲
۱۴	۱	۸	۱۱	

قاعدة از جمله اقسام ۴ در ۴ یکی ضلع الکتابه است ذو الکتابه هم میگویند

قاعدة پر کردن ضلع الکتابه این است مثلاً ضلع بالا را چهار اسم می نویسد وعددش را بالا مینویسد اسمی که در خانه اول است در دوراول واقع شده است خانه دومیش یکی زیاد میکنند تا دورش تمام شود خانه دیگر را ملاحظه کند اگر از دور دویم است سه بیشی افتاده است سه عدد از همان اسم کم کند ودر خانه اول دورش بنویسد

ودر خانه

ودر خانه دومیش یکی زیاد کن تا باخر دورش برسد وهمچنین خانه سیم را ملاحظه کن که از اول دورش دو خانه بیشی افتاده است از همان اسم کم کن ودر اول دورش مثال ضلع الکتابه اینست

محمد	حسن	علی	باقر
۱۱۱	۳۰۲	۹۳	۱۵۷
۳۰۱	۱۰۸	۱۶۵	۹۷
۱۵۹	۹۵	۳۰۰	۱۰۹

هرگاه چهار زاویه را از اسم بنویسی همین قاعده که گذشت جاری میشود وباید ملاحظه دورش را کرد اگر از اول دورش بیشی نیفتاده است در خانه دویم یکی زیاد میشود تا اخر دورش اگر بیشی افتاده است به بیند اگر یك خانه بیشی افتاده یکی کم کنند اگر ۲ خانه بیشی افتاده ۲ عدد کم کنند اگر سه خانه بیشی افتاده ۳ کم وعلی هذا القیاس

هرگاه چهار خانه قلب را بنویسی بهمین قاعده است وهمچنین چهار خانه سبب ضلع طرف راست ضلع میان ضلع پائین ضلع طرف چپ همه قاعده اش یکی است بقاعده سابق پر میشود اما ثمره ضلع الکتابه اینست آیات واسماء الحسنی که از برای هر دردی هر مطلبی هست دریك ضلع مینویسد وپر میکنند اولاً بعد لوحی نومی کشند وخانه بخانه بر فتار لوح معتدل بسیط مرتب منصوب می نویسند از برای همه بر

خوب است لوح بسیط سابقاً معلوم لیکن بجهت ایضاح نوشته
شد تا خوب معلوم شود

		٨	١
٤	٥		
		٣	٦
٧	٢		

قاعده از جمله اقسام فی الکتابه
مضمر و مظهر است جبر و جذرش
هم میگویند قاعده اش اینست که اسم
چهار حرفی مطهر از اسماء الله یا آیه
از آیات مجرّا میکنند و در ضلع بالا می نویسند باین طریق

٣	٥	٨	
ن	ا	ز	ر

مثلاً اسماء الله از قبیل رزاق و علام
و ستار و غفار و حاکم و باسط و باری
هر چه از این قبیل باشد قاعده پر کردنش اینست عددی
که در خانه آتش اول است با عددی که در خاک دوم است
دو قسمت مختلف میکنند و در خاک اول و آتش ۲ می نویسند
که محاذی با آن دو حرف که در وسط حرف اول که در
آتش اول است و حرف آخر که در خاک دوم است باشد
و آن دو حرف میانه را که یکی در خانه باد چهارم که خانه
۱۴ است و یکی در خانه آب سیم که خانه است هم دو
قسم است مختلف میکنند یکقسمت را در خانه دهم که باد
سیم است مینویسند و آن را در آب چهارم که خانه ۱۵ باشد

بنویسد

بنویسد که محاذی باشد با اعدادی که در آتش اول و خاک
۲ واقع شده است باین طریق لکن که هشت اینست و خانه
را که قسمت مختلف می کنند قسمت کمتر را محاذی بیشتر بنویسد
و قسمت بیشتر را محاذی کمتر بنویسد بهمین قسم که در این شکل
نوشته شده است بعد از آن که ضلع پائین نوشته شد ملاحظه
کن اگر خانه آتش اول و خانه باد چهارم که خانه ۱۴ است
عدد شان بیشتر از آن دو خانه است که خانه ۱۱ باد ۳ و خانه
۸ است خاک ۱۲ند و خانه کمتر را ثانیاً دو قسمت مختلف بکن
بنویس یکقسمت را در خاک سیم که خانه ۱۲ است و یکقسمت
را در خانه هفتم که آب دوم است یا بالعکس عدد آب سیم
که خانه ۱۱ است و خاک ۲ زیاده است آنها را زیر این دو تا
بنویس باین طریق قلیل بکثیر و کثیر را بقلیل از وقت در ضلع
طرف راست اگر از طرف چپ آمده باشی بواسطه قلت
عدد یا از طرف راست بچپ آمده باشی از دو ضلع خانه
که خالی میماند حساب کن با مجموع عدد هر چه باقیست در
خانه خالی بنویس اینک و ضلع که تمام شد قسط را ملاحظه
کن و در قسط هم یک خانه باقی میماند آن را با مجموع عدد
جمع کن هر چه کسر است در خانه خالی بنویس ثم خانه

دیگر خالی میماند از هر طرف که بخواهی جمع کن هرچه از اصل
عدد کسر میماند در خانه خالی بنویس تا تمام مشود دو سه
شکل در صفحه بنده نوشته میشود بجمعهٔ سهولت و آسانی

۲۰۰	۲ ۷	۱	۱۰۰
ر	زا	ا	ق
۹	۹۲	۱۲۲	۸۵
۹۷	۸۴	۱۰	۱۱۷
۲	۱۲۵	۱۷۵	۶

مجموع عدد رزاق ۳۰۸

۱۰۰۰	۸	۱	۲۰۰
غ	ف	ا	ر
۵۲	۱۴۹	۳۴۸	۶۲۳
۱۹۳	۵۹۷	۸۷	۴۵۲
۳۶	۲۵۵	۷۴۵	۴۵

جمع عدد فتاح

۸۵	۴۰۰	۱	۸
ف	ت	ا	ح
۶	۳	۲۸۳	۹۷
۳۰۸	۵۳	۵۰	۲۸
۴۵	۲۳	۵۵	۳۰۶

مجموع عدد ستار ۶۶۱

س	ت	ا	ر
۱۳۰	۶۶	۱۰۶	۳۵۴
۱۹۱	۸۵	۴۰۹	۸۱
۳۷۵	۱۱۵	۱۴۵	۱۲۶

حاکم چون دو خانه اول عددش کمتر است دو قسمت مختلف
بوده شده است و در دیوان دو که بیشتر است نوشته شده
است باسط و باری و هرچه از این قبیل باشد بهمین
طریق

طریق است از طرف راست بطرف چپ میایند لکن در باسط
و باری و هرچه که دو حرف اولش ۲ باشد عدوه از یاد
میشود و الاوفق نمی دهد این شکل نوشته شد مشخص شود

۸	۱	۲۰	۴۰	
ح	ا	ک	م	
۳۵	۲۵	۶	۳	
۱۴	۱۱	۲۷	۱۷	
۱۲	۳۲	۱۶		۹

۲	۱	۲۰۰	۱۰
ب	ا	ر	ی
		۶	۷
۱۵۶	۸	۴	۴۷

ثمرهٔ جذر و جبر این است از برای هر مهمی از قبل فتح الباب
عقد البول در در شکم و سایر بر حی اسماء الحسنی را ملاحظه کند
هر یك از برای هر مرضی خوب است بنویسد
اول در جائی دیگر بقاعدهٔ جذر بعد
برفتار بسیط منصوب بنویسد و بدهد
که انشاءالله تاثیر خواهد کرد از جمله
اسمائی که بطریق جذر درست نمی شود
یکی دیان است و یکی قابض که ممکن نیست
درست شود اما دیان میشود درست
کرد مثال اینست سراغ ذوالکتابه

۲	۱	۲۰۰	۱۰
ب	ا	ر	ی
		۶	۷
۱۵	۸	۴	۴۱

د	ل	ی	ا	
۱۶	۵	۳۱		۳
۱۹	۷	۲۲	۱۷	
۲۶	۴	۲	۳۴	

که می آید اینست اول همین چهارخانه نوشته شده است نویسی
بعد ۲۲ در ۲۲ زیاد کنی تا دو تمام شود بعد قطرها را
بعد باقی را تا تمام شود از جمله دوالکتابه مشکل عین است

۶۷	۵۷	۱۱۴	اسم
۹۶ محمد	۸۸	۴۵	۷۹
۱۱۵ علی	۵۸	۱۳	۲۳
۳۵	۱	۱۳۲	مومن

۱۲۶

قاعده این مربع اینست که دودو
می نویسند بقاعده اخر بعد
هرعددی که میخواهد میکنند نصف
میکنند بعد از نصف ۸ طرح میکنند
باقی را درخانه دوم می نویسند وبلک
یک زیاد میکنند تا اخر که وفق با ان عدد که گرفته است یکی است
واگر کسر باشد درخانه ۱۳ یکی زیاد میشود مثلاً علی ۱۱۰
نصف ۵۵ طرح ۸/ ۴۷ قاعده از جمله اقسام ۴
در ۴ قاعده رک ورفد است
که از برای تحبب است وبسیار تاثیر
عظیم دارد آمده اند دو لفظ از
اسماء الله که یکی محبب است ویکی
محبوب آورده اند وعدد محب

۸	۴۹	۵۲	۱
۵۱	۲	۷	۵۰
	۵۲	۴۷	۶
۴۸	۵	۴	۵۳

۳

که ۵۰ است ضرب کرده اند درعناصر میشود وعدد صغیرش
پنج است ضرب کرده اند درعناصر میشود این دویست بیست
اسم گذاشتند رک که دویست وبیست است ورک

۱۰

از برای طالب است وعدد محبوب که ۵۸ است ضرب کرده
اند درعناصر شده است ۲۳۲ عدد صغیرش ۱۳ است
۸ وپنج از پنجاه این میشود ۱۳ این عدد صغیرش را هم ضرب
کرده اند درعناصر شده است ۵۲ مجموع میشود ۲۸۴
اسم این عدد را گذاشته اند رفده که دویست هشتاد وچهار
چهار است این رفد از برای مطلوب است این وجه تسمیه
رک ورفد اما قاعده که مشهور است میان اعداد بین
درخصوص تحبب رک ورفد اینست اول عدد طالب با عدد
رک جمع میکنند دید که زوج است یا فرد اگر زوج است
عدد را نصف میکنند بعد از ان که نصف کردند ۴ طرح میکنند
باقی را درخانه اول مینویسند که آتش اول است ودرخانه
دوم همان عدد خانه اول را بعینه مینویسند یکی علاوه میکنند
درخانه سیم میکذا درخانه چهارم هم هکذا لـ اما اول دور د
دوم ۲ عدد علاوه کند ودرخانه دوم وسیم وچهارمش همان
یکی که قاعده بود زیاد کند این هشت خانه که دو دو را دلت
طالب ورک می نویسند وهر خانه باید عددش وفق بدهد
با عدد کلی که نصف نشده بود بعد دو مطلوب را با رفد جمع
میکنند انهم زوج است یا فرد اگر زوج است نصف میکنند

بعد از نصف ۴ طرح میکنند باقیرا بعد از طرح مینویسند
در اول دور رسیم که خانه نهم است ودر خانه دویمش یکی زیاد
میکنند بقاعده سابق ها اول دور ۴ ۲۲ زیاد میکنند ودر
خانه بعدش همان یکی زیاد میشود وصورت طالب ورک
ومطلوب ورفد بهمین طریق است که نوشته شده است
درصورت که عدد زوج باشد

لطیف	رفد	مطلوب	طالب
۳۶۵	۲۸۲	نقی ۱۶۰	تقی زک ۵۱۰ ۲۲۰
طرح ۴ باقی ۳۶		جمع ۴۴۴	جمع ۷۳۰
		نصف ۲۲۲ طرح ۴ باقی ۲۱۸	

شکل اول هشت خانه طالب ورک است

۳۶۹			۳۶۱
	۳۶۲	۳۶۸	
۳۶۳			۳۰۷
	۳۶۶	۳۶۴	

وشکل هشت خانه مطلوب ورفد است
هرضلع باید باعدد طالب ورک
ومطلوب ورفد دفق یکی باشد
طرف قطر
هم اما هرگاه

	۲۲۵	۲۲۴	
۲۳۲			۲۲۱
	۲۲۶	۲۱۸	
۲۱۹			۲۷۵

عدد فرد باشد بهمان قاعده است
مگر در حرف فرق میکند یکی انکه در فرد

۳ در انجا ۴ و دیگر انکه در فرد باوجود کسر در ۱۳ با غیر
هیچ بر زیاد نمیکنند همان یکی که خانه نجانه زیاد میشود همانست
است وپس ودیگر مثل دد دور دویمش چیزی زدر نمیشود
مثال فرد رک ورفد اینست واین هم هر دوخانه باید با
اصل عددش یکی باشد

رفد	مطلوب	رک	طالب
۲۸۲	احمد ۵۳	۲۷۵	جعفر ۳۵۳
	جمع ۳۳۷		جمع ۵۷۳
	نصف ۱۶۸		نصف ۲۸۶
	کسر ۱		کسر ۱
	طرح ۳		طرح ۳
	باقی ۱۶۵		باقی ۲۸۳

در این قاعده عدد
آیه فجعلناهم جمیعا
با طالب بگیرند خوب
است باعدد ایه شریفه
سیجعل لهم الرحمن
ودا باعدد لفظ جامع
که از این ءایه است و
ومطلوب چیزی ندارد
لکن عدد حنان خوب است
با مطلوب

اما قوا عده
که در رک دو
رفد است کنند
اند این هاست

	۱۶۷	۱۷۵	
۱۶۹			۱۶۸
	۱۷۲	۱۶۵	
۱۶۶			۱۷۱

۲۹			۲۸۲
	۲۸۴	۲۸۹	
۲۸۵			۲۸۸
	۲۸۷	۲۸۶	

که در این ذیل نوشته میشود قسم اوّل اولا عدد طالب را ضرب میکنند در دودو و حاصل ضربش را میگیرند بعد مطلوب را ضرب میکنند در لطیف و حاصل ضربش را میگیرند عدد آیه شریفه وَهُوَ الَّذِی اَنشاَکُم مِن نَفسٍ وَاحِدَة را هم میگیرند و هر سه را باهم جمع کنند رفد رک را ضرب در ۱۹ کنند و رفد را ضرب در ۱۵ کنند و حاصل ضرب رک و رفد را زیر جمع کل بنویسد بعد همان حاصل ضرب رک رفد را از جمع کل کم کنند یا دارد یا ندارد اگر کسر دارد یا ۱۳ است یا ۲ یا اگر ۳ است درخانه پنج و اگر ۲ است درخانه ۱۵ اگر یک است درخانه ۱۲ اگر کسر ندارد چیزی زیاد نمیکنند خلاصه ربع یا عدد ثلث میگیرند و درخانه آتش ا نویسند بعینه همین عددی که در آتش اول است ثانیا در باد اول مینویسند با عدد رک همین عدد را بعینه درخانه آب و خاک مینویسند با عدد رفد تا آخر بهمین تفصیل آتش با رک و آب ارخاک را با رفد مثل حسن طالب ضرب در دودو و حسین مطلوب ضرب در لطیف مطلوب حسین ۱۲۸

۱	۱	۲	۸
۲	۲	۴	۱ ۶
۹	۹	۱ ۸	۷ ۲

حاصل ضرب حسین در لطیف
۱ ۶ ۵ ۱ ۲

رک
۲ ۲ ۵

۱	۲	۲	۵
۹	۱ ۸	۱ ۸	۰

رفد
۲۱۸

طالب حسن
۱ ۱ ۸

۲	۲	۲	۱ ۶
۵	۶	۵	۱ ۶

حاصل ضرب حسن در دودو
۲۳ ۶۰

	۲	۸	۴
۱	۲	۸	۴
۵	۱	۴	۶ ۰

۴ ۲ ۶ ۵ ۰

جمع دو حاصل ضرب طالب و مطلوب و عدد آیه شریفه
۲ ۳ ۴ ۳ ۲

نصف رک و رفد از کل عدد بالا باقی میماند
۱ ۴ ۹ ۹ ۲

ربع
۳ ۷ ۴ ۸

عدد رک
۲ ۲ ۵

عدد رفد
۲ ۱ ۸ ۴

قاعده خط کشیدن بهمین طریق است

۲ ربع ۱

این اشکال در صورتی است که عدد کسر نداشته باشد بهمین قاعده مشخص میشود هشت خانه که آتش و باد باشد از رک است و هشت خانه دیگر که آب و خاک باشد از رفد است هر ضلعی با قطری باید و فق میدهد با جمع کل که حاصل ضرب طالب و مطلوب و آیه شریفه و این قاعده رک را در ۱۹ ضرب کردیم و رفد را در ۱۵

در باب موکلان طلب کسی از برای طلسمات را باید که خانه ۴ تا حیرانزا حساب کند و بر سرائیل فرود آورد را مثلا ۱۲ باشد و از باقی خانه‌ها اسم جنی بیرون اورند و بر سر جن بوش فرود اطیوش والله اعلم

۳۹۶۸	۷۲۱۲	۶۴۸۰	۵۷۶۴
۶۷۷۲	۵۴۸۰	۴۱۸۸	۶۹۹۲
۵۱۹۶	۵۹۸۴	۷۷۸۰	۴۴۷۲
۷۴۹۶	۴۷۵۶	۴۹۷۶	۶۲۰۴

قاعده دیگر

مثلا هرگاه رک را در ۱۵ ضرب کنیم و رفد را در ۱۶ ضرب کنیم قاعده اش اینست که حاصل ضرب طالب و مطلوب را با آیهٔ شریفه جمع میکنند و حاصل ضرب رک و رفد را [illegible] میکنند اگر کسر دارد بقاعده کسر اگر ندارد همان ربع را با عدد رک در خانه مینویسند و همان عدد خانه ۱ را با رفد در خانه دوم مینویسند آخر یك خانه از رک و یك دیگر از رفد که آتش و آب از رک میشود و باد و خاك از رفد است صورت شکل که یك خانه ربع را با رک مینویسند و یك خانه همان عدد را که در خانه اوّل است با رفد مینویسند و آتش و آب رک و باد و خاك رفد

طالب

اسکندر ضرب در دودود است

با عدد آیه ۴۵۶۰

حاصل ضرب طالب در دودود ۹۷۰۰

مطلوب حین ضرب در لطیف ۱۲۸

حاصل مطلوب ۱۲ ۱۶۵

جمع

جمع

عدد آیه شریفه حاصل ضرب طالب و مطلوب ۲۷۷۷۲

حاصل دو ضرب رک و رفد ۸۵۰۴

تفصل

رک و رفد از جمع کل است ۱۹۲۶۸

رک ۲۲۵ — حاصل ضرب رک در ۱۸ ۳۹۶۰

رفد ۴۸۱۷

حاصل ضرب رفد در ۱۶ ۴۵۴۴

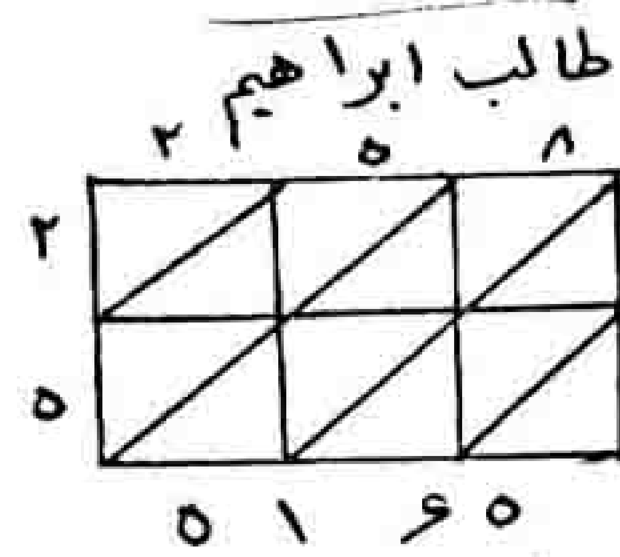
قاعده دیگر در رک و رفد ایضا

طالب را ضرب کند در دودود و رک در آتش بنویسد بعده مطلوب را در لطیف و حاصل ضرب هر دو را جمع کند با عدد آیه شریفه همان عدد در او رفد ها آخر رک و رفد را هم در ۱۷ ضرب کند و حاصل هر دو را بگیرد و کم کند از طالب و مطلوب و آیه و آنوقت ربع کند و اگر کسر دارد بقاعده کسر و اگر ندارد ربع را با عدد رک در خانه اول بنویسد و خانه دوم و سیم را رفد بنویسد و خانه چهارم رک بنویسد باین معنی که آتش و خاك از رک است و باد و آب از رفد تا اشکال بیاید

طالب ابراهیم

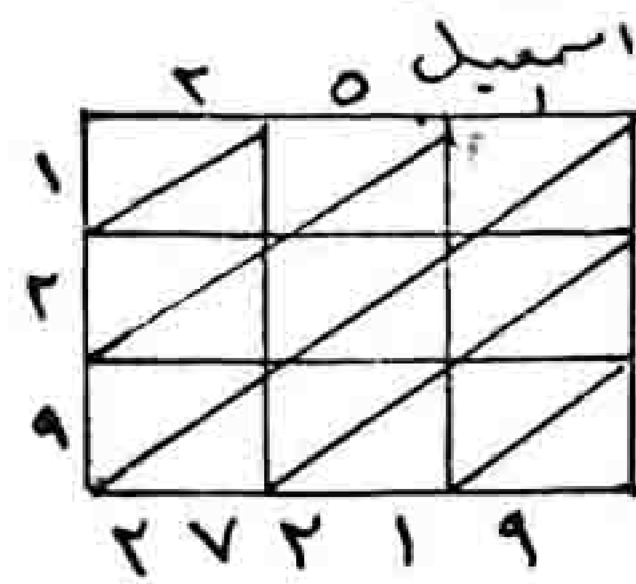
۹۱۰۹	۹۸۹۷	۶۰۲۱	۷۳۱۲
۱۰۳۳۷	۷۵۹۶	۸۸۸۹	
۷۸۸	۱۱۱۲۵	۹۳۲۹	۸۶۰۵
۹۶۱۳	۸۳۲۱	۸۱۰۰	۱۰۹۰۵

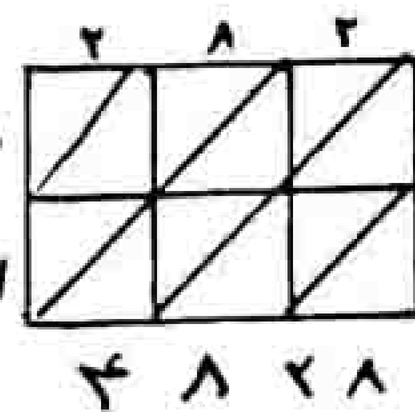
طالب ابراهیم

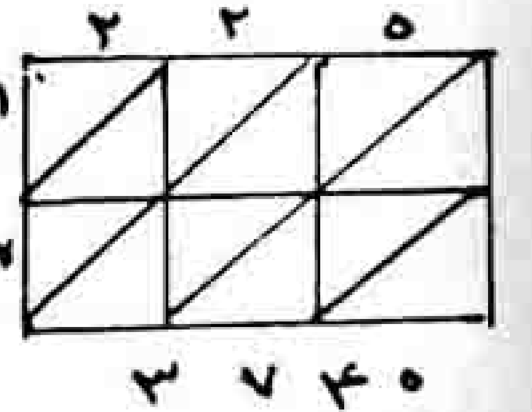


مطلوب

اسمعیل







جمع ۳۶۹۳۹

بعضد ۲۸۳۷۱

عدد ایی ۴۵۶۰

دو حاصل ضرب طالب و مطلوب
دعوه این ربط

ربعه المعص ۷۰۹۲

قاعده دیگر در رك و رند که تضعیف کسری کنند بگیرد عدد طالب و مطلوب را با هر دو زوج یا فرد اگر هر دو زوجند ۸۸ طرح است و در همه خانها کذلك ۲۲ زیاد می کنند مگر دورا دور دویم ۴۴ زیاد میکنند و در آدور چهارم ایضاً کذلك و ما بقی خانها ۲۲ و اگر هر دو فرد باشند طرح ۶۶ است و در آدور دویم و دور چهارم زیاد میشود و سایر خانها ۲۲ هشت خانه تضعیف عدد

طالب

طالب را با رك بنویسی و هشت خانه اخر را بتضعیف مطلوب بارند هرگاه طالب فرد باشد و مطلوب زوج طرح طالب ۶۶ است و در مطلوب ۸۸ در اول دور دویم ازیاد میشود و در اوادر دور چهارم ۴۴ زیاده میشود تا العکس فهو العکس مثال طالب فرد و مطلوب زوج

۲۰۳	۲۵۳	۴۴	۶۹
۴۱۹	۹۰۱	۱۸۰	۲۷۵
	۲۸۵	۳۰۹	۱۵۸
۲۳۱	۱۳۶	۱۲۵	۴۶۳

۱۱۳

مطلوب نو ۵۱۰ — طالب ابوطالب ۵۱

رك ۲۲۰ — رند ۲۸۴ — جمع ۷۹۴ رك

جمع ۲۷۱ — نصف ۳۹۷

نصف ۱۳۵ — طرح ۸۸

کسر ۱ — ب ۲ ب

طرح ۶۶ — ۳۰۹ رند ۳۷۲

ب ۶۶

وفق هر ضلع با قطراین است

دو در دورا که طالب و رك است عدد در ۱۰۶۵

خانه را که جمع میکنی باید و نفتش با کل عدد طالب و رك باشد و هم چنین دو خانه مطلوب و رند باید و نفتش با کل عدد مطلوب و رند باشد و عوض کسر همان یکی که در آدور دویم یا چهارم زیاد میشود هرگاه فرد باشد بهمان قاعده که نوشته شد است با عدد طالب اگر

آیه چیزی بخواهد زیاد کند بکند اما مطلوب ضرور نیست
اگر بخواهد چنان بنویسد

قاعده دیگر در تحبیب که زیاد مؤثر است بنویسد لوحی
و در خانه اعداد عزیز بنویسد و در خانه دویم ۲۲ زیاد کند
و در خانه سیم همان عدد خانه دویم را ۲۲ زیاد کند و در خانه
چهارم همان عدد سیم را ۲۲ زیاد کند و بنویسد و در ادور
دویم عدد آیه شریفه وَاِنَّهُ لِحُبِّ الخَیرِ لَشَدِیدٌ که ۱۲۹۱
است ۶۶ کم کند و بنویسد و در خانه دویمش ۲۲ زیاد
کند بهمان قاعده دور را تا دور تمام شود ادور سیم عدد
طالب با عدد حروف بادی بنویسد و در خانه دویمش
بقاعده دور است تا آخر دور ش ادور چهارم عدد مطلوب را
با عدد حروف آتشی بگیرد و ۶۶ کم کند در خانه سیزدهم
بنویسد در خانه بعدش ۲۲ زیاد کند تا آخر بقاعده دور
احرفی که حضرت صادق ؏ فرمودند حروف آتشی
اهطم فشذ حروف بادی بوسن ضصص حروف ابی
جزکس قثظ حروف خاکی دحلع رخغ ا مرفوع است
دویم منصوب سیم مجرور چهارم مکسور

عدد حروف آتشی	حروف بادی	حروف ابی	حروف خاکی
۱۱۳۵	۱۴۵۸	۱۵۹۰	۱۹۱۲

قاعده در عقد اللسان بنویس
اولاً عقدت اللسان حسین و عدد
ش را در خاک دویم بنویس بعد
عدد مانع که اسم حضرت باری است
زیاد کن در خاک سیم بنویس ایضاً
عدد مانع زیاد کن در خاک چهارم بنویس ایضاً عدد مانع
زیاد کن در خاک اول بنویس این دور تمام شد دور دویم
فی حق حسن را عددش را بگیر در باد دویم بنویس بعد عدد
مانع زیاد کن در باد چهارم بنویس ایضاً عدد مانع زیاد
کن در باد اول بنویس این دور هم تمام شد عدد صُمٌّ بُکمٌ
عُمیٌ فَهُم لا یَتَکَلَّمُونَ ۱۰۲۴ است در آب دویم بنویس
بعد عدد مانع زیاد کن در آب سیم بنویس ایضاً عدد مانع
زیاد کن در چهارم بنویس ایضاً عدد مانع زیاد کن و آب اول
آ بنویس این دور هم تمام شد عدد آیه خَتَمَ اللهُ عَلی قُلُوبِهِم
الی عَذابٌ عَظیم میشود ۵۷۶۶ ضلع پائین را جمع کن
هرچه از این عدد آیه کم است در آتش دویم بنویس بعد
عدد مانع زیاد کن در آتش سیم بنویس ایضاً عدد مانع زیاد
کن در آتش چهارم بنویس ایضاً عدد مانع زیاد کن در آتش

ا بنویس فی حق حسن عقد اللسان حسین ۸۷۴ عدد مانع که زیاد میشود عدد صم بکم تا آخر و عدد ختم الله تا آخر عدد وفق

۱۰۲۴ ۵۷۶۶ ۱۶۱

۳۶۹	۶۴۸	۱۱۸۵		۸۷۴
۱۰۳۵	۱۰۲۴	۷۹۹	۲۹۰۸	
۳۶۶	۲۷۴۷	۱۱۹۶	۱۵۷۷	
۱۳۴۶	۱۳۵۷	۷۵۸۶	۴۷۷	

مربع با عدد آیه شریفه ختم الله الی آخر یکی باشد اما الشرایط وقت نوشتن باید عامل ساکت باشد تا تمام شود وقتی تمام

لوله کنی وقت لوله آیه شریفه صم بکم را با قیام بخواند وآیه ختم الله را هم بخواند واطراف مربع این شکل بنویسد

اجد رسطعکلموه واز خانه خاک دویم بنا شده است بجهة آنکه خاک خانه مرک است وخاکی دلالت بر این میکند در خانه این مربع بسیط بنویس دوراست

قاعده ۵ احضار مثلاً عدد احضار حسین را در آتشی ۲ بنویس وعدد حبیب که ۲ است در خانه دویمش علاوه کن تا دور تمام شود عدد حبیب را عدد را در باد ودویم بنویس حبیب را در خانه دویمش زیاد کن تا دورش تمام شود در آبدور سیم عدد طالب ومطلوب را بنویس که آب ۲ است ودر خانه

۲ است ودر خانه ۲ حبیب زیاده میشود تا دورش تمام شود دور چهارم را از خاک ۲ باید نوشت صح بالا که خاک ۲ در او ست جمع کن به بین هرچه از آن عدد کسر است در خاک دویم بنویس بعد حبیب را زیاد کن در خاک سیم بعد چهارم بعد امثال اینست

احضار حسین دور اول که این است	بادیه دور دویم عبد رجب	آب دویم دور سیم طالب مطلوب
۱۱۳۸	۳۲۹	۵۷۳

حسین رجب عدد دور چهارم که وقت کل مربع است و کسر در ۶۵۹۲ خاک دویم نوشته میشود حبیب ۲۲ که در چهار دور زیاد میشود

قاعده دیگر در احضار بطریق ذوالکتابه ۴ در ۴ می توان نوشت

۱۲۴	۳۷۳	۵۹۵	۴۴۴
	۵۷۳	۲۹۵	۱۳۲
۲۲۹۰	۱۱۶	۳۹۰	۶۳۹
۶۱۷		۱۳۸	۳۵۱

بخورات بجمعند تحبب مشک عنبر وعود

احضار	عنبر	لعد	محبت

مصطکی حسن لبان صعد کوفی زعفران قابینی کندر بخورات تعزیق مشق بخور مکی مقل ازرق حب مسقوطی در وقت نوشتن باید این هارا بخور کرده

قاعده در تحبب اینست که بسیار خوب است وزیاد تأثیر

دارد ولی سیم طالب را ضرب در دور میکنی وحاصل ضربش را میگیری ومطلو برا ضرب در لطیف وحاصل ضرب طالب و مطلوب وعدد آیه شریفه وَهُوَ الذّی انشاءَکُمْ هر سه را جمع میکنی بعد عزیز را ضرب ودره میکنی ورك را در ۱۹ ورفد را در ۱۵ وحاصل ضرب عزیز ورك ورفد جمع میکنی وازکل عدد طرح میکنی باقی طرح میکنی واگر کسر دارد وبقاعد کسر دفتار میکنی والّا فلا همان ربع را با عدد عزیز ورك در خانه ۱ می نویسی ودر خانه ۲ عزیز را اضافه بمیکنی ودر خانه سیم و ۴ بارفد مینویسی دور آتش دویم عزیز را اضافه بکن ودر باد ۲ همان رك را اضافه کن ودر آب وخاك بارفد تا اخر بهمین قسم است دو خانه آو دویم بارك بنویسد با اضافه عزیز در خانه او در دویم ۲ سیم و ۴ بهمین قسم است که ۱ دورها باید عزیز اضافه شود طرح یقرض بها وخود لوح اینست

طالب بحف ضرب در دور

	٣	٣	١	
	٤ / ٠	٤ / ٠	٤ / ٠	٢
				٠
				٠
	٠	٤	٤	

حاصل ضرب طالب مطلوب وعدد ایه شریفه

	٢	٠	٦	
١	٢		٦	
٢	٤		١ / ٣	
٢	١ / ٨		٥ / ٤	

٧٧٦٥٨

وعدد آیه شریفه ۸۴۸۷۸ عدد اسم شریفه ۴۵۶۰ طرح وجمع عزیز ورك ورفد از کل عدد اسم

عدد عزیز که ضرب در ۱۰ است ۹۴۰ ۸۴۴۰

۹۳۸۰ ورفد در ۱۵

ضرب رك در ۱۹

۷۵۴۹۸ ربع ۱۵۵۷۴

کسر ۲

جمع عزیز ورك ورفد ۹۳۸۰

دفق مربع با حاصل ضرب طالب ومطلوب وعدد ایه یکی است

٢١٠٧٨	٢١٨٩٧	٢٢٧١٥	١٩١٨٨
٢٢٤٩٥	١٩٤٠٨	٢٠٧٩٤	
١٩٦٩٢	٢٢٢٨٣	٢١٣٩٢	٢٠٥١٠
٢١٦١٣	٢٠٢٩٠	١٩٩٧٦	٢٢٩٩٩

٢٢١٨١

لنهلك درقبرستان یهودی دفن کند اگر بشود انجائی که میخوابد یا می نشیند

مصطفی ۲۲۹ مهلك ۹۵

خانض ۱۴۸۱ آیه شریفه رسے الالهی ۲۴۷۰ جمع ۴۲۷۵ ۱۲۴ طرح ۳۰۲۴

ثلث ۴۲۱

تمت بعون الله تعالی

یا ما لیبوسا

١٤٢٢	١٤٢٩	١٤٢٤
١٤٢٧	١٤٢٥	١٤٢٣
١٤٢٦	١٤٢١	

لهلکوا مستغفرا ۶۵ ۱۴۲۸

یا مطسلیحوا

باب سیم در بیان خواص اسماء الحسنی و قواعد ان

کنوز ان اردت ان تسخر شخصاً فانظر الی هذه الا
الاسماء فان اسماً مکنوناً فی تحت حرفاً من الحروف اسم
ذالك الشخص فاجمعها علی ترتیب حروف اسم مثلاً
ان اردت ان تسخر محمد فاجمع یا باری یا مهیمن یا باری
یا مالك سخر لی قلب محمد الی بالمحبة مائة مرة هذه
الاسماء

ا	ب	ج	د	ه
یا الله	یا رحمن	یا رحیم	یا مالك	یا قدوس
و	ز	ح	ط	ی
یا سلام	یا مؤمن	یا مهیمن	یا عزیز	یا جبار
ك	ل	م	ن	س
یا متکبر	یا خالق	یا باری	یا مصور	یا غفار
ع	ف	ص	ق	ر
یا قهار	یا وهاب	یا رزاق	یا رازق	یا علیم

ش	ت	ث	خ	ذ
یا قابض	یا باسط	یا حافظ	یا رافع	یا معز
ض	ظ	غ		
یا مذل	یا بصیر	یا سمیع	اللهم انی اسئلك	

یا باری یا مهیمن یا باری یا مالك سخر قلب محمد
الی بالمحبة

نوع دیگر این عمل بسیار قریب و عجیب است در محبت
سورة فاتحة الکتاب را بر قند بخواند و سوره انا اعطینا
ك الکوثر را بر نبات بخواند و سوره اذا زلزلت را بر شکر
خام و سوره والعادیات را بر انکبین و سوره اخلاص را
بر کز نکبین و سوره والتین را بر خرما و سوره الم نشرح
را بر کشمش بخواند بشرط انکه این حلویات در وزن
مساوی باشند با یکدیگر هر یك سوره بخواند بعد
ازان همه را بهم ممزوج نماید و مخلوط و هر کسی که
قدری ازان بخورد هر کس بعد انکس محب دیوانه

آن شود دبراوادرم نشود اگر ماه رویان عالم بوی عرضه
کنند نخواهد اورا اگر از وی جدا شود دیوانه او شود این
عمل بسیار ازموده است مجرب است

خواص نوع دیگر هرکس هر روز سوره اذا جاء نصر الله را
پنجاه مرتبه بخواند توانگر گردد و کار او نیکو گردد من مجربات

خواص نوع دیگر بجهت قضاء حوائج در شب جمعه ۴ رکعت نماز
بگذارد و بدو سلام و در هر رکعتی یکمرتبه فاتحه و پنج مرتبه
اذا جاء نصر الله را بخواند و چون از نماز فارغ شود
سر بسجده گذارد و صد مرتبه بگوید یا مَن لا یحتاج
اِلی البیانِ والتفسیر دور نباشد که خداوند عالم
حاجت او را روا گرداند مجرب است

خواص نوع دیگر مرویست که هرکه را هر حاجتی باشد صباح
کند روز جمعه را و حال انکه روزه باشد ششصد مرتبه
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله پس بخواهد حاجت
خود را که برآورده است انشاء الله

خواص نوع دیگر منقولست که هرگاه بر کسی گرسنگی غالب
شود دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن بگوید

رب

رَبِّ اَطْعِمنی فَاِنّی جائعٌ حق تعالی در ان ساعت طعام کرامت
کرامت فرماید

خواص ختم سوره مبارکه یس انستکه در مبین اول سوره
والشمس را بخواند و در مبین دوم سوره تبت را بخواند
و در مبین سیم سوره انا اعطینا را بخواند و در مبین
چهارم سوره الرحمن و اذا جاء نصر الله را بخواند و در
مبین پنجم سوره انا انزلنا را بخواند و در مبین ششم سوره
قل هو الله را بخواند و در مبین هفتم سوره قل اعوذ
برب الناس را بخواند هر حاجتی که دارد از خداوند
عالم بخواهد که حاجت آن براورده می شود بعون الله

نوع دیگر منقول است که هرگاه کسی مریضی داشته باشد
و شفاء ان بیمار چهل و یک پول را در دور بیمار بگذارد و هر
یکی را یکمرتبه سوره مبارکه اقرء را بخواند و جمع نماید و در
زیر بالین بیمار بگذارد و صبح قبل از طلوع افتاب او را بر
دارد هر دانه را بیک فقیر بدهد ان بیمار به نیکی شفا یابد

خوا نوع دیگر ختم سوره مبارکه انا فتحنا روز یکشنبه ابتدای
طلوع افتاب شروع باید کرد روز دوشنبه میان نماز
ظهر و عصر سه شنبه محل چاشت چهارشنبه وقت عصر

بخشنبه وقت زوال یعنی نزدیک ظهر جمعه بعد از نماز عصر شنبه
وقت ظهر هر روز پنج نوبت تا شنبه دیگر هر روز آخر ختم یازده
نوبت بخواند که مجموع چهل و یک نوبت می شود بعد از اتمام
ختم چهل نوبت این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ یَا حَبِیبَ الفُقَرَآءِ
یَا اَنِیسَ الغُرَبَاءِ یَا مُعِینَ الضُّعَفَاءِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ یَا
یَا اَنِیسَ المُتَوَحِّشِینَ یَا دَلِیلَ المُتَحَیِّرِینَ یَا غِیَاثَ المُسْتَغِیثِینَ
اَغِثْنِی یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا بَدِیعَ السَّمٰوَاتِ وَالاَرْضِ یَا ذَا
الجَلَالِ وَالاِکْرَامِ اَللّٰهُمَّ یَا فَارِجَ الهَمِّ وَیَا کَاشِفَ الغَمِّ
فَرِّجْ هَمِّی وَاکْشِفْ غَمِّی وَاَهْلِکْ عَدُوِّی وَحَصِّلْ مُرَادِی
بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَیَا اَقْدَرَ القَادِرِینَ و بعد از
ان سر بسجده رفته حاجت خود را طلب نماید

نوع دیگر هر که را همی باشد روز شنبه وقت ظهر یا صد مرتبه
بخواند و اگر برای محبت که صد مرتبه بطعام شیرین بخواند و
بدمد و بمطلوب بخوراند قدرت حق مشاهده کند بسم الله الرحمن الرحیم
اَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ بِاَصْحَابِ الفِیلِ یَا بَدُوحُ اَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی التَّضْلِیلِ
یَا خَالِقُ یَا مِیکَائِیلُ وَاَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا اَبَابِیلَ یَا رَشِیدُ یَا اهرائیل
تَرْمِیهِمْ بِحِجَارَةٍ الرحمن یَا اَموَاکِیلُ مِنْ سِجِّیلٍ یَا کَشْفَائِیلُ
فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَاکُولٍ یَا عَظِیمُ یَا دُودَقْیَائِیلُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

باب الطلسمات باب چهارم در قواعد و فن اعداد
بدانکه میم اعداد الوفق میم شریف است و اهتمام تمام دارد
و آنچه از خواص این حاصل کردیم در این رساله مختصر است اینکه
باید که احتیاط تمام دارد و تا از مقصود باز نماند ان شاء الله
و این کتاب بر شانزده باب نهاده شد اولا باید که ملاحظه
نماید که چگونه بعمل میباید آورد و از نااهل احتراز نماید و
شرح این بسیار است اگر در این شروع نمایم از مقصود باز
میمانم هذه فهرست الابواب

١ در حب ٢ در بغض ٣ در عقد النوم ٤ در عقد
الذکر ٥ در عقد النظر ٦ در عقد الطریق ٧ در
گشایش کارها ٨ در نصرة و فتح ٩ در حب شدید
١٠ در دفع خصمان ١١ در فتح زبان ١٢ در بند زبان
١٣ در آورده کردن خصمان ١٤ در بغض ١٥ در محبت
زنان ١٦ در محبت خلایق

باب در حب
اگر خواهی کسی را عاشق
خود گردانی چنانکه بی آرام باشد بگیر پاره کاغذ پاکیزه و نام
آنکس و مادرش و نام خود و مادر خود را بحساب جمل بزرگ بگیر
و هزار و پنجاه دیگر بروی افزاید و در مربع پرکن چون

بنویسی قدری عود یاکشته بسوزاند و باید که در روز یکشنبه بساعت اول بنویسی بنظر تسدید افتاب با قمر و قدری موم عروسی بگیرد و در این موم گیرد و اگر از بهر زن کند بر بازوی چپ بندد و اگر از جهت مرد باشد بعکس ان تا مراد یابد

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
	۷	۱۷	۱۳

۱۶

نوع دیگر بنویسد در روز ادینه در وقت طلوع افتاب بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ واسم مطلوب و مادر او واسم طالب و مادر او در حساب نموده و سیصد پنجاه دیگر بروی افزاید بدین موجب و موم عروسی و پاره فلفل سیاه بکوبد و با وی جمع کند و در ادیم گیرد و با خود دارد وانکس که او را ببیند بیقرار گردد واینست که نموده را

۸	۱۴	۱۱	۱
	۹	۱۶	۶
۱۵	۴	۵	۵
۱۳	۷	۲	۱۲

۲

نوع دیگر چون افتاب در ثور باشد در روز چهارشنبه وقت طلوع افتاب بنویسد و در خانه بیاویزد تا بادانرا بجنباند و پاره مقل ازرق در زیر وی بسوزاند و بر اسامی ایشان هزار چهارصد عدد دیگر بیفزاید و در خانه نیز نهد اینست

۴	۳	۱۵	۱
	۱۱	۱۶	۸
۹	۷	۶	۱۲
۱۶	۲	۳	۱۳

۵

نوع دیگر بستاند مقل ازرق و فلفل سفید و موم که از عروسی باشد و همه را بکوبد در

روز یکشنبه وقت طلوع افتاب و باید که قبل در برج اسد باشد بنظر تثلیث در وی نگرد و تعویذ سازد و با خود دارد و زنهار که پاک دارد که اسم اعظم است در وقت نوشتن انعدد که گرفته باشد ششصد شصت و چهار عدد براو افزاید اینست

۸	۱۴	۱۱	۱
	۹	۱۶	۶
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۵	۴	۵	۱۵

۳

نوع دیگر شب ۵ شنبه بنویسد بر کاغذ پاک وقت در قوس باشد و تسدیس با عطارد در موم گیرد و بر بازو بندد و در محل نوشتن یکهزار چهل هشت عدد دیگر بر وی افزاید زنهار علال کند اینست مجرب است

۴	۱۵	۱۴	۱
	۶	۷	۱۲
۵	۱۰	۱۱	۸
۱۶	۴	۷	۱۳

۹
۰

نوع دیگر چون افتاب در نوزده درجه حمل باشد اسم طالب و مطلوب را بحساب جمل در عدد آورد و ششصد پنجاه چهار عدد دیگر بر اسم بیفزاید و در نگین انگشتری کند زنهار بجز نگاه دارد اینست

نوع دیگر چون افتاب در ثور باشد روز ۵ شنبه بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بر عدد اسامی چهارصد و دوازده کند با خود دارد که مجرب است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۸	
۱۰	۵	۴	۱۵

۶

بنویسی قدری عود یا کشته بسوزانند و باید که در روز یکشنبه
بساعت اول بنویسی بنظر تسدید افتاب با قمر و قدری موم
عروسی بگیرد و در این موم گیرد و اگر از بهر زن کنند بر بازوی
چپ بندد و اگر از جهت مرد باشد بعکس ان تا مراد یابد

نوع دیگر بنویسد در روز ادینه در وقت
طلوع افتاب بمشک و زعفران و گلاب بر کاغذ
واسم مطلوب و مادر او واسم طالب و مادر

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
	۷	۱۷	۱۳

۱۶

او در حساب نموده و سیصد پنجاه دیگر بروی
افزاید بدین موجب و موم عروسی و پاره فلفل سیاه بکوبد و
با وی جمع کند و در ادیم گیرد و با خود دارد وانکس که او را ببیند
بیقرار گردد واینست که نموده را

۸	۱۴	۱۱	۱
	۹	۱۶	۶
۱۵	۴	۵	۵
۱۳	۷	۲	۱۲

۲

نوع دیگر چون افتاب در ثور باشد در روز
چهارشنبه وقت طلوع افتاب بنویسد و در خانه
بیاویزد تا بادانرا بجنباند و پاره مقل ازرق
در زیر وی بسوزاند و بر اسامی ایشان هزار چهارصد عدد
دیگر بیفزاید و در خانه نیز نهد اینست

۴	۳	۱۵	۱
	۱۱	۱۵	۸
۹	۷	۶	۱۲
۱۶	۲	۳	۱۳

۵

نوع دیگر بستاند مقل ازرق و فلفل سفید
و موم که از عروسی باشد و همه را بکوبید در

روز یکشنبه وقت طلوع افتاب و باید که قمر در برج اسد باشد
بنظر تثلیث در وی نگرد و تعویذ سازد و با خود دارد زنهار که پاک
دارد که اسم اعظم است در وقت نوشتن انعدد که گرفته باشد ششصد
ششصد شصت و چهار عدد بر او افزاید اینست

نوع دیگر شب ه شنبه بنویسد بر
کاغذ پاک وقت در قوس باشد و تسدیس
با عطارد در موم گیرد و بر بازو بندد و در
محل نوشتن یکهزار چهل هشت عدد دیگر بر
وی افزاید زنهار علال کند اینست مجرب است

۸	۱۴	۱۱	۱
	۹	۱۶	۶
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۵	۴	۵	۱۵

۳

نوع دیگر چون افتاب در نوزده درجه حمل
باشد اسم طالب و مطلوب را بحساب جمل در
عدد آورد و ششصد پنجاه چهار عدد دیگر بر
اسم بیفزاید و در نگین انگشتری کند زنهار
بجز نگاه دارد اینست

۴	۱۵	۱۴	۱
	۶	۷	۱۲
۵	۱۰	۱۱	۸
۱۶	۴	۷	۱۳

۹

نوع دیگر چون افتاب در ثور باشد
روز ه شنبه بمشک و زعفران و گلاب بنویسد
و بر عدد اسامی چهارصد و دوازده کند
با خود دارد که مجرب است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۸	
۱۰	۵	۴	۱۵

۶

باب دویم در عقد اللسان اگر کسی دشمنی بسیار داشته باشد یا از کسی ترسد بستاند ورق ازاهو و نام خود و مادر خود در عدد دراورد و چهار صد نوذ شش عدد بروی افزاید در چهار شنبه وقت طلوع افتاب در موم گیرد و در خانه انکس در چاه اندازد که اب ازان خورد یا در اب بشوید و بخورد دشمن دهد که مجرب است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳	۱۶	
۱۱	۸	۵	۱۰

۲

نوع دیگر این حساب کند و چهار صد نوذ هشت دیگر بروی افزاید و بر ورق الطیر نویسد و بر کمر بندد که زبان دشمن بسته گردد مجرب است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
	۱۳	۶	۳
۱۱	۸	۵	۱۰

۷

نوع دیگر بستاند در روز ه شنبه یا روز چهار شنبه یا جمعه یا یکشنبه بساعت عطارد چون قمر در نور باشد باید که مشتری یا زهره با قمر نظر داشته باشد هزار دویست عدد دیگر براسامی افزاید مجرب است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۳	۶	
۱۱	۸	۵	۱۰

۳

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ پاکیزه و دویست نوذ عدد براسامی افزاید و در روز شنبه بنویسد بساعتی که معلوم است در زیر سنگ گران نهد بیقرار گردد

۱۰	۸	۵	۱۱
۱۵	۱	۴	۱۴
	۱۳	۱۶	۲
۹	۱۲	۹	۷

۲

باب سیم در عقد النوم اگر خواهد که خواب کسی را بندد چون افتاب با قمر و عطارد و مشتری بنظر خوب باشد بنویسد بر پوست مشیه در روز ۴ شنبه و نامها را حساب کند و چهار صد و سی پنج عدد دیگر بروی افزاید و در زیر سر انکس نهد مجرب است

	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	۰
۲	۱۲	۱۳	۷

۴

نوع دیگر عقد النوم بستاند پاره کاغذ و نامها را بحساب جمل شمارد نماید و هزار دویست شصت عدد دیگر بروی افزاید و در روز ادینه بساعت عطارد و در ران چپ بندد و بگوید بستم خواب فر ۲ فر را و سخن نگوید که بحسب دلخواه خواب انکس بسته شود

۶	۹	۱۰	۳
۱۲	۷	۲	۱۳
	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰

۱

باب چهارم در عقد الذکر نام طالب و مادر او جمع کرده هزار نهصد و پنجاه هشت عدد دیگر براسامی افزاید و در دو این مربع نام طالب و مطلوب را بنویسد بحق هذه الاسماء الاعظم و چون بنویسد بستاند پاره زه صلاجان بروی بندد و بر جا نگاه که نم داشته باشد در زیر شیشه گران نهد و باید که بحلال نکند تا

۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱	۱۱	۱۴	
۶		۹	۳

۸

زبان کار نشود و اسم اعظم در این است ملتفت باشد در زحمت
گرفتار نشود والله اعلم

۲	۱۶	۱۳	۳
	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۱۴	۴	۱	۱۵

۷

نوع دیگر بستاند پوست اهو در روز
شنبه بساعت عطارد و هم چنان نامها را
حساب کرده و یکهزار و چهل دیگر بروی اسامی
بیفزاید و در بند زیر جامه بندد و این است

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۶	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	
۱۱	۸	۱	۱۴

۷

نوع دیگر بستاند در روز سه شنبه هم
چنان اسامی را حساب کرده بحساب جمل
نه هزار دیگر بروی اسامی بیفزاید و در
زیر سنگ گران نهد که بسته شود و در
چهار دور او بنویسد عقدت ۴ ۲ ۴ علی فرج فلانه بنت فلان
بحق هذه الاسماء العظام اینست

۲	۱۷	۱۲	۷
	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۱۴
۱۱	۸	۱	۱۳

نوع دیگر بستاند سوسمار در روز ۴ شنبه
و در خانه خالی رد دو پانزده مقل ازرق
بسوزاند اسامی چهار خانه را حساب را
حساب کرده بحساب جمل سه هزار دیگر بر این اضافه کند
در استانه خانه انکس که خواهد وقتی بکند که بسته شود مجرب است

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و اسامی
چهار خانه را بحساب جمل حساب کند

۷	۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	
۱۵	۳	۶	۱۶
۱۴	۸	۱	۱۱

۵

سیصد دیگر بر اسامی بیفزاید و در قیر گیرد و در چاه اب
اندازد و چنان کند که انکس از این اب چاه بخورد البته بسته
شود این اینست

۳	۱۶	۱۳	۷
	۹	۱۲	۷
۱۰	۵	۸	۱۱
۱۵	۴	۱	۱۴

۶

نوع دیگر بستاند پاره پوست میش
شب یکشنبه بساعت عطارد و اسامی را
بحساب مذکور حساب کند و چهل هزار و
یازده بر اسامی اضافه کند در قیر یا موم کار نفرموده کرد
و مقل ازرق و فلفل سیاه در این کرد و در اب چاه اندازد که
اب از ان چاه خورند مجرب است اینست

۴	۱۰	۱۵	۵
	۱۳	۱۲	۲
۸	۳	۶	۱۶
۱۴	۸	۱	۱۱

۷

نوع دیگر بستاند پاره پوست گرگ در
شب یکشنبه بنمک و شنجرف و نامها را حساب
کند و هزار سیصد و دو دیگر بر اسامی افزاید
و در پوست بنویسد و در خمیر گیرد و بخورد جانوران دهد
انکس بسته شود این است

۲	۶	۱۳	۳
۱۱	۵	۸	۱۰
	۹	۱۲	۶
۱۴	۴	۱	۱۵

۷

نوع دیگر بستاند در روز سه شنبه
بساعت عطارد بگیرد ورق اهو و اسامی
را حساب کند سیصد و شصت نه دیگر
بیفزاید و عود و حسن لبان و سندروس و مقل ازرق و پاره

عنبر وزه طمان بروی بپچید ودر سنك بند د ودر چاه اب اندازد که هرکز ازاین چاه ب بجز رند مجرب است

باب پنجم در عقد النظر اکرخواهی که نظرکسی رابه بندی که بجز ازوی کسی دیکررا نظر کند اختیار کند روز را و ساعت را نیز اختیار کند ونظر ستاره

	۳	۱۶	۱۳	۲
	۱۰	۵	۸	۱۱
۶		۹	۱۲	۷
	۱۵	۴	۱	۱۴

هفت کونه نکاه دارد واین دو شرایط که کفته شد باید که بجای اورد که چون عامل عمل کند روز و بساعت ونظرها بتثلیث وتسدیس وتربیع ومقابله ومقارنه رانکاه دارد واکر اینها نداند ساعت عطارد یازهره باید باشد باید بستاند پاره کاغذ پاکیزه در روز سه شنبه بنام انکس که خواهد ونام مادراو ونام طالب ومادراو نه هزار ونه دیکر براین بیفزاید دربن پاره نقش کند وپاره موم کار نفرموده بکیرد ودران موم کیرد ودکنا منجلاب حمام دفن کند تاانکس بهر بدیکری نظر نکند ودر دو مربع اسامی چهار کانه بنویسد ودر زنیغار بحرام نکند که عاصی خواهد بود

	۲	۱۳	۱۶	۳
۷		۱۲	۹	۶
	۱۱	۸	۵	۱۰
	۱۴	۱	۴	۵

نوع دیکر بستاند پاره پوست خر در روز ۴ شنبه بساعت عطارد واسامی

چهار کانه رابحساب جمل بکیرد وهزار یکصد نوز دیکر بران بیفزاید ودر مربع نویسد برسر راه انکس یا استانه خانه دفن کند چشم نداشته باشد که اورا ببیند مجرب است

	۴	۱۵	۱۰	۵
۹		۶	۳	۱۶
	۷	۱۲	۱۳	۲
	۱۴	۱	۸	۱۱

نوع دیکر بنویسد برپاره پوست روباه وبیست هزار نهصد پنج دیکر براسامی اضافه کند درکورستان درمیان کوری دفن کند که مجرب است اینست مربع

	۲	۱۳	۶	۳
۷		۱۲	۹	۶
		۸	۵	۱۰
	۱۴	۱	۴	۱۵

نوع دیکر بنویسد برکاغذ درشب یکشنبه ساعت عطارد درشکم ماهی تازه نهد درکورستان دفن کند که مجرب است

وباید که هزار صد دوازده دیکر براو بیفزاید یاعجایب بیند

نوع دیکر بنویسد در روز دوشنبه در میان کوشت نهد ودرآتش حمام اندازد ودر نوشتن ده هزار ده عدد دیکر براو بیفزاید تاعجایب بیند اینست مربع

	۲	۱۳	۱۶	۳
۷		۱۲	۹	۶
	۱۱	۸	۵	۱۰
	۱۴	۱	۴	۱۵

نوع دیکر بنویسد برپوست کرك در روز دوشنبه دویست وچهار عدد دیکر اضافه اصل کند ودر منجلاب حمام پاره

کنه، انکس دفن کند که مجرب است

	۲	۱۳	۱۲	۷
۵		۱۵	۱۰	۴
	۱۱	۶	۳	۹
	۱۶	۱	۸	۱۴

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ در روز سه شنبه
واسامی چهار کانه را بحساب جمل بگیرد بیست
هزار و چهل دیگر نیز بر آن بیفزاید در
شکم سگ ابی نهد در کورستان یهودان دفن کند مجرب است

	۷	۱۲	۱۳	۲
	۹	۶	۳	۱۶
۴		۱۵	۱۰	۵
	۱۴	۱	۸	۱۲

نوع دیگر بنویسد در روز سه شنبه
وسی هزار پانصد چهل دیگر بر اسامی
اضافه کند که بغایت نیک است و مربع
اسمان است که اول نوشته شد اینست

۳		۱۳	۱۶	۲
	۱۰	۸	۵	۱۱
	۶	۱۲	۹	۷
	۱۵	۱	۴	۴

باب ششم در عقد الطریق — باب ۶ عقد الطریق

اگر خواهی کسی را نگاه داری که بسفر نرود
وراه او بسته شود نام انکس ونام مادر
انکس را بحساب جمل بگیرد نظرات کواکب سبعه نگاه دارد و
احتیاط کند حرام نباشد تا مؤثر باشد اول در شناختن روز
هار ساعتها که این کار را شاید روز شنبه ششم و در هر روز
یکشنبه هفتم روز دوشنبه باطل روز سه شنبه اول هفتم روز
چهارشنبه دوازدهم روز پنجشنبه باطل است شب یکشنبه پنجم
شب دوشنبه تا شب جمعه باطل دیگر در دانستن بروجات که

که این کار

که این کار را شایسته باید که قمر در برج ثابت باشد واین هشت
طریق است بستان پوست گفتار در روز شنبه ونامها چهار کانه
حساب کن دویست شصت عدد دیگر بروی بیفزای ودر گو
گورستان یهودان دفن کن که مجرب است بسیار

	۵	۱۶	۹	۶
	۱۶	۵	۴	۱۵
۴		۱۱	۱۴	۱
	۹	۲	۷	۱۰

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ ونامها
چهار کانه را حساب کند در روز یکشنبه و
وچهارصد نود عدد دیگر بروی بیفزاید
ودر زیر سنگ گران نهد که دارد مجرب است

۵	۱۰	۱۱	۸	
۱۶	۳	۳	۱۳	
۴	۱۵	۱۴	۱	
۹	۶		۱۲	۷

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ واسامی
چهار کانه را حساب کن چهارصد پنج عدد
بر او اضافه کن در روز چهارشنبه بنویس
ودر موم بگیر بخورد خرماده ده تا راه انکس
بسته شود این است

۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵
۸	۱۴	۱۱	۱
	۹	۱۶	۶

نوع دیگر بستاند پاره پوست اهو در
درشب یکشنبه ونامها را بحساب جمل در عدد
در او رد و هزار هفتصد
پنجاه دیگر بروی افزاید ودر زیر
خاک پنهان کند مجرب است اینست

۱۰	۴	۵	۱۵	
۱۳	۷	۲	۱۲	
۸	۱۴	۱۱		۱
۳	۹	۱۶	۶	

=

نوع دیگر بستاند پاره پوست اهو ونامها را بحساب کن هشتصد
چهل وچهار دیگر بروی اضافه کن ودر شب یکشنبه برسر راه او
دفن کن که راه ان کس بسته شود مجربست

	۹	۶	۹	۱۲
	۱۶	۳	۷	۱۳
۴		۱۱	۱۴	۱
	۱۵	۵	۱۰	۸

نوع دیگر بستاند پاره پوست اهو ونامها
را بحساب جمل کن وهشتصد چهل چهار دیگر
بر وافزای در شب یکشنبه ونامها را حساب
کن ودر استانه دفن کن که مجرب است

۲		۱۶	۹	۶
	۱۳	۲	۷	۱۲
۴	۸	۱۱	۱۴	۱
	۱۰	۵	۴	۱۵

باب هفتم در فتح الباب وکشایش کارها
اگر کسی دست تنگ شده باشد بنویسد
چنانکه گفته شد اول شرایط بجای اورد
ونظرات کواکب سبعه را بتلیث وتسدیس وتربیع ومقابله
ومقارنه وساعتها نگاهدارد که این کار در ساعت بنویسد اسم
طالب ومطلوب ووالدین بحساب جمل گرفته اما باید که ساعت
روز وشب را خوب داند تا این کار را شاید اول روز شب را
شاید وروز یکشنبه ودوشنبه سیم ودهم شاید روز سه شنبه را
نشاید روز چهارشنبه پنجم ودوازدهم شاید روز پنجشنبه اول د
هشتم را شاید روز جمعه چهارم وپنجم را شاید شب شنبه هفتم
شاید شب یکشنبه را شاید شب دوشنبه اول هشتم را شاید
شب سه شنبه پنجم ودوازدهم را شاید شب چهارشنبه بغایت

بد ست شب پنجشنبه ششم را شاید شب جمعه دهم را شاید دیگر
در دانستن برجها که این کار را شاید حمل بد بود ثور نیك بود
جوزا وسرطان نیك اسد وسنبله بد بود میزان در درجه
اول جدی نیك بود عقرب بد بود قوس نیك بود جدی
ودلو بد بود حوت بغایت نیك بستاند پاره کاغذ ونام طالب
ومطلوب واسم والدین محمود را بحساب جمل بگیرد هزار وپنجاه
بر او بیفزاید روز یکشنبه سیم در ساعت مشتری در آن ساعت
که گفته شد در وقت نوشتن قدری عود وادشه بخور کند
وباخود دارد که گشایش در کارها او پیدا شود باید که مثلث
نیاورد داین ان مربع

	۷	۹	۱۶	۶
	۱۴	۴	۱	۱۵
۲		۱۲	۱۳	۳
	۱۱	۵	۸	۱۰

نوع دیگر بستاند پاره حریری سفید
ونامهای چهار کان را حساب کند هزار یك
دیگر اضافه کند در روز پنجشنبه در مربع
نویسد ودر موم ومصطکی گیرد وبر بازوی راست بندد که
فتح وگشایش در کار او پیدا شود انیست

۶		۹	۱۲	۷
	۱۵	۴	۱	۱۲
	۳	۱۶	۱۳	۲
	۱۰	۵	۸	۱۱

نوع دیگر بستاند پاره ورق اهو در
روز دوشنبه بساعت مشتری ونامها را
حساب کند چهارصد وشصت عدد

دیگر براو افزاید وباعود لادن بخور کند وان مربع را درموم
گیرد که کار نغز بوده باشند با خود دارد اینست مربع

	٢	١٣	١٢	٧
	١١	٨	١	١٣
٥		١٠	١٥	٤
	١۶	٣	٧	٩

نوع دیگر بستاند کاغذ پاك واسامی
چهار کانه بحساب جمل دراورده نهصد
وپنجاه عدد دیگر براو اضافه کند درمربع
نویسد درروز چهارشنبه درموم گیرد وبا مداد درآب اندازد
وازان اب روی خودرا بشوید وخشك نکند که کشایش پدید اید

٥	١٠	١٥	۴	
١١	٨	١	١۴	
٢	١٣	١٢	٧	
	٣	۶	٩	١۶

نوع دیگر بستاند پاره مقل ازرق وپاره
موم کار نغزموده وپاره لادن وبرهریکی
چهل یکبار الحمد بخواند وبسم الله نیز بگوید
وهر سه بار بگوید کشادم کار بسته خودرا
ونامهارا حساب کند شش هزار چهل یك عدد دیگر براو افزاید
درشب شنبه بخور بسوزاند وباخود دارد کشایش درکار او
پیدا شود اینست

	١٠	٥	٨	١١
	١٥	۴	١	١۴
	٣	١۶	١٣	٢
۶		٩	١٢	٧

نوع دیگر بستاند بنویسد برحریر سفید
درشب دوشنبه ونامهارا حساب کند هفت
هزار پنجاه عدد دیگر براو بیفزاید ودرمربع
نقش کند وباخود دارد که خوب است

١١	٥	٨	١٠	
١۴	۴	١	١٥	
٣	١۶	١٣	٢	
	٩	١٢	٧	۶

نوع دیگر بنویسد برکاغذ چهارصد سی
دیگر بران اضافه نماید بعد داسامی
درشب شنبه بعود بخور کند وباخود
دارد که بهمه مراد برسند وبر دشمن ظفر
یابد این است مربع

	١٠	٥	٨	١١
	١٥	۴	١	١۴
	٣	١۶	١٣	٢
۶		٩	١٢	٧

نوع دیگر بنویسد برورق آهو ر
نامهارا حساب کند چهار هزار نود پنج
عدد دیگر براو زیاده کند ودرمربع
بنویسد وباخود دارد ودر محل نوشتن باید که شب چهارشنبه
باشد وبخور بسوزاند مربع مذکور واضح باشد

١١	٥	٨	١٠	
١۴	۴	١	١٥	
٢	١۶	٣	٣	
٧	٩	١٢		٥

نوع دیگر درشب چهارشنبه بنویسد
برحریری سفید وچهل یك نندقی بگیرد
وچهل یکبار سوره قل اعوذ برب الفلق
بخواند وپاره مقل ازرق بستاند
وچهل ویکبار سوره قل هو الله بران بخواند وهمه را بگیرد و
درمحل نوشتن بسوزاند ونوشته را باخود دارد کشایش
بسیار میکند وچون مربع تمام شود دور مربع اسم طالب
ووالده را بنویسد وان اینست

۸

۳

۷	۹	۱۲	۶
۱۳	۱۴	۱	۱۵
۲	۱۶	۱۳	
۱۱	۵	۸	۱۰

باب هشتم در نصرت و فتح ورفتن نزد ملوك اگر خواهی اورا عزیز دارند نام او و نام مادر او و نام خود و نام مادر خود را بحساب جمل دراورد و نظرات پنجگانه را ملاحظه نماید وساعتها که این کار را شاید باید که روز یکشنبه اول و ششم و هشتم روز دوشنبه نشاید. روز سه شنبه دوم و نهم بهتر بود روز چهارشنبه ششم روز پنجشنبه اول و سیم روز جمعه پنجم و هفتم روز شنبه نشاید شب یکشنبه ششم شب دوشنبه سیم و دویم شب سه شنبه هفتم و دوازدهم شب چهارشنبه یازدهم شب پنجشنبه هشتم شب ادینه سیم و پنجم شب شنبه دویم دیگر در دانستن بروج دوازده گانه حمل چه بود ثور نیك بود میزان نیك بود عقرب بد بود قوس جدی دلو بد بود حوت نیك بود دیگر در نظرات پنجگانه تثلیث و تسدیس نیك بود تربیع مقابله مقارنه بد بود که پاره کاغذ پاك بستاند نام خود و مادر خود و مطلوب و مادر مطلوب حساب کند سیصد پنجاه شش دیگر براو بیفزاید و در مربع بکنجاند و در موم گیرد و موم باید که در مجلس بزرگان و پادشاهان گفته باشد و با خود دارد که مجرب است

۲

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	
۱۲	۷	۲	۳

نوع دیگر بنویسد هم چنانکه در پیش ۹۹۶ دیگر براو زیاد کند در روغن بادام اندازد و هفت روز بگذارد و بعد از آن در پیش هر که رود از آن روغن در روی خود مالد انکس اورا دوست دارد واین است

۱

	۱۴	۱۵	۴
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱	۶	۳	۱۶

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ در روز چهارشنبه و نامها را حساب کند و ۵۴۲۱ دیگر براو افزاید و در موم گیرد و هر کسی را که خواهد که ببیند آن نوشته را در آب اندازد و از آن آب روی خود را بشوید و خشك نکند که هر که اورا ببیند دوست دارد

۶

۱	۱۱	۱۴	۸
	۱۶	۹	۳
۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰

نوع دیگر بستاند ورق آهو روز شنبه همچنانکه نامها را حساب کند و هزار و ده عدد دیگر براو زیاد و با خود دارد و بخور بسوزاند مجرب است

۳

۲	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	
۱۵	۴	۵	۱۰

نوع دیگر بستاند پاره حریر سفید و نامها را حساب کند هزار دویست و چهار عدد دیگر براو بیفزاید در روز سه شنبه با خود دارد مجرب است

۸

۱	۱۵	۱۴	۴
	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱۳	۳	۲	۱۶

نوع دیگر بستانند پاره کاغذ و نامهای چهارگانه را حساب کنند و نه هزار و چهار عدد دیگر بر او افزاید در روز آدینه بمشك و زعفران بنویسد و بر بازو راست خود بندند مجرب است

۱	۱۱	۱۴	۸
	۱۶	۹	۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

۶

نوع دیگر بستانند پاره ورق الطیر و نامهای چهارگانه را حساب نماید و هفت هزار و چهل و نه عدد دیگر بر او افزاید در روغن یا سمین اندازد و شب سه شنبه بنویسد و شب در برابر ستاره کان براو بگذارند و روز دیگر برگیرد و هر روز قدری در روی خود مالد در پیش بزرگان کرد و وی عزیز دارند اینست

باب نهم در حب و دوستی اگر خواهد که مردم را محبت خود گرداند باید که مربع را در عمل در آورد و شرایط اختیار کند چنانکه گذرد این اول روزها و ساعتها که این عمل را

۱	۱۴	۱۵	۴
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	
۱۳	۲	۳	۱۶

۹

شاید روز شنبه پنجم و دوازدهم روز یکشنبه دوم و هفتم و نهم روز دوشنبه ششم روز سه شنبه ششم و دهم روز چهارشنبه هفتم روز پنجشنبه چهارم و هشتم روز جمعه یکم و هفتم شب شنبه سیم و هر شب یکشنبه یکم و هفتم شب ۲ شنبه یکم و چهارم و ۵ و ۱۲ شنبه ۵ شنبه ۲ و ۶ و ۹ شب جمعه ۳ و ۱۰ و باید

گیرد

که بروج را نیز بداند که این عمل را شاید حمل بد بود ثور جوزا نیك بود میزان نیك بود عقرب بد بود قوس نیك باشد جدی و دلو بد بود حوت نیك بود دیگر در دانستن نظرهای پنجگانه که کدام این کار را شاید بتثلیث و تسدیس نیك بود و تربیع و مقابله و مقارنه بد بود این شرایط را نگاه دارد و با اعتقاد درست این نسخه راست همه اسامی خدایتعالی بستانند پاره پوست آهو و نامها را حساب کند ۴۵۰ دیگر بر او افزاید در روز سه شنبه این عمل کند نوشته با خود دارد که مجرب است

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و اسامی را حساب نمود و یکهزار و بیست یکعدد دیگر بر او افزاید و در مربع نویسد و در ادیم گیرد و بر بازوی راست بندد

۷	۹	۱۲	۶
	۱۶	۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۱۱	۵	۸	۱۰

۲

نوع دیگر بستانند پاره کاغذ و نامها را حساب کرده هزار چهارصد پنجاه عدد دیگر بر او افزاید در روز سه شنبه و در موم گیرد که در عشرت سوخته باشد و بر نام مداد در گلاب اندازد و بدان روی بشوید انکس اورا ببیند دیوانه شود

نوع دیگر بستانند پاره کاغذ و نامها را حساب کند هزار چهارصد و پنجاه عدد دیگر بر او افزاید در روز سه شنبه

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	۱۶

۱۴

در موم گیرد که در عشرت سوخته باشد و هر بامداد در گلاب اندازد و بدان روی بشوید آنکس که اورا ببیند دیوانه شود

نوع دیگر بستاند پاره حریر سفید بنویسد و در بازو ببندد بعد از آن که نامها را حساب نموده باشد پنجهزار چهارصد و پنجاه شش عدد دیگر براو افزاید در روز چهارشنبه این عمل کند هرکس اورا ببیند دیوانه شود

۱۶	۳	۶	۹
	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

۲

نوع دیگر بنویسد بر پاره کاغذ و در روغن یاسمین اندازد و دو روز بگذارد و بعد از آن بردارد هرکه انرا در روی مالد هرکس که اورا ببیند عاشق شود که نامها را حساب کند نهصد سی و پنج عدد دیگر براو افزاید در روز پنجشنبه بنویسد که بسیار مجرب است اینست

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۴	۱۲	۲
۱۴	۸	۱	۱۱
	۳	۶	۱۶

۹

نوع دیگر بنویسد در ورق آهو در روز جمعه و نامها را حساب نموده هزار و ند عدد دیگر براو افزاید و در روغن بادام اندازد و هفت روز بگذارد و بعد از آن در روی خود مالد هرکس اورا ببیند دوست او شود و مربع اینست

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
۱۴	۸	۱	۱۱
	۳	۶	۱۶

۹

۱۱	۵	۸	۱۰
۲	۲	۱۳	۳
	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶

۱۴

نوع دیگر بنویسد بر پاره کاغذ و در

روغن یاسمین اندازد و سه روز بگذارد و بعد از آن برگیرد و بر روی خود مالد باید که نامها را حساب کند هفتصد سی و پنج عدد دیگر براو افزاید در روز پنجشنبه این عمل بجای آورد و مربع اینست

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۵	
۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	۱۵

۵

نوع دیگر در شب شنبه بعد از حساب نامها را شش هزار چهل شش عدد دیگر براو افزاید و در روغن زیت اندازد و تا سحر باشد و در روی خود مالد هر کس اورا ببیند دوست او گردد

۶	۹	۱۲	۷
	۱۶	۱۳	۲
۱۵	۴	۱	۱۴
۱۰	۵	۸	۱۱

۳

نوع دیگر بنویسد بر پاره حریر سفید و اسامی را حساب کند و بیست و دو هزار و نهصد و شش عدد دیگر براو افزاید و پاره موم سفید کار نفرموده بستاند و مقل ازرق و فلفل و هر سه را بکوبد و بخور کند و مربع را درمیان ادویه نهاده در ادیم گیرد و بر بازو بندد هرکس که اورا ببیند دوست او شود و مربع اینست ۱۰

۱۰	۵	۸	۱۱
	۱۶	۱۳	۲
۱۵		۱	۱۴
۶	۹	۱۲	۷

۳

۱۰ باب دهم در بیان دفع خصمان

باب ۱۰ دفع خصمان

اول روزها و ساعتها را بداند که این کار را شاید روز شنبه چهارم و یازدهم

روز یکشنبه پنجم وهفتم ویازدهم روز دوشنبه پنجم ودوازدهم روز سه شنبه وروز ۴ شنبه ۳ و ۱۰ روز ۵ شنبه وجمعه بد بود شب شنبه ششم دمیم شب یکشنبه ششم شب دوشنبه وسه شنبه بد بود شب چهارشنبه اول وهفتم شب پنجم ودوازدهم شب جمعه پنجم وششم نیك بود دیگر در دانستن برج حمل نیك نیك است بود ثور جوزا بد بود سرطان نیك بود اسد و سنبله بد بود میزان میانه عقرب بی نیك قوس نیك بود جدی بد بود دلو نیك بود حوت بد بود دیگر در دانستن نظرات پنجگانه تثلیث تسدیس بد بود تربیع مقابله مقا مقارنه نیك بود بستاند پاره پوست شیر ونامهای چهارکانه را حساب کند که هزار یکعدد براو افزاید در روز شنبه چون اسعور کبك بنویسد ودر ویرانه که اعجا ادب خانه باشد دفن کند وبگوید که این بعشق ۴ ۲ ۴ انا لله وانا الیه راجعون انکس بعد از سه روز هلاك شود زنهار بناحق نکند که مبتلا میشود که ضامن او در گردن باشد اینست مربع

۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۵	۱۶	۳
	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸

۱۲

نوع دیگر بستاند پاره پوست پلنك وبریك روی او نامها را حساب کند دوهزار صد وپنجاه چهار عدد دیگر

براو افزاید ودر روز یکشنبه بنویسد ودر سوراخ خانه انکس دفن کند ایضاً دیگر بنویسد بر پاره پوست پلنك ونامها را حساب کند شش هزار عدد براو افزاید وچون ادمی بنویسد ودر کرباس گیرد که از کفن مرده مانده باشد در گور دفن کند اینست مربع

۱۲	۲	۷	۱۳
	۵	۴	۳
۶	۱۶	۹	۱۰
۱	۱۱	۱۴	۸

۱۵

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ ونامها را حساب کند ودر روز چهارشنبه بنویسد ودو هزار صد وچهارده عدد دیگر براو افزاید ودر گلخن حمام دفن کند بچون ادم بنویسد ایضاً دیگر بستاند پاره کاغذ ونامها را حساب کند نه هزار پنج عدد دیگر براو افزاید وبر کرباس پاره گیرد که از کفن مانده باشد وبستاند پاره قبر وازوی صورت سازد ونوشته را برمیان ان صورت نهد تابوتی سازد وصورت را در تابوت نهد ودر گورستان دفن کند وباید که در شب سه شنبه نویسد مربع اینست ۱۱

۱۱	۸	۱	۱۴
	۱۳	۱۲	۷
۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

۱۱

باب یازدهم دربیان کشادن مردان برزنان اگر مردی را بسته باشند وخواهد که بگشاید نام انکس ومادر انکس که

که بروی بسته اند ویکی ازاین مربع همچنانکه برو نهند اول
دردانستن روزها وساعتها که این کاررا شاید روز سه شنبه
دویم ونهم روز یکشنبه ودوم روز سه شنبه اول وهشتم وسیم
ودهم روز سه شنبه اول وهفتم روز ۴ شنبه بد بود روز
۵ شنبه ۱ و ۳ و ۸ و ۱۰ روز جمعه هفتم شب شنبه ۷ شب
یکشنبه بد بود شب دوشنبه اول وهشتم شب سه شنبه بد
بود شب ۴ چهارشنبه وشب پنجشنبه ششم شب جمعه سیم
ودهم دیگر دردانستن برجها حمل بد بود ثور میانه جوزا
نیك سرطان بد اسد سنبله میانه میزان بد عقرب
نیك قوس وجدی ودلو بد حوت نیك دیگر دردانستن
نظرات پنجگانه تثلیث وتسدیس نیك بود تربیع و مقابله
ومقارنه بد بود اول بستانند پاره پوست اهو نام انکس
ونام انکه بروی بسته اند با نام والده حساب کند ششصد
وچهل عدد دیگر براو افزاید ودر روز دوشنبه در بازوی
راست بندد که مجرب است مربع اینست

۱۴	۱	۴	۱۵
	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
۲	۱۳	۱۶	۳

۴

نوع دیگر بستانند پوست اهو ونامهارا
حساب کند پنج هزار پنجاه عدد دیگر براو
افزاید بمشك وزعفران بنویسد باخود
دا

دارد این است مربع

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
	۷	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

۹

نوع دیگر بستانند پاره کاغذ در روز
سه شنبه ونامها را حساب کند ودوازده
هزار عدد براو افزاید بمشك وزعفران در روز پنجشنبه و
بگلاب بشوید وبخورد مجرب است این است مربع

نوع دیگر بستانند پوست اهو ونامهارا
حساب کند پنجهزار پنجاه عدد دیگر براو
افزاید بمشك وزعفران بنویسد باخود
دارد این است مربع

۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
	۱۲	۱۳	۲

۷

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ زرد در
روز پنجشنبه بمشك وزعفران ونامهارا
حساب کند و نوزده هزار دیگر براو
افزاید و بربازوی چپ بندد که بغایت مجرب است

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

۹

نوع دیگر بستانند پاره ورق اهو
ونامهارا حساب کند در روز جمعه
نه هزار وپنجاه عدد دیگر براو افزاید
ودر موم گیرد ودر آب اندازد و هر
بامداد روی خود را بان اب بشوید بعد از سه روز کشاد کردد

۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱
	۱۲	۹	۷
۳	۱۳	۱۶	۳

۱۶

۱۴	۱	۴	۷
۱۱	۸	۵	۲
۷	۱۲	۱۵	
۴	۱۳	۱۶	۳

۴

نوع دیگر بنویسد نامها را حساب کند وسه هزار ودویست عدد براو افزاید و در کاغذ نوشتن درشب سه شنبه وبا خود دارد که مجرب است اینست مربع

۱۱	۱	۸	۱۴
۱۶	۶	۳	۹
۲	۱۲	۱۳	۷
	۱۵	۱۰	۴

۵

نوع دیگر بستاند پاره حریر سفید ونامها را حساب کند وچهارصد ودوازده عدد دیگر براو افزاید درشب دوشنبه بنویسد ودر موم گیرد بربازوی راست بندد مجرب

۱۱	۱	۸	۱۴
۱۶	۶	۳	۹
۷	۱۲	۱۳	
۵	۱۵	۱۰	۴

۷

نوع دیگر بستاند پاره حریر سفید ونامها را حساب کند درشب پنجشنبه دوازده هزار هفتصد پنجاه یك براو افزاید ودر کمر کاه خود بندد مجرب است

۱۱	۱	۸	۱۴
	۶	۳	۹
۲	۱۲	۱۳	۷
۵	۱۵	۱۰	۴

۱۶

نوع دیگر بستاند پاره ورق اهو و نامها را حساب کند سی دو هزار شصت پنج دیگر براو افزاید نوشته باخود دارد مجرب است

باب دوازدهم دربند زبان

۱۵	۱	۴	۱۴
۶	۱۲	۹	۷
۸	۵	۱۰	۱۱
۳	۱۳	۱۶	

۲

اول دانستن روزها که این کار را شاید روزشنبه سیم ودهم روز یکشنبه هفتم ودهم

دوشنبه بد بود روز سه شنبه اول روز چهارشنبه پنج روز پنجشنبه وجمعه بد بود شب شنبه ششم شب یکشنبه ودوشنبه بد بود شب سه شنبه ششم شب چهارشنبه اول وسیم شب پنجشنبه ۴ شب جمعه یازدهم دیگر دردانستن برچهار حمل بد بود ثور نیك جوزا بد سرطان نیك اسد بد سنبله نیك میزان بد عقرب میانه قوس بد جدی نیك دلو حوت بد دیگر دردانستن نظرات تثلیث وتسدیس بد تربیع مقابله مقارنه نیك اول بستاند پوست شتر یا روده گوسفند وبهم بلند تا ان خصم کجا پول میکند ازان جایگاه تازه گل بردارد هفت گوله کند ودران پوست اندازد و وسر وی محکم کند بیاویزد ودر روز یکشنبه این عمل کند ونام اورا نام مادر او حساب کند زبانها را از حرام محفوظ باشد مجرب

۹	۷	۶	۱۲
۴	۱۴	۱۵	
۱۶	۲	۳	۱۳
۵	۱۱	۱۰	۸

۱

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ ونامها را حساب کند پنجهزار وشش دیگر براو افزاید ودر موم نقش کند در روز یکشنبه وان کاغذ را زیر سنگ گران گذارد مجرب است

۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱
	۵	۴	۱۵
۳	۱۶	۹	۶

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ ونامها را

حساب کند ودر روز سه شنبه هزار دوازده دیگر براو افزاید
ودر مربع نویسد و در آستانهٔ آنکس یا براه گذر دفن کند

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ نامها ر
وحساب کند یکهزار وچهارصد ده
دیگر براو افزاید پاره کل بگیرد از
آنجا که آنکس بول کند اوکرده باشد
ودر میان این مربع را نهد ودر میان خانه بیاویزد وباید
روز چهارشنبه بنویسد مجرب است

۱۰	۵	۴	۱۵
	۱۱	۱۴	۱
۱۲	۲	۷	۱۳
۳	۴	۹	۶

۸

نوع دیگر در عقد النساء بگیرد پاره
کاغذ ونامهارا حساب کند بیست دو هزار
دوازده عدد دیگر براو افزاید ودر شب
شنبه بنویسد ودر جای که نم داشته باشد دفن کند این است

۳	۹	۱۶	۶
	۱۴	۱۱	۱
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵

۸

نوع دیگر در عقد النساء بنویسد
بر کاغذ ودر پاره جامه آنکس بپیچد و
در چاه اندازد که آب از آن بخورد و
نامها را حساب کند در شب چهارشنبه
ششهزار و بیست و نه عدد زیاده کند

۳	۹	۱۶	۶
	۱۴	۱۱	۱
۱۰	۴	۵	۱۵
۱۳	۷	۲	۱۲

۸

نوع دیگر بستاند پاره کرباس واین
مربع را در آن نویسد ودر محل نوشتن

۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱
۱۶	۳	۲	
۵	۱۰	۱۱	۸

هزار چهل عدد دیگر براو افزاید ودر آب روان اندازد مربع آنست

باب سیزدهم در آواره کردن خصمان ۱۳
از شهر ومقام خود باید که شرایط نگاه
دارد اولاً ملاحظه روزها وشبها وساعات
حتما نماید روز شنبه اول وسیم وهفتم
روز یکشنبه اول ودوم وششم وهفتم روز دوشنبه اول و
دوم وهشتم روز سه شنبه وچهارشنبه وپنجشنبه وجمعه بد بود
شبه شنبه ششم ویازدهم ودوازدهم شب یکشنبه دوم وسیم
شب دوشنبه و سه شنبه بد است شب چهارشنبه اول و
۵/ و ۷/ شب پنجشنبه سیم وچهارم شب جمعه اول ودوم
وهفتم دیگر در دانستن بروج ونظرات قمر که این کار را
شاید حمل نیک بود ثور وجوزا بد بود سرطان واسد
میانه سنبله نیک ومیزان میانه عقرب بد قوس نیک
جدی بد دلو میانه حوت نیک دیگر دانستن نظرات
تثلیث وتسدیس بد تربیع ومقابله ومقارنه نیک روز
شنبه پاره کاغذ بستاند ونامهارا حساب کند هزاردو
بیست بیست عدد دیگر براو افزاید ودر مربع طی نویسد و
مربع را در بال گنجشک بندد وبه بیرون شهر روانه کند

۱۳ باب اوره

۵	۱۰	۱۱	۸
۴	۱۵	۱۴	۱
	۳	۷	۱۲
۹	۶	۷	۱۳

۱۶

۳	۹	۶	۶
۸	۱۴	۱۱	۱
	۴	۵	۱۵
۱۳	۷	۲	۱۲

۱۰

آورده شود این است مربع
نوع دیگر بستاند پاره کاغذ ونامهارا
حساب کند روز یکشنبه هزار وچهل پنج
عدد دیگر براو افزاید ودر میان گوشت
بنهد ودر آب روان اندازد واین است مربع

۱۲	۷	۲	۱۳
	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳

۱

نوع دیگر بستاند نامهارا حساب کند
و هزار وپانصد عدد دیگر براو افزاید و
در کاغذ نویسد ودر گورستان یهو
یهودان دفن کند انکس آورده شود مجرب است مربع اینست

۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
	۹	۱۶	۳

۶

نوع دیگر بستاند نامهارا حساب
کند پنج هزار عدد دیگر براو افزاید
ودر کاغذ نوشته دراستانه خانه وی
پنهان کند انکس آورده شود مربع اینست

۶	۱۶	۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰

۱۲

نوع دیگر بستاند نامهارا حساب کند
وشش هزار عدد براو افزاید درشب
یکشنبه ودر کاغذ نویسد زیر پر گنجشک
بندد ورها کند انکس آورده شود مربع اینست ×
نوع دیگر بستاند پاره کاغذ یا کرباس که از کفن مانده

بلنز

۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۴	
۱۳	۳	۲	۱۶
۸	۱۰	۱۱	۵

۴

باشد بعزاست ونامهارا حساب کند ودر
کاغذ نویسد ودر کفن گیرد ودر خانه انکس
دفن کند ودر محل نوشتن نامهارا حساب
کند وچهارده زیراهن درمیان کرباس
بنهد این است

۸	۳	۱۱	۵
	۱۵	۱۴	۴
۷	۱۰	۲	۱۶
۱۲	۶	۱۳	۹

۱

نوع دیگر نامهارا حساب میکند هفت
هزار وهفتصد چهل عدد دیگر براو اضافه
کند ودر رهگذر انکس دفن کند وباید
در دوشنبه بنویسد مربع اینست

۶	۱۶	۹	۳
	۱۱	۱۴	۸
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

۱ باب ۱۴ جدا

۱۴ باب چهاردهم دربیان جدائی ما
بین دوکس که بجرام باشد بشرایط
نگهدارد وملاحظه ساعتها وساعت نماید
روز شنبه اول وهشتم روز یکشنبه پنجم ودوازدهم روز
دوشنبه ۲ و ۵ و ۹ و ۱۲ روز سه شنبه اول وچهارم وهشتم
ویازدهم روز ۴ شنبه ۲ و ۳ و ۸ و ۱۰ روز پنجشنبه وجمعه
بد است شب شنبه اول وپنجم وششم وهشتم ودوازدهم
شب یکشنبه ۲ و ۵ و ۹ و ۱۲ شب ۲ شنبه بد بود شب سه
شنبه ۱۳ شب چهارشنبه اول وسیم وششم وهفتم وهشتم
ودهم شب پنجشنبه پنجم وهفتم ودوازدهم شب جمعه ۲ و ۱۴

و ۹ و ۱۱ دیگر در دانستن بروج حمل نیك بود ثور جوزا بد سرطان نیك اسد وسنبله ومیزان بد بود عقرب نیك قوس بد بود جدی دلو حوت نیك بود دیگر در دانستن نظرات تثلیث وتسدیس بد تربیع ومقارنه نیك بستاند پاره کاغذ ونامها را حساب کند یکهزار پنجاه عدد براو افزاید در روز شنبه ودر خانه انکس دفن کند ومربع اینست

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ ونامها را حساب کند در روز یکشنبه هزار دویست دو عدد براو افزاید ودر خانه انکس دفن کند یا در کوزه وی اندازد که ان کوزه اب میخورده باشند مجرب است

۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
	۱۶	۱۳	۳

۲

نوع دیگر بنویسد در روز دوشنبه نامها را حساب کند ودو هزار پنج عدد دیگر براو افزاید ودر کرباسی که از کفن مانده باشد بگیرد ودر گورستان یهودان دفن کند که از جمله مجرب است

۱۱	۸	۱	۱۴
	۱۲	۱۳	۷
۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

۲

نوع دیگر بنویسد بر پاره پوست خر ونامها را حساب کند ودر روز

سه‌شنبه

سه شنبه ششهزار پنجاه شش عدد دیگر براو افزاید ودر جای که نم داشته باشد دفن کند مجرب است

نوع دیگر بستاند پاره کاغذ ونامها را حساب کند در روز چهارشنبه پنجهزار هفتصد نه عدد دیگر براو افزاید ودر استانه خانه پنهان کند

۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۵	۸	۱۱
	۹	۱۳	۷
۳	۱۶	۱۲	۲

۶

نوع دیگر بنویسد ودر میان گوشت نهد در شب دوشنبه دو هزار دویست پنج عدد دیگر براو افزاید در مخلاب حمام اندازد

۱۴	۴	۱	۱۵
۱۱	۵	۸	۱۰
۷	۹	۱۲	۶
	۱۶	۱۳	۳

۲

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ درمیان خمیر نهد ودر اب حمام اندازد ومیباید که نامها را حساب کند وسه هزار عدد دیگر براو افزاید ودر محل نوشتن باید که شنبه باشد مجرب مربع است

۴	۸	۱	۱۱
	۳	۶	۱۶
۷	۱۳	۱۲	۲
۱۴	۱۰	۱۵	۵

۹

نوع دیگر بنویسد بر پوست خرد ونامها را حساب کند وباید که شب شنبه باشد یا شب چهارشنبه یا شب پنجشنبه بیست پنج هزار عدد براو افزاید ودر سرراه خانه انکس

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	۱۶
	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

۴

انکس اندازد مجرب است

نوع دیگر بنویسد بر کاغذی یا بر
پارهٔ پوست و در میانه وشد نهد و در
پاره کرباس که از کفن مانده باشد
و در کورستان دفن کند بعد از سه روز آوره شود

۶

۱۵	۴	۱	۱۴
	۹	۱۲	۷
۱۰	۵	۸	۱۱
۳	۱۶	۱۳	۲

باب پانزدهم در بیان دیدن خوا
خواتین اگر خواهی که او را دوست دارند
اول در دانستن ایام و ساعات روز شنبه
۵ / و ۱۲ / روز یکشنبه اول و دویم و

۸

۱۴	۹	۱	۱۱
۰	۳	۶	۱۶
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

چهارم روز دوشنبه ششم و هشتم و یازدهم روز سه شنبه ۲
و ۳ و ۹ و ۱۰ روز چهارشنبه ششم و هفتم روز پنجشنبه اول
و دویم و ششم و چهارم و هشتم و نهم و یازدهم روز جمعه هفتم
ساعت نکند باقی نیك است شب یکشنبه یکم و هشتم شب
دوشنبه همه ساعت نیك است شب چهارشنبه پنجم و یازدهم
و چهاردهم شب پنجشنبه ۱ و ۲ / و ششم و ۹ / شب جمعه
۲ و ۵ و ۹ شب شنبه ۲ نهم و ۳ دیگم و ۴ و ۷ و یازدهم
دیگر در دانستن بروج حمل بد ثور جوزا نیك سرطان بد
اسد میانه سنبله و میزان نیك عقرب بد قوس نیك

جدی و دلو بد حوت نیك دیگر در دانستن نظرات تثلیث
و تسدیس نیك تربیع و مقابله و مقارنه بد اولاً بستاند پاره
کاغذ و نامها را حساب کند چنانکه گفته شده و پانصد پنجاه
عدد دیگر بر او زیاده کند در روز شنبه بمشك و زعفران بر
بر بازوی راست بندد و این مربع اینست

۵

۱۶	۲	۳	۱۳
	۷	۶	۱۲
	۱۱	۱۰	۸
۴	۱۴	۱۵	۱

نوع دیگر بنویسد بر پاره کاغذ یا
حریر سفید اگر باشد بهتر است و نامها را
حساب کند در روز یکشنبه و دو هزار
صد عدد دیگر بر اوی افزاید و نوشته را با خود دارد و این مربع

۳

۱۰	۵	۴	۱۵
	۱۶	۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱

نوع دیگر بنویسد بر ورق آهو بنویسد
و در موم گیرد و هر بامداد در گلاب
اندازد و روی خود را بدان گلاب بشوید
هرکس که او را بیند دوست خود میکرده
میباید که در روز دوشنبه نامها را حساب کند روز سه شنبه
یا شب شنبه پنجهزار و دویست بر او افزاید و در روغن بادام اندازد
و چون بیش پادشاه و بزرگان رود پاره
از آن در روی خود مالد مربع اینست

۲

۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵
	۹	۱۶	۶
۸	۱۴	۱۱	۱

نوع دیگر بنویسد و در روغن یاسمین

اندازد و هفت روز بگذارد بعد از ان بگیرد و در روی خود مالد
چون بیش انکس رود اول نامها را حساب کند در روز چهارشنبه
یا پنجشنبه دویست نود دیگر عدد بوی براو افزاید و بر حریر
سفید نویسد و با خود دارد مجرب است

	۲	۳	۱۳
۵	۱۱	۱۰	۸
۹	۷	۶	۱۲
۴	۱۴	۱۵	۱

۱۶

نوع دیگر بنویسد بر حریر سفید با خود
بردارد و نامها را حساب کند در روز آدینه
یا شب سه شنبه ششهزار ششصد شصت
عدد براو افزاید این است مربع

۱۶	۳	۲	۱۳
	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱

۵

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ در موم
گیرد که در عروسی یا در مجلس عشرت
سوخته باشد با خود دارد و باید که در شب
یکشنبه یا شب دوشنبه نامها را حساب کند و چهار هزار
و پانصد پنجاه عدد دیگر براو افزاید این است مربع

(۶)	۳	۲	۱۳
	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱

۵

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ و در موم
گیرد که در عروسی یا در مجلس عشرت
گرفته باشد و با خود دارد و باید که در شب
یکشنبه یا شب دوشنبه نامها را حساب کند
در این شبها یا بر پوست آهو و نه هزار چهل هشت عدد دیگر

۱۶ باب محبت بین زن و شوهر

۱۰	۴	۵	۱۵
۳	۷	۲	۱۲
۱۳	۹	۱۶	۶
۸	۱۴	۱۱	۱

۹

براو افزاید مربع اینست و بر بازو بندد
باب شانزدهم در بیان محبت بین
زن و شوهر بهر کار که خواهد بغیر از
بغض و عداوت بهر کاری که موافق
مشروع باشد اول ایام و ساعات را ملاحظه نماید روز شنبه
۵/ و ۱۲ روز یکشنبه یکم و ۷ و ۶ و ۴ و در روز دوشنبه
۲ و ۹ و ۳ روز ۴ شنبه اول و ۷ روز پنجشنبه ۲ و ۹
و ۵ و ۸ و ۱۱ روز جمعه یکم و ۸ و ۲ و ۴ و ۵ و ۱۱ شب شنبه
۲ و ۹ شب یکشنبه بد بود شب ۲ شنبه ۱ و ۹ و ۴ و ۵ و ۱۱
و ۱۲ شب چهارشنبه بد بود شب پنجشنبه ۲ و ۹ و ۶ شب
جمعه بد بود دیگر در دانستن بروج حمل بد بود ثور و جوزا
نیک سرطان بد بود سنبله میانه میزان نیک عقرب بد
بود قوس نیک جدی و دلو بد حوت نیک دیگر در دانستن
نظرات تثلیث تسدیس نیک تربیع مقابله مقارنه بد بود
بستاند پاره کاغذ و نامها را حساب کند هزار براو افزاید
و در بازوی راست بندد مربع اینست
نوع دیگر بستاند پاره کاغذ و نامها
را حساب کند و هفت صد بیست عدد

۷	۱۳	۹	
۲	۱۲	۱۶	۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۱۱	۸	۵	۱۰

۶

عدد براو افزاید وباخود دارد مجرب است مربع اینست

نوع دیگر بنویسد برپوست اهو وناممارا حساب کند وچهارصد دیگر براو افزاید وباخود دارد مجرب است

١۶	٣	۶	٩
۵	١٠	١۵		۴
١١	٨	١	١۴
٢	١٣	١٢	٧

١٠	۵	٨	١١
٣	٠	١٣	٢
١۵	۴	١	١۴
۶	٩	١٢	٧

نوع دیگر درروز سه شنبه یا چهارشنبه نامهارا حساب کند پنج هزار عدد براو افزاید که مجرب است اینست مربع

۴	١٠	١۵	۵
٧	١٣	١٢	٢
١۴	٨	١	١١
٩	٣	۶	٠

در قاعده اسم کنجا نیدن غیر نظم طبیعی اینستکه عدد انرا بکیرد دسی ازان طرح کند وما بقی را برچهارقسم سازند اکر ربع صحیح باشد ثلثش را بیندازد وما بقی را درخانه اول نویسد وهیچ اضافه نکند ودر خانه دویم یکی اضافه کند ودرسیم دو اضافه کند تاآخر واکر ربع صحیح نباشد اکر یکی زیاده باشد انرا درخانه ١٣ اضافه کند واکر دو زیاده باشد یکی در خانه نهم واکر سه زیاده باشد یکی درخانه پنجم اضافه نماید و قاعده اسم کنجانیدن درمربع مضربطریق سدسی اینستکه تاسیزده بنظم

بنظم طبیعی پرکند یعنی عدد مفرد بنویسد واز سیزده تا شانزده که چهارخانه است اسم را حساب کند که چند عدد است بعدازان بیست ویك ازان طرح کند وتتمه را در خانه سیزدهم بنویسد ویکی بران افزاید ودرخانه چهارم تاآخر تمت رساله بید الحقیر الشیخ حبیب ارومیه ئی

باب پنجم دربیان درخواص چهل اسم بنوعی که از حضرت امام جعفر ابن محمد صادق علیه السلام روایت شده اینست هرکه هرروز سیصد شصت شش بار بخواند حق تعالی حاجتهای دین ودنیای وی براورده کرداند واکر کسی را فرزند نشود هرروز هزار پنجاه بار بخواند وصایم باشد واز حیوانی پرهیز نماید حق تعالی فرزند دهد واکر بیماری سخت بود هرروز هزار پانصد یکبار بخواند وحلال خورد صحت بخشد حق تعالی واکر عدد وفق ۴ در۴ بنویسد چون قمر در سنبله باشد باخود دارد از دیوان وپیران امان یابد واکر درکشت اویزد ازافت سالم یابد واکر هفت روز روزه بدارد وهرروز نهار بدین شکل راشتر زن وشوهر خورند وقتی نویسند

٧	١۴	۴	٩
١٢	١	١۶	۶
١٣	٨	١٠		٣
٢	١١	۵	١۵

که قمر در میزان باشد حق تعالی فرزند دهد اینست
اللّهم یا خالق النور یا نور النور وتنورت بالنور والنور
فی نور نورک یا نور ۱

هرکه هر روز یکبار بخواند در دنیا و آخرت محتاج نشود واگر پیش پادشاهان رود چهل یکبار خواند برود با فتح باز گردد واگر اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد و با خود دارد در وقتیکه قمر در حمل باشد از آفت دیو پری در امان باشد و پیش هرکه بحاجت رود روا گردد واگر در حوت بود نوشته با خود دارد همه جا عزیز بود اسم اینست
یا عزیز تعززت بالعزّة والعزّة فی
عزّة عزّتک یا عزیز وفق اینست

۲ دویم

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

۶

هرکه سی و هفت بار بخواند در پیش خلق با وقار گردد و با هیبت نماید و یکصد و سی نه بار بخواند و صایم بود سی یک روز بزرگی یابد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد از آفت دیو و پری امان یابد و چون قمر در دلو باشد نوشته با خود دارد با هیبت نماید وازاو ترسند واگر بنویسد چون قمر در قوس است و در گردن چهارپایی و در گردن گله در مه درنده در آن گله و رمه در نیاید

امن

اینست اسماء یا جلیل تجللت بالجلال
والجلال ل جلال جلالک یا جلیل

۳ سیم

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۳

هرکه یکهزار پانزده بار هر روز بخواند از ترس و پریشان احوال ایمن بود و قرب حق تعالی یابد و صاحب یقین گردد و اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در میزان بود در گردن مصروع بندد از آفت دیو و پری امان باشد یا در گردن مجنون بندد خلاص شود واگر چهارپایان شیر ندهند و در ساعت شمس نوشته در گردن بندد شیر دهد بامر باری تعالی
یا واحد توحدت بالوحدانیة والوحدانیة
فی وحدانیة وحدانیتک یا واحد وفق

۱۶	۴	۱۱	۲
۶	۱۰	۱	۱۳
	۱۵	۸	۱۲
۹	۵	۱۴	۷

۳

۴ چهارم

هرکه پریشان احوال باشد و سامان خود نداند باید که سه هزار سه بار بخواند حق تعالی در رزق بر او بگشاید و سامان او پیدا شود واگر خواهند بهتر این مردمان باشند بعد از فریضه شصت یکبار بخواند واگر اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در جدی باشد و نزد خود دارد از دیوان و پریان در امان باشد و حق تعالی پریشان از او برگیرد و هرگز محتاج نشود

۱۲	۱۵	۲	۵
	۶	۱۱	۱۶
۷	۴	۱۳	۱۰
۱۴	۹	۸	۳

۱

یا فرد تفردت بالفردانیة و الفردانیة فی فردانیه فردانیتك یا فرد ۵ پنجم

هرکه این اسم را بیمار هزار و هشت بار بخواند صحت یابد واکر براسیب رزه باشد یکبار بخواند صحت یابد واکر در صبی یا کرفتار را الی بود بیست یکروز روزه دارد و هر روز هزار یانصد یکبار بخواند حق تعالی نجات دهد واکر اعداد دفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در دلو بود براسیب رزه یا بیمار بندد شفا یابد و چون قمر در جوزا بود نوشته با خود دارد از حبس خلاص شود نوشته در زراعت استاد کند از جمیع افات حق تعالی نکاه دارد و نمو بسیار کند و اسمار اینست

۹	۴	۱۴	۷
۶	۱۵	۱	۱۲
	۱۰	۸	۱۳
۱۶	۵	۱۱	۲

۳

یا جمیل تجملت یا جمال و الجلال فی جمال جمالك یا جمیل ۶ ششم

اکر کسی حیران روزه کار و سرکردان بود و احوال او بکدائی رسیده باشد باید که هر روز دو هزار یکبار بخواند و از حیوانی پرهیز نماید حق تعالی اسباب راحتی او را بسازد و در رزق بر او بکشاید هر که اعداد دفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در برج عقرب بود

و بر خود بودارد و در نزد خلق مکرم کردد و خلق تواضع بجا اورند

۱۲	۱۵	۲	۵
	۶	۱۱	۱۶
۷	۴	۱۳	۱۰
۱۴	۹	۸	۳

۱

یا کریم تکرمت بالکرم فی کرم کرمك یا کریم ۷ هفتم

هرکه زیردست بود و خواهد زبردست شود سه روز هر روز هفصد بار بخواند حق تعالی او را زبر دست کرداند و از خلق عزیز کرداند و بسیار محتاج او باشند هرکه اعداد دفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در جوزا باشد و بر خود دارد و از زیردستی خلاص یابد واکر بحرمت باشد با خود دارد در نظر خلق عزیز کردد و بزرکی یابد

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶

۴

یا عزیز تعظمت بالعظمة و العظمة فی عظمة عظمتك یا عظیم ۸ هشتم

هرکه هلاك دشمن خواهد هفت هفته روزه دارد و حیوانی نخورد هر روز یکصد یازده مرتبه بخواند دشمن هلاك شود یا اواره کردد البته واکر دوستی خواهد هر روز یکصد هشتاد بار بخواند تا چهل روز انکس از دوستی او حیران شود هرکه اعداد ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در قوس باشد بر خود دارد دوستی و محبت شود واکر نوشته سر در زن و شوهر را خوراند دوستی بهم رسد

یا جَبّارُ تَجَبَّرتَ بِالجَبَروتِ الجَبَروتُ
جَبَروتِكَ یا جَبّارُ ٩ نهم

١٦	٥	١١	٢
٣	١٠	٨	١٣
	١٥	١	١٢
٩	٤	١٤	٧

٦

هرکه این اسمارا بسیار خواند بزرگی یابد واگر بعد از نماز فریضه سیصد شصت بار بخواند حق تعالی بنظر رحمت براو نگرد وهرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد ودر گردن کودك بندد حق تعالی محفوظ باشد واگر چون نویسد قمر در حوت بود از دیو وپری ایمن باشد واگر در سراب گور کند ان زراعت را حق تعالی اکال رساند واگر با خود دارد هرگز زیر دست نگردد ونزد پادشاهان اعتبار یابد یا کَبیرُ تَکَبَّرتَ بِالکِبرِیاءِ وَالکِبرِیاءُ فی کِبرِیاءِ کِبرِیائِكَ یا کَبیرُ ١٠ دهم

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

٣

هرکه وقت مصاف خواهد بر دشمن غالب گردد وهرگز دشمن غالب بود هرشب هزار یکبار بخواند ان دشمن دفع شود هرکه را اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در میزان باشد ودر ساق دست بندد از دیو وپری ایمن باشد ودر راه مانده نشود واگر خواهد بر دشمن غالب گردد با خود دارد
یا قَدیرُ تَقَدَّرتَ بِالقُدرَةِ وَالقُدرَةُ فی قُدرَتِكَ یا قَدیرُ

٧	١٢	١٣	٢
١٤	١	٨	١١
٤	١٥	١٠	٥
٩	٦		١٦

٣

١١ یازدهم
اگر دشمن غالب یا دارنده بود وخواهد که دفع کند اورا چهل یکروز روزه دارد وحیوانی نخورد وهر روز پنج هزار مرتبه بخواند ان دشمن هلاك شود وبقوت این پادشاهان عظیم ولشکرهای قوی توان دفع کرد واگر دوستی خواهند هرروز پانصد پنج بار بخواند که از محبت هلاك شود هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در حمل بود ودر گور کهنه گذارد هرروز پانصد بار بر قبر خواند دشمن هلاك شود وباید که بی گناه نکند خود هلاك شود واگر قمر در عقرب بود نوشته خواند از دیو وپری ایمن شود
یا قَهّارُ تَقَهَّرتَ بِالقَهرِ وَالقَهرُ فی قَهرِ قَهرِكَ یا قَهّارُ

	١٤	١١	٨
١٢	٧	٢	١٣
٦	٩	١٦	٣
١٥	٤	٥	١٠

١

١٢ دوازدهم
هرکه هر روز صد یازده بار بخواند دل او روشن گردد اگر تهمت گرفتار شده باشد یا مصیبت باید که هر روز هزار چهار صد بار بخواند تا چهل روز حق تعالی خلاص گرداند اورا واگر پیش پادشاهان واکابر رود چهل ویك بار بخواند وبر خود دمد مطیع ومسخر شوند اگر چه رنجیده باشد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون

چون قمر در اسد بود با خود دارد بپیش کسی رود حاجت او برآید و عزیز باشد و اگر بتهمت گرفتار شود چون قمر در دلو بود نوشته با خود دارد در دست بند خلاص شود و اگر با خود دارد روزی حرام در وجود او نرود

	٩	٤	١٤	٧
	٦	١٥	١	١٢
٢		١٠	٨	١٣
	١٦	٥	١١	٢

يا قدوس تقدست بالقدس والقدوس في قدوس قدسك يا قدوس مربع است ١٣ سیزدهم

هرکه هر روز نهصد نه بار بخواند تا چهل و پنج روز حق سبحانه و تعالی حاجتهای او را برآورد و اگر بیست روز روزه دارد و هر روز پانصد پنج بار بخواند حق تعالی فرزند بادعطا کند و اگر چهل روز هر روز هزار چهار بار بخواند نادر الملك گردد هرکه اعداد وفق ٤ در ٤ نویسد در ساعت سعد با خود دارد اگر فقیر بود غنی گردد و بپیش پادشاهان عزیز گردد مربع است

١		١١	١٤	١
	١٣	٢	٧	١٢
	٣	١٦	٩	٦
	١٠	٥	٤	١٥

يا مليك تملكت بالملك والملك في ملك ملكك يا ملك ١٤ چهاردهم

هرکه پریشان احوال باشد و سامان خود نداند نزد مردم فقیر و خوار باشد هر روز هفتاد پنج بار بخواند تا چهل روز و صایم باشد حق تعالی سامان

اورا

اورا مهیا کند هرکه اعداد وفق ٤ در ٤ نویسد چون قمر در ثور باشد با خود دارد حق تعالی در سفر و حضر سلامت دارد و اگر نوشته در هرچه نهد از دزد ایمن باشد و از آتش حق تعالی نگاه دارد اینست مربع

	١٦	٣	٧	٩
٥		١٠	١٥	٤
	١١	٨	١	١٤
١٥	٢	١٣	١٢	٧

يا رب تربيت بالربوبية والربوبية في ربوبية ربوبيتك يا رب ١٥ پانزدهم

هرکه مدام خواند حق تعالی باطن اورا صاف گرداند و اگر کار صعب پیش آید چهل یک روز روزه بدارد و حیوانی نخورد هر روز هزار و یکبار بخواند حق تعالی برآورده گرداند و اگر بپیش کسی رود چهل پنج بار بخواند و برو دمد حاجتش برآید هرکه اعداد وفق ٤ در ٤ چون قمر در ثور بود با خود دارد بپیش هرکسی رود مقصود حاصل شود چون قمر در دلو بود نوشته با خود دارد حق تعالی باطن اورا صاف کند و اگر در ساعت قمر نوشته با خود بپیش همه کسی عزیز شود و اگر بخت دختر را بسته باشند چون قمر در میزان بود نوشته بر گردن بند گشاده گردد و برای زن بسته هم گویند این است مربع

١٠		٦	٣	٩
	٥	١٠	١٥	٤
	١١	٨	١	١٤
	٢	١٣	١٢	٧

یا رحمن ترحمت بالرحمة فی رحمة رحمتک یا رحیم ۱۶ شانزدهم

اکر پادشاهی یا بزرکی رنجیده و بر سر غضب آمده باشد بیست
هفت روز روزه دارد هر روز هفتصد هفتاد پنج بار بخواند
حق تعالی مهربان کرداند و عطاء بسیار بوی کنده و اکر پیش
کسی بحاجت رود سی و یکبار بخواند و بر خود دمد حق آنکس
مهربان کردد و حاجت براید و اکر مداومت نماید هرکز بکسی
محتاج نکردد هر که اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در عقرب
باشد با خود دارد بر دشمنان ظفر یابد و از دیو و پری امان
یابد و اکر زنی فرزند نماند همین شکل را برکردن بندد بکمال
برسد یا رحیم ترحمت بالرحمة والرحمة
فی رحمة رحمتک یا رحیم ۱۷ هفدهم

	۱۲	۱۵	۲	۵
۱		۶	۱۱	۱۶
	۷	۴	۱۳	۱۰
	۱۴	۹	۸	۳

اکر کسی را از کار معزول کنند یا بچشم
حقارت بوی بنکرند شصت یکروز هر روز
نهصد پنجاه یکبار بخواند و از حیوانی اجتناب کند حق تعالی
بجاه و منزلت رساند اما باید که با انصاف باشد و اکر کسی را
بواسیر یا برص داشته باشد و چهل یکروز روزه دارد هر روز
شصت شش بار بخواند حق تعالی شفا یابد از این علت هر که
اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در دلو بود و بر صاحب

بواسیر یا برص بندد و یا خنازیر حق تعالی شفا دهد و اکر
صاحب تب بندد زایل شود یا وهاب توهبت بالهبة
والهبة فی هبة هبتک یا وهاب
۱۸ هیجدهم

	۷	۱۲	۱۳	۲
	۱۴	۱	۸	۱۱
۴		۱۵	۱۰	۵
	۹	۶	۳	۱۶

اکر کسی را دام بسیار باشد و ذلیل
بود هر روز نهصد پنجاه یکبار بخواند
حق تعالی پشت او نماید و اکر کسی علمی خواهد پنجاه یکروز یا پانزده
روز هر روز هزار پنج بار بخواند و از حیوانی اجتناب کند بهر
علمی که رجوع کند حق تعالی روزی کرداند علم و معرفت بیابد
و اکر غایبی بود و آمدن او خواهند سی سه روز هر روز ششصد
شش بار بخواند حق تعالی او را رغبت بوطن رساند هر که
اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در جوزا بود و بیاویزد
میان زن و مرد دوستی عظیم شود و اکر هفت روز روزه
دارد و هر روز پنجاه پنج بار بخواند نیکو شود و هر که اعداد
وفق ۴ در ۴ بر حریر سفید نوشته در زیر بالین نهد
غایب را در خواب ببیند مربع اینست
یا منان تمننت بالمنة والمنة
فی منة منتک یا منان ۱۹ نوزدهم

۲		۱۳	۱۲	۷
	۱۱	۸	۱	۱۴
	۵	۱۰	۱۵	۴
	۱۶	۳	۶	۹

هرکه یکصد یکروز روزه دارد و هر روز سه هزار و ششصد سه بار بخواند و از جوانی پرهیز نماید حق تعالی محرم اسرار گرداند و حکمتها روشن شود و علمها هر انواع بدست اید هر که هر روز هفتاد پنج بار بخواند بهر علمی رجوع کند حاصل شود هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در ثور بود و با خود دارد حق تعالی چندین علمها بران اسان کند و از دیو و پری در امان و اگر در چیزی گذارد برکت پیدا شود یا حَکِیمُ تَحَکَّمْتَ بِالْحِکْمَةِ وَالْحِکْمَةُ فِی حِکْمَةِ حِکْمَتِکَ یا حَکِیمُ

	۶	۲	۱۵	۱۲
	۱۶	۱۱	۶	۱
	۱۰	۱۳	۴	۷
۳		۸	۹	۱۴

هرکه بامداد ورد سازد حق تعالی گناهان او را بیامرزد هرکه بیمار داشته باشد و اطبا از معالجه او عاجز باشند هر روز دویست نه بار بخواند حق تعالی آن زحمت برگرد اگر مهم صعب و کار مشکل پیش باشد بر سر قبر بزرگی رود و هر روز بنجاه پنج بار بخواند تا چهل یکروز مراد برآید هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد بساعت زهره برگردن مریض بندد نیک شود اگر بساعت زحل نویسد با خود دارد حق تعالی از اید بگرداند

باقی

یا غَفّارُ تَغَفَّرْتَ بِالْغُفْرَانِ وَالْغُفْرَانُ فِی غُفْرَانِ غُفْرَانِکَ یا غَفّارُ

	۵	۲	۱۵	۱۲
	۱۶	۱۱	۶	۱
	۱۰	۱۳	۴	۷
۳		۸	۹	۱۴

هرکه بسیار گوید در پیش خلق عزیز گردد و اگر سرگردان بود هر روز پانزده بار بخواند حق تعالی از آن وسواس او را برگیرد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در قوس بود و بر خود دارد حق تعالی او را در میان خلق عزیز گرداند و اگر بسیار بخواند نیستی ازاد برگرد

یا مَجِیدُ تَمَجَّدْتَ بِالْمَجْدِ وَالْمَجْدُ فِی مَجْدِ مَجْدِکَ یا مَجِیدُ

۱		۱۴	۱۱	۸
	۱۲	۷	۲	۱۳
	۶	۹	۱۶	۳
	۱۵	۴	۵	۱۰

هرکه در کاری درمانده باشد یا مهمی دشواری سی پنج روز روزه دارد و هر روز پنجاه شش بار بخواند حق تعالی ان مهم را بکفایت رساند و اگر بیمار خواند هفتاد پنج بار بخواند حق تعالی شفا دهد اگر مدام خواند حق تعالی عمر او را دراز گرداند هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در حوت بود برگردن کودک بندد صحت یابد و در هرچه نهد برکت یابد بفرمان الله تعالی

یاقدیم تقدمت بالقدم والقدم فی قدم قدمک یاقدیم

۱۰	۵	۴	۱۵
	۱۶	۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲
۸	۱۱	۱۴	۱

۳

هرکه چهل روز هر روز سیصد شصت پنج بار بخواند حق تعالی حمیدهٔ خصال کرداند واگر هر روز چهل یک بار بخواند حق تعالی مقال بد از او ظاهر نکند و نامش بنیکوئی گیرند واگر هر روز بیست یکبار بخواند بیش پادشاهان عزیز باشد هرکه وفق اعداد ۴ در ۴ نویسد چون قمر در سرطان باشد درکردن بند د مثو می نکند واگر بیش خود دارد بیش همه کس عزیز باشد واز دیو پری امان یابد یاحمید تحمدت بالحمد والحمد فی حمد حمدک یاحمید

۱۰	۳	۱۳	۸
	۱۶	۲	۱۱
۴	۹	۷	۱۴
۱۵	۶	۱۲	۱

۵

اگر کسی را بدخوی باشد هر روز نود پنج بار بخواند حق تعالی ان بدخوئی برطرف کرداند واگر دوستی خواهند هر روز شصت سه بار بخواند انکس مطیع شود اگر بیش پادشاهان خواند هر روز صد یازده بار بخواند تا صدر

وشصت یکروز مسخر می شود واگر هر روز بیست پنج بار بخواند خلق اورا دوست دارند واگر در کشت زراعت خواند بار بسیار آورد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ بنویسد چون قمر در میزان باشد و در زراعت استار کند از افت سالم ماند در گردن چهارپا بندد از مرگ خلاص باشد واگر شیر ندهد در گردن چهارپا بندد و شیر دهد یاحلیم تحملت بالحلم والحلم فی حلم حلمک یاحلیم

۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶

۴

هرکه باد لغوه وفالج بود پنجاه یکروز روزه دارد روزی هفصد هفت مرتبه بخواند واگر تسخیر سلاطین یا ملوک خواهد هفتاد هفت مرتبه هر روز هزار یکبار بخواند امید که یکساعت نتواند ماند واگر دوستی کسی خواهد چهل پنج روز هر روز بیست وهشت بار بخواند مطیع شود هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در جدی بود بر بیمار بندد صحت یابد واز دیو وپری امان یابد و بیش سلاطین بعزت باشد و ومقصود حاصل شود واگر بنام کسی بنویسد دوستی قایم ماند یاشهید تشهدت بالشهادة والشهادة فی

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۴

شَهادَةَ شَهادَتَكَ یاشَهِید

هرکه یکصد بیست یکروز پنج هزار
پانصد پنجاه پنج بار بخواند حق تعالی
اماصایم باشد واز حیوانی اجتناب کند واگر خواهد غنی گردد
هر روز چهارصد چهل چهار بار بخواند حق تعالی بزرگی دهد
واگر بر بیمار خواند هر روز صد بیست بار بخواند شفا یابد
هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در جدی بود
باخود دارد حق تعالی خشنود گردد واگر نوشته بر مریض بندد
صحت یابد وبرگردن چهارپایان بندد بدخوئی نکند
یاقَرِیبَ تَقَرَّبتُ بِاالقُربَ وَالقُربَ فی قُربَ قُربُكَ
یاقَرِیبَ

۲	۱۱	۵	۱۶
۱۳	۸	۱۰	۳
۱۲	۱	۱۵	۶
	۱۴	۴	۹

۷

هرکه بندی وسختی یامهمی عاجز
باشد چهل چهار روز هر روز سصید
هفتاد پنج بار بخواند حق تعالی کفایت
فرماید واگر در جنگ نهصد یکبار بخواند مضفر ومنصور
گردد واگر کسیرا بکشتن دهند هزار یکبار بخواند خلاص یابد
واگر پادشاه غضب یابد چهل یکبار بخواند ببش دود مهربان
گردد وهرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد زیر نگین نهاده در

در دست کند پادشاه وجمیع خلقان مسخر شوند چون قمر در
سرطان بود نوشته در نزد خود دارد هرکه اورا بیند دوست دارد
واگر در جنگ رود بافتح بازاید وبهر حاجت که رود حاصل
شود واز شر دیو وپری در امان باشد یانَصِیرَ نَصَرتَ
بِاالنَّصرَةَ وَالنَّصرَةَ فی نَصرَةَ
نَصَرتَكَ یانَصِیرَ

۱۶	۴	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۶
۱۱	۸	۱	۱۴
	۳	۱۲	۷

۴

هرکه در تنگی یابیستی یادر مضیقی
یاحبسی گرفتار باشد یکصد شش
روز هر روز پانصد پنج بار بخواند حق تعالی کشایش دهد
واگر یکصد سه روز هر روز یکصد پنج بار بخواند حق تعالی
معشیت اورا روزی کند واگر یکبار هر روز بخواند بر چشم
دمد روشنای چشم را زایل نگردد واگر نیار خواند حق تعالی
ستوده گرداند هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر
در اسد باشد حق تعالی بهیچ مصیبت گرفتار نگرداند و
معشیت اوراگشاده گرداند وروشنائی چشم زیاده شود
واگر در غله گذارد برکت افتد واگر
بیمار دارد به شود واز شر جن در
امان باشد این اذکار است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۴

یَاشَکُورُ تَشَکَّرتَ بِالشُّکرِ وَالشُّکرُ فی شُکرِکَ یَاشَکُورُ

هرکه هر روز نود یکبار بخواند حق تعالی بنظر رحمت براو نگاه کند وهرگز بکسی محتاج نگردد واگر گرفتار بمصیبتی یابلائی افتد هر روز بیست دوبار بخواند حق تعالی مقصود او برآرد واگر در جنگ بخواند هرچه براو کارنکند واگر در وقت درماندگی بخواند حق تعالی گشایش دهند واگر وام دار بود یکصد بیست یکبار بخواند حق تعالی بی منت وام او اداشود واگر دختررا یا پسررا یاغیره را بخت بسته باشد وگشایش نیابد هر روز شصت شش بار بخواند گشایش یابد واگر پریشان احوال وتنگی بسیار باشد وسامان خود نداند چهل یک روز روزه دارد هرچه خواهد بیابد واگر هزار حاجت داشته باشد حق تعالی برآورده کند هرگز بکسی محتاج نگردد وستوده خلق گردد وهرکه اعداد رفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در دلو باشد باخود دارد وپیش پادشاهان وبزرگان رور خشنود گردد وجمیع خلایق اورا عزیز دارند واگر بر بیماری بندد صحت یابد واگر در گردن گاو بندد از مرض وجمیع آفت سالم ماند وشیر بسیار دهد واگر درکشت دارد بار بسیار آورد واز آفت امان

یابد واگر درگردن مصروع یا مجنون یامسحور بندد شفا یابد واز آفت دیو وپری وکفار امان یابد والله اعلم

یَاسَتَّارُ تَسَتَّرتَ بِالسِّترِ وَالسِّترُ سَترُ سَترِکَ یَاسَتَّارُ

	۲	۱۳	۱۲	۷
	۱۱	۸	۱	۱۴
۵		۱۰	۱۵	۴
	۱۶	۳	۶	۹

هرکه پیش پادشاه رود سیصد بیست یکبار خوانده برخود دمد بافتح بازاید واگر پادشاه رنجیده وکسی را معزول کند بیست نه روز روز دارد هر روز چهارصد وپنجاه یکبار بخواند حق تعالی بمنزل اول رساند واگر بر بیمار خواند صحت یابد واگر هر روز بیست ویکبار بخواند نزد مردم عزیز باشد وبر دشمنان ظفر یابد واز دیو وپری امان باشد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر درجوزا بود باخود دارد نزد همه کس عزیز باشد واگر باخود دارد پیش پادشاهان عزیز ومکرم بود

یَافَتَّاحُ تَفَتَّحتَ بِالفَتحِ وَالفَتحُ فی الفَتحِ فَتحُکَ یَافَتَّاحُ

	۷	۱۴	۴	۹
	۱۲	۱	۱۵	۶
	۱۳	۸	۱۰	۳
۲		۱۱	۵	۱۶

هرکه این اسم را هر روز هفتاد هفت

بار بخواند حق تعالی فهم و حفظ اورا بیفزاید و بزرك کردد
دشمنان وی مقهور کردد واکر هر روز صد وبیست یکبار
بخواند محرم اسرار کردد وحق تعالی محبوب روزی کرداند هرکه
وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در جدی بود باخود دارد
زیرك دل کردد وفهم بیفزاید ودشمنان وی هلاك شوند
اینست یَا عَلِیمُ تَعَلَّمْتَ بِالْعِلْمِ وَ
الْعِلْمُ فِي عِلْمِ عِلْمِكَ يَا عَلِيمُ

۳

۲	۱۱	۵	۱۶
۱۳	۸	۱۰	
۱۲	۱	۱۵	۶
۷	۱۴	۴	۹

هرکه مفلس وفقیر بود وخواهد که
غنی یا صاحب جاه باشد نود وچهار روز روزه دارد هر روز
چهارصد نود بار بخواند حق تعالی مقصود اورا حاصل کند واکر
زیردست بود وخواهد نجات یابد که پنجاه نه روز روزه دارد
وهر روز صد وبیست نه بار بخواند حق تعالی زیردستی رها کرداند
واکر بیماری بود که صحت نیابد وبهیچ دارو بهتر نشود چهل یکروز
هر روز صد وچهل یکبار بخواند حق تعالی صحت بخشد هرکه اعداد
وفق ۴ در ۴ چون قمر در ثور بود
نویسد باخود دارد اکر زیردست بود
زبردست کردد ومرتبه یابد واکر بیمار
بود صحت یابد واز دیو وپری ودشمنان

۳

۲	۱۱	۵	۱۶
۱۳	۸	۱۰	
۱۲	۱	۱۵	۶
۷	۱۴	۴	۹

امان یابد اینست یَا رَافِعُ تَرَفَّعْتَ بِالرِّفْعَةِ وَالرِّفْعَةُ
فِي رِفْعَةِ رِفْعَتِكَ يَا رَفِيعُ
هرکه در بلائی یا آفتی یا دشمنی بود پنجاه هفت روز هر روز
صد پنجاه هفت مرتبه بخواند حق تعالی خلاصی دهد واکر مسافری
باشد هر روز یکصد بار بخواند حق تعالی سلامت از جمیع نامحرمان
ایمن کردد واکر هر روز بیست ویکبار بخواند حق تعالی از دیو وپری
واز کفتار وسحر نکاه دارد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد
چون قمر در حوت بود باخود دارد حق تعالی از جمیع دشمنان و
دزدان وراه زنان واز غرق شدن وسوختن واز جمیع درنده
وراه کم شدن نکاه دارد واکر بیماری باخود دارد صحت یابد
واکر در کردن چهارپا بندد هیچ درنده کرد او نکردد ودزد نبرد
واکر بیمار بود صحت یابد یَا حَفِيظُ تَحَفَّظْتَ بِالْحِفْظِ
فِي حِفْظِ حِفْظِكَ يَا حَفِيظُ

۵

۸	۱۳	۳	۱۰
۱۱	۲	۱۶	
۱۴	۷	۹	۴
۱	۱۲	۶	۱۵

هرکه کرفتار بلائی یا آفتی باشد یا دشمنان
قوی یا بیماری بود یا تنك روزی یا پریشانی
احوال بود صد هفتاد پنج روز روزه
دارد هر روز یکهزار یکبار بخواند حق تعالی مقصود اورا بر

براورد و اگر هر روز چهارده بار بخواند حق تعالی مرتبه دهد
و سنده اهل اکابر و سلاطین گردد و هرکه اعداد وفق ۴ در ۴
نویسد چون قمر در ثور باشد و باخود دارد از بلاها و آفتها
دشمنان و حبس و تنگ رزق و پریشان احوال حق تعالی او را
نگاه دارد و نزد همه کس عزیز گردد اینست یا فاضِلُ تفضّلتَ
بالفضلِ والفضلُ فی فضلِ
فضلِکَ یا فاضل

	۲	۱۱	۵	۱۶
۱۳		۸	۱۰	۳
	۱۲	۱	۱۵	۶
	۷	۱۴	۴	۹

هرکه هر روز هزار یکبار بخواند از
سختی ها و بدی ها برهد و اگر بر
اسیب زده بخواند برهد و شفا
یابد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در حوت
بود با خود دارد از دیو و پری ایمن باشد و اگر بر کفتار زده
بندد صحت یابد یا فاعِلُ تفعّلتَ بالفعلِ والفعلُ فی
فعلِ فعلِکَ یا فاعل

	۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳		۲	۷	۱۲
	۳	۱۶	۹	۶
	۱۰	۵	۴	۱۵

هرکه هر روز پنجاه بار بخواند حق
تعالی از مرگ مفاجات و جمیع
آفات ها نگاه دارد هرکه اعداد
وفق ۴ در ۴ نویسد و با خود دارد بسیار منفعت یابد

یا فارض

یا فارضُ تفرّضتَ بالفرضِ والفرضُ فی فرضِ فرضِکَ
یا فارض

	۸	۱۱	۱۴	۱
	۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۱۶	۹	۶
	۱۰	۵	۴	۱۵

هرکه سی پنج روز هزار سیصد بار
بخواند دعائی بکند قبول شود هر
مهمی یا کار صعب یا حاجتی که پیش
اید چهل یکروز هر روز هزار یکبار بخواند و صائم باشد
حق تعالی برآورده گرداند اگر دشمن صعب داشته باشد
و از او ترسد چهل پنج روز هر روز سیصد بار بخواند حق
تعالی حاجت او برآورد اما صائم باشد و اگر چهل یکبار بر
بیمار خواند حق تعالی صحت دهد هرکه اعداد وفق ۴ در ۴
نویسد چون قمر در حمل بود با خود دارد او را در همه جا عزیز
گرداند و از آفت جمیع درنده و گزنده در امان باشد و
اگر بر کشت و زراعت او بود سالم ماند و اگر بر فرزند بندد
بکمال رسد اینست

	۱	۱۴	۱۱	۸
	۱۲	۷	۲	۱۳
۶		۹	۱۶	۳
	۱۵	۴	۵	۱۰

یا سمیعُ تسمّعتَ یا السمعُ والسمعُ
فی سمعِ سمعِکَ یا سمیع

هرکه تنك رزق بود شصت یکروز روزه دارد هرروز یك هزار یکصد یازده بار بخواند حق تعالی روزی کرامت کرداند واکر مالی رفته باشد چهل یکهزار هرروز بخواند اکر نتواند هزار بار بخواند حق تعالی اموال روزی او کرداند هرکه اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد چون قمر در برج سرطان بوده با خود دارد حق تعالی در روزی بکشاید واسباب او بسازد و محتاج کسی نشود واکر در کشت نهد از آفت سالم ماند و بار بسیار دهد واکر بر کردن چهار پا بندد وشیر بسیار دهد یا رزاق
ترزقت بالرزق والرزق
فی رزق رزقك یا رزاق

۱۶	۳	۶	۹
	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

۵

هرکه در سفر و حضر روزی یکصد و شصت یکبار بخواند حق تعالی سفر او را سلامت دارد و هیچ نکبتی باو روی نکند از دزدان دراه زنان و درنده نکاه دارد واکر بسیار خواند صحت یابد و حربه باو کار نکند از سوختن در امان خدا باشد اکر اعداد وفق ۴ در ۴ نویسد در دقیقه که قمر در برج ثور باشد

با خود

با خود دارد در سفر و حضر بر دشمنان ظفر یابد اینست
یَا سَلَامُ تَسَلَّمتَ بِالسَّلَامِ
وَالسَّلَامُ فِی سَلَامِ سَلَامِكَ
یَا سَلَامُ

۱۶	۳	۶	۹
	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

۵

هرکه این اسم را هر روز یکهزار دویست بار بخواند و صائم بوده باشد حق تعالی حاجات او را براورد واکر چهل یکبار بخواند بیش پادشاه درود با فتح و فیروزی بازاید واکر چنانچه و عدد وفق ۴ در ۴ نویسد در ساعت زهره و با خود دارد حق تعالی جمیع حاجتهای او را براورد و هرچه از خدا خواهد یابد اینست
یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ
وَهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظِیمِ
بدانکه خواص این اسما را از حضرت امام ناطق جعفر بن محمد الصادق ع است

۳	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
	۱۰	۱۵	۴
۱۶	۳	۶	۹

۵

تمت اسماء بید الاقل [illegible] حبیب الله
غفر له [illegible] ۱۷ ربیع الثانی سنه ۱۳۰۲

باب ششم در بیان خواص حروف بیست و هشت
در خواص حروف بیست هشت گانه و طریق دعوت آن
بقول اکابر دین قدس الله ارواحهم اجمعین

اَللّهمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِحَقِّ الاَلِفِ عَلَیْکَ یا اِلهَ العالَمینَ مَنْ اَوْدَعَ اَسْرارَهُ فی اَسمائِهِ یا اِلهَ

هرکه ردی بکاری نهد ۶۶ نوبت این اسم را بخواند کار بمراد او شود و اگر چندانی این اسم را بخواند که بی هوش شود مستجاب دعوت گردد و اگر هزار صد و سیزده الف بر کاغذ نویسد و بر هر الفی یکبار این اسما را بخواند و با خود دارد و همچه حرزی باشد قدر و جاه بیفزاید و بر جمله دشمنان ظفر یابد

اَسئَلُکَ بِحَقِّ الباءِ عَلَیْکَ یا بَدیعَ السَّمواتِ وَالاَرْضَ لا مُنْتَهیٰ بِنُورِ فائِضِهِ یا بَدیعُ

هرکه بکار درمانده باشد چنانچه راه بیرون شدن نداند ۲۵ نوبت این اسم اعظم را بخواند کشاده گردد و اگر چندان بخواند از عالم غیب حال او بر گردد و دم او چنان روان شود و اگر بمثل تباه شده باشد بدم او باز بحال نیکوئی بازگردد و اگر دو هزار چهار صد نوبت بر ورق آهو نویسد و با خود دارد و اگر روی بکوه نهد پایین برنگردد

اسئلک

اَسئَلُکَ بِحَقِّ التاءِ عَلَیْکَ یا تَوّابَ الغَفورِ ذالرَّحمَةِ الواسِعَةِ عَلیٰ کُلِّ خَلقِهِ یا تَوّابُ

اگر کسی کاری چند بد کند و این اسما را سی نه بار بر سبیل بخواند و بخورد دی دهد از آن کار بد باز گردد و اگر چندان بخواند که بخواب رود هر چند گناه داشته باشد الله تعالی همه را بیامرزد و مقبول القول گردد و اگر شش هزار چهار صد و شصت نه نوبت بنویسد بهر حرف یک بار این اسم اعظم را بخواند هر که خون از وی رود که بهیچ وجه دفع نشود چون با خود دارد هیچ زخم بر وی کار نکند بعون الله تعالی

اَسئَلُکَ بِحَقِّ الثاءِ عَلَیْکَ ثابِتَ المُثبِتَ القَوِیُّ المُقتَدِرُ فَلا شَیْءٌ یُقاوِمُهُ یا ثابِتُ

هرکه بدعوی یا خصمی بیرون آید و خواهد که ظفر یابد و اگر چندان بخواند که حال پیدا کند دل او از هیچ چیز نترسد و اگر هزار ششصد سی چهار ث بنویسد و بر هر یکی یکبار این اسم اعظم را بخواند هر که شب خواب نیاید با خود دارد در خواب رود و اگر ترسنده باشد نترسد

اَسئَلُکَ بِحَقِّ الجیمِ عَلَیْکَ یا جامِعَ الکُلِّ فَلَیسَ شَیْءٌ غَیْرُ صِفاتِ هُوِیَّتِهِ یا جامِعُ

اگر کسی را تفرقه یا بیحضوری هر روز سی سه نوبت بخواند
تا سی سه روز بکند رد از علم غیب هرچه تمام تر بیابد و اگر
چندان بگوید که از خود بیخود شود جمله مکوّنات حال در سخن
آیند و از علم لدنّی بهره ور گردد و اگر هزار و هفصد و بیست
شش جیم بر کاغذ کشد و بر هر یکی یکبار این اسم را بخواند
دل جمله مخلوقات بمحبت او میل کند و خواهان او باشند

اَسئَلُکَ بِحَقِّ الحاءِ عَلَیکَ یا حَفیظُ ذالآلاءِ مانِ مِن جَمیعِ
الشَّدائِدِ فی سُرادِقاتِ حِفظِهِ یا حَفیظُ

هرکه ترسنده باشد از سلطان یا ظالمی چهل یک نوبت این
اسم اعظم را بخواند و بر خود دمد اطمینان قلبش حاصل شود
و از شر او ایمن شود و اگر چندان بگوید که در خواب رود خدا تعالی
مال و اموال و اولاد او را محفوظ دارد و سرّ حکمت در دل او بگشاید
و اگر سه هزار و دویست هشتاد نه حا بنویسد و بر هر یک یکنوبت
این اسم اعظم را بخواند و باد بر خود دمد هیچ آفت بروی نرسد
و اگر بیمار این نوشته در موم گیرد و در آب اندازد و آب از روی این
بخورد شفا یابد اَسئَلُکَ بِحَقِّ الخاءِ عَلَیکَ یا
خَبیرُ فَلا یَخفی عَلَیهِ شَیءٌ فَلا یَعزِبُ مِثقالَ ذَرَّةٍ عَن
عِلمِهِ یا خَبیرُ

هرکه فراموشی بروی غالب باشد این اسم را سی دو نوبت
بخواند نسیان ببرد و هرچه از یاد شی رفته با یاد وی آید و اگر
این اسما را بسیار خواند هرچه در دل در زبان وی بگذرد
بیان واقع باشد و هزار و دویست هیجده خ بنویسد و بر
هر یکی یکبار این اسم را بخواند بیت اواره گرد شمن در دیوار
خانه آنکس نهد اواره شود و اگر بیت دفین خواند در زیر
بالین نهد البته دفین را در خواب بیند که در چه محل است

اَسئَلُکَ بِحَقِّ الدّالِ عَلَیکَ یا دَلیلَ المُتَحَیِّرینَ فی کُلِّ حالٍ
یَرزُقُ بِعِبادِهِ یا دَلیلُ

هرکس که راه گم کند یا سرگردان بود در حال خود دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از نماز سی شش نوبت این اسما را بخواند
خدا تعالی او را راه نماید و از جمله خلایق معاونت بیابد
و هرکه بسیار بخواند که بیهوش شود بمراتب اولیا برسد هر
که هزار چهارصد چهل شش نوبت بر روز نی بنویسد و بدین
مداومت نماید بمقام اکابر برسد

اَسئَلُکَ بِحَقِّ الذّالِ عَلَیکَ یا ذاری ذالذُّخرِ الکَبیرِ فَلا
یَعرِفُ الخَلائِقُ قَدرَهُ یا ذاری

هرکسی که مال او تلف شود و خواهد که حق خود بیابد هر

هر روز چهل یکنوبت این اسم اعظم را بخواند البته باز یابد
واگر چندان بگوید که بیهوش شود اورا دلش بجنبد که
در جمله عالم سیر کند واگر بعدد جمل جمله این اسم ذال بکشد
و بهر بار یکنوبت بخواند و باد بر خود دمد بی نیاز گردد
وهمه دشمنان زیر دست او شوند والله اعلم

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الرَّآءِ عَلَيْكَ يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ
يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ اَمْرِهِ يَا رَفِيعُ

این اسم بغایت رفیع است وهرکه هر روزی سی بار بخواند
در نظر مردم باشکوه و عزت باشد وهرچندان که بگوید
حال بروی بگردد وجمله خلایق مطیع او شوند از انس وجن
ووحش وطیور وافلاک وانجم واگر مداومت نماید مشاهد
های عجیب وغریب کند وهرکه بعدد اسم تمام حروف بکشد
وحرز سازد وبدان مداومت نماید هرکه اورا ببیند بترسد
در خیل او بدید اید وروی بر هر دشمن کند مظفر گردد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الزَّآءِ عَلَيْكَ يَا زَارِعَ كُلِّ شَيْءٍ مُتَبَتَّهُ يَا زَارِعُ

هرکه را زرعی ودخلی وباغی باشد واز افت او ترسد هر
روز چهل یکنوبت بخواند وباد بر خود دمد ایمن گردد از
انت وهرکه چندان بگوید که بیخود گردد روزی او فراخ شود
چنانچه

چنانچه حیرت کند وهرکه بعدد اسم این حروف را بنویسد و
وبهر یکنوبت این اسم را بخواند هرچه خواهد میسر گردد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ السِّينِ عَلَيْكَ يَا سُلْطَانَ الْمُسَخِّرَ كُلَّ شَيْءٍ فَلَا
يُشَارِكُ اَحَدٌ يَا سُلْطَانُ

هرکه خواهد بر سر قومی مسلط گردد سی وهفت روز هر
روزی سی وهفت نوبت بخواند وحاجت خواهد البته بدست
اید وهرکس که چندان بگوید که خوش رفت شود هرچه
در خاطر دارد او مسخر او شود واگر همین حرف بعدد اسم
بنویسد وبهر نوبت یکبار این اسم اعظم را بخواند چون تشنه
باشد یا بیماری صعب اب ارزوی ان باز خورد شفا یابد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الشِّينِ عَلَيْكَ يَا شَكُورُ اَنْتَ الَّذِي اَنْعَمْتَ
عَلَى الْعِبَادِ بِنِعْمَةٍ ظَاهِرَةٍ وَبَاطِنَةٍ يَا شَكُورُ

هرکه از معیشت در تنگی باشد هر صباح وضو سازد وشصت
نوبت بخواند واب برگیرد وروی بشوید از دست تنگی معیشت
خلاص شود وهرکه هر شب چندان بگوید که بخواب رود بدرجه
اولیای کبار رسد هرکه حرف شین بعدد اسم بکشد وبهر یکبار
این اسم بخواند وحرز سازد هرکه ویرا ببیند انعام کند

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الصَّادِ عَلَيْكَ يَا صَانِعُ الْعَجَائِبِ بِقُدْرَتِهِ لَمْ

تبلغ اوهام العارفین بحکمته یا صانع

هرکه درکاری باشد وبروی دشوار گردد هر صبح این اسم
اعظم را بعد از نماز ۴۳ نوبت بخواند بروی آسان گردد اگر
چندان بخواند که از هوش برود علم وحکمت وسیمیا بروی کشف
گردد هرکه حرف صاد بعد اسم خود بنویسد واین اسم بخواند
یا با خود دارد بارهای بسته بروی گشاده گردد

اسئلک بحق الضاد علیک یا ضامن من المنفرد عن کل
شیء بکمال کبریاء عظمته یا ضامن

هرکه کاهل نماز باشد یا در دست ظالم گرفتار باشد هر روز
سی و نه مرتبه بخواند از دست دشمن خلاص شود و دشمن هلاک
شود وهرکه چندان بگوید که از خود برود باطن حل ارواح مقدس
گردد وهرکه حرف ضاد بعد اسم در کاغذ بکشد وبا خود دارد
وچندان اسرار بروی کشف گردد که از حد بیرون باشد

اسئلک بحق الظاء علیک یا ظاهر المعروف الدائم انت
الذی لا ینقطع ابدا ولا یحصاه غیره یا ظاهر

هرکه هر صبح وقت طلوع شمس ۵۴ نوبت این اسم اعظم بخواند
مشهور ومحمود جمله خلایق گردد چنانکه همه کس محتاج صحبت او
باشند وهرکه خواهد که احوال کاری ها شخصی معلوم کند بعد

از

از نماز خفتن با هیچ کس سخن نگوید واین اسم را چندان بخواند
که در خواب رود واورا از آن آگاه کنند د بهر حرف یکبار این
اسم را بخواند وحرز سازد هرچه پوشیده باشد بروی منکشف
شود ومحبوب خلق گردد

اسئلک بحق العین علیک یا علیم القادر ما کان بقوتها
فی مشیئته وما یغطی لبریته یا علیم

هرکه این اسم را چهل هفت نوبت بخواند دانا گردد وتوانگری
یابد وهرکه چندان بخواند بیهوش شود از عالم غیب اورا
فیض برسد که هرچیز بر زبان راند آن چیز واقع شود
ودر دانستن احوال در خواب بسی مؤثر است هرکه حرف ع
بعد اسم در کاغذ کشد وبهر حرفی یکبار بخواند در دیوار
خانه کسی نهد که ظلم بروی کرده باشد البته آن شخص آواره
گردد ودعوت مشتری در این اسم است

اسئلک بحق الغین علیک یا غنی الکریم الوهاب ذو
الطول فلا ینقص شیء من خزائنه یا غنی

هرکه هر روز بیست چهار نوبت بخواند این اسم اعظم را روزی
بروی فراخ گردد باید چهل چهار چندان بخواند که از حال برود
از خدا نیم چندان مال وجاه دنیا خواهد بیاید که از عهده

آن بیرون نتواند امدن واگر حرف غین بعدد اسم بکشد وبعد
هر حرف یکبار این اسم اعظم بخواند وباخود دارد عجایب بیند

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْفَاءِ عَلَيْكَ يَا فَتَّاحُ كُلِّ مَغَالِيقِ الْأُمُورِ بِيَدِهِ
يَا فَتَّاحُ

هرکه را دست ودل بسته باشد هرروز بیست هشت نوبت
بخواند کشاده یابد بهر چه تمام تو وهرکه چندان بخواند که بخواب
رود بندها بدست اوکشاده شود وهرکه حرف ف بعدد
اسم بکشد وبعد یکی یکبار بخواند هرکه دربند باشد بزودی
خلاص شود واگر زنی سخت زاید بروی بندد اسان زاید

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقَافِ عَلَيْكَ يَا قَدِيمُ فَلَا يُحِيطُ أَحَدٌ بِعَدِّ
نَعْمَائِهِ يَا قَدِيمُ

هرکه این اسم را سی وهفت نوبت بخواند ازهرکس کرامت
یابد وهرکه حرف قاف را بکشد و   سازد درنظر سلاطین
بزرکوار باشد وهمه دشمنان مقهور کردند واکرکسی را تب
مردد باشد بروی بندند شفا یابد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْكَافِ عَلَيْكَ يَا كَفِيلُ الْكَافِي الْوَكِيلُ بِكُلِّ
حَيٍّ مِنْ فَضْلِهِ وَكَرَمِهِ يَا كَفِيلُ

هرکه هرروز این اسم را سی شش نوبت بخواند هیچکس باوی

مخاصمت

مخاصمت نتواند کرد وهرکه باوی اندیشه خصومت کند بوی
باز کردد واکر چندان بخواند که حال بروی غالب شود مردم
با او اعتبار کنند واز سخن او تجاوز نکنند واکر حرف کاف را
بعدد اسم بکشد وبعد یک یکبار این اسم را بخواند ودرخانه
دشمن بفکند دشمن برافتد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اللَّامِ عَلَيْكَ يَا لَطِيفُ الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ
وَلَا يُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ كَمَالَهُ يَا لَطِيفُ

هرکه هرروز چهل یک نوبت این اسم را بخواند بهمه مرادات
برسد وهرکه چندان بخواند که درخواب رود همه اشیا را
کماهی مشاهده نماید واکر حرف لام بعدد اسم بکشد ودر
جائی که غله درانبار باشد یا چیزی درروی نهاده باشند
برکت درروی پیدا شود وازافت ایمن باشد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمِيمِ عَلَيْكَ يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ لِنَافِذِ أَمْرِهِ
وَلَا يَتَعَدَّى عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ يَا مَالِكُ

هرکه این اسم را هرروز چهل ودو نوبت بخواند برقومش سرور
شود واکر از پادشاه یا ازظلمش ترسد شب سه شنبه این
اسم را چندان بکوید که برکریه افتد هرحاجت که بخواهد
اجابت شود واکر حرف میم بعدد اسم بکشد وبعد یکحرف

آن بیرون نتواند امدن واکر حرف غین بعدد اسم بکشد وبهر
هر حرف یکبار این اسم اعظم بخواند وبا خود دارد عجایب بیند

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْفَاءِ عَلَيْكَ يَا فَتَّاحُ كُلِّ مَغَالِيقِ الْأُمُورِ بِيَدِهِ
يَا فَتَّاحُ

هرکه را دست ودل بسته باشد هر روز بیست هشت نوبت
بخواند کشاده یابد بهرچه تمام تر وهرکه چندان بخواند که بخواب
رود بندها بدست او کشاده شود وهرکه حرف ف بعدد
اسم بکشد وبهر یکی یکبار بخواند هرکه دربند باشد بزودی
خلاص شود واکر زنی سخت زاید بروی بندد اسان زاید

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقَافِ عَلَيْكَ يَا قَدِيمُ فَلَا يُحِيطُ أَحَدٌ بِعَدِّ
نِعْمَائِهِ يَا قَدِيمُ

هرکه این اسم را سی وهفت نوبت بخواند از هرکس کرامت
یابد وهرکه حرف قاف را بکشد و سازد درنظر سلاطین
بزرکوار باشد وهمه دشمنان مقهور کردند واکر کسی را تب
سرد در باشد بروی بندند شفا یابد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْكَافِ عَلَيْكَ يَا كَفِيلُ الْكَافِي الْوَكِيلُ بِكُلِّ
حَيٍّ مِنْ فَضْلِهِ وَكَرَمِهِ يَا كَفِيلُ

هرکه هر روز این اسم را سی شش نوبت بخواند هیچکس باوی
مخاصمت

مخاصمت نتواند کرد وهرکه باوی اندیشه خصومت کند بوی
باز کردد واکر چندان بخواند که حال بروی غالب شود مردم
با او اعتبار کنند واز سخن او تجاوز نکنند واکر حرف کاف را
بعدد اسم بکشد وبهریك یکبار این اسم را بخواند ودر خانه
دشمن بنهد دشمن برافتد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اللَّامِ عَلَيْكَ يَا لَطِيفُ الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ
وَلَا يُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ كَمَا لَهُ يَا لَطِيفُ

هرکه هر روز چهل یکنوبت این اسم را بخواند بهمه مرادات
برسد وهرکه چندان بخواند که درخواب رود همه اشیا را
کماهی مشاهده نماید واکر حرف لام بعدد اسم بکشد ودر
جائی که غله درانبار باشد یا چیزی درروی نهاده باشند
برکت درروی پیدا شود واز افت ایمن باشد

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمِيمِ عَلَيْكَ يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ لِنَافِذِ أَمْرِهِ
وَلَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ يَا مَالِكُ

هرکه این اسم را هر روز چهل ودو نوبت بخواند بر قومش سرور
شود واکر از پادشاه یا از ظلمش ترسد شب سه شنبه این
اسم را چندان بکوید که بر کریه افتد هرحاجت که بخواهد
اجابت شود واکر حرف میم بعدد اسم بکشد وبهر یکحرف

یکبار اسما را بخواند و با خود نگاه دارد چون بهر که رو آورد آن
مهم بوجه خوب میسر شود

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ النُّونِ عَلَيْكَ يَا نَافِعُ الشَّافِي مَنْ طَابَ
قُلُوبِ الْمُحْسِنِينَ بِذِكْرِهِ يَا نَافِعُ

هرکسی در بالین خسته شش روز هر روز چهل چهار نوبت
بخواند البته شفا یابد و اگر حرف نون بعدد اسم بکشد
بهر یک یکنوبت این اسم را بخواند در دوستی جمیع خلایق
براندارد و اگر با اسم دوستی بنویسد و در خانه انکس دفن
نماید محبوب محب شود

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْوَاوِ عَلَيْكَ يَا وَدُودُ أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ
الْمَوَدَّةَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ يَا وَدُودُ

هرکه را میان خود و زوجه موافقت چندان نباشد شش روز
هر روز چهل نوبت بخواند که خوش حال شود و دوستی وی
در دل خلایق بدید آید و اگر حرف واو را بعدد اسم بنام
هرکسی که خواهد بیاو بیزد و در دفت قرار نگیرد و از جهت
دردسر و شقیقه هم خوبست

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْهَاءِ عَلَيْكَ يَا هَادِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْبَرُّ مَرْبَعَةٌ
مَرْبَعَةٌ يَا هَادِي

برا

هرکه خواهد که کسیرا از بدخوی باز دارد این اسم را بملاقات
الشخص ۵۲ نوبت بخواند بروی دمد البته خوش خوی
گردد و اگر حرف ها را بعدد اسم بکشد یا در صندوق یا در
میان بار نهد ایمن باشد از دزدان اگر بسوزاند بنام دوستی
دیوانه گردد والله اعلم

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ لَا عَلَيْكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مَا
أَعْظَمَ شَأْنَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

این بهترین جمله اسماست اجابت دعوت این اسم کردن
کار هرکسی نیست

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْيَاءِ عَلَيْكَ يَا يَفَضَانُ الْحَيُّ الْكَائِنُ لَمْ يَزَلْ
وَلَا يَزَالُ فِي كَيْنُونِيَّتِهِ يَا يَفَضَانُ

هرکه این اسم بزرگوار را هر روز ۶۲ نوبت بخواند بهر چه
روی نهد بمراد رسد و در قیامت او را عذاب نباشد و اگر
چندان بگوید که بیهوش شود و عالم ارواح را معاینه ببیند و
الحمد لله رب العالمین تمت بعون الملک الوهاب

بسم الله الرحمن الرحیم

باب هفتم دربیان اوفاق مربعات و دانستن آن

بدانکه وفق هر مربعی آنستکه عدد یک ضلع ازا در نفس خود ضرب کنند انچه حاصل شود ازا منتهای ان عدد گیرند ومبدا را که یکی است بان ضم کنند ومبدا و منتها را در نصف بیوت ضلع ضرب کنند انچه حاصل شود وفق ان عدد باشد مثل مربع ۴ در ۴ که چون چهار در چهار ضرب کنند شانزده شود یکی بران افزایند هفده شود و هفده را در دو دو که نصف بیوت یك ضلع است ضرب کنند سی چهار شود که چهار در چهار بسی وفق دهد ودر مربع پنج در پنج چون ۵ در ۵ ضرب کنند ومبدا بران افزایند بیست شش باشد در دو نیم که نصف بیوت یك ضلع است ضرب کنند شصت پنج شود وفق ۵ در ۵ شصت پنج باشد ودر باقی مربعات قس علی هذا بعدد وفق سه در سه پانزده باشد وسه در سه شکل شرف قمر است وازخواص این شکل آنستکه بر دو پاره سفال آب نارسیده نویسند وبزنی نمایند که زائیدن را دشوار باشد تا در آن نگرد بعد از آن هر یکی را در زیر قدم او بنهند بآسانی فرزند ازوی جدا گردد واگر زندانی با خود نگاه

دارد زود خلاص یابد وبعضی از انواع این شکل در این مختصر منظور گشته است

۴	۳	۸
۹		۱۰
۲	۷	۶

۸	۱	۶
۳		۷
۴	۹	۲

ومربع چهار در چهار شکل شرف آفتاب است وازخواص او آنستکه آفتاب چون در درجه شرف باشد این شکل را چون برکشند در هر

۶	۷	۲
۱		۹
۸	۳	۴

سر او فرزنند که بنهند ازدرد ایمن باشند واگر کسی با خود دارد درمیان مردم مقبول القول باشد و بر خصمان غالب اید ودر پیش مردم معزز ومکرم باشد وبعضی از انواع این این شکل برای مثال مصور شد والله اعلم

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۹

۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
	۲	۳	۱۳

وشکل پنج در پنج شکل شرف زهره است و در باب محبت دخل عظیم دارد و چون زهره در درجه شرف باشد این شکل را بر کرباسی پاره کشند و در آب شویند و آن را بکسی دهند که با شخصی عداوت داشته باشد که بلا شبهه این عداوت منقطع شود و محبت پیدا شود و اگر از آن آب بکودک دهند که شیر نستاند خواهنده شیر گردد بعون خدا تعالی و از انواع این شکل نیز چندی مسطور است

۱۸	۲۲	۱	۱۰	۱۴
	۳	۷	۱۱	۲۰
۵	۹	۱۳	۱۷	۲۱
۶	۱۵	۱۹	۲۳	۲
۱۲	۱۶		۴	۸

۳	۲۰	۷	۲۴	۱۱
۱۶	۸		۱۲	۴
۹	۲۱	۱۳	۵	۱۷
۲۲	۱۴	۱	۱۸	۱۰
۱۵	۲	۱۹	۶	۲۳

و چون مربعی را چنان وضع کنند که اگر قطع نظر از اضلاع اطراف آن کنند آنچه در میان بماند وفق مخصوص داشته باشد آن مربع را اهل این محلق گویند و مربع محلق در خاصیت اقوی از غیر محلق است بر این مثال والله اعلم

در مربع

در مربع شش در شش شرف زحل است و در امور زراعت و عمارات ممد و معادن چون گاهی نویسند که زحل در درجه شرف باشد و اگر در این هنگام بر خشتی نقش کنند و آن خشت را در زیر بنا بکار برند آن بنا مبارک باشد و مدتی موبد بماند و ویران نشود و این سه شکل دو آن محلق اند والله اعلم

۶	۸	۲۳	۲۴	۴
۷	۱۲	۱۱	۱۶	۱۹
۵	۱۷	۱۳	۹	۲۱
۲۵	۱۰	۱۵	۱۴	۱
۲۲	۱۸	۳	۲	

۳۰

۵	۲۸	۳۴	۲	۲۶	۶
۲۷	۱۴	۲۵	۲۰	۱۵	۱۰
۸	۲۴	۱۱	۱۸	۲۱	۲۹
۷	۱۷	۲۲	۲۳	۱۳	
۳۲	۱۹	۱۶	۱۳	۳۶	۴
۳۱	۹	۳	۳۵	۱	۳۳

۳۰

	۳۰	۱۰	۲۱	۲۵	۱
۲۸	۱۸	۲۱	۳۴	۱۱	۹
۳۲	۲۳	۱۲	۱۷	۲۲	۵
۸	۳۱	۲۶	۱۹	۱۶	۲۹
۳	۲۰	۱۵	۱۴	۲۵	۳۴
۳۶	۷	۲۷	۶	۲	۳۳

نسخه ثالث بعد از صفحه ۱۴۸ نوشته شده

مربع هفت در هفت شرف عطارد است چون ۵۷ در سرطان بود و نظر بعطارد داشته باشد این شکل را بعسل و زعفران بر کرباس پاره نویسند و چون عطارد بدرجه شرف رسد

آن کرباس را بآب پاک
بشوید بجورد کسی دهند
که نسیان از او دفع شود
و حفظ و کیاست پیدا اید
و اگر کسی این شکل را بنوید
که عطارد در درجه شرف
باشد با خود نگاه دارد
از وحوش ضرر رساند ایمن کردد و از شر دشمنان و کید مکر
ایشان سالم ماند و سه نوع نوشته شد اولین محلق است والله اعلم

	۳۱	۲	۴	۳۳	۵	۳۶
	۱۲	۲۶	۱۰	۹	۲۹	۲۵
	۱۳	۲۳	۲۱	۲۲	۱۴	۱۸
۲۴		۱۷	۱۵	۱۶	۲۰	۱۹
	۳۰	۸	۲۷	۲۸	۱۱	۷
	۱	۳۵	۳۴	۳	۳۲	۶

۸	۱۲	۱۰	۴۵	۴۶	۴۸	۶	
۱۱	۱۸	۲۰	۳۵	۳۶	۱۶	۳۹	
۹	۱۹	۲۴	۲۳	۲۸	۳۱	۴۱	
۷	۱۷	۲۹	۲۵	۲۱	۳۳		۴۳
۴۷	۳۷	۲۲	۲۷	۲۶	۱۳	۳	
۴۹	۳۴	۳۰	۱۵	۱۴	۳۲	۱	
۴۴	۳۸	۴۰	۵	۴	۲	۴۲	



	۴	۲۷	۴۳	۱۷	۴۰	۱۴	۳۰
	۲۸	۴۴	۱۸	۴۱	۸	۳۱	۵
۴۵		۱۹	۴۲	۹	۳۲	۶	۲۳
	۲۰	۳۶	۱۰	۳۳	۷	۲۳	۴۶
	۳۷	۱۱	۳۴	۱	۲۴	۴۷	۲۱
	۱۲	۳۵	۲	۲۵	۴۸	۱۵	۳۸
	۲۹	۳	۲۶	۴۹	۱۶	۳۹	۱۳

	۲۲	۴۷	۱۶	۴۱	۱۰	۲۵	۴
	۵	۲۳	۴۸	۱۷	۴۲	۱۱	۲۹
	۳۰	۶	۲۴	۴۹	۱۸	۳۶	۱۲
	۱۳	۳۱	۷	۲۵	۴۳	۱۹	۳۷
۳۸		۱۴	۳۲	۱	۲۶	۴۴	۲۰
	۲۱	۳۹	۸	۳۳	۲	۲۷	۴۵
	۴۶	۱۵	۴۰	۹	۳۴	۳	۲۸

هرکه مربع نه در نه در شرف مریخ است وخاصیت او انستکه
چون مریخ در درجه شرف باشد و زهره بوی ناظر باشد از
تسدیس یا تثلیث این مربع را بر کاغذ یا بر کرباس کشند اگر
درمیان دو کس خصومت بود خواه زن و شوهر و غیره این
شکل بدیشان نمایند خصومت از میان ایشان مرتفع شود
بفرمان خداتعالی واگر در وقتیکه قمر از مریخ منصرف شده باشد
و متصل بزهره بود این مربع را بنویسد هرکه با خود دارد
بر همه دشمنان غالب اید بقدرت خدا تعالی

۲۷	۷۸	۲۹	۷۰	۲۱	۶۲	۱۳	۵۴	۵	
۶	۳۸	۷۹	۳۰	۷۱	۲۲	۶۳	۱۴	۴۶	
۴۷	۷	۳۹	۸۰	۳۱	۷۲	۲۳	۵۵	۱۵	
۱۶	۴۸	۸	۴۰	۸۱	۳۲	۶۴	۲۴	۵۶	
۵۷	۱۷	۴۹	۹	۴۱	۷۳	۳۳	۶۵	۲۵	
۲۶	۵۸	۱۸	۵۰	۱	۴۲	۷۴	۳۴		۶۶
۶۷	۲۷	۵۹	۱۰	۵۱	۲	۴۳	۷۵	۳۵	
۳۶	۶۸	۱۹	۶۰	۱۱	۵۲	۳	۴۴	۷۶	
۷۷	۲۸	۶۹	۲۰	۶۱	۱۲	۵۳	۴	۴۵	

باب هشتم در بیان معرفت علم اعداد

این مختصریست در معرفت علم اعداد دو فن وتکسیر حروف
که افضل عوام است وخواص انبیا بوده اکنون خواص
اهل الله است علما میکر برانبیا شکر کشته یکی این علم است
ودر حدیث است که سبب نزول این علم آن بود که کفار بر
حضرت ابراهیم خروج نمودند خانه مکه معظمه را که عمارت کردند
کفار خراب کردند حضرت ابراهیم بدرگاه خدا بنالید خدا
وند عالم این ظلم را برطرف کرد واجابت دعای حضرت ابراهیم
راکرد این علم را جبرئیل با براهیم اموخت وگفت تا ردولا
در صحف را در استانه خانه مکه دفن نما تا شر ان ظالمان
از برکت ان دفع شود حضرت امیرالمؤمنین ع در این علم مبالغه
کرده چنانچه از ان زمان تا حال منتقل شد و هر بزرگ علم غریب
وشکل نادره نموده اند وستر این کتابت باید کرد وکشف نکرده
اند که در این سخن بادب و رموز گفته اند وحقایق اینرا اظهار
نکرده اند و گفته اند که از چشم وزبان نامحرم دور باشد و
مستحق ان روزی کند واین علم از کمال الدین حسین سمرقندی
رسیده است دیقول اصح واسهل مفهوم گردیده تا خواننده
را فایده حاصل شود این مختصر از ج و ج وج باب دربیب

باد نمایم تا که بر طالب آسان شود و بر نا محرم مستور و نا
دان نیاموزد ۱۲ و هر که ارض ردج تایب دریب
ضبط کردم دردم و تا دردع سرا بانجام میتوان کرد و هر که
این علم را برای محبت و یا عداوت بین شخصین و یا عقد
اللسان یا عقد المرکز یا عقد العصر یا عقد الطریق یا تسخیر
سلطان یا حل الرجال یا حب النساء یا رفع اعدا یا برای ادارکی
دشمن یا برای فتح برای هرچه خواهد بنویسد و شرایط آن بجا
آورد به هیچ وجه دفع تاثیرات آن نتوان کردن و صاحب این
رعایت اوقات مناسب از خیر و شر و ریاضت با ختم که بی او
میسر نشود و عامل این فعل را ابتداء از معرفت این چند کلمه
چاره نیست تا بعمل از آن سر باد توقف باشد ابتدا اکنیم بمثلث
۳ در ۳ اگرچه متقدمان نهی کرده اند چون خواهیم مثلثی
۳ در ۳ بنویسیم برای محبت باید قمر در شرف باشد که بحسب
اسم طالب با مادرش حساب کند ۲۵۶ چون قواعد اسمی
از اسماء الله که عدد آن با عدد اسمین و با عدد مذکور مطابق
باشد بان ضم کند و بعد از آن ۲۱ بیرون کند و آنچه بماند
بخش کند یکجنس از آن بخش در خانه اول بجهد بنهند و یك
یك زیاد کند تا آخر شود اگر سه بخش درست نشود بنگر
که

که کسر یکی شود در خانه هفتم زیاد کند و اگر دو باشد در
خانه هشتم زیاد کند و اگر بجهت بغض و عداوت باشد باید
بنویسد اسمین را حساب کند ۲۹۷ بر آن زیاد کند
و ۶۳ بیرون کند و باقی را بخش کند در خانه اول بنهد
چنانچه در مثال یابی و بدانکه ۳ در ۳ مثلث را نوشتن
بسیار در حصر است که بشرایط او را بجا آورد تا از ضرر دشمن
محفوظ ماند اول از برای ۳ در ۳ پیش از نوشتن باید
سه مرتبه این عزیمت بخواند اینست
عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ بِحَقِّ رَبِّنَا وَرَبِّکُمْ یا شیرائیل یا شمخائیل وَ
شَبَطائیلَ وَیا شکرائیل وَ شرائیلَ افعلوا اکذا وَکذا الساعة
الساعة بعد از آن عدد در خانه اول بنهد و بگوید اقسمت
عَلَیکُمْ یا ططهیال بعد از آن سه مرتبه دیگر همان عزیمه او را
بخواند بعد از آن خانه دویم را بنویسد و دو مرتبه بگوید
یا بططهیال بعد از آن خانه سیم را بنویسد و سه مرتبه بگوید
یا حططهیال و بعد از آن خانه چهارم را بنویسد و چهار مرتبه
بگوید یا دططهیال بعد از آن خانه پنجم را بنویسد و پنج مرتبه
بگوید یا هططهیال بعد از آن خانه ششم را بنویسد شش مرتبه
بگوید یا وططهیال بعد از آن خانه هفتم را بنویسد هفت مرتبه

بگوید یا وططهیال بعدازان خانه هشتم را نویسد هشت مرتبه بگوید یا هططهیال بعدازان خانه نهم را ۹ مرتبه بگوید یا ططهیال بعدازان درآخر بگوید بحق الحقّ الخالق بان تفعلوا تفعلوا کذا وکذا و عزیمه بیش از مثلث را بخواند وبعدازان این عزیمه را بخواند

بَرْهَنَةٍ كَرِيرٍ طوْرانٍ كَرِيرٍ تَنَليهٍ حلوا يطيةٍ ذانٍ مزجلٍ بَزْجَلٍ تَرْلبتٍ تَرْطوا هشٍ غلسٍ حوطيرٍ فلهورٍ ابرشاتٍ كَلَمْهَيرٍ بموسلخٍ برهيدٍ برهبوا لا مشيلخ كرموا لغسلٍ لبطٍ تبراطٍ عنطرٍ عنا هنا كيدٍ هو الا شمخا هيرٍ بحق العهد المناجيه عليكم الانقياد فيما امركم به وبعزة العزيز عدة بطشة وشدة قهره او بعهد الله اوفوا عاهدوا ولا تنقضوا الايمان بعد توكيدها وقد جعلوا لله كفيلا ان تحضروه او تفعلوا كذا وكذا وبحق الذى ليس كمثله شئ وهو السميع البصير وبحق بدوح اجهزة و هيج واج وبحق نسم اوله ال واخره ال ذو الجلال والاكرام وبحق لا اله الا هو الحى القيوم افعلوا ما تؤمرون بارك الله فيكم وعليكم اراهم بما وصف عليكم انصرفوا بحق حق جئتم من اجله بلا ضرار و

والاضرار بارك الله فيكم وعليكم بعدازان قل هو الله احد وآية الكرسی ومعوذتین بخواند وبرخود دمد تا ازضرر ایمن باشد وازوی تاثیرات عجایب بیند پس اکنون بدان ای عزیز که من گفتم عدد هرجز باشد ۱۲ بیرون کردم و باقی را بخش کردیم اکنون این اسم هود را حساب کردیم ۱۵ شد ۱۲ بیرون کردیم ۳ ماند پس بخش کردیم ۱۱۱ پس در خانه اول یك نهادیم ویکیك افزودیم تا باخر وجهت محبت عدد خانه اول ۳ در ۳ را درغرب میان شمال وجنوب نهادیم ومثال ۳ در ۳ اینستکه درهیچ نسخه گویا نکرده است واین مثلث اشکال نادراست اثرعظیم دارد واسم دراین جانهادن عظیم مشکل است وهرگاه که ۳ در ۳ نویسد این شکل درپشت این نویسد وشکل ۳ در ۳ که مذکور شد اینست وشکل درپشت

اسمار اینست

مشرق برای محبت

۴	۰	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

۹

مغرب برای بغض

۶	۷	۲
۱	۵	
۸	۳	۴

یا ططهیال
یا بططهیال
یا جططهیال
یا دططهیال

این شکل در پشت نمایند   این شکل در پشت نمایند

یا هططهیالٍ
یا وطططهیالٍ
یا زطططهیالٍ

	۲	
و		د
	۶	

یا هططهیالٍ یا ططهیالٍ

در اضلاع اهل یونان چنین

بقطرنالٍ ۲ جلیشل ۴ حدابیل ۸

دمیالٍ ۳ یا هطططیش ۵ رولوهم ۶ زنطارٍ ۷ حدابیل ۸ طمنایل ۹

۴ ۸ ۲ ۱ ۲ ۱ ۶ ۱ مجرب

بعضی از حکما در حروف زکاته عمل میکنند وان چنان است که باصطلاح این قوم سه درسه یا مظهراست یا مضراست و مظهر مستکر اسم ط و مطر را بمحبت در وفق بنکارند مثل انکه ط محمد ۹۲ و مطلوب محمود ۹۸ واسم الودود ۴۰ این جمله دویست و ده شد ازاین جمله ۱۲ طرح کردیم ۱۹۸ باقی ماند به قسمت کردیم خارج قسمت ۶۶ اعداد و قسم دیگر طرح کردیم ویکفهم در مربع سه در سه اوردیم بدین مثلث

ا

اگر کسر داشته باشد ناچار از مثلث هندی گفته اند چون کسی مبتلای دل باشد وخواهد که دلش سرد شود اعداده سوره والعصر و اعداد اسم شخصین گرفته درج کند باین طریق که نموده شد و در کوزه آب ندیده اند ازد

۶۷	۷۲	۷۱
۷۴	۷	۶۶
۶۹	۶۸	۷۳

چون از ان کوزه آب بخورد دلش سرد شود و عدد آید یا نارکونی بردا و سلاما علی ابراهیم و عدد اسم شخصین همین خاصیت دارد

وچون در وفق داده شود درکنار آب روان و فق کنند و سوره تبت همین خاصیت دارد و آیه والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة با اسمین شخصین عدد گرفته درج کنند وطرح کرده درخانه انکس دفن کند موجب تفریق باشد ودرج کردن اعداد و سوره الم تر کیف با عدد اسم اشخاص موجب اخراج چون در قبرش دفن کنند یا در مقام او نماید دهد و وآیه الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت همین حکم کند وآیه لولا ان کتب الله علیهم الجلاء لعذبهم فی الدنیا ولهم فی الاخرة عذاب النار همین خاصیت دارد وآیه وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی و عدد

آیة اسماء اشخاص وفق دهد و این آیه را بعدد اسم ان شخص
بخواند و در قبرستان کهنه دفن کند ان شخص از مرتبه خود
افتاده متزل گردد وعدد آیة فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللهُ
مَرَضاً وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِیمٌ وعدد اسم شخصین وفق داده بعد از
ان این آیه را بخواند در گورستان دفن کند یا در رهگذر
ان بیمار شود عدد آیه صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَعْقِلُونَ با عدد
اسم کسی وفق داده در زیر سنگ گران گذارد زبان بسته گردد
و باید بنظر کواکب کند و بخور بسوزد و در وقت نوشتن عزیمت
بخواند باین طریق عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ وَاَقْسَمْتُ عَلَیْکُمْ بِحَقِّ رَبِّنَا وَرَبِّکُمْ
یَا شَیْدَائِیلُ وَیَا شَمْجَائِیلُ وَیَا شَیْطَائِیلُ وَیَا شَکْدَائِیلُ اِفْعَلُوا
کَذَا وَکَذَا اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ انچه که اوّلاً عدد را دو از ده
زکواة مید هند و منم که میماند ثلث نموده دو ثلث اورا رها
کرده و یکثلث را در خانه اول بنگارد و بعلاوه یکیک در اخانه
تا اخر هریک یک اضافه کند الا اخر اگر دو اضافه باشد یکعدد
در خانه چهارم اضافه نماید واگر یکی اضافه
باشد در خانه هفتم یکعدد اضافه نماید
و طریق رفتارش اینست

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

امّا مربع از اصل عددش سی زکوة بیرون میکنند منم که میماند
تربیع

تربیع میشود سه ربع را طرح نموده یکربع را در خانه اول
بنگارد و یکیک اضافه میکنند تا خانه شانزدهم واگر اضافه
یکعدد باشد در خانه ۱۲ یکی اضافه واگر دو باشد در
۹ یکعدد اضافه واگر سه باشد در خانه ۵ یکعدد اضافه
نماید در رفتار نظم طبیعی خانه مربع اینست
عدد نام مبارک تحیشا را که
یکهزار پانصد و پنجاه یکعدد
است ضرب نماید در اسم مطلوب
و صل ضرب را سی عدد کم نموده
و بعد از طرح سی عدد فاضل را

	۸	۱۱	۱۲	۱
۱۴		۲	۷	۱۳
	۳	۱۶	۹	۶
	۱۰	۵	۴	۱۵

بچهار قسم نموده و یکربع را در مربع ببرد بطریق نظم طبیعی
و در دور مربع بنویسد بخط هندی بر صفحه قلعی در روز
۵ شنبه ساعت اول احرقت قلب ۲ ۲ علی حب ۲۲
کما احرقت قلب زلیخا علی یوسف ولیّن قلبه کما لینت الحدید
لداود ۴ مربع بدوح در بیان مخمس مربع را از خانه اول تا
چهارم بدوح را برفتار نظم طبیعی بنگارد و در خانه ۵ ۱۲
بگذارد و باضافه دو تا خانه هشتم و بعد اسم مطط در خانه
۹ بگذارد و باضافه دو تا خانه ۱۲ انگاه عدد آیه انّه

مِن سُلَیمانَ در خانه ۱۳ بگذارد باضافه دو تا خانه ۱۶ بشرطی که وفق لوح عدد ایه باشد بعد ازان وفق را گرفته بعنصر آن رسانند وایه را بعدد خودش بخواند یا بعدد اسم مط احضار مجرب است واگر بطرین مرقوم تا خانه هشتم بعد از آن اسم طالب را عدد گرفته در خانه ۹ یا اسم را بعینه بنویسد باضافه ۳ تا خانه ۱۲ بعد ازان اسم مطلوب را بنویسد وطالب با خود دارد رفتارش اینست که نموده می شود

۱۸	۸ ۷۵	۱۸۲۳	ب
۱۸۲۱	د	۱۶	۸۷۷
و	۱۸۲۷	۸۷۱	۱۴
۸۷۳	۱۲	ح	۱۸۲۵

اگر طالع وقت سعد باشد ودر برجی باشد که صاحبش بقمر دوست باشد مربع رک را پر کند و ط و مط در خانه خالی گذارد وچنان کند که نزد ط باشد ودر وقت مذکور مربع رفد را پر کند و مط درخانه خالی گذارد ویلصق واحداً علی الاخر که اثر تمام دارد چنانچه اگر رک بر کبوتر خانه گذارد و رفد بر کبوتر خانه دیگر کبوتر خانه دویم بکبوتر خانه اول میل کند واگر اول را در لشکری باشد ودویم را بلشکری دیگر دویم را میل اول کند وباول یار میشوند وحامل ایشان

ق ه

قوة تمام دارد و نفع ۴۲۰ ونفع ۲۸۴ صورت وفق در فتارش اینست که نموده می شود اول اینست که نموده می شود

۵۴	۵۸	۶۱	۴۷
	۴۸	۵۳	۵۹
۴۹	۶۳	۵۶	۵۲
۵۷	۵۱	۵۰	۶۲

۶۰

۷۰	۷۴	۷۷	۶۳
۷۶	۶۴	۶۹	۷۵
۶۵		۷۲	۶۸
۷۳	۶۷	۶۶	۷۸

۷۹

اخر ط و مط اول درظهر خانه ۹ ودویم درظهر خانه ۱۶ قرار حاصل شود ودر خانه دویم وفق نماید رفتار اینست

۵۲	۷۰	۸۸	۱۰
	۱۶	۴۶	۷۶
۲۲	۱۰۰	۵۸	۴۰
۶۴	۳۴	۲۸	۹۴

۸۲

۶۷	۹۱	۱۱۵	۱۱
۱۵۷	۱۹	۵۹	۹۹
	۱۳۱	۷۵	۵۱
۸۳	۴۳	۳۵	۱۲۳

۲۷

که باید خانه اولش خالی باشد چه خاکی چه ابی چه بادی چه اتشی فرق نمی کند ورفتارش اینست

۳	۸	۱
۲	۴	۶
۷		۵

حالا میخواهیم اسمی پر کنیم هر اسمی نمی شود و باید اسمی باشد که ثلث صحیح

داشته باشد مثلا باسط ۷۲ است و ثلث صحیح دارد باید دوازده قسمت بشود و یکقسم را درخانه اول عارضی بگذارد و بعد همان قسمت بیفزاید درخانه ۲ بگذارد تا آخر حال ۷۲ دوازده شش است شش را درخانه اول و درخانه ۲ شش است دیگر علاوه کن الی آخر مثال اینست که رفتار نموده می شود

۶	۴۸	۱۸
۳۶	۲۴	۱۲
۳۰		۴۲

مثلث که وفق ۱ و ۱۲ است میشود که ۱۵ باشد مثل اینکه اول درخانه ۱ عارضی مینویسی و ۲ را درخانه ۲ وعوض ۳ ۴ مینویسی یکی زیاد میکنی و درخانه قلب ۵ مینویسی و درخانه ۶ شش و درخانه ۷ هشت مینویسی ایضا یکی زیاد میکنی مثالش اینست که نموده می شود

۱	۱۰	۴
۸	۵	۲
۶		۹

اما هرگاه بخواهی اسمی پر کنی باید ثلث داشته باشد اگر ثلث ندارد نمی شود حالا باسط ۷۲ است دراین جا باید که ۱۵ قسمت بشود ۱۵ پنج سه کم میاید در آن جائیکه یکی علاوه کرده مقابل ایك قسمت باید زیاد شود که درحقیقت ۲ قسمت زیاد شده است وعوض ان یکی که در رفتار زیاد شد دراین

دوبا

۵	۴۸	۱۹
۳۸	۲۴	۱۰
۴۹		۴۳

دوجا که قسمت زیاد میشود یکی کم می شود

باب نهم در بیان محبت و احضار

بجهت محبت و احضار بسیار مجرب است بدانکه اکثر علمای عدد این طریق را عمل کرده اند و دراین باب تاکید و مبالغه کرده اند که از نامحرم مخفی دارند و آن طریقه آن است که آیه اِنَّهُ لِحُبِّ الْخَیْرِ لَشَدِیدٌ را درخانه اول لوح مطهر وضع کنند و در خانه شانزدهم اسم مطلوب را ایضا مطهر وضع کنند و در اول زیاده کنند و در رابع کم برانکه زیادتی برجانب باشد ونقصان درجانب مطلوب زیادتی نماید و اگر خواهد که عکس این عمل کند شاید که مجرب باشد اما بشرط آنکه سوره یس بخواند و باوضو باشد رو بقبله باشد آنوقت مقصود حاصل شود و در وقت عمل بخور لایق مثل صندل و عود و میخك و حسن لبه و دیگر بخورات در آتش اندازد مجرب است

وانه لحب الخیر لشدید ۱۲۹۲	۱۳۰۳	۱۳۰۲	یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله ۱۲۹۲
۱۳۰۱	۱۲۹۸	۱۲۹۱	۱۳۰۴
۱۲۹۵	علی ۱۳۰۰	مصعلح ۱۳۰۵	۱۲۹۴
۱۳۰۴	۱۲۹۳	۱۲۹۶	۱۲۹۹

مربع دیگر دراین مربع تا سیزده خانه عدد حفظ خانه را

نویسند وبعد ازان عدد اسم طالب ومطلوب را وآنچه کلمه محبت یا عداوت که خواهند درا وکنند ازجمیع اعداد بیست یکعدد بینداز ند وبعد ازخانه سیزده چنانچه نوشته شد پرکنند مجرب وازموده است

نوع دیگر انستکه دو دو مینویسند بقاعده اخر بوجه بعد هرعددی را که میخواهند میکرند ونصف

۱	۲۳۴	۱۱		۸
۱۲	۷	۲	۲۳۳
۶	۹	۲۳۶	۳
۲۳۵	۴	۵	۱۰

میکنند بعد از نصف هشت طرح میکنند باقی رادر خانه ۹ مینویسند ویکیک زیاد میکنند تا اخر که وفق باان عدد که کرفته است یکی است واکرکسی باشد درخانه سیزده یکی زیاده میشود مثلا علی ۱۱۰ است نصف ۵۵ طرح ۸ باقی میماند ۴۷ اینست طریق انش

ذوالکتابه ان است مثلا ضلع بالارا چهار اسم مینویسند و عددش را بالا مینویسند اسمی که درخانه اول است ودردور اول واقع شده است خانه

۱	۵۲	۴۹		۸
۵۰	۷	۲	۵۱
۶	۴۷	۵۴	۳
۵۳	۴	۵	۴۸

ازلی

دویمش یکی زیاد میکنند تا دورش تمام شود خانه دیکررا ملاحظه کند اکر دور دویم است سه بیش افتاده است سه عدد از همان اسم کم کند ودرخانه اول دورش بنویسد ودرخانه ۲ یکی زیاد کن تا باخر دورش برسد وهم چنین اسم را ملاحظه کن که از اول دورش دوخانه بیش افتاده است یا سه خانه یا یك خانه همان قدری که بیش افتاده است ازهمان اسم کم کن ودراول دورش مینویس مثال ذوالکتابه است پس هرکاه چهار زاویه را ازاسم بنوسی همین قاعده وکذشت جاری میشود باید ملاحظه دورش را کرد اکر ازاول دورش بیش بیفتاده است دورش اکر بیش افتاده است بیند

۹۲	۱۵۸	۱۱۰	۳۰۳
محمد	محسن	علی	باقر
۱۱۱	۳۰۲	۹۳	۱۵۷
۳۰۱	۱۰۸		۹۴	۱۶۰
۱۵۹	۹۵	۳۰۰	۱۰۹

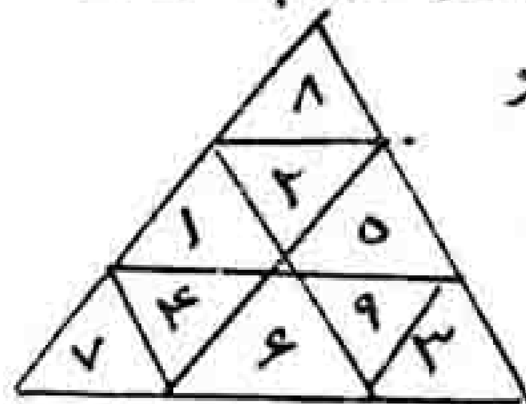
اکر یك خانه بیش افتاده یکی کم کند اکر دوخانه بیش افتاده ۳ عدد کم کند وعلی هذا القیاس هرکاه چهار خانه قلب را بنوبسی بهمین قاعده وهم چنین چهار خانه صلیب ضلع طرف راست ضلع میان ضلع پایین ضلع طرف چپ همه قاعده اش یکی است در مثلث صحیح ومجرب که اسم طالب ومطلوب

و مقصود و اسمی از اسماء الله که موافق مطلب بوده باشد
بعد دور دارد و مجموع عدد را ٩٩ طرح کند دبهر نه
که طرح شد فردی نگاه دارد و آنچه نگاه داشته باشد ٥٥
طرح کند و ببینند که چند پنج شده است آنقدر در بیت اول
گذارد و آن را مضاعف کرده در بیت دوم و همان بیت اول
و دوم را مضاعف کرده در سیم و هم چنین بیت اول و سیم را
در بیت ٤ تا تمام بیوت دور تمام تمام کند چنانچه از طرح
نه نه که مانده باشد در خانه ٥ بزیاد و کم واقع سازد و بعد
از آن عدد کل بیوت عدد جمع است و این اصل عظیم است
و از غرایب معز بیان است مثال چنان است که اصل عدد
نهصد و از نهصد صد ماند و از صد بیست میشود پس ٢٠ را
در خانه اول دادن بدین نوع زنهار در حرام تجربه ننمایند
و بمثال ظاهر تر شود ٩٠٠ نه حصه اش صد میشود و صد را
پنج قسمت کردیم بیست عدد میشود ٥ باین صورت که نوشته
شد و آن

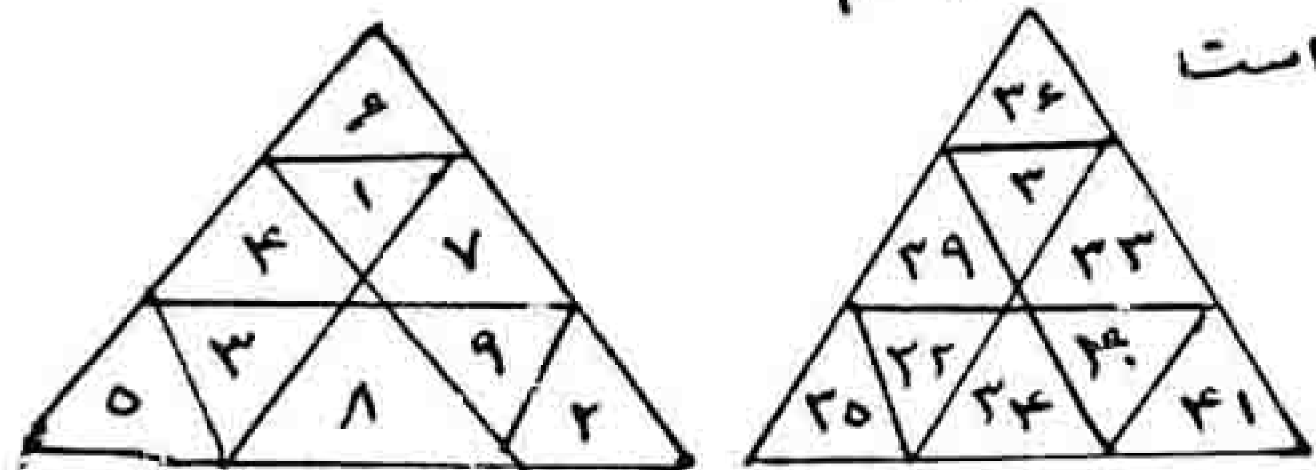
	٤٠	١٤٠	١٢٠
	١٨٠	١٠٠	٢٠
٨٠		٦٠	١٦٠

مثلث هندی هر گاه در مثلث ١
عدد اضافه باشد ١٣ عدد نقصان
نماید و ٣ عدد در خانه ٩

٩ افزاید بدین دستور درج نماید درست آید اینست
مثلث هندی دیگر هر گاه سی و دو عدد باشد ١٤
عدد ١٣ نقصان است نقصان نماید و
یکعدد در خانه ٥ و یکعدد در نه افزاید
بدین دستور عمل نماید موافق افتد



عدد صد بود و کسر ابود ١٣ نقصان
نمودیم باقی ٨٧ بماند او را ثلث کردیم ٢٠٩ و سه عدد
در خانه ٩ افزودیم بدین دستور که عمل شده است مجرب
است



قاعده در نوشتن مربع بدوح در دور اول ٥٦٤٢
نویسد و در خانه ٤ ٤٣٥٢ را ١٢ عدد بطریق دور
اول بنویسد و اسم ط را ١٢٤٦ عدد کم کند در خانه
٩ گذارد و بطریق مذکور بنویسد و اسم مط ٣٥٢ عدد
کم کرده در دور چهارم گذارد و بنویسد بطریق مذکور طالب
محمد ابراهیم مطلوب خیری عدد طالب ٣٥١ طرح ٢١ ث ٣٣
مط ٨٢٠ ط ح ث ٥ ٨١٥ دوره دوره اول از اعداد ٦.

طرح کند و ه قسمت کنند
خمس را درخانه مط نهند
که اگر یکی باشد در ۱۲
واگر دو باشد درخانه ۱۵
واگر سه باشد درخانه ۱۷
یکعدد را اضافه کنند واگر یکی
درخانه ۶ یکعدد را اضافه کنند رفتارش اینست که نموده

حی	۳۳۴	۸۱۷	ب
۸۱۵	د	بدی	۳۳۶
و	۸۲۱	۳۳۰	جواد
۳۳۲	واجب	ح	۸۱۹

می شود

مخمس خالی الوسط
برنظم طبیعی ازمفتاح
تا ۱۹ بنویسد وعدد
اسم طالب ومطلوب
ومدعا را جمع نموده
جمل طرح نماید وباقی
را درخانه بستم گذارد
وبزیادتی واحد ۴
خانه دیگر را پر نماید
وخانه ۵ ۲ که خانه
وسط است وخالی است
اسم مطلوب را بحروف

۱۶	۸	۲۵	۱۲	۴	
۱۵	۲	۱۹	۶	۲۳	
	۲۱	۱۳	۵	۱۷	۹
۳	۲۰	۷	۲۴	۱۱	
۲۲	۱۴	۱	۱۸	۱۰	

۱۸۴	۳	۹	۱۰	۱۶	
	۱۱	۱۷	۱۸۵	۴	۵
۱۸	۱۸۶	علی	۶	۱۲	
۱	۷	۱۳	۱۹	۱۸۲	
۱۴	۱۵	۱۸۳	۲	۸	

مقطعه

مقطعه بنویسد مثال طالب محمد مطلوب علی اسم اعظم
ودود جمعش ۲۲۲ طرح ۴۰ باقی ۱۸۲ وفق ۲۲۲
در مسدس طرح ۱۰۰ است کسرش اگر ۱ بماند درخانه ۳۱ ۶
واگر دو باشد درخانه ۵ ۴ واگر سه باشد درخانه ۱۹ اگر
۴ باشد درخانه ۱۳ واگر ۵ باشد درخانه ۷ یکعدد اضافه
نماید

در مسبع زکواة
۱۶۸ عدد بدهد
بعد از آن کسر اگر
۶ باشد درخانه
هشت یك اضافه
نماید اگر ۵ در
خانه ۱۵ یك اضافه

	۴	۳۴	۳۲	۳۰	۱۰	۱
۲		۱۸	۲۱	۲۴	۱۱	۳۵
	۹	۲۳	۱۲	۱۷	۲۲	۱۸
	۲۹	۱۳	۲۶	۱۹	۱۶	۸
	۳۱	۲۰	۱۵	۱۴	۲۵	۴
	۳۶	۳	۵	۷	۲۷	۳۳

نماید واگر کسر ۴ باشد درخانه ۲۲ یك اضافه نماید
رفتارش اینست

وفق ۴ در چهار بدین اشعار نگاه کن دبازکر وفق
مید هد خدای واحد ثلثها ماه پی نقصان برادران شد
مصر بابهای چنان بروج کوکب سیار مهره برد شمار حصل
که مزاد شام داند آن ۱۲ جهات شش فلك اشکال رمل
۸۰ ۴ ۱ ۱۳ ۷ ۲ ۶ ۹ ۱۶

طلاق زنان ۳ نیمه ماه ۱۵ فصول سال ۴ اصحاب کهف ۵ سبع

ایام قربان ۱۰

وفق هشت در هشت موافق نظم طبیعی صحیح انیت زکواة اش ۲۰۲ است واضح باشد

	۲۲	۴۷	۱۶	۴۱	۱۰	۳۵	۴
	۵	۲۳	۴۸	۱۷	۴۲	۱۱	۲۹
۶	۳۰		۲۴	۴۹	۱۸	۳۶	۱۲
	۱۳	۳۱	۷	۲۵	۴۳	۱۹	۳۷
	۳۸	۱۴	۳۲	۱	۲۶	۴۴	۲۰
	۲۱	۳۹	۸	۳۳	۲	۲۷	۲۵
	۴۶	۱۵	۴۰	۹	۳۲	۳	۲۸

شی

	۳	۱۶	۵۲	۱۴	۵۳	۱۱	۶۴	۲
۵		۳۰	۴۷	۴۹	۲۲	۴۲	۱۵	۶۰
	۵۹	۱۷	۳۲	۳۵	۳۸	۲۵	۴۸	۶
	۵۸	۴۶	۳۷	۲۶	۳۱	۳۶	۱۹	۷
	۸	۲۱	۲۷	۴۰	۳۳	۳۰	۴۴	۵۷
	۵۵	۴۱	۳۴	۲۹	۲۸	۳۹	۲۴	۱۰
	۹	۵۰	۱۸	۶۱	۴۳	۲۳	۴۵	۵۶
	۶۳	۴	۵۱	۱۳	۱۲	۵۴	۱	۶۲

ربع

مربع متسع ۹ در ۹ تعلق بزحل دارد در شرف زحل نوشته در زیر عمارت گذارد هیچ ضرر باو نرسد و در نزد خود نگاه دارد مجرب است زکواة انیت ازا ۳۶۰ بدهند ا

	۴۵	۲۴	۲۳	۱۲	۱	۸۰	۶۹	۵۸	۴۷
	۴۶	۴۴	۳۳	۲۲	۱۱	۹	۷۹	۶۸	۵۷
	۵۶	۵۴	۴۳	۳۲	۲۱	۱۰	۸	۷۸	۶۷
	۶۶	۵۵	۵۳	۴۲	۳۱	۲۰	۱۸	۷	۷۷
	۷۶	۶۵	۶۳	۵۲	۴۱	۳۰	۱۹	۱۷	۶
۵		۷۵	۶۴	۸۲	۵۱	۴۰	۲۹	۲۷	۱۶
	۱۵	۴	۷۴	۷۲	۶۱	۵۰	۳۹	۲۸	۲۶
	۲۵	۱۴	۳	۷۳	۸۱	۶۰	۴۹	۳۸	۳۶
	۳۵	۲۴	۱۳	۲	۷۱	۷۰	۵۹	۴۸	۳۷

مربع ده در ده تعلق بقمر دارد در شرف قمر نوشته با خود دارد همراه خود داشته باشد برای مهمات نیکوست و فایده بسیار دارد مجرب است زکواة ازا ۴۹۵ بدهند موافق نظم طبیعی ۵۰۵ است

	۱۰	۹۰	۹۸	۹	۹۴	۶	۹۸	۵	۹۱	۱
	۴	۲۷	۷۵	۷۶	۲۴	۷۹	۲۳	۸۰	۲۰	۹۷
	۸۹	۱۹	۳۸	۶۳	۶۶	۳۷	۶۷	۳۳	۸۲	۱۲
	۱۴	۷۳	۳۶	۵۶	۵۳	۵۰	۴۳	۶۵	۲۸	۸۷
	۸۸	۳۰	۶۱	۴۹	۴۴	۵۵	۵۴	۴۰	۷۱	۱۳
	۱۵	۷۲	۴۱	۵۱	۶۸	۴۵	۴۸	۶۰	۹۹	۸۶
۸۵		۳۲	۵۹	۴۶	۴۷	۵۲	۵۷	۴۲	۶۹	۱۶
	۱۷	۷۰	۶۸	۳۹	۳۵	۶۴	۳۴	۶۳	۳۱	۸۴
	۸۳	۸۱	۲۶	۲۵	۷۷	۲۲	۷۸	۲۱	۷۴	۱۸
	۱۰۰	۱۱	۸	۲۹	۷	۹۵	۳	۹۶	۲	۹۳

ربع هشت در هشت شرف مشتری است تعلق بعلماء و
اصحاب دیانت دارد چون مشتری در درجه شرف باشد
و قمر بد و متصل این شکل را بنویسد هر کسی که با خود دارد
معاون او باشد بر علم صواب و او را از جهل و علل پاک
گرداند و اگر کسی را دردی یا علتی باشد و علاج آن بر اطباء
مشکل بود این شکل را هم در وقت شرف مشتری و اتصال

قمر بد و شیره انگور بر نان جوین نویسد و در وقت طلوع آفتاب
بدان بیمار دهد شفا یابد بفرمان خدا تعالی او دو شکل
مرقوم شده از کتاب ابوعباس بونی علیه الرحمه است صحیح و مجرب است

	۸	۵۸	۶	۶۰	۶۱	۳	۶۳	۱
	۴۹	۱۵	۵۱	۱۳	۱۲	۵۴	۱۰	۵۶
	۲۴	۴۲	۲۲	۴۴	۴۵	۱۹	۴۷	۱۷
	۳۳	۲۱	۳۵	۲۹	۲۸	۳۸	۲۶	۴۰
	۲۵	۳۹	۲۷	۳۷	۳۶	۳۰	۳۴	۳۲
	۴۸	۱۸	۴۶	۲۰	۲۱	۴۳	۲۳	۴۱
	۹	۵۵	۱۱	۵۳	۵۲	۱۴	۵۰	۱۶
۶۴		۲	۶۲	۴	۵	۵۹	۷	۵۷

	۱۶	۵۱	۵۴	۹	۸	۵۹	۶۲	۱
۵۳		۱۰	۱۵	۵۲	۶۱	۲	۷	۶۰
	۱۱	۵۶	۴۸	۱۴	۳	۶۴	۵۷	۶
	۵۰	۱۳	۱۲	۵۵	۵۸	۵	۴	۶۳
	۳۲	۳۵	۲۸	۲۵	۲۴	۴۳	۴۶	۱۷
	۳۷	۲۶	۳۱	۳۶	۴۵	۱۸	۲۳	۴۴
	۲۷	۴۰	۳۳	۳۰	۱۹	۴۹	۴۱	۲۲
	۳۴	۲۹	۳۸	۳۹	۴۲	۲۱	۲۰	۴۷

باب دهم در بیان اذکار و معرفت ان

روایت میکند حسین بن حسین بابویه از شیخ جعفر بن محمد که هر آن بنده از بندگان خدای عزه و جل و امتی از امتان محمد صلی الله علیه و اله و سلم که باین اسماء عمل کند کارهای دینی و دنیای او کفایت شود و هر پیغمبر که معجزه نمودی از برکت این اسمها بود شرط این است که این اسماء الله را از نا اهل نگاه دارد و رعایت کند و عمل بدین از سر اخلاص کنند تا مقصود حاصل شود انشاء الله هُوَ اللهُ الذي لا اِلهَ اِلّا هُوَ هر که روز هزار بار بگوید حق تعالی اورا از اصحاب یقین کرد اند و هر حاجت که از حق تعالی طلب کند بیابد و هر که بعد از نماز فریضه صد بار بگوید حق تعالی اورا از اصحاب کشف کرد اند و در هر چه نظر کند حکمت ان بروی ظاهر شود هر که از عقب هر نماز دویست نود هشت بار بگوید جمله مخلوقات از آدمی و پری اورا دوست دارند بخشش نمایند و هر چه از حق تعالی طلب کند بیابد و دشمنان او بروی مهربان کردند هر که هر روز هزار بار بگوید هر که اورا به بیند مشفق و مهربان گردد و در اخرت حق سبحانه و تعالی اورا منصور نظر خود کند هر که هر روز نود بار بگوید از خلق بی نیاز گردد و در دولت دنیا استقلال یابد و در عقبی از مملکت باقی

بهره ور گردد

بهره گردد هر که هر روز در وقت زوال صد و هشتاد نوبت بگوید دل او صاف و نورانی گردد و از شر انس و وسوسه شیاطین در امان باشد هر که بعد از نماز جمعه هفت نوبت بر نان نویسد و بخورد ملائکه صفت گردد هر که صد و سی و یکبار بر بیمار خواند شفا یابد و هر که سیصد و هیجده بار بر شرینی خواند و بدشمن دهد بخورد بروی مهربان گردد هر که بر نگینی نقره کند و انگشتری سازد و با طهارت نگاه دارد از شر شیطان ایمن گردد هر که بعد از غسل با طهارت صد بار بگوید بالهام مشرف گردد هر که چهل روز هر روز چهل یکبار بخواند هرگز محتاج خلق نشود و هر کدام در در سازد و در میان مردم عزیز و با حرمت باشد لایق حال ملوکان و اکابر است و مملکت قرار گیرد بر ایشان و هر که از شاه ترسد چون نزد وی برود دوازده بار بگوید از وی ایمن گردد هم لایق حال ملوکان است و هر که بیش از صحبت با زن ده بار بگوید حق تعالی اورا فرزندی دهد که در میان مردم معزز باشد و از لغدای نرسد هر که هر روز آدینه صد نوبت بگوید اورا مونسی فرماید در گور و تنها نگذارند هر که هفت روز روزه بگیرد و در وقت افطار بیست یکبار بر اب خواند و باب دمد و بیاشامد بفرزند نیکو صورت حامله شود هر که بعد از نماز آدینه صد بار بگوید البته مراد حاصل شود انشاء الله

یا غفار اغفرلی ذنوبی حق تعالی گناهان اورا عفو فرماید
و پرده اورا نزد بندگان ندرد حق تعالی غم و محنت از دل او بر
دارد و بر نفس غالب گردد و در میان فرض و سنت جمعه نیت
قهر دشمنان صد نوبت بگوید دشمنانش مقهور گردد هرکه در
شب دوشنبه نیم شب دو رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز سر بسجود
گذارد و هفت بار بگوید توانگری یابد و هر حاجت که بخواهد خود
دارد هم شب در خانه خود یا در مسجد دست بردارد و صد و یکبار
بگوید در سجده افتد که حاجت طلب کند و مرادش برآید
روزی بروی فراخ گردد و محتاج نگردد هرکه بعد از نماز باید
از هر دو دست بر سینه نهد و هفتاد نوبت بگوید دل او روشن و
نورانی گردد و رو بهر کاری و حمی که نهند بروی آسان گردد
هر بستگی بروی گشاده گردد چون بسیار گوید و بدل همراه باشد
از علم و معرفت بهره تمام یابد و هرکه خواهد از امر پنهان
آگاه شود سر شب آینده بعد از دو رکعت نماز صد و پنجاه بار
بگوید آگاهی آن امر در خواب به بیند و بروی نمایند و چون فتنه
و سحری که کرده باشند یا بوده یا گریخته آگاهی یابد سه روز
روزه دارد و هر روز هزار بار بگوید اعلمنی من فلان و نام
مقصود بزبان براند و با طهارت بخوابد که در خواب آگاهی آن

٥١٢٠

بروی روشن گردد هرکه از دشمن صعب ترسد و بیم باشد
هر از بار بر نیت آن دشمن بگوید البته آن دشمن هلاک شود
هرکه در سحر دست برداشته ده بار بگوید و دست بر روی مالد
همیشه دل خوش و خرم باشد و از غم وانده بیرون آید و از جائی
که گمان نبرد نعمت یابد و در روزی بروی فراخ گردد جهت دفع
دشمنان هفتاد و پنج بار بخواند بعد از نماز دیگر و سجده و بگوید
و دعا کند که الهی مرا از شر فلان ایمن گردان البته از شر او امان
یابد روز پنجشنبه چاشتگاه بعد از دو رکعت نماز پانصد بار بگوید
و بعد از آن هر دعا که می کند مستجاب گردد در نیم شب چند آن
بگوید که از خود غایب گردد حق تعالی اورا معدن اسرار غیب
گرداند در شب جمعه بر نیت بر پارچه نان نویسد و بخورد حق
تعالی خلایق را مسخر وی کند بهر حاجت که دارد بعد از نماز
دو رکعت ششصد بار بگوید حاجت اورا روا شود جهت پنهان
داشتن امری از امور صد بیست نوبت بر سنگ سیاه خواند
و بچاه آب اندازد جهت دفع غم و کدورت و جهت فراخی روزی
چهل و یکبار بر آب خواند و بیاشامد برونق نقش در نگین
خاتم نقش کند که نفس و مال و ملک و عرض و زن و فرزند
و آنچه بار تعلق دارد محفوظ باشند جهت محبت در روز جمعه

هزار بار بر شیرینی خواند و بجوزد محبوب دهد و بجهت موافقت
زن و شوهر هزار بار بر طعام خواند اگر زن بجوزد یا شوهر بجوزد
مهر بسته باشد چون هفت روز پانصد بار بگوید بگشاید
هرکه فرزندی دارد و فرمان بردار نیست در وقت صباح دست
بر پیشانی او بنهد و بیست و یکبار بگوید او را از صالحان گرداند
همچنین اسم اعظم است هرکه در سحرگاهان بسیار گوید او را تصرفی
در دلها پید اگردد و عمرش دراز باشد و هرکه این دو اسم را بایکی
یکردد سازد مرادات دینی و دنیای او برآید و مرادات جزئی
و کلی کفایت شود فعلاً مختصر کردیم در بابت این اسماء و دیگر این
این اسمای عظام را که ذکر خواهد شد خواص بسیار است
وجهت هر حاجتی اگر کسی بخواند یا تکسیر کند و یا خود دارد
بسیار بسیار نیکوست اولاً جهت گرسنگی اسم صمد میکند و
انفتوره که قدرت داشته باشد باید خواند و اگر بقواعده
مقرره که از جمل حساب بیرون نباشد بخواند غالباً که بهتر
باشد و اگر تکسیرش و نقش بنگارند هم از آن اعلاست دیگر
جهت اسم هادی و رشید بخواند بهمان قاعده که در آن
دو اسم بیشتر ذکر کرده شده بسیار مفید است اما بشرایط
مذکوره و دیگر بجهت دفع فقر اسم غنی و مغنی بسیار مفید است
ابرا

دیگر جهت ضعف بدن و ماندگی اسم قوی و متین بهمان
قاعده که از بیش ذکر آن رفته بعمل آورد که فایده بسیار
میدهد دیگر جهت دفع مذلت و خواری هم عزیز و عظیم
بعمل آورد بقاعده مقرره دیگر جهت الام و امراض و اسم
شافی و معافی بعمل آورد که بسیار فایده میدهد مجرب
است دیگر بجهت فیض و بستگی خاطر اسم باسط و جواد
بعمل آورد دیگر جهت محبت و وداد اسم حبیب و ودود بعمل
آورد دیگر جهت غلبه بر اعداء اسم شدید البطش بعمل آورد
دیگر جهت حیات و خیر در هر کاری اسم دائم و صبور بعمل
آورد و غرض از عمل آن است که هر نوع که بخواند تکسیر اسماء
مذکوره بنماید و نقش بنگارند و عددش مرتب دارد که
در خواندن مقرر زیاده و کم نخواند و بخور بسوزاند و معید
بساعت مناسب بوده باشد اگر نظر سعدین باشد بهتر است
بهمه حال در روز خوب و ساعات مناسب و طالع سعد و
خوشحال بر این عمل باید کرده با اثر آن ظاهر بشود
واز برای هر عمل غالباً بر عامل صاحب وقوف پوشیده
نخواهد بود که در چه ساعت و چه نظرها و علامت و اگر بتفصیل
آن شروع مرور از مقصود میمانیم و این مختصر گنجایش آن

ندارد حالیا هرسه می که از بیش گذشت اکنون شروع
در لوح چهارده درچهارده کنیم که وعده گذشته وسوره مقطعات
یا اسمای الهی که ازان حروفش مع بینات مرکب است وشرح
وشرحش ازبیش ذکر شده بلی بکحرف یا که مفتاح بسم الله الرحمن
الرحیم است که اسماء الهی داخل است زیراکه حروف بسم
الله الرحمن الرحیم دراصل ده حرف است بلا تکرار او یکحرف
فاتحه اش بادست که داخل حروف نورانی نیست وتعمد ا
این حروف داخل شده تا از قاعده بسم الله الرحمن الرحیم
که فاتحه کلام حق است وخالی نباشد وصورت لوح این
است بدان که مفتوح این ۱۴ اسم ۱۴ حرف نورانی است
وان این است ال مر ص و ک ه ی ع ط س
ح ق ن بینات این حروف بلا تکرار از برای این است
ف دو عدد حروف بینات ج واز حرف بسم الله ب
در ترکیب این چهارده اسم ازاین حرف است ولوح در
مقابل صفحه نوشته شده است

الله	لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	نعوه	عالی	طبیب	سمیع	حاکم	قیوم	نافع
لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	الله	نعوه	عالی	طبیب	سمیع	حاکم	قیوم
ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	لطیف	الله	نعوه	عالی	طبیب	سمیع	حاکم
صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	حاکم	ملک	لطیف	الله	هادی	عالی	طبیب	سمیع
رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	حاکم	سمیع	صفی	ملک	لطیف	الله	نعوه	عالی	طبیب
کریم	هادی	نافع	قیوم	حاکم	سمیع	طبیب	رحیم	صفی	ملک	لطیف	الله	نعوه	عالی
هادی	نافع	قیوم	حاکم	سمیع	طبیب	عالی	کریم	رحیم	صفی	ملک	لطیف	الله	نعوه
نافع	قیوم	حاکم	سمیع	طبیب	عالی	نعوه	هادی	کریم	رحیم	صفی	ملک	لطیف	الله
نعوه	الله	لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	عالی	طبیب	سمیع	حاکم	قیوم	نافع	هادی
عالی	نعوه	الله	لطیف	ملک	صفی	رحیم	طبیب	سمیع	حاکم	قیوم	نافع	هادی	کریم
طبیب	عالی	نعوه	الله	لطیف	ملک	صفی	سمیع	حاکم	قیوم	نافع	هادی	کریم	رحیم
سمیع	طبیب	عالی	هادی	الله	لطیف	ملک	حاکم	قیوم	نافع	هادی	کریم	رحیم	صفی
حاکم	سمیع	طبیب	عالی	نعوه	الله	لطیف	قیوم	نافع	هادی	کریم	رحیم	صفی	ملک
قیوم	حاکم	سمیع	طبیب	عالی	نعوه	الله	نافع	هادی	کریم	رحیم	صفی	ملک	طبیب

در بیان معرفت الالواح

فصل باب یازدهم در بیان معرفت الالواح

بدان ایدک الله تعالی در معرفت این الواح و لوح اوّل از جمله مجربات است و مخترعات شیخ سیف الدّین باخرزی است قدس الله سره هرکه سوره اخلاص درود در حبت اگر جفا بچه کسی محبوس باشد و با جمعی محبوس باشند چون این مربع را بکشند در ساعت اوّل روز پنجشنبه اوّل ماه و نام آن جمع محبوسان را بر ظرف مربع تکسیر کنند و در آستان آن بنده خانه دفن کنند هم در روز آن قوم خلاص یابند و اگر در روز خلاص نکردد در شب جمعه بعد دعایت این لوح را بخوانند در روز البته البته اگر در بند آهن باشند که از ایشان فرو ریزد و از آن بند خلاص شوند و از ساعت نوشتن تا وقت دفن کردن مربع را از چشم عورت پوشیده و نگذارند که شخص جنب بر آن نظر کند و اگر هیچکس نه بیند نیکوتر بود و در این شک و شبهه نیست بدین دستور باید نوشت و این مربع است

قل هو الله احد ٢٢٠	الله الصمد ٢٣١	لم یلد ولم یولد ٢۴٠	ولم یکن له کفوا احد ٣١١
٣٨ یا باری یا جلیل ٣٨	یا کبیر ٢۴٣ ٢۴٣	٢٣٢ یا مبدی ٢٣٢	یا حکیم ٢١٩ ٢١٩
٢٣٣ ٢٣٣	یا لطیف ٢١٨ ٢١٨	٣٩ یا بدیع ٣٩	٢۴٢ ٢٣٢ یا منعم یا باری
٢۴١ ٢۴١	٣١٠ ٣١٠	٢٢١٠ ٢٢١٠	٢٣ ٢٣

لوح دوم

لوح دویم آیت رَبِّ اشرح لی صدری وَیسّر لی اَمری در وددر حبت و این آیة از سوره طه و از مجربات شیخ السّلام سعد الملة والدّین الحموی است و خواص بسیار دارد اما خواصی که زود تر اثر کند و بران مخصوص است آنست که چون شخصی را مهم مشکل بپیش آید که بران عاجز گردد چون این لوح را بر کشد بساعت روز اوّل ماه از روز شنبه یا ساعت هشتم که تعلق بزحل دارد هم در آن روز آن مهم کفایت گردد و دیگر اگر کسی نکاح خواهد کرد و جمعی مانع کردند به نیت نکاح برکشد و در زیر درخت انار مثمر یا توت یا سیب دفن کند که آن نکاح هم در آن روز بر آید دیگر اگر کسی دعوی دارد بان نیت در اول ساعت روز پنجشنبه برکشد که بر خصم در دار القضاء فیروز گردد و مهمات بر حسب دلخواه کفایت شود و در علوم خواندن و دانستن بغایت خوب است و در این شک و شبهه نیست و شکل مربع بدین صورت باید نوشت

ربّ اشرح ٧١١ ٧١١	لی صدری ٣۴۴ ٣۴۴	ویسّر لی ٣١۶ ٣١۶	امری ٢۵١ ٢۵١
٣١٧ ٢١٢	٢۵٠ ٣١٩	٧١٢ ٣۴۵	٣۴٣ ٧١٠
٢۴٩ ٢۴۶	٣١۴ ٧٠٩	٣۴۶ ٢١٣	٧١٣ ٣١٨
٣۴۵ ٣١٧	٧١۴ ٣١۶	٢۴٨ ٧١٢	٣١۵ ٣۴٢

لوح ستیم آیة و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
در وددحسب بجهت هر بیمار که برکشد و نام اورا با آیة حساب
کرده که درین لوح ثبت کرده ان و برو تعلق کند بعد از سه روز
شفاء حاصل کردد و اکر چنانچه بیمار غایت خراب بود و بیم مرک
بود باید که نام بیمار اسم لوح ثبت کند و هم بر ظهر مربع تکسیر
کند و در کوزه آب اندازد و تا بیمار ازان کوزه آب خورد و کوزه
نو باید ازان دیکری اب بخورد و اکر کوزه نو نباشد بعد از شستن
اندرون و بیرون کوزه که این لوح در آن افکند من بعد دیکری
ازآن کوزه آب بخورد تا مدت هفت روز بقدرت خدای تعالی
شفا یابد و این مجرب است و درین شك نیست و باید که مربع
را در موم کرفته باشد مومی پاك و صافی و بعد از شفا یافتن بیمار

ونزل	من القرآن	ماهو شفاء	ورحمة
۱۴۲	۴۷۲	۴۳۴	۶۵۴
۱۴۲	۴۷۲	۴۳۴	۶۵۴
۴۲۳	۶۵۵	۱۴۲	۴۷۳
۶۵۱	۴۳۷	۴۷۲	۱۴۲
۶۵۶	۴۳۶	۴۷۰	۱۴۱
۴۷۴	۱۴۱	۶۵۲	۴۲۶
۴۷۱	۱۴۰	۶۵۷	۴۳۵
۴۳۵	۶۵۳	۱۴۴	۴۷۱

آن مربع را بیمار با خود
نکاه دارد دائم از بیماری
ایمن باشد و لوح را در روز
دوشنبه در ساعت اول
نویسند و در وقت نوشتن
لادن و زعفران قدری
باتش نهند و اکر از سبب

شنن

ضعف بیمار تا روز موعود صبر کردن متعذر باشد باید که
لوح را در ساعت قمر نویسند والله اعلم بالصواب

لوح چهارم از اعمال خواجه عبد الرحمن خازن علیه الرحمه که
صاحب دیوان اعداد و فق اوست و بسیار از اعمال غریبه
و عجیبه از و جود آمده و این لوح را التسلیط خوانده و این آیة
از سوره البقره است فَسَیَكْفِیكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ
در وددحسب چون در اول ساعت روز سه شنبه برکشد بجهت
دفع دشمنان و تسلط بر ایشان یا تسلیط شخصی بر شخصی
از هر افراد که باشد از انسان در محلی که قمر زاید النور باشد
و اندکی مشك و پوست فندق بخور کند و نام مسلط را
با آیة تکسیر باید کرد و این عمل برای تسلیط کردن بغایت
اثری عظیم دارد و فواید بسیار و اکر بعد از سلام نماز جمعه
یا در میان خطبه از برای غایب برکشد بسیار اثر دارد از
برای نفع غایب و پیروزی و سلامت متوجه مقام کردد
و در این لوح خواص بانو رعست زنهار که قاعده این را از
پوشیده باید داشتن مثلاً اکر در تسلط زوج خواهند بر
زوجه حروف ناری و هوائی که در آیه واقع باشد مع آیه
تمام با اسم مرد تکسیر کنند و در لوح ثبت نمایند و حروفات

مانی و قرآنی را با حروف آیه دانه تکسیر کنند و بر ظهر مربع
بر قاعده نحتی ثبت کنند و از مرد توقی باید و ان شخص
لوح را بر دیبای سرخ دوخته و بر بازوی راست بسته که هیچ
شك در این نیست و هرکه این عمل را از جهال پوشیده ندارد
مردود و مطرود حق باشد و بالله التوفیق وهو بکل شیء علیم

لوح پنجم از اعمال شیخ الاسلام والمسلمین سعد الدین الحموی قدس الله سره و این آیه در این لوح درحسب

فسیکفیکهم ۲ ۲۰ ۲ ۲۰	الله وهو ۸ ۳ ۸ ۳	السمیع ۲ ۱۱ ۲ ۱۱	العلیم ۱ ۸۱ ۱ ۸۱
۱۷۸ ۱۷۸	۲ ۱۴ ۲ ۱۴	۸ ۴ ۸ ۴	۳۲۴ ۳۲۴
۸۵ ۷۸۵	۳۲۳ ۳۲۳	۱۷۹ ۱۷۹	۲۱۳ ۲۱۳
۲۱۲ ۲۱۲	۱۸۰ ۱۸۰	۳۲۶ ۳۲۶	۸۲ ۸۲

که الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و این آیة اول سوره
ال عمران است و خواص بسیار دارد و اگر روز یکشنبه در
اول ساعت برکشند دارنده بسیار مهیب و با عظمت
و حشمت نماید در نظر پادشاهان و مقبول القول شود
بفرمان خدای تعالی و اگر در تثلیث زهره و مشتری برکشند
بمشك و زعفران و بشکر گلاب بشویند و بخورد کسی دهند
که او را

که او را بسته باشند که شهوت نتواند کرد فالحال گشاده گردد
و اگر بر مسحور تعلیق کنند سحر و جادوی را در ساعت باطل کنند
و آزموده است و اگر بنام غایبی برکشند که مدتی باشد که رفته
باشد و از وی خبر زندگی و مردگی نیابند و در محراب مسجدی کهنه
دفن کنند یا در میان دو گور کهنه هم در آن چند روز از وی خبر
تحقیق بیاید از حیات یا از موت و اگر کسی این لوح را از خود
تعلیق کند بسیار فتح و روشنائی بروز کار او عاید گردد و در
وقت نوشتن این لوح باید که قمر خوش حال باشد و از نحسین
ساقط و سعد بن ناظر که بسیار کثیر الفواید و مربع الاثر
باشد و بالله التوفیق

لوح ششم از اعمال المانی است در محبة بغایت پسندیده و موثر است خاصه در میان ازواج و احباب اثری عظیم

الم الله ۱۳۷ ۱۳۷	لا اله الا ۱۱۰ ۱۱۰	هو الحی ۳۹ ۳۹	القیوم ۱۸۷ ۱۸۷
۱۸۶ ۱۸۶	۵۲ ۵۰	۱۱۱ ۱۰۹	۱۳۶ ۱۳۸
۱۱۲ ۱۱۲	۱۳۵ ۱۳۹	۱۸۵ ۱۸۵	۶۱ ۱۴۷
۵۰ ۴۰۸	۱۸۵ ۱۸۴	۱۳۸ ۱۴۰	۱۹۰ ۱۱۱

دارد و در هیچ شکی نیست اگر از برای ازواج نویسند در ساعت
اول روز پنجشنبه باید نوشت و باید که قمر زاید النور و از نحوس

ساقط باشد و باید که پنجشنبه اول ماه باشد تا آن دوستی موثر و باقی بماند واگر از برای احباب نویسند باید که جمعه اول ماه باشد و قمر خوشحال و ناظر سبعه و از نحس ساقط و اگر بر ورق کشد یا بر حریر زرد بمشک و زعفران و گلاب نویسد واگر بر حریر سفید باشد اثر زود تر سرایت کند و باید که نام شخصین با آیت ضم کند واگر بر ظهر مربع تکسیر کند هم شاید و درین عمل بسیار الواح ساخته اند اما این از مجربات است و در نزد اهل این فن این لوح فواید بسیار است بغیر از محبت و الفت و درین لوح دو آیه درجست اول یُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ و دویم وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي لَشَدِيدٌ واین لوح را اهل اعداد مخفی داشته و تکسیر این رمز بسیار است والله اعلم

لوح هفتم واین آیه در وددر حسب که وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ ودر این آیه اثر عداوت وفرقت وجدائی افکندن است در روز شنبه اخر ماه

يحبو والقيت ٥٧٣	نهم عليك ٢٢٥	كحب محبة ٤٨٠	الله مني لشديد ٥١٤
٥١٥	١٧٩	٢٢٦	٥٥٢
٥١٥	١٣٢٠	٢٢٦	٥٨٠
٢٢٣	٥٧١	٥١٦	٨٢ مرا
٢٢٧	٥٧٩	٥١٦	١٣١٩
٨١ مرا	٥١٧	٥٧٠	٢٢ مرا
١٣١٨	٥١٧	٥٧٨	٢٢٨

باید نوشت واگر قمر منحوس و بدحال باشد بسیار عظیم الاثر باشد و در وقت نوشتن بخور زحل بر آتش نهند و با کسی سخن نگویید تا تمام کردن لوح واین از اعمال رئیس ابو علی است و بسیار وصیت کرده اند در نا کردن این عمل مگر بحسب ضرورت از برای کمند اثر عداوت زودتر واقع میگردد از محبت و به تخصیص که این لوح را از اعمال قاطعه است زنهار والف زنهار که بی جذره بنویسد واین لوح اینست

لوح هشتم ودر این لوح آیه نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ودرج است از اعمال شیخ برهان الدین و خواص بسیار دارد اگر بر کشد در ساعت

وَالقينا ١٩٨	بينهم ١٠٧٠	العداوة ٥١٢	والبغضاء ١١٤١
١٨٤٢	٥١١	١٠٨	١٩٢
١٨٣٨	٥١١	١٠٨	١٩٧
١٠٩	١٩٦	١٨٤٣	٥١٢
١٠٩	١٩٦	١٨٣٩	٥١٤
٥١٩	١٨٤٤	١٩٥	١١٠
٥١٣	١٨٤٠	١٩٩	١٠٢

افتاب اول روز یکشنبه بر حریر زرد با اجتماع قمر و افتاب بنام هر کسی بر کشد بر اعادی تسلط کند و تسلط بغایت باشد اگر بر علم لشکری کشند بر لشکر بیگانه ظفر یابد واگر در میان بنویسد یکی را بر دیگری تسلط باشد واگر در حالت اجتماع

رین بنام خود برکشد در نزد ملوك وسلاطین وهمه خلق محترم
باشد واگر بنویسد بساعت مریخ در اول سه شنبه وباید که قمر
با مریخ نظر تثلیث یا تسدیس باشد ودر دیوار خانه در طرف
قبله پنهان کند وهر سحر وجادوی که کرده باشند وکنند بر اهل
آن خانه باطل شود ومعاش بر ایشان آسان گردد وکسی را
بر ایشان تسلط نباشد در هیچ حالتی وبه نیك نامی منسوب شوند
باید که از مناهی متحرز باشد تا اثر زود تر حاصل آید وبالله التوفیق

لوح نهم ودرین لوح آیة الله لطیف بالعباده ودر حسب هم از اعمال شیخ برهان الدین علیه الرحمة وخواص بسیار دارد اما

نصر ۳۴۰	من الله ۱۵۶	وفتح ۴۹۴	قریب ۳۱۲
۳۱۱	۴۹	۱۵۵	۳۴۱
۱۵۳	۳۴۲	۳۱۰	۴۹۶
۴۹۷	۳۰۹	۳۴۳	۱۵۱۰

خواصی که این لوح بدان منسوب است آنست که چون بزرگی
از مرتبه خود بیفتد واز انقلاب او را شکستی افتد چون این لوح
را برکشد در اجتماع بدین واز خود تعلیق کند اندکی بر اید باز
بجاه ومرتبه خود رسد وکار او از انحلال بالاتر شود واگر کسی
این

این لوح را با خود بطهارت نگاه دارد فواید بی حد ونفع
بسیار بروز کار او عاید شود واین اسرار از حکماست وباید
که در محل نوشتن مثل منازل قمر را رعایت کنند وآن منزل
که مناسب عمل باشد رعایت کنند تا در عمل خطا واقع نشود

لوح دهم گفته شیخ محی الدین وابو العباس که این لوح کثیر الفواید است خاصه در طلب معاش وتخلیص از حقوق الناس دارند

الله ۶۶	لطیف ۱۳۹	بعباد ۷۵	ه ۹
۱۰	۷۴	۱۳۰	۶۵
۱۳۱	۶۴	۱۱	۷۳
۷۲	۱۲	۶۳	۱۳۲

این لوح از دین
مردم خلاص یابد ومعیشت روز کار بر او گشاده گردد
زنهار که بی وضو با خود نگاه ندارد گفت شیخ قدس سره
که این لوح دلالة می کند بر جاه وعزة وهیبة هر که این
لوح را برکشد در ساعت سعد وبا خود به پاکی نگاه دارد صاحب
جاه ومنصب شود ودر چشم مردم به هیبت وصلاب نماید
وعزیز ومکرم باشد واگر مهمی باشدش با سلاطین وامرا و
حاجتی زود روا گردد باید که از نظر نامحرم پوشیده دار

و مربع این است والله اعلم

الم الله ۱۳۷	لا اله الا هو ۱۱۰	الحی ۴۹	القیوم ۸۷
طه یس ن ۱۸۴	هو هادی طس ۵۲	کا فی ۱۱۱	مومن ۱۳۶
ولی وکیل ۱۱۲	مسهل ۱۳۵	سید عالی ۱۸۵	بهی بل ۵۱
ن ۵۰	طاسیم طاها ۷۶	ص حم ۱۳۸	طسم ۱۰۹

باب دوازدهم معرفت خواصی از طلاسم

فایده از حضرة امیر المؤمنین ع که هرکه بر او ببندد محفوظ شود از جمیع بلیات وافات نزد مریض گذارد شفاء یابد از سحر را باطل کند واگر نزد طفل گذارد از جن وانس محفوظ باشد ودرو شنائی چشم را زیاد کند واین لوح اینست والله اعلم

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	لم
لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	لم	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	لم	کفوا	احد

لز ۲ فایده هرکه این طلسم را باخود دارد وفایده بسیار دارد و چون نقش کند بر جامی ودر آب انداز دوان آب را بخورد از جنون جن و وسواس محفوظ باشد وان مربع اینست

لز ۳ فایده هرکه این شکل خاتم علی ابن ابی طالب ع باخود دارد از جمیع بلاها وافتها وبیماریها درپناه خداوند باشد والله اعلم

۱۸۹۲	۶۷۰	۳۲۹	۱۶۴۲
۳۹۲	۱۶۴۲	۱۵۹۲	۶۷۵
۱۶۴۲	۳۲۹	۶۷۵	۱۵۹۲
٤٠٥	۹۹۲	۱۶۴۲	۳۲۹

لز ۴ فایده هرکسی این شکل را باخود دارد در نزد خلایق عزیز ومحترم باشد وهی هذا والله اعلم

ال ۲ ح ه
۱۱ ع ۲ ح ۸ ۸ ه ۱ ح
۲۱۸ ح مسح ال الا ۸ ح

لز ۵ فایده هرکه این شکل خاتم را باخود دارد وهر روزی که میکند دولت ونعمت براو گشاده گردد ودر دنیا نیاز بر کسی ندارد ونعمت براو زیاد شود والله اعلم واین شکل ثبت صفحه است

۱۸ ح ۱ ح ۱۱۱ و ۱
۱۸۶ ح ل و ۰
۱۱۱ ۸ بدح ۰۰
۱۲ حم ۰۰ ۰۰ ۹۰

فائده هرکس این شکل را با خود دارد زبان جمله خصمان بروی بسته گردد و بسیار تجربه شده است والله اعلم اینست شکل

۱۰۰ل۱۰۱۱ محه ۱۹۱۱۰ ۸۰
۸۲۹۱۱۱ ل : ۱ ۲
سمه ل ۵ ۱۱۱ ل : ۱ ۲
۹۸۱۸۲۱ ل۹۱۸ اما ل ۹۶

فائده هرکس این شکل را باخود دارد پادشاهان و بزرگان مهربان او باشند و در امان خدا باشد والله اعلم اینست شکل

ن۱۱۱ ۹ ع ۱ ص ر
۸ ی ۵ ع ا ۵ ۱ ۹ کل
۱۱۱۰۰ سمه ام ۵ ۰ ۵ ۰ ۰

سمه ام ۹۵ ۱۱ ع رث ۱۱

فائده هرکس شکل را باخود دارد هرکس نظر براو اندازد مهربان او گردد و در نظر خلایق و بزرگان عزیز و شیرین کلام باشد و شکل اینست

۹۱ ع ۱۱ ۱۱ ۹ ع وه
ع۱ و ۱۱ ـــ

فائده هرکس این شکل را خاتم را باخود دارد از جمیع آفتها ایمن گردد و این شکل اینست در مقابل صفحه است

۸ ۱۱ ۲ ۹۹۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۳
ل ل م ل ۱۱ ۱۱ ۹ ر ۹۹ ۱ ۸
۸۰ ۱ ۱۱۱ ۹ ۵ ۹ ل ۱۱۰ ۹ ۱ ر
۱۱ لا ع ۹ ل ل ل ۵ ل ۹ ۱ ۲

فائده هرکس این شکل را با خود دارد ثواب بسیار دارد شکل مکرم و معزز پیش خلق میشود اینست شکل

۱۱۸ ۱۱ ۹ ۱۱۱ ل ط ۱۱ ۱۱ ۲
ع صح ۱۱۰۰ام ل ۱۹۱۹۱ل ۱
۸ ۹ ع ۲ ۱۱ل ۱ ۲

فائده هرکس این شکل را باخود دارد از جمیع بلاها و در جمیع گرفتاریها ایمن باشد و این شکل اینست

۰۰ ۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ـــ ۵
امه ل ل ا ل ۹ ۱ ۹ ۹
۹ ۱۱ ۱۱ ـــ ـــ

فائده هرکس این طلسم را بجهت محافظت از مرگ مفاجات و ناگهان و درد های بد بنویسد و باخود دارد محفوظ میباشد و طلسم اینست

۹ ۱۱ ۹ ۱۱ ۳ ۹ ۵
۰۰ع ۱ل ۹ ۵ ۱۱ ح
:: ۱۱ ۳ ع ۲ ۱۱ ۹ ۵ ۱۱ :: ۹
۹ع ۱۹ل ۴ ل ۵ ۱ ۸ ۱

فائده اگر خواهی نزد بزرگان با عزت عزیز باشی بنویسید در خرقه بدوزد مجرب است

۱۱۳۳	۱۱۴۶	۱۱۴۳	
۱۱۴۴	۱۱۳۹	۱۱۳۴	۱۱۴۵
۱۱۳۸	۱۱۴۱	۱۱۴۸	۱۱۳۵
۱۱۴۷	۱۱۳۶	۱۱۳۷	۱۱۴۲

موخر است

کـ۹۱ع ۵ ۹۱ ۲ ۲۸۱۲۲ مممم

مقدم ۱۱ و ۲ ۱۰ ۲ ۲ ۸ ۲ ۱ ۱۹ ۱۹ ۱۱ ۱۱م ۱۱۱ ۲ ۵ ۳ ۱ ۲ ۲

باب سیزدهم در بیان معرفت لوح شرف راس کل کواکب

بدان ایدک الله که شرف رأس وشرف کل کواکب دراست ویلی اسم که حصه راس است اکر در هر شکل از اشکال مفرده بنکارند بهتر است ودر معتدل الدور والتکثیر اینست ومعتدل الدور وعددی اینست که در صفحه نموده شده ومعتدل التکثیر در صفحه مقابل نموده شده ومعتدل التکثیر در صفحه نموده شده الله اعلم

لوح شرف راس وشرف کل کواکب

۱۳۹	۲۱۸	۱۴۷	۱۷۱	۱۴۳	۱۹۱	۱۸۳	۲۰۰	۲۱۵	۱۴۵
۲۲۰	۲۰۵	۱۴۸	۱۹۰	۴۶	۱۳۵	۱۵۲	۱۸۴	۱۵۰	۲۰۱
۱۴۹	۱۸۲	۱۴۴	۱۴۹	۲۱۴	۲۱۷	۱۳۴	۱۶۰	۱۷۰	۲۰۱
۲۰۷	۱۹۴	۱۴۲	۲۱۳	۱۴۸	۲۰۳	۲۱۹	۱۳۸	۱۵۶	۱۷۳
۱۳۹	۱۲۷	۲۱۴	۱۴۶	۱۷۰	۱۸۰	۲۰۶	۲۲۱	۱۳۱	۱۶۱
۱۴۰	۲۱۰	۱۹۲	۱۸۱	۱۹۵	۱۵۷	۱۶۹	۱۵۵	۲۲۲	۱۳۳
۱۵۹	۱۲۹	۲۲۳	۲۰۴	۱۷۸	۱۲۰	۱۵۱	۲۰۷	۲۴۳	۱۸۹
۱۷۵	۱۴۴	۱۲۸	۲۲۳	۱۹۹	۱۵۴	۲۱۱	۱۳۸	۱۹۳	۱۵۴
۲۳۰	۱۶۴	۱۴۲	۱۲۷	۲۳۴	۲۰۹	۱۴۱	۱۸۸	۱۱۵	۱۰۴
۲۱۲	۱۵۲	۱۷۹	۱۴۵	۱۲۰	۱۴۲	۱۸۷	۱۷۴	۱۹۸	

	لوح سعادت راس وسعادت کل کواکب								
الم	المص	الر	المر	کهیعص	طسم طه	یس طس	حم ص	حمعسق	ن ق
المص	الر	المر	کهیعص	ن ق	الم	طسم طه	یس طس	حم ص	حمعسق
الر	المر	طس طه	ن ق	حمعسق	المص	الم	کهیعص	یس طس	حم ص
المر	کهیعص	ن ق	حمعسق	حم ص	المر	المص	الم	طسم طه	یس طس
کهیعص	ن ق	حمعسق	حم ص	یس طس	المر	المر	المص	الم	طسم طه
ن ق	حمعسق	حم ص	یس طس	طسم طه	کهیعص	المر	الر	المص	الم
طسم طه	الم	المص	المر	الر	یس طس	حم ص	حمعسق	ن ق	کهیعص
یس ص	طسم طه	الم	المص	الر	حم ص	حمعسق	ن ق	کهیعص	المص
حم ص	یس طس	کهیعص	الم	المص	حمعسق	ن ق	طسم طه	الر	الر
حمعسق	حم ص	یس طس	طسم طه	الم	ن ق	کهیعص	الر	الر	المص

لوح شرف قمر

المر	طسم	حمعسق
۲۴۳	۲۳۶	۲۲۹
۱۹۴	۳۱۴	نافع

لوح سعادت قمر

۳۸	۳۹	۳۴
۳۳	۳۷	۴۱
۴۰	۳۵	۳۶

لوح سعادت قمر

۵۸	۵۳	۵۴
۵۱	۵۵	۵۹
۵۶	۵۷	۵۲

لوح شرف عطاردی

المر	طس	حم	ق
۴۹	۹۹	۲۳۲	۴۸
۹۸	۴۶	۷۲	۲۳۳
۷۲	۲۳۳	۹۷	۴۷

لوح سعادت عطارد

ک	۱۳۴	۲۶	ق
۲۷	۹۹	۲۱	۱۳۵
۹۸	۲۴	۱۳۸	۲۲
۱۳۷	۲۳	۹۷	۲۵

لوح شرف زهره

الر	طسم	ص	کا	م
۹	۴	۲۳۰	۱۰۵	۹۱
۱۰۶	۹۷	۱۰	۴۲	۲۲۳
۴۳	۲۳۴	۱۰۷	۸۸	۶
۸۹	۷	۳۹	۲۳۵	حق

لوح سعادت زهره

ر	۲	۱۵	۳	ح
۴	۹	نافع	۱۷	۱۶
جی	۱۲	۵	۱۰	۲۰۲
هو	۲۰۳	واحد	۱۳	۱
طه	۲	۷	۲۰۴	۲۰

لوح شرف شمس

الر	طه	ی	س	ح	م
طه	س	م	الر	ی	ح
ی	م	ح	طه	الر	س
م	ح	س	ی	طه	الر
س	الر	طه	ح	م	ی
ح	ی	الر	م	س	طه

لوح سعادت شمس

۷	۴۰	۳۹	۳۷	۱۲	۱۵
۴۳	۱۰	۱۱	۱۳	۳۵	۳۸
۱۷	۳۰	۲۴	۲۹	۲۵	۳۴
۲۰	۳۳	۲۱	۲۶	۳۶	۱۴
۳۱	۱۸	۲۸	۲۳	۴۲	۸
۳۲	۱۹	۲۷	۲۲	۹	۴۱

لوح شرف زحل

المر	ا	ل	ر	ا	ل	م	ح	م
ح	م	م	ا	ل	المر	ا	ل	ر
ل	ر	ا	م	م	ح	ل	المر	ا
ل	المر	ا	ل	ر	ا	م	م	ح
م	ح	م	المر	ا	ل	ر	ا	ل
ا	ل	ر	ح	م	م	ا	ل	المر
ا	ل	المر	ا	ل	ر	ح	م	م
م	م	ح	ل	المر	ا	ل	ر	ا
ر	ا	ل	م	ح	م	المر	ا	ل

بدانکه این فضیلت در الواح که حکماء وضع کرده‌اند وخواص آن علیحده نوشته‌اند وبفکر صایب واندیشه بسیار از آیات قران واسماء الله فتح اخراج کرده پس حرفها بحساب جمل عدد کنند بروفق اعداد که برقسم هندی مثبت است در طول وعرض وقطر بریک نسق باشد لوح اول لوح نه در نه نام باری تعالی را که افضل اسماء الله بتمامها در لوح کردم مبداء او ۱۳۸۳ منتهی او ۱۳۹۸ او وفق او ۶۲ ۹۵ وعدد الضلع او

لوح شرف مریخ

ک	ه	ع	ص	الر	هم
الم	هم	الص	ک	ه	ع
ه	ع	ص	الر	الم	المص
هم	المص	ک	ه	ع	ص
ع	ص	الر	الم	المص	ک
المص	ک	ه	ع	ص	الر
ص	الر	الم	المص	ک	ه

لوح سعادت مریخ

۴	۳۸	۳۴	۲۴	۱۴	۲	[illegible]
۴	۱۰	۴۱	۳۷	۳۵	۳۷	۱۹
۳۸	۲۰	۵	۱۱	۴۳	۳۶	۲۹
۲۵	۲۰	۲۸	۹	۲	۱۳	۴۴
۱۳	۴۴	۲۰	۳۱	۲۳	۱۵	۷
۱۲	۱	۱۴	۴۵	۳۱	۳۳	۳۴
۴۲	۶۵	۱۷	۸	۶	۴۲	۳۸

لوح شرف مشتری

ل	ر	ا	ل	م	حم
ر	حم	الم	ا	ل	م
حم	م	ا	المر	ر	ل
م	ل	ل	ا	المر	ا
ل	ا	و	ل	ا	المر
ا	ل	ل	م	حم	و
الم	ا	م	حم	ا	ل
ا	المر	حم	ر	ل	ا

لوح سعادت مشتری

۲	۴۵۶	۲۲	۲۴	۳۴	۳۲۴	۶۱	ع
۲۶	۲۴	۳۱	۴۵	۶۴	۵۹	۳۵	۴۵۸
۲۸	۲۵	۴۱۰	۳۱۰	۴۶	۲۹	۴۵۴	۴۴
۴۵۹	۳۸	۲۱	۲۴	۴۵۵	۳۲	۴۲	۶۰
۳۶	۴۵۰	۱۵	۴۴	۴۰	۴۴۴	۶۹	۴۲
۶۴	۴۱	۳۹	۴۴۹	۹۰	۴۱	۳۲	۳۴۵
۴۴	۶۸	۴۵۲	۴۰	۴۰	۶۲	۴۴۸	۴۴
۴۵۱	۴۱	۴۲	۶۲	۴۴۲	۴۵	۵۹	

	لوح سعادت زحل							
۳۴	۴۱	۴۰	۸۱	۸۴	۸۵	۷۳	۷۷	۱۴
۴۳	۹	۴۲	۸۸	۸۴	۹۰	۷۹	۷۵	[illegible]
۳۸	۳۷	۴۲	۸۳	۸۴	۷۷	۷۴	۷۳	۷۸
۹۶	۱۴۱	۱۳	۴۳	۴۸	۴۷	۳۷	۳۳	۳۱
۱۰۴	۱۰۳	۹۶	۷۰	الله	۴۳	۳۴	۳۰	۳۴
۱۰۱	۱۰۰	۱۰۵	۴۵	۴۴	۴۹	۳۶	۳۸	۳۴
۵۴	۵۹	۵۸	۴۵	۵۰	۴۹	۹۰	۹۵	۹۴
۱۴	۵۷	۵۳	۵۳	۴۸	۴۴	۹۷	۹۴	۸۹
۵۴	۵۵	۴۰	۴۷	۴۴	۵۱	۹۳	۹۱	۹۴

باب چهاردهم دربیان طلسم وقواعد کواکب

۳۸۲۴۸ چنانچه درخانه‌ها کانه ثبت افتاد واین لوح بغایت سرنفس است تمام الوفق کثیر الخواص عزیز الوجود واورا قاضی الحاجات مساکین کویند بهرنیت که وضع کنند میسر کردد مثلا دیدار سلاطین وعمل وریاست واشرف افتاب برکشد ودیدار ائمه وسادات واشرف مشتری ودیدار خواتین واصحاب عزت رابشرف زهره ودیدار امرا واتراك ودفع خصومات وطلب صلح بشرف ودیدار وزراء وتجار

وامثال

واصحاب صناعت وامثال آن بشرف عطارد ودیدار مشایخ ودهاقین واهل قلاع وطلب حاجات ازایشان وبناهای عالی نهادن وبردن آوردن جواب ارکانها بشرف زحل ودیدار رسولان وپیغام فرستادن ومهمانی که بعوام الناس تعلق دارد بشرف قمر که طالع اوتادو مواضع مشرف نیفر عداوت تاباسانی مراد بحصول پیوندد انشاء الله تعالی

الاول المرتجی الحکم الولی الغنی نجیب ۲۳۹۷	الحی القیوم الغنی الواسع الباقی الرشید ۲۳ ۹۳	الرب الغفور المقدم الرئی المعل ۲۳۹۴	هوالله الذی لا اله الاهو الرحمن الرحیم البارئ المتکبر ۲۳۸۳
الاحد العدل الحفیظ الحسیب الصبور الغفار ۲۳۹۷	الملك القدوس المجید الخافض الجامع الروف ۲۳۸۴	النافع العلی العظیم الباطن الحی المتکبر ۲۳۸۹	النور الصمد الحی المتین المالك الملك ذوالجلال والاکرام ۲۳۹۴
القابض المضر الوهاب المصور الشکور الواحد الجلیل ۲۳۹۵	المقتدر الباسط الوارث المقسط المانع الشهید ۲۳۹۸	الاول الاخر الاحد الممیت المتعال التواب المجید ۲۳۹۱	الصار الماجد السمیع اللطیف الباعث القول ۲۳۸۸
الخالق القادر المم الدافع المبدئ الرقیب الکریم ۲۳۹۲	البدیع الطاهر الجبار ۲۳۸۷	المحصی الفتاح العزیز الحکیم الهادی الحمید الغفار ۲۳۸۴	الوکیل المنعم المقسط المؤمن العلی القدیر العزیز الکبیر ۲۳۹۷

هرکس این طلسم درساعت سعد بنویسد وباخود دارد درنظر جمیع خلایق عزیز ومحترم وکرامی باشد واکر کسی با مهم عظیمی

ن این طلسم در ساعت سعد بنویسد و باخود دارد و بیم
ن مهم رود البته بکیرد واکر این طلسم برای محبت نویسد و بشود
ر در یك طعام کند هر کسی ازان طعام خورد از عشق دیوانه
شود و ارام نکیرد واکر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کردانی
ین طلسم را در کلاب اندازد و سر و روی خود را بشوید البته
ز عشق بیقرار شود واکر زنی را فرزند نشود این طلسم را در
اب بشوید وازان اب غسل کند البته حمل بهم رساند بفرمان
خدا تعالی واکر خواهی کسی را اواره کنی این طلسم را در آب
نمك بشوید ودر منزل ان بریزد البته آوره شود واکر این
طلسم را در ساعت مشتری بنویسد وباخود دارد ازبرای
حاجتی کسی دور حاجتش براورده شود واکر خواهی میان دو
کس جدائی اندازی این طلسم را در ساعت زحل بر پوست
حمار بنویس و در دو راه کذر انها دفن کند البته جدائی افتد
که دیکر همرا نبوند دید واکر خواهی میان جمعی تفریق اندازی
در روز سه شنبه در ساعت زحل بنویس و بآب مرده
خانه بشوید ودر مقام انها پاشیده متفرق شود اکر این
طلسم را بنویسی و ... در سر خود پنهان کنی و برابر بزرکی رود
حاجتش بزودی براید واکر کسی را ازراه دور بیاوری
بکوئی.

بنویس و بر باد بیاویز اکر صد فرسنك دور باشد بیاید واکر
این طلسم را بنویسی و باخود داری در ساعت زهره اکر
درویش باشی توانکر کردد واکر در شرف افتاب بر طلا یا
بر نقره یا هفت جوش نکند و باخود دارد در نظر خلایق با
سلابت و عزت و با حرمت بوده باشد و در نظر امراء و حکام
با حرمت و عزت باشد واکر شك بیاورد کافر کردد و خواص
این طلسم معزبی بسیار است وعدد سوره مبارکه یس

۴۴۱۴۶	۴۴۱۵۲	۴۴۱۵۸	۴۴۱۵۷	۴۴۱۴۰
۴۴۱۵۹	۵۰۷۴۳	۴۴۱۴۱	۴۴۱۴۷	۴۴۱۵۳
۴۴۱۴۲	۴۴۱۴۸	۴۴۱۵۴	۴۴۱۵۵	۵۷۶۲
۴۴۱۵۰	۴۴۱۵۶	۵۷۴۴	۴۴۱۴۲	۴۴۱۴۹
۵۷۶۵	۴۴۱۴۳	۴۴۱۴۵	۴۴۱۵۱	۴۴۱۵۷

٢٢٧٣٥٢ و علما و حکما اتفاق نموده اند که این شکل
مسعود ترین شکلها ست و این بر خاتم سلیمان نقش بوده و
اصحاب علم جفر این را کنند تاج الزهره میخوانند و شرح این جمله
بسیار است هر بامداد باید نگاه کرده که فواید عظیم دارد و ماه
نو بر این شکل نظر کند



و شیخ بونی فرموده که هر که بنویسد این اسم را باین طریق و با خود دارد
و بعد ذکر ورد سازد یکصد و ده روز اگر خوار بود عزیز گردد و اگر
در مرتبه اولی عالیقدر شود و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر

غریب

غریب بود بوطن خود باز رسد و بر دشمن قوی ظفر یابد و او را
در میان خلق هیبت تمام و تقرب ملوک و سلاطین یابد و
خواص بسیار دارد اما در وقت نوشتن باید که آفتاب در برج
حمل باشد و قمر با سعودین ناظر و اگر کفین ساقط بود و
باید که احتراق به هیچ کوکب نباشد و در حین کتابت این لوح
را بخور بسوزاند و در جای مرتفع و خلوت پاک تنهائی ا
اختیار کند و با حضور دل نویسد

العلی العلی العلی العلی العلی

یا علی یا علی یا علی یا علی

١٢٠٦	[illegible]	١٢٦٨	١٢٥٣
[illegible]	١٢٠٨	١٢٥٣	١٢٦٩
١٢٠٢	[illegible]	١٢٦٤	١٢٥٩
	١٢٠٥	[illegible]	١٢٦٤

١٣٦٣ ١٣٦٣ ١٣٦٣ ١٣٦٣ ١٣٦٣

بدانکه هر که این خاتم را
بشرایطش کتابت کند
و مکتوب را در میان
رخت بار خواب نهد
خواه در سفر باد در حضر
محفوظ و محروس باشد
دست دزدان و فا
سقان و قاطعان
طریق از تصرف در
آن ایمن باشد و جمله بینی وی ذلیل و حقیر شود و اگر بر سلطان
قهار یا ظالمی خونخوار در آید از ضرر و غضب و سیاست ایشان
محفوظ و مصون ماند بلکه نسبت بوی در مقام لطف و احسان

شوند و بر حاصل این خاتم امور عجیب و اسرار غریبه منکشف کردد
واگر آن را بر ظرف چینی پاك نویسد بمشك و زعفران و كلاب و
كافور و باب طهور محو سازد واشراب مریض کند خواه ان
مریض باطنی باشد و خواه ظاهری شفا یابد واختلاف وی شك
شور و هیت و مهابت شارت ابه در دلها مراتب کند و خواص
این خاتم بسیار است واز خوف نظر بد بوز ستد اختصار می افتد
وخاتم بزرگوار این است



واگر خواهی که خداوند طالع
بادی را مسخر کردانی بنویس
این مربع را در وقتی که قمر
در برج بادی باشد و در
باد بیاویزد یا به پره چرخ
یا شاخ درخت میوه دار بیاویزد
و مربع اینست

۲۲۱	۲۲۴	۲۳۱	۲۲۸
۲۳۲	۲۲۷	۲۲۲	۲۳۳
۲۲۶	۲۲۹		۲۲۳
۲۳۵	۲۲۴	۲۲۵	۲۳۰

اگر خواهی که خداوند طالع
اتشی را مطیع خود کردانی
باید که این مربع را در وقتی
که قمر در برج آتشی باشد

وازین

نوشته در شیشه یا در سبب شربن یا در تخم مرغ یا در خمیر کرفته
و در اتش دفن کند مربع اینست

۸۷۱۰	۸۷۲۳	۸۷۲۰	۸۷۱۷	
۸۷۲۱	۸۷۱۶	۸۷۱۱	۸۷۲۲	
۸۷۱۵	۸۷۱۸		۸۷۱۲	۸۷۲۵
۸۷۲۴	۸۷۱۳	۸۷۱۴	۸۷۱۹	

واگر خواهی که خداوند طالع
آبی را مطیع خود کردانی بنویس
این مربع را در درون بنجر دسر
اورا محکم کرده در وقتی که قمر
در برج ابی باشد درمیان حوض یا آب جوی اندازد و مربع اینست

۱۳۱۱	۱۳۲۴	۱۳۲۱	۱۳۱۸	
۱۳۲۲	۱۳۱۷	۱۳۱۲	۱۳۲۲	
۱۳۱۶	۱۳۱۹		۱۳۱۳	۱۳۲۶
۱۳۲۵	۱۳۱۴	۱۳۱۵	۱۳۲۰	

اگر خواهی خداوند طالع خاکی
را مطیع خود کردانی بنویس
این مربع را در در مسجدی
یا جای پاکیزه در در مسجدی
در ره کذری انکس کذر
کند در وقتی که قمر در برج خاکی باشد عمل نتیجه خوب بدهد
اما بجهة احتیاط کار بنام هرکه خواهد مربع اینست

۵۵۵۵	۵۵۶۸	۵۵۶۵	۵۵۶۲	
۵۵۶۶	۵۵۶۱	۵۵۵۶	۵۵۶۷	
۵۵۶۰	۵۵۶۳		۵۵۵۷	۵۵۷۰
۵۵۶۹	۵۵۵۸	۵۵۵۹	۵۵۶۴	

باب پانزدهم

در بیان قواعد و ضوابط کلیه و جزئیه که در اعمال این کتاب
رعایت آن لازم است مشتمل بر پنج باب   در شرایط و
وآداب عامه کلیه ملاحظه آن در مجموع اعمال خیر و شر ضرورت
است مشتمل است بر دوازده فصل   در طلب استاد کامل
وعامل و گرفتن اجازت و تلقین از وی در آن و ریاضت میانه
والفت و بصفات حسنه   در توجه تام بشغل اعمال   در ملاحظه
استحقاق معمول له   در تقلیل و حلت طعام و ارتکاب صوم
وصدقه   در ترک اکل حیوانات و بقولات کریهة الروایح
در طهارت کامل و تنظیف لباس و منزل   در ملاحظه مبد
شریفه واسکنه متبرکه   در اختیار عزلت و خلوت کیفیت جلوس
در حین عمل   در سوختن بخور لایق داشتن معمول   در تکرار
عمل و صبر بر تا اخر نتیجه کتمان عمل   در اختتام عمل   در ذکر و
تسبیح و صلوات   در اختیارات شهور اثنی عشر محرم ذکر
وی الله اکبر واسم وی یا خیر المنزلین   وعمل وی شجاعت و
ثبات عزم و تقویت قلب و ظفر جستن بر خصم و بیفروزاد وسط
وسط ماه صفر ذکر وی الله اکبر   واسم وی یا مقلب اللیل
والنهار   وعمل وی دفع سحر و چشم زخم و طرد موذیات و

(طلب

وطلب ایمنی از شر دیو و پری   ربیع الاول ذکر وی الله اکبر
واسم وی یا قادر مقتدر   وعمل وی زیاده کردن آب در
چشمه و کاریز و دفع بلاها و آفات از مزروعات   ربیع الاخر
ذکر وی الله اکبر   واسم وی یا ارحم الراحمین   وعمل وی حفظ
اطفال و نفع تجارات و سود یافتن از معاملات و غلبه کردن
بر اعادی   جمادی الاول ذکر وی الله اکبر   واسم وی یا حق
وعمل وی حرز خواهد و طلب اولاد و سیر ولایت و تربیت اطفال
جمادی الاخر ذکر وی الله اکبر واسم وی یا مفیظ النور و
عمل وی تحصین بلاد از اعداء دفع زلزال و قحط و وبا و سایر
بلیات   رجب ذکر وی الله اکبر   ولا اله الا الله بهمین عدد
واسم وی یا دز احد   وعمل وی دفع سموم و سحر و تسکین
دادن خشم و ایمنی از قهر ملوک و زوال خوف   شعبان ذکر وی
الله اکبر ولا اله الا الله بهمین عدد واسم وی یا علیم یا حفیظ
وعمل وی تاسیس مصالحات و زوال بغض و نرم ساختن
دلهای سخت و اصلاح مستوران   رمضان ذکر وی الله اکبر
ولا اله الا الله بهمین عدد لاحول ولا قوة الا بالله بهمین عدد
واسم وی یا حی یا قیوم   وعمل وی تقویت حافظه و رفع نسیان
وحفظ علوم و کشف مشکلات و دفع کسل در طاعات   شوال

باب پانزدهم

در بیان قواعد و ضوابط کلیه و جزئیه که در اعمال این کتاب رعایت آن لازم است مشتمل بر پنج باب   در شرایط و آداب عامه کلیه ملاحظه آن در مجموع اعمال خیر و شر ضرورت است مشتمل است بر دوازده فصل   در طلب استاد کامل و عامل و گرفتن اجازت و تلقین از وی در آن و ریاضت مناسبه و الفت و بصفات حسنه   در توجه تام بشغل اعمال   در ملاحظه استحقاق معمول له   در تحلیل و حلت طعام و ارتکاب صدق و صدقه   در ترک اکل حیوانات و بخورات کریهة الروایح در طهارت کامل و تنظیف لباس و منزل   در ملاحظه مبیت شریفه و امکنه متبرکه   در اختیار عزلت و خلوت کیفیت جلوس در حین عمل   در سوختن بخور لایق داشتن معمول   در تکرار عمل و صبر تا آخر نتیجه کتمان عمل   در اختتام عمل در ذکر و تسبیح و صلوات   در اختیارات شهور اثنی عشر محرم ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا خیر المنزلین و عمل وی شجاعت و ثبات عزم و تقویت قلب و ظفر جستن بر خصم و بیفروز از وسط وسط بماه صفر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا مقلب اللیل والنهار و عمل وی دفع سحر و چشم زخم و طرد موذیات و

و طلب ایمنی از شر دیو و پری   ربیع الاول ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا قادر مقتدر   و عمل وی زیاده کردن آب در چشمه و کاریز و دفع بلاها و آفت از مزروعات   ربیع الاخر ذکر وی الله اکبر   و اسم وی یا ارحم الراحمین   و عمل وی حفظ اطفال و نفع تجارات و سود یافتن از معاملات و غلبه کردن بر اعادی   جمادی الاول ذکر وی الله اکبر   و اسم وی یا حق و عمل وی حرز خواهد و طلب اولاد و سیر ولایت و تربیت اطفال جمادی الاخر ذکر وی الله اکبر و اسم وی یا مفیض النور و عمل وی تحصین بلاد از اعداد و دفع زلزال و قحط و وبا و سایر بلیات   رجب ذکر وی الله اکبر   و لا اله الا الله بهمین عدد و اسم وی یا فرد احد   و عمل وی دفع سموم و سحر و تسکین و دادن خشم و ایمنی از قهر ملوک و زوال خوف   شعبان ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد و اسم وی یا علیم یا حفیظ و عمل وی تاسیس مصالحات و زوال بغض و نرم ساختن دلهای سخت و اصلاح ستوران   رمضان ذکر وی الله اکبر و لا اله الا الله بهمین عدد لا حول و لا قوة الا بالله بهمین عدد و اسم وی یا حی یا قیوم   و عمل وی تقویت حافظه و رفع نسیان و حفظ علوم و کشف مشکلات و دفع کسل در طاعات   شوال

شوال ذکر وی الله اکبر واسم وی یا منور یا ملهم الرشد
وعمل وی طلب مسارف وابق دوام کردن مرات ناشزه و
اسعاد کلام و قبول در قلوب ذی القعده ذکر وی الله اکبر
واسم وی یا منعم یا مجمل یا مجر یا مفضّل وعمل وی هلاک ظلم
وتخریب بیوت و تخلیص مظلوم و نجات محبوس ذی الحجه ذکر وی
الله اکبر و سبحان الله بعین عدد والحمد لله بعین عدد واسم وی
یا حفیظ یا رقیب یا حسیب وعمل وی حفظ اموال از دزدان
وخائنان در اهزنان و محافظت حیوانات غادیه و دفع خوابها
اشبه در اختیارات ایام اسابیع الاحد ذکر وی لا اله الا الله
الحی القیوم واسم وی یا حی یا قیوم وعمل وی ساختن عما
عمارات وابتدای اعمال کلیه وطلب الاثنین وذکر وی لا
اله الا الله ذو الجلال والاکرام واسم وی یا رحمن و یا رحیم
عمل وی تهیه اسباب سفر ومعاملات و دفع قطاع الطریق
وایمن از دزدان الثلاثاء ذکر وی لا اله الا الله القدوس
الجبار واسم وی یا ملک یا قدوس وعمل وی مناظرات علمی
وکشف حقایق و دفع خصمان و دفع بلیات و آفات الاربعاء
ذکر وی لا اله الا الله الرحمن الرحیم واسم وی یا علی یا عظیم
وعمل وی معالجات بدنیا و ساختن ادویه واشربه اشامیدن

ان الخمیس ذکر وی لا اله الا الله هو واسم وی یا کثیر
یا متعال وعمل وی طلب مرادات وحاجات از اکابر طلب
رزق ودفع دست تنگی الجمعه ذکر وی لا اله الا هو هو
الاول والآخر والظاهر والباطن واسم وی یا باقی یا غنی
وعمل وی اجابت جمیع دعوات است وتمام اعمال خیر در وی
معتبر است ونسبت این روز با ایام هفته چون نسبت دلست
بدین و فضایل وی بسیار است السبت ذکر وی لا اله
الا هو والی العاقبه واسم وی یا فتاح یا رزاق عمل وی
در اوایل روز مصالحه بین اثنین در آخر روز حرز اعادی
در اختیارات ایام فاضله واین ایام را اذکار واعمال است
واسماء ان در بین اذکار مندرج است وان صفت روز عاشورا
عاشورا ذکر وی لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله
وعمل وی قوت مشی واثبات عزیمت و وقت زوال این روز
محل اجابت دعوت است و در آن وقت هر که دعا کند بعز ا
جابت مقرون شود غره رجب ذکر وی سبحان من لا ینبغی
التسبیح الا بحمده وعمل وی طلب فتح و وسعت رزق و در
مکاید خصم و نکبت دشمن استفتاح ذکر وی ربنا افتح بیننا
وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین وعمل وی جستن دفائن

رضا یا ور دفع جوع و عطش غرّه رمضان ذکر وی سورهٔ فاتحه وعمل وی انهزام عدو و تفریق فسقه و مطلع شدن برامرار خفیه عید فطر ذکر وی وَالحکم الله واحد لا اله الّا هُو الرّحمن الرّحیم وعمل وی دفع هموم و غموم وکشف احزان وطرد شیطان ترویه ذکر وی ربّنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انّك علی کلّ شیءٍ قدیر وعمل وی جمعیت خواطر وبصلاح آوردن کارها و تنشیط کردن در عبادت عید اضحی ذکر وی الله اکبر من کلما کبر والحمد لله علی التوفیق وعمل وی هلاك اعدا و رفعت احباب وحفظ عشایر از آفات

در اختیارات روز عرفه چون موافق یکی از ایام اسابیع افتد ذکر وی لا اله الّا الله الواحد القهار الاحد الفرد الوتر الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد واسم وی یا رحمن یا رحیم وعمل وی طلب امان از خوف و نقص وطرد و افقر و انقلاب دهر و دفع ظلم وغلبه شهوت وجد وجهد در اکتساب مکارم الاثنین ذکر وی لا اله الّا الله جامع الناس لا ریب فیه واسم وی یا دایم یا قایم یا باعث یا وارث وعمل وی دفع خوف وخلاصی از مهالك وبازیافتن امانت وصلح بین الاضداد وغلبه بر خصم اکتساب اخلاق حسنه

الثلثا

الثلثاء ذکر وی لا اله الّا الله عظیم الصفات رحمن الارض والسموات واسم وی یا قادر یا مقتدر وعمل وی تسخیر ارواح و دفع دشمن و تصرفات کلی در عالم الاربعاء ذکر وی لا اله الّا الله ذو الطول العظیم والمنّ القدیم واسم وی یا جواد وعمل وی دفع شرجن و انس و چشم زخم و زبان بند و کفایت مهمات و خبر از غایب وحفظ ودایع و نکبت خاصمان و ظالمان الخمیس ذکر وی لا اله الّا الله مجیب الدعوات و مقیل العثرات واسم وی یا منزل البرکات وعمل وی محبت دلها و مهابت نزد خلق و دفع وسواس و توهمات و تصرفات در امور کل الجمعه ذکر وی لا اله الّا الله ملجاء المضطرین وارحم الراحمین واسم وی آنکه صلوات فرستد بر حضرت رسالت صلّی الله علیه وآله وسلّم وعمل وی توسع رزق و تحقیق علوم دریافتن کنوز و ابقای ذکر جمیل و دفع سحر و بستن عمارت و توفیق طاعات السبت ذکر وی لا اله الّا الله علّام الغیوب کاشف الکروب واسم وی یا ستار العیوب وعمل وی اخفای امور و قوّت مشی و پنهان شدن خصم و خلاص از سجن و محفوظ ماندن از سقوط و امثال آن والله اعلم

در اختیارات لیالی از اسابیع لیلة الاحد ذکر وی الحمد
لله قبل کل احد والحمد لله بعد کل احد والحمد لله یبقی
ویفنی کل احد واسم وی یا صاحب کل نجوی وعمل وی
خبر یافتن از ما فی الضمیر نایم و جستن دفاین لیلة الاثنین
ذکر وی سبحان الله ملاء السموات والارض وملاء العرش
العظیم واسم وی یا مکرم وعمل وی ازاله خوابهای مدهشه
ودیدن خوابهای صحیح لیلة الثلاثا ذکر وی الله اکبر ولا
حول ولا قوة الا بالله واسم یا نصیر وعمل وی دفع تدبیرات
خصم و دزدان بد نشان لیلة الاربعا ذکر وی سبحان ربی
العظیم واسم وی یا مبدء البرایا عمل وی معالجات عین واذن
ودفع خفقان و ذات الریه وشرب ادویه لیلة الخمیس
ذکر وی استغفر الله ربی واتوب الیه واسم وی یا محب
المحسنین وعمل وی تسهیل مجاهدات و قدرت بر قیام
لیل وتقویت قلوب وارواح لیلة الجمعه ذکر وی اللهم
صل علی محمد وآله النبی الامی وآله واسم وی یا مالک
یوم الدین وعمل وی رؤیت حضرت رسالت ص در خواب
ومشاهده روحانیات لیلة السبت ذکر وی لا اله الا
الله وحده لا شریک له محمد عبده ورسوله واسم وی

یا منعم

یا منعم وعمل وی در امور ملک واظهار عجائب حالات
وفهم علوم غریبه
در اختیارات لیالی متبرکه واین لیالی راهمین اذکار
اعمال است چنانچه ایام فاضله را واسماء آن نیز در اذکار
مندرج است لیلة غره محرم ذکر وی سبحان ذی
الملک والملکوت وعملش دیدن انبیاء وائمة علیهم
السلام در منام وهر کرا خواهی از اولیاء وصلحا اکرام باشد
لیلة الرغائب ذکرش تبارک الله رب العرش العظیم
وعملش طلب قبول جاه وحرمت نزد ملوک و نفاذ امر
ورفعت درجات لیلة المعراج ذکرش لا اله الا هو له الا
الاسماء الحسنی وعملش احضار روحانیات ودفع وسواس
وخیالات وطرد هوام وسباع لیلة البرات ذکرش سبحان
ربی الاعلی الوهاب وعملش ازاله اخلاق بد چون حقد
وحسد وبخل واکتساب فضایل نفسانی لیلة عید الفطر
ذکرش سبحان الملک القدوس وعملش طلب علوم خفیه و
وسعت رزق واطلاع بر دقایق اعمال غریبه وعجیبه لیلة
عید الاضحی ذکرش الله اکبر الحمد لله وعملش طلب شفا
وحفظ صحت وازاله امراض واوجاع ودفع خوف ووحشت

ودهشت لیلة القدر ذکرش لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین و واسمش یا علیم یا رقیب یا حفیظ
۵۴ وعملش امیداست دولت ومکنت وعملهائی که
تعلق بمشایخ وارباب مناسب دارد وتسخیر قلوب سلاطین
وافزون شدن ابها و جاه وکار بزرگ وجمیع اعمال خیر

دراختیارات ساعات منتظمه نهار بقول علمای مشارقه
ومغاربه ونزد ایشان هر ساعتی را نامی است ودر هر
ساعت یک عملی مقرراست اما قول مشارقه در ساعت
منتظمه نهار ابق است برای اعمال الفت ومحبت نیک است
یانوذ برای دفع چشم زخم است نوذ برای طلسم شکار مرغ وماهی است
سلخ برای دفع حیات وعقارب است سعلک برای دفع سباع ووحوش است
تمبور برای خلاص محبوس ومظالم بدور برای تصرفات ملکی
وصلح ملوک است برق برای دفع ظلم ودهر فقر است
بدون برای منافع سفر وایمنی از دزدان است یمونا
برای دخول سلاطین وحکام است جبر برای طلب
اعمال کلیه ومحبت است صیلون برای بستن زبان خصمان
وکشادن نطق است

دراختیارات ساعات منتظمه لیل بقول علما و مشارقه

الحادم

ومغاربه ونزد ایشان هر ساعتی نامیست ودر هریک
عملی مقرراست اما قول مشارقه در ساعات منتظمه لیل
خولم است برای عقد اللسان واعمال خیر نیکست نزول برای
اعمال حیوانات آبی است بقورش برای اعمال نارنجات چنین
برای اعمال اکسیر است چیر برای انگیختن سحاب وامطار است
زرد ز برای دیدن مطلوب است درخواب یافون برای روا
شدن حب از امراء وسلاطین دیه برای اعمال مزروعات
سقمر برای حفظ امتعه ونفوذ است ملحور برای اعمال لسا
نسبت ملوطقا برای معاملات وتجارات است سنسلم
برای اعمال صبر وسکون ووقار است الفت ومحبت و
صلح دنیل مرادات است

دراختیارات ساعات برتقسیم ازایام وان نه ساعت است
ساعت از غره محرم برای افتتاح امور وابتدای اعمال خیر است
ساعت اول روز جمعه برای اعمال الفت ومودت ونوشتن
حرز ها است ساعت آخر روز جمعه برای طلب قبول زحاجت
واحرام است بین الاذان وان خطبه از روز جمعه خواندن اد
ادعیه ماثوره وطلب مغفرت وعافیت است ساعت از اول
از روز عرفه برای طلب فیض صوری ومعنوی است متضرع
وزاری ساعت آخر روز عرفه برای طلب علمی است که از

ان نفع عام منصور باشد ساعت سیم از روز عید اضحی
برای دفع متمردان و رام ساختن سرکشان است ساعت
اول روز از عید فطر برای مصالحه و مؤالفت بین الاضداد
است در مشروطات و محذورات جزئیه خاصه در اجابت دعوات
اما مشروطات وان دوازده است نوزده درجه سرطان یا نه
درجه است سعدی در طالع باید و دیگری در عاشر یا رابع
یا سابع قمر بکوکب العرض سعد متصل باید مشتری یا راس
باید و در ان حال اگر راجع بود بهتر قمر از صاحب طالع منصرف
باید بمشتری متصل صاحب وسط سماء ناظر باید به بیت
خود طالع اسماء در وسط باید ناظر بکوکبی که در عاشر بود
کوکب العرض واشرف تا حد شرف یا بیت خود باید و بهر
وجه قوی حال باشد مشتری مشرقی باید و زهره مغربی
قمر از مشتری منصرف باید و براس متصل قمر با عطارد با کف
الخضیب که ستاره سعد است و در اجابت دعوات مدخلی تمام
دارد اگر راس با کف الخضیب بود فی الحال دعا مستجاب شود
اما محذورات ان نیز دوازده است قمر از تحت الشعاع
دور باید قمر از اتصال زحل دور باشد قمر از اتصال مریخ
ساقط باید نشاید که مشتری راجع باشد مگر با راس

نشاید

نشاید که زهره راجع بود نشاید که مشتری بزحل ناظر بود
نشاید که زهره بزحل منتقل بود نشاید که مشتری بمریخ ناظر
بود نشاید که زحل با کف الخضیب مقارن یا ناظر مقارن بادی
ناظر بود نشاید که در درجه کف الخضیب بود
مشروطات و محذورات بوجه منافع و مطالب و سایر اعمال
لطیفه اما مشروطات و محذورات بوجه منافع و مطالب و
سایر اعمال لطیفه مشروطات دوازده است طالع برج ذوجسدین
باید ساعت مشتری باید خاصه در شب و روز ساعت زهره
باید خاصه در شب و روزی نظر مشتری بطالع یا صاحب
طالع نظر زهره بطالع باید یا بصاحب طالع در حد و در سعود
باید اصلاح عطارد البته واجبست قمر در آخر یا اول بثور یا
میانه بسنبله باید آفتاب مع رامی بغایت پسندیده است
قمر در یکی از سعدین خوب است اتصال قمر بمشتری مناسب است
مسعود در اول و در طالع اصلی تمام دارد
اما محذورات وان نیز دوازده است حذر کردن از ساعت
زحل حذر از شب و روز زحل حذر از ساعت مریخ حذر از
شب روز مریخ حذر از نظر زحل بمشتری حذر از نظر زحل
بزهره حذر از نظر مریخ بمشتری حذر از نظر مریخ بزهره حذر

از اتصال عطارد بنحسین حذر از کون زحل از اوتاد حذر از
کون مریخ در اوتاد حذر از انکه طالع بروج معوج الطلوع باشد
مشروطات و محذورات برای دفع مضار و مکاره و سایر
اعمال قمریه اما مشروطات وان دوازده است طالع برج
منقلب و معوج الطلوع باید قمر در بروج منقلب شاید نظر
یکی از نحسین بقمر لایق است نظر یکی از نحسین بعطارد مناسب
است ساعت زحل باید خاصه در شب و روز ساعت مریخ
باید و خاصه در شب و روزی نیرین از یکدیگر ساقط باید که
بعضی گفته اند که مقابله جایز است طالع در حد و در نحسین باید
اصطلاح عطارد در جمع اعمال خیر و شر ضرورت است بعضی گفته
اند که قمر با راس در اعمال قمریه بنایت نیکست قوت ان کوکب
که عمل تعلق بوی دارد صاحب طالع باید که بنحوی که مطلوب
است ناظر بود اما محذورات وان نیز دوازده است
حذر کند از ساعت مشتری حذر کند از ساعت زهره حذر
از شب روز مشتری حذر از روز و شب روز زهره حذر از
اتصال سعدین براس حذر از نظر مشتری بزهره حذر از
نظر مشتری با قمر حذر از نظر زحل بعطارد حذر از نظر مریخ بعطارد
حذر از نظر قمر بعطارد اصطلاح حال عطارد بمهر حال حذر
کند

کند از انکه طالع برج مستقیم الطلوع باشد
در اختیارات برحالات خاصه قمر و اتصال وی بکواکب
اما حالات خاصه قمر وان هشت است نیره برای کشف
ارواح و تسخیرات و مهمات و بناها و معاملات نیکست شرف
برای طرح عمارات عالیه و یافتن سودها و مدد رسانیدن
بمظلومان مع راس برای سلامتی اسفار و خوبی معاملات
و اصلاح حال تاجران و دیدن خوابهای نیکو طریق برای
قصد دشمنی و رفع ظلم و تخریب بیوت فسقه و منع ستم و نحوه
هبوط برای هلاک دشمن و خرابی خانهای ظالمان و دفع
ایشان منع ذنب برای دفع دزدان و قاطعان طریق
و منع لشکر بیگانه از شهر و ولایت منع کند برای قصد
دشمن مناسب است دیگر هیچ کار نشاید تحت الشعاع
هیچ کار را نشاید
در اختیارات حلول قمر در بروج منازل اما حلول قمر
در بروج اعمالی که تعلق بسلاطین دارد و مهم اسفار اعمال
تزویج و بناها و بنا طین اعمال دبیران و اهل فضل اعمال
معالجات تصرف در امور ملکی و طلسمات صید و تسخیر
سباع مهمات مبایعه و معامله و شرکت و حفظ ودایع

اعمال دین وملک ومیل دادن طبایع بصدق وراستی قصد
اعدا ورفع ظلم ضعفه وطلسمات عداوت وتفریق تعلم
علوم وطلب جودت وصفای باطن مهمات زراعت و
قنوات ودفع سحر واندیشه مکر وغدر بستن عهدها
وپیمان وعمارت حصون وحفظ قلاع اعمال خیر وصلح
ومصالحه بین اثنین وطلسمات محبت ومودت
امّا حلول قمر در منازل طلسمات دشمنی واعمال کیمیا
وسیمیا ابتدای اعمال وطلب حاجات ومعاملات خواندن
ادعیه ودر دویم در جبه دی حمل محبت بسیار لایق است
مهمات ملکی وطلب مال وطلب حرب عمل شر وتخریب و
عقد الرجال معالجات وسفر دریا طلب نصرت ومصالحات
ودیدن اکابر تفریق وتخریب ودفع سموم وتسلیط قطعیت
وعداوت وطلسم طیور بطلان سحر وطلسم حیات وعقارب
مهربانی ملوک وصید قلوب وجر منافع عبادت وطاعت
وخلوت اولا اعمال روشنی ومهمات ملکی اعمال دشمنی
وتفریق اکثر اعمال را شاید خاصه مودت دفع مکاره و
ابطال سموم ازهر اعمال حذر اولی اعمال خیر وعقد
اللسان وعقد الشهوت تسخیر قلاع ونجح حب با البغض

نیرنجات

نیرنجات محبت ودعوات وابتدای امور دفع ظلم ورفق وایمنی
ازخوف اشتغال بذکر ودعای بد بر ظالمان وفاسقان
اکثر اعمال را شاید خصوصاً عداوت دفع امراض وسلامتی
ازآفات واعراض عمل باران وبرف وایمنی مزروعات و
مهمات اسفار واکثر اعمال اعمال شر وانچه تعلق بحرب دارد
اعمال باغ وبستان وچشم وکاریز والله اعلم
امّا اختیارات ایام اسابیع یوم الاحد اموری که تعلق
بجاه ورفعت ومهمات ملکی دارد یوم الاثنین امور مسافرا
وخبر یافتن ازغایبان ومنع دزد یوم الثلثاء اعمال شر
وتخریب بیوت ظلمه وتفریق وقطعیت یوم الاربعاء معالجات
ودفع امراض واسقام یوم الخمیس طلب حاجات ازاکابر
واشراف یوم الجمعه مهم ازواج واعمال محبت ومودت
یوم السبت امور خفیه در تحصیل اسرار وغیر آن
در اختیارات برارباب ساعات ودر ایام ولیالی واختیارات
برساعات روز وشب کواکب امّا اختیارات برارباب ساعات
ازایام ولیالی الاحد ولیلة الخمیس اول وهشتم شمس است
مناسب است اعمال ملوک دویم ونهم زهره است نیک است
اعمال مناکحات سیم ودهم عطارد است خوب است تعلیم وتعلم

چهارم و یازدهم قمر راست لایق است اعمال صالح پنجم و دوازدهم
زحل است مناسب است اعمال زراعت ششم مشتری راست
طلب رزق هفتم مریخ است مناسب است مهمات بوده دستور
یوم الاثنین ولیلة الجمعه اول هشتم قمر راست اصلاح امور را
نیک است دویم و نهم زحل راست مناسب است سیم دهم
مشتری است اعمال اشراف لایق است چهارم یازدهم مریخ
است مهم محاربه نیک است پنجم دوازدهم شمس است طلب
رفعت شایسته است ششم زهره است تحصیل سرور و فرح
مناسب است هفتم عطارد است طلب علم را خوبست یوم
الثلثا ولیلة السبت اول هشتم مریخ است تصرف در امور
ملکی لایق است دویم و نهم شمس است رام ساختن ملوک
نیک است سیم دهم زهره است اعمال محبت را شایسته است
چهارم یازدهم عطارد است بدعا طلب حاجات مناسب است
پنجم دوازدهم قمر است عمل مهمات نیکست در نفوس خلق ششم
زحل است مهم محصولات خوبست هفتم مشتری راست
طلب غنا لایق است یوم الاربعاء ولیلة الاحد اول هشتم
عطارد است طلب ربح در معاملات خوبست دویم و نهم قمر
است اصلاح اضداد مناسب است سیم دهم زحل است

کشف حقایق نیک است چهارم یازدهم مشتری است تسخیر
وزراء خوبست پنجم دوازدهم مریخ است عمل زیادتی جرئت
خوبست ششم شمس است طلب زیادتی جاه لایق است هفتم
زهره راست مناسب است طلسم محبت را یوم الخمیس ولیلة
الاثنین اول هشتم مشتری راست بجهت بنوت شایسته است
دویم و نهم مریخ است عمل استیلا بر خصم نیک است سیم دهم
شمس راست دفع قهر ملوک لایق است چهارم یازدهم زحل
راست اعمال صید و شکار لایق است پنجم دوازدهم مشتری است
مهمات ملکی را شایسته یوم السبت ولیلة الاربعاء اول هشتم
زحل است حصول کرامت را مناسب است دویم و نهم مشتری
راست طلب منافع کلیه خوبست سیم و دهم مریخ است عمل تخریب
بیوت نیک است چهارم یازدهم شمس است طلب حاجت از
ملوک خوبست پنجم دوازدهم زهره است عمل دفع سموم شایسته
است ششم عطارد است تسخیر جن را مناسب است هفتم
قمر راست عزم سفر نیکست

اما اختیارات بر ساعت روز و شب کواکب بقول ابی
الطیب تبریزی و این اختیارات بغایت پسندیده است
و نزد علما حروف و طلسمات و دعوات اعتبار تمام دارد

ودر این فن اصلی کلی است وازاپوسته متصور باید داشت
وحکما دراخفای این اصل از مردم نااهل مبالغه تمام دارند
روز وشب زحل ساعت زحل مراد جمع از اهل ظلم چنانچه جا
ارام نتواند گرفتن ساعت مشتری عقد النوم وتسلیط و
سواس وساعت مریخ به خرابی دیار ظالمان وتفریق جمع
ایشان وساعت شمس ابطال سحر ودفع چشم زخم وساعت
زهره تکثیر ثمار وخوبی زراعت وساعت عطارد وتفریق جمعی
از اوطان وساعت قمر تسلیط مرض بر خصم خصوصاً کوری
روز وشب مشتری ساعت زحل تفریق جمعی که دزد بازایند
وساعت مشتری طلب معیشت وسعت رزق وساعت مریخ
ابطال سحر ودفع خصم وساعت شمس اتحاد ومحبت در قلوب
سلاطین وحکام است ساعت زهره محبت وصلح وپاکی عقیدت
وساعت عطارد معاینه دیدن اشخاص روحانی وساعت
قمر طلب فتح ونصرت روز وشب مریخ ساعت زحل انگیختن
خصومات واعمال قطع ساعت مشتری مهمات وتحریکات
فتن وافات وساعت مریخ قتل وهلاك اعداء وتومید و
تمریض ایشان وساعت شمس قبول نزد امراء واهل اخبار
وساعت زهره مهابت در نظر خلق وساعت عطارد فتنه

خصومات

وخصومات وساعت قمر ودفع اعداء وزبان بند ایشان روز
شب شمس ساعت زحل قتل اعداء وغلبه بر اضداد ساعت
مشتری کفایت کردن شر پادشاهان ظالم وساعت مریخ از
دیاد جبروت وشجاعت وساعت شمس هیبت در نظر مردمان
وقبول خاطر ملوك وساعت زهره قبول اجلال وتعظیم
خلق وساعت عطارد وتمریض اعدا وارام کردن بنده ساعت
قمر اخراج دفاین ورفع الالام روز شب زهره ساعت زحل
تذلیل زنان سرکشی اوساعت مشتری ادای دین ووسعت
رزق وساعت مریخ مبتلا کردن بعشق وساعت شمس اعمال
خواتین محترمه وساعت زهره طلسمات محبت واعمال مصالحه
وساعت عطارد ازدیاد جاه وحرمت انفاذ قول وساعت
دوستی افکندن میان دوکس روز شب عطارد ساعت زحل
دفع اعداء وغلبه نکبت بر ایشان ساعت مشتری عقد اللسان
بسیار نیکست وساعت مریخ مرض بر اهل ظلم وفسق وساعت
شمس اعمال که تعلق باهل دیوان دارد ساعت زهره استخبار
از امر ناهیه وساعت عطارد معالجات کلیه ورفع الالم و
ساعت قمر مشاهده غیبیات وکشف قبور روز شب قمر
ساعت زحل عقد شهوت ودفع قرب وحیله اعدا ساعت

مشتری میل دادن طبایع عامه بطاعات ساعت مریخ قوت
مباشرت و تحصیل اولاد و ساعت شمس جذب قلوب و استیلا
برخلایق ساعت زهره هیجان محبت و غلبه عشق و مودت
و ساعت عطارد مطیع ساختن جان و تسخیر ارواح و ساعت
قمر اعمال محبت و سرعت نتیجه در آن ا

اما معرفت بیت و وبال کواکب زحل جدی و دلو است
مشتری قوس حوت است مریخ حمل و عقرب است
شمس اسد است زهره ثور و میزان است عطارد جوزا سنبله
قمر سرطان و وبال هر کوکب مقابله خانه اوست

اما شرف و هبوط شرف زحل درجه میزان و شرف مشتری
درجه سرطان و شرف مریخ درجه جدی و شرف شمس
درجه حمل و شرف زهره درجه حوت و شرف عطارد
درجه سنبله و شرف قمر درجه ثور و شرف راس
درجه جوزا و شرف ذنب درجه قوس و هبوط هر کوکبی
مقابل شرف است اما فرح و قوع و خیر

بدانکه فرح کواکب و ترح ایشان در طالع و سایر بیوتی باشد
از طالع واقع زحل در دوازدهم است و فرح مشتری در
یازدهم و فرح مریخ در ششم و فرح شمس در نهم و فرح

آنرا

زهره در پنجم و فرح عطارد در طالع و فرح قمر در سیم و شرح هر
کوکبی مقابل فرح اوست کوکب نهاری را که زحل و مشتری
و شمس است بروز فوق الارض و بشب تحت الارض و بودن
کواکب لیلی را که مریخ است و زهره و قمر است بروز تحت الارض
و بشب فوق الارض خیر گویند و این سبب قوت کوکب بود اما
معرفت مزاجات و طبایع کواکب مذکر زحل و مشتری و مریخ
و شمس است و کوکب مونث زهره و قمر است

در قسمت حروف بر منازل در کتاب شمس المعارف آورده که
حروف اصلیه بیست هشت است و منازل فلکیه نیز بیست و هشت
است و هر حرفی تعلق بمنزلی دارد و قسمت آن بطریق جمل مغاربه
که نزد علمای حروف معتبر است براین وجه است تعلق شرطین
که دو کوکب است تعلق به بطین دارد که سه کوکب است بثریا
که شش کوکب است بدبران که یک کوکب است بهقعه که سه
کوکب است بهنعه که دو کوکب است بذراع که دو کوکب است
بنثره که دو کوکب است بطرفه که دو کوکب است بجبهه که چهار کوکب است
بزبره که دو کوکب است بصرفه که یک کوکب است بعوا که پنج کوکب است
بسماک که یک کوکب است مهمله بغفر که سه کوکب است بزبانا که
دو کوکب است باکلیل که سه کوکب است بقلب که یک کوکب است

...ل که دو کوکبست نعایم که چهار کوکبست مجمره بلده که
...الی است از کوکب نزاع که دو کوکبست بلغ که دو کوکبست
...دو کوکبست باخبیه که چهار کوکبست مجمره مقدم که دو کوکبست
مجمره مؤخر که دو کوکبست مجمره بوشان که کم کوکبست
...ر ذکر اسماء الله که تعلق بحروف بیست و هشت گانه دارد
...یخ ابو عبد الله مغربی در کتاب تیسیر المطالب در بعضی مواضع
برابر حرفی یك اسم تعیین کرده ودو بعضی زیاده یا دوازده اسم
که عامل حروف در اثنای شغل باعمال باید که تذکر ان اسماء
باشد تا فایده بر عمل منفرج گردد وان اسم بر ترتیب حروف
جمل اینست که فرموده پنج اسم است الله احد اله اول آخر
هفت اسم است باری باسط باطن باعث بالغ ابر
بر بدیع بصیر هفت اسم است جابر جاعل جامع جبار
جمیل جواد جلیل چهار اسم است داعی دایم دلیل
دیان دا دو اسم است هو از حیثیت باطن وان مناسب
حال منتهی است وهادی از حیثیت ظاهر وان لایق حال
مبتدیست وبعضی گفته اند که اسم وی در اعمال خیر هادی
است ودر اعمال شر مهلك است زا دوازده اسم است
واجد واحد وارث واسع وافی والی وتر ودود دفی
وکیل

وکیل ولی وهاب را یك اسم است زراع قال الله تعالی
ام نحن الزارعون وبعضی گفته اند زکی است وصاحب
کتاب درر النظیم آورده است که اسم وی زایل است را
نه اسم است حبیب حفیظ حق حکیم حکم حلیم حمید حنان
حی حنان را یك اسم است مطهر وصاحب درر النظیم غیر از این
سه اسم دیگر آورده وان طاهر وطالب وطابق است را یك
اسم است یسیر وبعضی گفته اند که اسم وی مخفی از غایب
شدن شوکت که وی راست لهذا در نهایت حرف تهجی افتاده
است وبعد از حرف الی واقع شده است که الف نفی است
بمذهب آنها که لا را یکی از حروف داشته اند صاحب درر النظیم
فرموده که حرف یا اسم اعظم است بزبان عبرانی یواه است
به یا وفتح واو مشدده وار بنی اسرائیل تاویل وی تا این
زمان ندانسته اند کا چهار اسم است کافی کبیر کریم کفیل
را یك اسم است لطیف زاده اسم است بقول تیسیر المطالب
ماجد مالك مانع مبین مجید ملك ملیك مجیب منان
مهیمن وصاحب درر النظیم آورده وی را بیست سالم دیگر
هست که مجموع سی سه اسم اینست مبدی متعال متکبر
متین مجیب محصی مجبی منال مصور معز معطی مفید

حرف پنجم حا راست هم چنین تا اخر حروف چنانچه در جدول

باب هفده هم

در بیان معرفت وصفت لوح مثلث و حروف مزوّجات و مفردات وی بدانکه لوح مثلث را در شرع منسوب است بزحل وانرا اعمل مانی این فن وقف زحل کویند اکرچه زحل نزد یك همه حکما کینه جو نحس اکبر است اما لوح وی مشتملست براعمال متضاد ان نفع وخیر و شر بعضی از اعمال وی سعادت عظمی احداث کند و بعضی نحوست کبری ایجاد نماید وان لوحی است مشتمل بر نه خانه مستوی الاضلاع ومستوی البیوت و هر خانه مشتمل بر حرفی است از حروف نه کانه مرتبه احاد اب ج د ه و ز ح ط ی وعدد این حروف که در بیوت مثلث مرقوم میشود ۴۵ موافق عدد اسم ادم و هر عدد حروف هر ضلعی ازین مثلث ۱۵ است مطابق عدد اسم حوآ و صورت اصل لوح اینست

د	ط	ب
ج		ز
ح	ا	و

اما معرفت حروف مزوجات و مفردات این لوح بدانکه چهار حرف این لوح از قبیل مزوجات است که آن ب د و ح وانرا بدوح کویند وچهار حرف دیگر از قبیل مفرداتست ا ج ه ز ط

وانها

واشهرش انستکه اجهزط باشد بواسطه انکه مفرده مثلث این پنج حرف است وانرا طرجا خوانند وحروف مزوجات از برای اعمال خیر وحروف مفردات از برای اعمال شر وهرگاه که بعضی از بیوت مثلث مشتمل برحروف باشد و بعضی بیوت خالی از مفردات مخصوصه باشد باعمال لطیفه از تالیف و تحریك محبت وقبول قلوب وتسخیر نفوس وکشف ارواح ملك وجن وامثال ان تصرفات کلیه بطریق لطف در عالم وهرگاه که بغرض بیوت این لوح محتوی برحرف مفردات باشد وبعضی بیوت از مزوجات مخصوص بود باعمال غریبه از قتل وتدبیر اعداء وتفریق جمیع ظالمان و تخریب منازل ایشان وامثال ان از تاثیرات عظیمه بروجه قهر در عالم باذن الله

در کیفیت رقم حروف در بیوت این لوح وان چنانست که باعمال خیر شغل کیرد وحروف مزوجات را در بیوت مفردات رقم زند یعنی ان بیوت که طرجا در وی مثلث است وان دویم وچهارم وششم وهشتم است چنانچه از لوح مثلث که در فصل سابق مرقوم است معلوم میشود وصورتش اینست اکر باشکال حرفی ارقام عددی نیز نوشته شود ابلغ بود واکر باعمال شر مشغول

	ب	
و		د
	ح	

شود حروف مفردات را در بیوت مزدجات ثبت نماید یعنی
این بیوت که حروف بدوح در وی مرقوم است وان اول و ۳
و ه و ۷ و ۹ است چنانچه در فصل گذشته از لوح مثلث
مفهوم میکردد و صورت اینست
امارقم زدن حرفها در بیت وسط
این لوح مقرراست واکرچه این حرف

ج		ا
	ه	
ط		ز

در نفس الامر از قبیل حروف مفردات است ان مشترك است
میان اعمال مزدجات و مفردات و مخصوص هیچکدام نیست
وعدد وی پنج است وخانه وی نیز پنجست واین خانه اصلی
اوست چنانچه در لوح مزدجات هشتم خانه اصلی ح است
که عدد وی هشت است ودر لوح مفردات نهم خانه اصلی
ط است که عدد وی نه است وازین جهت که خانه پنجم در
وسط لوح واقعست انرا قلب لوح کویند وان خانه بسیار
مبارك است ولهذا اسم طالب واسم مطلوب ومادرش
ان خانه است در جمیع اعمال خیر وشر امارقم زدن کلمات
واسماء بر خارج این لوح وان چنان است که چهار کلمه از
کلمات قران بر اضلاع اربعه این لوح باید نوشت وان
کلمات اینست ۱ قوله ۲ الحق ۳ وله ۴ الملك

قوله

الحق — الملك — ۳ ۴

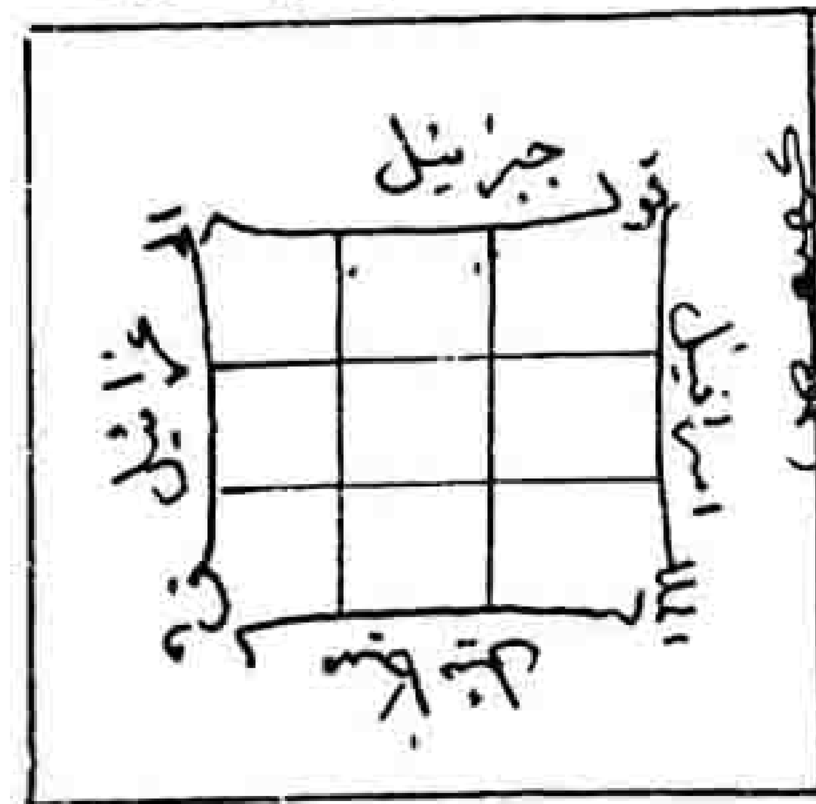
وابو الحامد الغزالی فرموده است
که اکر این کلمات شریفه اربعه را
بوجهی بنویسند که هریك بجای ضلع
از اضلاع اربعه این لوح بنویسند بغایت
پسندیده باشد در حصول مقصود ووصول بمطالب عظیم
نافع بود وبغایت سریع التجبه باشد وصورتش اینست

قوله

الحق — الملك — وله

نوشته اند که در هر کلمه از کلمات اربعه
مذکوره ملکی مقرب موکل است که
اسم وی بان کلمه باید نوشت اما
بر کلمه قوله که اشاره بامر ونهی الهی است جبرئیل موکل است
ونام وی بالای این کلمه است که ضلع اوست باید نوشت
اما بر کلمه الحق که اشارت بموت است وان احق حقایق است
عزرائیل موکل است ونام وی بالای ان کلمه که ضلع اوست
باید نوشت اما بر کلمه وله که کتابت از ملك وخزانه وعطا
وبسط رزق الهی میکائیل موکل است ونام وی بالای این
کلمه که ضلع سیم است ثبت باید نمود اما بر کلمه الملك که عبارت
از مضمون الملك یومئذ لله است اسرافیل علیه السلام
موکل است ونام وی بالای این کلمه که ضلع چهارم است

رقم باید زد و پوشیده نماند که جبرائیل و میکائیل عم خادم
است از ملائکه مقربین که اسم وی اشمکائیل است و این اسم را
بر ضلع این لوح میان اسم اسرافیل و جبرائیل باید نوشت
و عزرائیل و میکائیل را عم خادمی است از فرشتگان مقرب
که نام وی توائیل است و این نام بر ضلع اسیر لوح بد
میان اسم میکائیل عزرائیل کتابت باید کرد و کهیعص
را بر یمین لوح و حروف حمعسق بر یسار لوح رقم باید
زد چنانچه احاطه مجموع کلمات و اسما کند برای صورت
که نموده میشود اینست



در قرائت و کتابت محبت
و عداوت این لوح امّا
قرائت بکتابت اما عزیمت
بدانکه این وقف شریف
را عزیمتی است در کتابت
اسماء الله که از هر عملی
از اعمال مزوجات و مفردات البته ۴۵ بار تلاوت کند
بعد حروف این لوح و بعد از تلاوت در اول و آخر هر آیتی
ان حروف را علیحده باید گفت و ایت عزیمت اینست
لا

كَمَاۤ اَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاۤءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ
هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ هُوَ اللهُ الَّذِى لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ
الرَّحِيمُ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ اِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ
مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا
اَحْضَرَتْ فَلَاۤ اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ص ص ص
وَالْقُرْاٰنِ ذِى الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِى عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ
ق وکیفیت تلاوت این پنج ایت بکیفیتی خاص مذکور
خواهد شد بعد از این امّا قرائت و کتابت ایات محبت
و عداوت و ان چنان است که در اعمال مزوجات بعد از
اتمام ایه وَاَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّى و ایه يُحِبُّونَهُمْ
كَحُبِّ اللهِ وَالَّذِينَ اٰمَنُوۤا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ و ایه يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ
و ایت قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا و امثال انرا تلاوت باید نمود
خصوصا ایت اول را که البته بیست بار باید خواند و بعد
از ان بر ظهر معمول نیز باید نوشت و در اعمال مفردات
بعد از اتمام ایت وَاَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاۤءَ و
بعضی از سوره زلزال را و ایت فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ
ظَلَمُوا و امثال انرا قرائت باید کرد خصوصا ایت اول را
که البته بیست بار باید خواند و بعد از ان بر ظهر لوح نیز

کتابت باید کردن ودر اثنای بعض از اعمال مزوجات و
مفردات سور وآیات غیر از انجه مذکور شد که تلاوت
وکتابت باید نمود اشارتی بان خواهند رفت

باب هجدهم

در بیان اسماء ملائکه ایام صاحب سر المصون
فرموده است بر هر روز از ایام هفته دو فرشته مقرب
موکلند یکی علوی سماوی ودیگری سفلی ارضی وعامل
این لوح را لازم است که در هر روزی که بعمل از اعمال
مزوجات ومفردات شغل کیرد اول از ان دو فرشته بنیاز
تمام استمداد واستعانت جوید وبعد از اتمام عمل اسم ایشانرا
در ذیل معمول یا بر ظهر لوح نیز رقم زند تا ببرکت التفات
ایشان مقصود باسهل وجوه میسر کردد .
ملک علوی ان ذوقائیل است بقاد در بعضی نسخها
بقان وملک سفلی ان ابوعبدالله المذهب یوم الاثنین
ملک علوی ان جبرئیل است وملک سفلی ان ابوعبدالله
الهارث ملک علوی ان سلسائیل است وملک
سفلی ان ابو الاحمر ملک علوی ان میکائیل است
وملک سفلی ان دونام دارد دو بعد دبرقان

ملک

ملک علوی ان هرقائیل است بقاو در بعضی نسخها بقاف
وملک سفلی ان السید شمهورش ملک علوی ان قبائیل
است وملک سفلی ان سیو عبد الرحمن و لقب وی
ابیض ملک علوی ان صفائیل است بقاو در بعضی نسخها
بقاف وملک سفلی ان ابو نوح میمون السحابی اما کواکب
ایام بدانکه هر حرفی از حروف این لوح منسوب است
بکوکبی از کواکب سبعه وهر کوکبی منسوب است بروزی
از روزهای هفته پس عامل در هر روزی که عمل خواهد
کرد باید ملاحظه سعادت ونحوست ان روز وان کواکب
را لازم داند اکر عمل وی از قبیل مزوجات است روزی
سعد بنظرات سعد اختیار کند واکر از قبیل مفردات
است روز نحس باتصالات نحوست انکیز اختیار نماید
ونسبت حروف وکواکب وایام با یکدیکر براین وجه است
تعلق بزحل بروز یکشنبه دارد ویکشنبه منسوب بافتاب
است تعلق مشتری بروز دوشنبه دارد ومنسوب بقمر
است تعلق بمریخ دارد وبروز سه شنبه ومنسوب بمریخ است
تعلق شمس دارد وروز چهارشنبه منسوب بعطارد است
تعلق بزهره دارد بروز پنجشنبه دارد منسوب بمشتری است

تعلق بعطارد دارد وبروز جمعه وجمعه منسوب است بزهره
تعلق بقمر دارد وبروز شنبه ودرو شنبه منسوب بزحل است
تعلق براس وبروز یکشنبه دارد ومنسوب بافتاب است
چنانچه کذشت تعلق بذنب دارد وبروز سه شنبه دارد
وسه شنبه منسوب بمریخ است چنانچه مذکور شد
اما حروف واشکال ایام بدانکه همچنانکه برای روزهای
هفته اعوان علوی وسفلی متعین است حروف واشکال
نیز مقرر است که در هر روزی که عامل بعمل مشغول کیرد
در ذیل معمول حروف واشکال انروز را رقم زند که اورا
در قرین اثار مدخل تمام است وان اینست

لحه ح لا ه ◻ | بمحر محر ┼ بمحد ﴿ I آ حلت
ر آ ح ┼ ههه ﴿ نهرح آ ما صیلسیمحرکم
◻ هحله طلم نهم ∇ ح | دسع تهسی ی حو
له لحرم ◻ لا ┼ درذکر عدد حروف مقطوعه و
خواص ان بر سبیل اجمال صاحب کتاب درر النظیم آورده
که بعضی عارفان کفته اند که حروف مقطعه قرانی کلمه هشت
وهشت حروف است وان اینست الم الم الم الص
المرا المرا الرا الرا الوا الوا کهیعص طه طسم
طه

طس طسم الم الم المر یس ص حم حم حم
عسق حم حم حم حم ق ن صاحب درر النظیم از
ابو حامد محمد غزالی نقل کرده فرموده که بعضی عارفانرا
در موصل یافتم که با وی حروف مقطعه قرانی همراه بود ازوی
سؤال کردم که این چیست فرمود که برکات این حروف بر این
ظاهر شده است وازجمله انستکه همیشه حق سبحانه وتعالی مرا
از افات وبلیات بواسطه حمل این کلمات محفوظ میدارد ورزق
مرا کشاده میدارد واکر حاجتی میخواهم بی انتظار بعز اجابت
میرساند ومرا از دشمنان صیانت میکند واز کزیدن مار
وکژدم وضرر سباع وحشرات ضابط میکند ونکاه میدارد
وچون بسفر میروم این کلمات را در وقت وداع بر اهل
واولاد میخوانم وخدا یتعالی مرا بصحت رفته بوطن میرساند
ودر خواص این تمیمی اورده که هرکه مجموع اوایل حروف
سور قران را بر نکین نقره یا عقیق نقش کند در ساعت
سعد بان تختم کند مقبول ومحبوب قلوب کردد وصاحب
درر النظیم اورده که اکر نقاش روز پنجشنبه وجمعه روزه بدارد
ودر ساعت اول روز ان حروف را نقش کند ودر انوقت
غسل کرده باشد وجامه پاک پوشیده وبخور الملق سوخته

راینه تاثیر و قوت وی در آنچه مذکور شد زیاده خواهد بود
فائده بیشتر خواهد نمود والله اعلم

در خواص دو فقره کهیعص حمعسق با یکدیگر صاحب درر
النظیم آورده که شیخ نصیر الدین بونی رحمه الله فرموده که هر
که ترسان بود از مهمی و دران حال بگوید کهیعص حمعسق
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از آنچه میترسد ایمن
شود و این معنی بکرات و مرات آزموده شده مجرب و
صحیح وهم صاحب درر النظیم آورده که پنج آیت است که منافع
فوائد آن از حد حصر متجاوز است و از انجمله آنستکه هرکه آنرا
تلاوت کند در حالیکه در آید بر جباری عنید و حاکم که از طریق
صلاح بعید بود و شروی کفایت شود لیکن کیفیت قرائت
آن آیات چنانست که عقد اصابع نمی کند در حروف
کهیعص که در اوایل این آیات واقع است پس عقد
ابهام یمنی کند و بگوید كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ
نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح پس عقد ابهام
یسری کند و بگوید بعد از آن عقد مسبحه یمنی کند بگوید
هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم پس عقد
مسبحه یسری کند و بگوید بعد از آن عقد وسطی یمنی
کند

کند و بخواند یوم الآزفة اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین
ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع پس عقد وسطی
یسری کند و بگوید بعد از آن ختم یمنی کند و بگوید
علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس
پس عقد خنصر یسرا کند و بگوید بعد از آن عقد خنصر یمنی
کند و بگوید والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة و
شقاق پس عقد بنصر یسری کند و بگوید و بعد از اتمام
این عمل بران باره شاه غیور یا ظالم جابر در آید از آن
جبار ظالم هیچ ضرری بوی نرسد بسلامت و کرامت از
پیش وی بیرون آید صاحب درر النظیم از ابو حامد محمد
غزالی روایت کرده که وی فرموده که چون اغنیای صحابه
رضی الله عنهم برسم تجارت بیرون میرفتند و اگر راه دشمنی
از قطاع الطریق یا اسباع ضاره پیش میامدند میگفتند
اللهم احفظ امة محمد صلعم بالنصر والتایید بالمص
وکهیعص وحمعسق وبق والقرآن المجید وبن و
والقلم وما یسطرون ضرران دشمن بایشان نمیرسد
ابن تیمی آورده که هرکه الم را از بقره تا هم المفلحون

والم الله لا اله الا هو الحی القیوم المص کهیعص
طسم طه یس ص حم حمعسق حم تنزیل الکتاب من الله
العزیز العلیم ق ن این مجموع را با سوره فاتحه بر ورق آهو
بنویسد بمشک و زعفران و گلاب در شب جمعه چهاردهم
یا پانزدهم از هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن و ان نوشته
را در غلافی نهد از نی فارسی که یکطرف وی بند باشد و
سر دیگر وی را بموم کافوری بند کند پس هر گاه که ان نی را
بر بازوی راست بندد و با طهارت کامل و لباس لطیف
عزت و مهابت و قبول وی در نظرها بسیار شود و باطن
وی قوت گیرد و حل وی ثابت و مطمئن گردد و دلبر شود
و هیبت عظیم از وی در خاطرها سرایت کند و اگر فقیر بود
غنی شود و اگر محزون بود مسرور گردد و اگر ان نی را بر
طفلی بندند که از چیزها در خواب و بیداری ترسد و
بسیار میگویید ان گریه از وی زایل شود باذن الله تعالی
صاحب درر النظیم آورده که هر که حروف الم المر المص
المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق
ق ن را بر خاتم نقره نقش کند روز پنجشنبه اول رجب
و انرا در انگشت کند اگر خایف بود از جباری و ظالمی ایمن
شود و حامل این خاتم اگر بر سلطان در اید منظر وی

بزرگ نماید و مهابت وی در دل سلطان اثر کند و هر مراد
که از وی خواهد بتوقف براید و هر که این خاتم را در دهان
گیرد و بمکد سیراب شود و ان عطش از وی زایل گردد و آن
خاتم را یکشبانه روز در دهان گیرد بمکد سیراب شود و ان
عطش زایل شود و ان خاتم را یکشبانه روز در اب باران
گذارد و بعد از ان ناشتا بیاشامد قوت حافظه وی بیفزاید
و اگر معزول بران مداومت نماید برای وی عملی و شغلی
پیدا شود و حاجت تصرف گردد و اگر زن حامله ان شود
زود بشوهر رسد و اگر انرا بر مصروع بندد افاقت یابد
از شیخ شرف الدین ابو العباس بونی رحمة الله نقل کرده است
صاحب درر النظیم که هر کسی که کتابت کند بر ورق اهو بره
در شب جمعه چهارم از ماه که باشد بعد از نماز خفتن بگلاب
و زعفران الم بقره را تا هم المفلحون و الم آل عمران را
تا الفرقان و المص اعراف را تا للمؤمنین و المر رعد را
تا لا یؤمنون و کهیعص را طس را تا مبین و طسم را
تا المبین و یس را تا الحکیم و ص را تا شقاق و حم مؤمن را
تا النصیر و حمعسق را تا الحکیم و ق را المجید و ن تا عظیم
پس ان نوشته را درمیان ابنوی نهد از نی فارسی

انرا درمیان مومی گیرد که شمع شرای عروسی گرفته باشند
وقطعه ادیم برکه دوی بپیچد بربازوی راست بندد باطن
وی قوی شود ودل وی شجاع گردد ومهابت وعظمت
در سایر قلوب اعدا مستولی شود وقبول تمام ویرا در
قلوب جمیع مردمان پیدا شود واگر فقر وفاقه ویرا دریافته
باشد غنی وتوانگر گردد وازجائی که خوف وترسی داشته
باشد ایمن گردد واگر از سحر که درحق وی کرده باشند
باطل شود وازبند وزندان بروزی رهائی یابد وان باده
جزو تمام از دماغ وی بیرون رود واگر وام دارد حق تعالی
قضاء دین وی کرده واگر مهموم ومغموم بود خدایتعالی فرجی
ومخرجی روزی گرداند واگر مسافر بود بسلامت مراجعت
نماید واگر زنی بی شوهر انرا باخود نگاه دارد ودایم بر
طهارت بدن ولطافت لباس حق سبحانه ویرا شوهری
گرامی لطیف کند وان شوهر را بوی راغب ومایل گرداند
واگر از کافی بیاویزند خرید ومتاع وی بسیار شود واگر
برسر حامی اویزند مردم انجا ازدحام کنند واگر بر طفل بندند
ازجمیع افات ایمن شود از شر جن وانس مصون باشد وعلی
الجمله حامل وی هر دعا که کند مقرون باجابت شود من خوف
الامان

الامان هرکه این صورت را بمشک وزعفران وشنجرف و
گلاب بنویسد وقت طلوع افتاب روز یکشنبه باخود نگاه
دارد اطفای غضب عاملی وغضب معمول له کند وازما بین
اصلاح شود وکدورت معمول ونفاق ازمیان برخیزد و
هرکه این شکل را باخود نگاه دارد ابواب رزق مفتوح شود
ازافات وفتن خاصه ازمرك مفاجات ایمن گردد اگر این شکل
را برنگین ذهب نقش کند دروقت شرف افتاب در خواص
که مذکور شد فعل وی قوی بود وتاثیر عظیم کند

ااااااااااااا
م الله الله الله الله الله ن
م الله الله الله الله الله ن
م الله جمیل جمیل جمیل جمیل ن
ع جمیل جمیل رحمن رحمن رحمن رحمن ن
ع نور نور نور نور مومن مومن ن
ا ا ا ا ا ه ه ه

در ایجاد محبت ومودت در
قلوب صاحب سر المصون
آورده که هرکه لوح مثلث
را بنك سوزن فولاد بر
سیمی مدور در خوشبوی
درست نقش کند بتمام وکال
مشحون بحروف مزدجات اعنی بدوح وخالی از حروف مفردات
اعنی طزجا باکلمات اربعه قوله الحق وله الملك وباحروف
عشره کهیعص وحمعسق واسماء ملائکه واسماء ملائکه
علوی سفلی ازروز واشکال ازروز وحروفها را باسم مطلوب
ومادرش در قلب بنویسد همان نوك سوزن بر وجهی و

و دران نك پنج ایت عزیمت راجمل پنج بار وایت محبت را بنیت
بار بخواند و بران لوح نقش کند واکران لوح را بتمام و کمال
شکر نویسد هم روا بود پس اتمام نماید که انکس که مراداد
است ان سیب را بو کند و بخورد اب ان شکر را تناول نماید
اثر عظیم ظاهر شود از محبت عامل در دل معمول ه واکر کسی
لوح مثلث را تمام و کمال چنانچه کذشت بر ظرف چینی
نویسد پس دست راست خود را دنبکه بر طهارت کامل
بود بان آب پاك دران ظرف راید بابن اب لوح را محو سازد
و سعی تمام که معمول ان آبرا بیاشامد بر وجهی رود که یك
طرفة العین معامل نتواند بود از غایت محبت والفت
در القای درش مفرط که بسر حد جنون رساند صاحب
سر المصون آورده که کسی هفت قطعه نان هفت بار لوح
مثلث را بنویسد با حروف مزوجات وارقام عددی ایشان
لیکن خالی از حروف عشره و کلمات اربعه قرانی واسماء
ملائکه اما حروف هارا در قلب رقم زند با اسم طالب

حروف مزوجات

	ب	
و		د
	ح	

حروف مفردات

ج		ا
	ه	
ط		ز

ومطلوب ومادرش
وایت عزیمت راجمل
پنج بار بران لوح خواند

۱۱/۷

واسماء ملائکه انروز رانام برد وازایشان استعانت جوید
بعد ازان در ظهر لوح ازان الواح سبعه کلمه از این کلمات
سبعه کتابت کند واکر مطلوب زنی بود این هفت قطعه نانرا
بخورده سك ماده دهد واکر مرد باشد بخورد سك نر دهد
تا عجایب بیند وان کلمات اینست

۱ صحا ۲ صله ۳ طلعا ۴ سمحاما ۵ مراسهل ٦ نعسلا ۷ هملعه

۲ واکر کسی بکیرد هفت برك زیتون از هفت درخت واکر زیتون
نباشد سنجد و بر هر یك لوح مزوجات راباجد نوشته است
غیر حروف عشره و کلمات اربعه واسماء ملائکه بنویسد وانچه
خواندنی است از ایات عزیمت و محبت بر وی خواند ونام اسماء
اعوان انروز بر وزایشان استمداد جوید بران برکها نوشته
را بجوید و محلب و برك سداب دارد ودر این محل یکی از اسم
یا قریب یا سریع راشغل کرد بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه
بر ایشان بخواند و بعد ازان ان برکها را در شب تار نفیها
چنانچه هیچ احدی بران اطلاع نیابد روز در کلخن حمامی
که اتش میکنند بیفکند بران تا امور عجیبه غریبه در محبت
۲ از جانب معمول دریابد در از دیاد محبت مفرط در
نفوس صاحب سر المصون آورده که هرکه خاتم مبارك

مبارک را بر هفت ورق بنویسد خالی از حروف و ایات و
اسماء لیکن ایات عزیمه را چهل و پنج بار و ایت محبت بیست بار
بران نوشته خواند و ایت وَاتُوْمِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ را نیز بیست
بار تلاوت کند و بسطکی و میعه و غیره بخور کند پس در هر
شبی یک ورق را از معمول بر آتش نهد در منزل خالی که هیچ
احدی را بران اطلاع نباشد چون هفت روز بگذرد ان
هفت ورق بسوزد مقصود بوجه اتم بحصول پیوندد و اگر کسی
بگیرد رقعه از پیرهن مطلوب که بر تن وی شده باشد و عرق
وی بران رفته لوح مثلث را بحروف مزدجات رقم زند خالی
از حروف عشره و کلمات اربعه و اسماء ملائکه پس ایات ایات
عزیمت و محبت را بعددی که مکرر مذکور شد بران لوح خواند
و در ذیل ان شکل مستطیل بکشد بران صورت که در اخر این
فصل مرقوم میشود و حروف مزدجات را هم بهیات اخر ف وهم
بصورت رقمی دران شکل رقم زند و ایات محبت و عزیمت
را بعدد مقرر بران شکل نیز بخوانند و ایات وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى
لِمِيقَاتِنَا الى قوله صَعِقًا و ایت اَتَى اَمْرُ اللّٰهِ و ایت وَكَلَّمَهُ
رَبُّهُ قَالَ رَبِّ اَرِنِي اَنْظُرْ اِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ
اِلَى الْجَبَلِ فَاِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلّٰى رَبُّهُ
للجبل

لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا و ایت يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ
الْكُبْرَى اِنَّا مُنْتَقِمُونَ را بیست بار بران لوح شکل مستطیل خواند
و این عمل روز یکشنبه کنند و ملک علوی و سفلی ان روز را محافظت
ساخته از ایشان استعانت جوید و بعد از ان ایت توکل یا ابا
نوح میمون السحابی وانت یا صاحب هذا الیوم الملک
حصقیائیل بتهییج فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
پس ان رقعه را فتیله سازد و در چراغ دان سبز نو نهد و پر
از روغن زیتون برافروزد و روی بمنزل مطلوب و در
حال سوختن ان فتیله هم تلاوت ایات عزیمت و محبت و
عدد مذکور مشغول کند تا ان فتیله سوخته گردد مراد باطبق
وجوه حاصل شود و اگر در حصول مقصود تاخیر واقع شود
باز عمل از سر گیرد تا سه بار البته مراد حاصل شود باذن الله
تعالی و صورت شکل مستطیل اینست

۲ عو دح بدوح ب دح
۲۸ ع۴ع بدوح دو د

ایضا اگر کسی لوح
مزدجات را خالی
از حروف عشره
و کلمات اربعه و اسماء سبعه ملائکه بر خرقه که از جامه درونی
مطلوب گرفته باشد بمشک و زعفران و گلاب بان لوح این

حروف وکلمات وطلسمات را رقم زنند

د د ر ر د د د ن و و و و ر د ر د د عکسد

عوعمر هـوه هـ هـ د و و مصمه الا با الهحوا

العجل العجل هی هی ها هیا عجل عجل

پس آیات عزیمت ومحبت را بعدد معلوم تلاوت کند وبعد از قرائت بگوید هیجوا واسرعوا قلب فم ۲ فم علی حب فلان بن فلانه الوحا الوحا العجل الساعه بعد از ان الخرقه را بسوزاند تا عجایب وغرایب ملاحظه نماید

باب نوزدهم

دربیان ناسازه کاری بین زن وشوهر باین قرار است

اگر زنی ومردی ناسازه کار باشند بنویسند درساعت معین ودرآتش اندازد سازکار شوند ۱۱۱۱ م ۱۱۱

ایضا اگر این حروف را بنویسد دراستانه خانه هرکس که میان زن وشوهر ناسازکاری باشد دفن کند البته باهم خوب شوند لا دلا وح طع سعصعه منهبه

صحح صحح صحح ملعس

لز ۷ باسم فم ۲ فم ایضا نوع دیگر اگر زن شوهر را هر دوست ندارد این تعویذ را بنویسد وباب بشوید وبخورد وی دهد شوهر خود را دوست دارد

ص ص ص ص سسم ح ل لملم لملم لملم لمرد اب ۱۱

۱۱ و و و و و س س س س س س س س

باسم فم ۲ فم مجد و ا لا و ب

لز ۸ ایضا دیگر اگر زن با شوهر ناسازکار باشند این دعا را در بازوی راست ببندد دمه بع ود دره طلع طه یا احد یا باقی بحق کهیعص

لز ۹ نوع دیگر اگر میان زن وشوهر ناسازکاری باشد اینرا عار با مشک وزعفران بنویسد بخورد وی دهد

بسم الله الرحمن الرحیم ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار کلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذی رزقنا من قبل واتوا به متشابها ولهم فیها ازواج مطهرة ولهم فیها خالدون

لز ۱۰ نوع دیگر بین زن وشوهر که باهم نسازند بنویسد این طلسم را در بازوی خود ببندد واگر گناه ازجانب

باشد زن نگاه دارد واگر گناه از جانب زن باشد مرد
نگاه دارد ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا٥ا
والی الی الی الی الی الی الی الی الی نه نه نه نه
نه نه نه نه عطرئی المسوس باسم ۴ ۲ ۴ من حب ۴
نوع دیگر هرگاه میان زن وشوهر مخالفت باشد ازموم
زرد دو صورت بسازد وبر سینه صورت مرد نقش کند
پس ایات بر پوست اهو نویسد وانرا در میان هر دو صورت
گذارد هر دو را رو برو نهد در زیر درخت میوه دار دفن
کند میان زن وشوهر مخالفت بر طرف شود اینست
ثم قست قلوبکم من بعد ذالک فهی کالحجارة او اشد
قسوة وان لما یتفجر منه الانهار وان منها لما یهبط
من خشیة الله وما الله بغافل عما تعملون هل اتی
علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا
انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتلیه فجعلناه
سمیعا بصیرا چون این ایه را بگلاب ومشک وزعفران
بنویسد وبشوید وبکسی دهد که اورا با زن خود میل نباشد
میان ایشان محبت بدرجه کمال واقع شود وهرگز طلاق
واقع نشود نوع دیگر اگر زنی از مردی یا مردی از زنی
بز

رنجیده باشد این ایه را داخل خوردنی نموده بان مرد بدهند
مطیع شود البته هو هلا رب قد اتیتنی من الملک وعلمتنی
من تاویل الاحادیث فاطر السموات والارض انت ولیی
فی الدنیا والاخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین
در اعمال محبت بقاعده که در سر مکتوم نوشته انستکه صورتی
بوزنک از موم باید ساخت وبابریشم سفید از سه پایه چوب
۷۲ باشد باید اویخت وعزیمتی که مذکور میشود بر قرطاسی
باید نوشت که بر سینه صورت نهند ودر زیر سه پایه منقل ازرق
وکندر کرمانی ومشک بخور کنند ودر جای دیگر بخور باین
ترتیب که مشک وزعفران ریشه عود قماری بهم نهند بر همان
عزیمتی که بر قرطاس نوشته اند باید خواند وعلامت اجابت
عمل انستکه صورت متحرک شود چون صورت متحرک شد از
سه پایه باید برداشت در لفافه پاک پیچیده در جائی پاکیزه
که اندک حرارتی بان برسد دفن باید کرد واما نه بوجهی که
از حرارت ۴۷۱۴۲۷ والا عمل باطل میشود اینست
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ابا اللیث ویا ابا معتصم
ویا ابا قرده ویا ابا مالک ویا ابا الوش بالله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم وعنت الوجوه خشعت له الرقاب

خشعت له الاصوات ووجلت له القلوب وذلت له الخلائق
ومن له العرش وقام بامره الروح وانقادت له الجن والانس
والشياطين والارواح وادعنت له المردة وتضعضعت
له العفاريت وله الجذومون وتعبد له المتعبدون كلهم
أنا اجيبوني واطيعوني بما امركم به بعزيمتي وكتابي هو كتاب
الله وانه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من
خلفه تنزيل من حميد حكيم وعزمت عليكم بعزيمة التي فرق
كل عزيمة العجل العجل الساعة الساعة عز بعزت من اراد
شيئا ان يقول له كن فيكون وبقدرته من بيده ملكوت
واليه ترجعون وعزمت عليكم بعزيمت محمد بن عبد الله
بن عبد المطلب صلى الله عليه وآله وسلم وعزمت عليكم
بعزيمت امير المؤمنين علی بن ابی طالب ع وعزمت عليكم
بعزيمت سليمان بن داود عليه السلام عزمت عليكم يا اردوس
الزوابع بحق شمعون وبحق اهيا شراهيا اذوناي اصباوت
ال شدای عزمت عليكم بعزيمة الله الغلاظ الشداد تدوس
تدوس جبرئيل وميكائيل من فوقكم وجعلنا بينكم وبين الجنة
انهم لمحضرون اينما تكونوا في بر او بحر او الى البلاد والبقاع
اينما كنتم يأت الله جميعا ان الله على كل شیء قدير

عجلوا

عجلوا وتهيجوا ارواحانية المحبة فی جوف وقلب فلان بن فلان علی
حب فلان بن فلان هيا هيا عجلوا عجلوا بحق ربنا وربكم الرب
الملك الجبار العزيز القهار وصلی الله على نبينا محمد وآله
الطاهرين درتم مرغوش بكوين مرغوش نخرس
تفوض ادرموها ضولاع دولاع ردرطولاح تمر اسماد
عمرثا سقيجها سطيحخ يامن سليحوثا ومن شنيف و
محطف يا عجوری يا طيفالق يا سطيع يا غنغ يا طلموخ
يا عالی يا روائی ا ا هلقيخ يا منتصر يا فرق يانبخ يا
سقموني يا سلطليخ يا معدونيا يا درموها تموا

کنز ۱۴ فائده کنز الاسرار اسناد دعای قریبا این نسخه باسناد
صحيح آمده است و بسيار فايده دارد و عجايبها از این
نسخه پیدا شده ومیشود واین دعا اسم فرشته کان مقرب
است وهرکسی که باین دعا اعتقاد نکند کافر و عاصی گردید
وباید که ازین دعا را نوشته با خود نگاه دارد که فواید و
منافع بسیار دارد وازان جمله شانزده خواص بقلم آمده
یادارنده وخواننده این اسماء مبارک از فواید و منافع
آن با خبر گردند اول انکه دروی بگلاب که دعا را بان

...ه باشند بشویند وخشك نكنند وبكذارد كه بروی انكس
...شك شود هر كسی كه اورا ببیند دوست و مهربان وی شود
...ردم انستكه هر كسی ایندعارا بخواند وباخود دعد دشمن
...روی ظفر بیابد چهارم انكه اكر خواهد درمیان مردم باهیبت
وباصلابت باشد بر پوست شیر یا كرك بنویسد ودربا
...زوی خود ببندد كه باصلابت وهیبت باشد ششم انكه هر مقدم
هر كاه بر پوست اهو بنویسد وباخود نكاه دارد در نزد
مردم خواص وعوام عزیز ومكرم باشد پنجم انكه هر كسی بر
پادشاه وسلاطین حاجتی داشته باشد این دعارا بدان
نیت بر پوست اهو بنویسد وباخود دارد مراد او حاصل
شود ششم اگر خواهد دشمنی را برطرف كند نیمه شب
بكورستان رود ودر میان دو كور بنشیند بنیت هلاك دشمن
بیست وچهار بار بخواند انشاء دشمن هلاك شود هفتم اگر كسی
خواهد كسی را از عشق خود بیقرار كرداند هفت بار مشك
بكیرد به نیت انكس بر پاره یكبار بخواند در اتش اندازد
واكر صد فرسنك دور باشد خود را برساند و بیاید هشتم
انكه اگر كسی روزكار بمراد او نباشد و در محنت باشد
چهل روز یا چهل شب هر روز چهل بار بخواند به نیت دولت

دولت

دولت چندان نعمت ودولت بروی جمع شود كه حسابش
نداند نهم اكر شهری را لشكر اعدا فرو كرفته باشد یازده ۹
اسپند بردارد و هفت بار بران بخواند وان تخم در دور
حصار در زیر كل پنهان كند واستعانت از اهل ایمان بطلب
ان لشكر دشمن بهزیمت بروند بفرمان خدا تعالی دهم انكه ۱۰
هركاه ایندعارا بنویسد وباخود نكاه دارد زبان چهار ركن
عالم از بدی بروی بسته كردد یازدهم انكه اكر كسی را ۱۱
ارواح خبیثه زده باشد ایندعارا بمشك وزعفران بر قدح
سفید بنویسد وبشوید وبخورد شفا یابد دوازدهم اگر ۱۲
كسی ایندعارا بنویسد وبر بازوی خود بندد امان یابد از جمیع
بدیهای عالم سیزدهم اگر كسی قرض دارد ونداردد شب ۱۳
جمعه دو ركعت نماز بكذارد ودر هر ركعت یك حمد و چهل
بار یا غیاث المستغیثین اغثنی و نیاز بدركاه بی نیاز برد
خداوندا قرض مرا از خزانه خود ادا كردان كه ببركت ایندعا
قرض او اداده شود چهاردهم انكه اگر در میان زن وشوهر ۱٤
ناسازكاری باشد روز جمعه چهل یكدانه فلفل سفید بكیرد
وبنجست حلال خود بخواند وان فلفل را پنهان كند كه ببركت
ایندعا چنان محبت بمیان ایشان بهم برسد كه شرح نداشته

باشد پانزدهم اگر کسی تنگ روزی باشد چهل روز بعد
از هر نماز یکبار ابند عار بخواند خداوند تبارک و تعالی چنان
دهد که حد نداشته باشد و متحیر بماند شانزدهم اگر کسی
محبوسی را رد که خواهد باید چهل یکبار بر کرد سفید بخواند
به نیت او که اگر صد فرسخ دور باشد که بیاید و اگر بمشک و
زعفران بنویسد بر اعضای برهنه خود مالد اگر صد فرسخ
راه برود مانده نشود و اگر خواهد کسی را از مقام خود آواره
کند هفت نوبت بر خاک قبر یهودان بخواند در مقام ایشان
باشد که آواره شود و اگر مهمی پیش آید روز جمعه دوازده بار
الحمد با این نیت بخواند تا جمعه دیگر مهم او کفایت شود بفرمان
خدا تعالی بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الله
قربنا الهی اسئلك ان تقضی حاجتی یا احد یا علام اجیبونی
واطیعونی بحق هذه العزیمة الشریفة العظیمة البلیغة
المبارکة المیمونة المقدسة العجل العجل العجل الساعة
الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا اجیبونی واطیعونی
وسجدونی وادخلونی بحق لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله وبحق ائمة المعصومین وبحق بسم الله الرحمن
الرحیم اجیبونی واطیعونی احضرونی یا ارواح الجن

یاحصا

یا حصابا یا نیابا یا ساتر یا بارد یا ارد یا احد یا عقب
یا سحب یا احد یا صمد برحمتك یا ارحم الراحمین
بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الله قربنا وجلا و ملا
دیونیا شهو یا شمو ثلثا ثلثا اورطا اورطبا عنطا عنطیا
طوطنطا طوا طنطا طوطیا اهیا شرا هیا قدمهیا
هل مد هیا هرجن اهو آئیل اطرائیل اسرائیل صرطبنائیل
دقبائیل کفائیل بطرائیل طرصائیل جبرائیل و میکائیل
اسرافیل و عزرائیل حبطائیل تبائیل خبر وائیل روائیل
رزمنائیل سنحنائیل اشرونیا اسروندا و غنحائیل
اهبائیل اعمائیل اعنائیل کنائیل مطرائیل علحائیل
طوفد معلائیل فدهبائیل برزعائیل نحور بائیل
شقطائیل مطائیل ربائیل مطرائیل مکوائیل اکوائیل
المائیل آکمائیل اطرائیل شونائیل زرخوطائیل نو
نزائیل قدثائیل مهرائیل مهیائیل هلائیل طبا
ئیل طبطبائیل نزطائیل موبطائیل سرسائیل نوبائیل
قدقائیل مهرائیل مهبائیل مهینائیل اهلائیل طبا
ئیل طبطبائیل نزطائیل موبطائیل سرشائیل نویا
ئیل صعقلائیل اشمائیل نعطائیل مهرائیل مومرائیل

عَلیٰ اَهیَا آئیل بَرُو مُنکَ نکتَا آئیلَ زَهنَا آئیلَ طُور آئیلَ
طُومَا ئیلَ شَنیَا آئیل صَعقَا آئیل اطفَا آئیلَ سَبرَا آئیل وَترَا آئیل
بمهرَا آئیل نوکسَا آئیل کفتَا آئیل هجوَا آئیل کرسَا آئیل توبَا ئیل
سَفرهَا آئیل سَرکینَا آئیل کینثَا آئیل سَندَس رَاهَا ئیلَ
اَهٍ وَاهٍ بُوهٍ وَدَیهٍ تمثی اسبیلوا هجرواءیل منطور آئیل
منطوراً مشغودٌ مشغوثٌ مشغوثٌ مشغودٌ مجدٌ ودٌ
مَندودٌ منطا آئیل بَرغَا تفرغَا مانسٍ اوزیشٍ انیشٍ ارنیشٍ
کَذوه ارزوه ووبَاه حور طا آئیلَ طورشَا آئیل کوشَا آئیلَ
طوشا آئیلَ کنهیا آئیلَ وسلسا آئیلَ طوطا آئیلَ اسنلفرا آئیلَ
صورها آئیل ضرضرا آئیلَ دردا آئیلَ نورا آئیلَ کلکا آئیلَ
شمسا آئیلَ شمخا آئیلَ اشما جرهیا آئیل بطعطا آئیلَ روحا آئیلَ
حرقا آئیلَ عطا آئیلَ دونا ئیلَ حرنا آئیلَ میطططرونَ
خاططرونَ جنجعرونَ ان طوسیا اودفونَ سربا آئیل
شمخا آئیلَ سما جهیا آئیل بطعطا آئیلَ دوحا آئیل جوقا آئیلَ
عطا آئیلَ دوقا آئیلَ شمحتا آئیلَ رزقوتا ئیلَ علیها آئیلَ
معزطا آئیلَ منطری مضطری شهطری یروما ارزوها
ئیلَ انکدی انکدی اطوها آئیلَ طوما ئیلَ فهورطا آئیلَ

اَنمَا هی تکبیثا تلبیثا یکویه دکویه شکویه شهطر جثا
شهطرثا طنطفیال خاتم عنتٍ نیالٍ شهر صیالٍ ارنقیا
لی صفا صفا یا معشر الاعوان الیمنی ان تقضی حاجتی
وجمیع بدنی بحق هذه العظیمة البلیغة تجلوا الوحا الوحا
الوحا الساعة الساعة فی طرفة العین کن فیکون
اجیبونی واطیعونی بحق محمد المصطفی و علی المرتضی
والائمة الهدی علیه واله الصلوة والسلم برحمتک
یا ارحم الراحمین

در بیان محبت اگر خواهی کسی را محب خود گردانی سه روز میان ۱۵
نماز ظهر و عصر بیست یکبار آیة الکرسی تا فیها خالدون بخوان
بر حب نبات چون سه روز تمام شود حب نبات را دو قسم کن
نصف را خود بخورد و نصف دیگر را بان شخص که میخواهد
بخورد دان دهد اثر عظیم دارد

ایضاً محبت هر که سوره الم نشرح را هفت بار بر هفت پاره ۱۶
نمک بخواند در وقت شام در آتش اندازد باسم مطلوب مطلب
حاصل گردد

ایضاً محبت پیاز نه عدد بشمر داند و بهر دانه قل هو الله احد ۱۷
یکبار واند رون پیاز نهد و در آتش اندازد مجرب است

نوع دیگر محبت بیار هفت دانه سیاه دانه و بهر دانه هفت بار
اذا جاء نصر الله بخوان و یکیک در آتش اندازد
نوع دیگر محبت اگر میان زن و شوهر مخالفت باشد ازموم
زرد دو صورت بسازد و بر صورت مرد بان طرین نقش
کند پس این آیات بر پوست آهو نویسد و ازآنرا در میان هر دو
صورت بنهد و هر دو صورت را در برو بنهد و در زیر درخت
میوه دار دفن کند میان زن و شوهر مخالفت برطرف شود
اینست ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِنْ بَعْدِ ذَالِكَ فَهِىَ كَالْحِجَارَةِ
اَوْ اَشَدُّ قَسْوَةً وَاِنَّ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْاَنْهَارُ وَاِنَّ مِنْهَا
لَمَا يَجِبُ مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَمَا اللهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
نوع دیگر محبت بنویسد بر بال کنجشک بندد هوا کند انکس
از عشق بیقرار گردد این اینست
ه۱۱۱۱ ۲۱۱ ۹ ۱۱ ۲ ۱۱۱ ه ۱۱ ۹ ۲ هے فع عجلوا
عجلوا عجلوا الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا
نوع دیگر محبت بنویس روز سه شنبه در وقت غروب آفتاب
بر باد بیاویزد هیچ قرار و آرام نگیرد مطلوب مجرب است
ع۱۱۱ ۲۱۴ داع ۷ طالبع اع مور ططاط ر ا مع
نوع دیگر محبت اگر زنی خواهد که شوهرش او را دوست
دارد

دارد این طلسم را نوشته در زیر زبان گذارد با شوهر حرف زند
که محبت پیدا شود ک ۱۱۱ ۲ ۱ ه ر ک ع ه ه
نوع دیگر محبت اگر خواهی کسی را محب خود سازی ... تخم
مرغ در جائی که آفتاب باشد دفن کند تا عجائب ... بینی
ه ۱۱۱۱ م ۱۹۱۹ ۱۱۱۲ ع ۱ ر الا ر ۱۱ ۱ م ... طلب فر ۲ فر
علی حب فر ۲ فر العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة
الساعة الساعة النار النار النار
نوع دیگر اگر خواهی کسی را بر خود عاشق گردانی بیار چهل
یک دانه فلفل و بر هر یک یکنوبت قل اعوذ برب الناس بخواند
بنت فلان علی حب فلان ... فلان و در چهار مغز جوزه شه
پهلو کند و در تنور آتش ... کند که مطلب حاصل است
نوع دیگر بگیرد هفت دانه فلفل و بر هر دانه یکمرتبه اذا زلزلت
بخواند و بعد از آن بگوید سوختم حل رجان فر بنت فلان را
علی حب فر ... النار النار النار الحریق الحریق الحریق بعد
از آن یکایک در آتش اندازد به نیت آن
نوع دیگر اگر خواهی کسی را در محبت گرم کنی نام مطلوبه
... حب جل بگیر بعد از آن بعدد آن فلفل یکمرتبه بدوح را
بخواند بقصد محبت و در آتش اندازد که بسوزد مراد حاصل

باب نوزدهم

بجهت الفت بستانند چهل یکدانه بلادر و بر هر دانه یکبار
اذا زلزلت بخواند و در آخر شب یکیك بر سر سوزن یا جوالدوز
کند و بر چراغ بدارد تا بسوزد آنکس قرار نگیرد

نوع دیگر بجهت محبت اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار
گردانی بیار یك سیب سرخ و این آیا را چهل بار بر آن سیب
بدمد بدهد بمطلوب تا بخورد دیوانه شود بسم الله الرحمن الرحیم
یارب بحق جبرائیل یارب بحق میکائیل یارب بحق اسرافیل
یارب بحق عزرائیل یارب بحق موسی یارب بحق هارون
یارب بحق عیسی ع یارب بحق محمد صلی الله علیه وآله اجمعین

نوع دیگر اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی که اگر
ترا نبیند دیوانه شود یکتار مو از سر آنکس بیاور هفت بار
این آیه را بخوان بیاوز تمام نکرده باشی دو دل او طپیدن گیرد اما
هر مرتبه که میخوانی یك گره بزن که مراد حاصل شود و بر هر گره‌ای
هفت نوبت این آیه را بخوان آتونی زبر الحدید حتی اذا
ساوی بین الصدفین قال انفخوا حتی اذا جعله نارا قال
آتونی افرغ علیه قطرا فما استطاعوا ان یظهروه وما
استطاعوا له نقبا

نوع دیگر محبت شرعی نوشته بر شانه گوسفند در آتش

بسوزانند محب حاضر گردد و از مجربات شمرده اند و اسم
محبوب را بنویسد و در وقت نوشتن و آتش گذاردن اسم
محبوب را در هر دو حال ذکر کند مشروطا للشرع

/// /// ه و ۸ ع ا ر ا ه ۲ ع ۱ ۶ کهر ۱۱۱ لا ۱۱ م د د ا ه

در پارچه سفید طاهری نوشته در چراغ دان سبز گذارده
با روغن زیتون باشد بر افروزند ه ۱ ۹ ۸ ۱ ا طهر ۱۱۱۱۱۱
ط د ع ط ه بنویس بر کاغذ و هفت فلفل در میان
کاغذ بپیچد در روز چهارشنبه در شب پنجشنبه در آتش
اندازد ا ه هو هکیج همایج هکبج هملج هلیج ا ه ا ه ا ه ا ه
ا ه باسم دوستی فر ۲ ۲ فر علی محبت ۲ ۲ فر

ایضا نوع دیگر اگر خواهی میان زن و شوهر محبت پیدا
شود بنویس این مهر را در زیر سر خود گذارد یا در بالش پنهان
کند هر دو سر بالای آن گذارد چندان محبت پیدا شود مثل
یوسف و زلیخا و اگر هر چه بر این مهر نگاه کند همیشه خوشحال
باشد و در رزق بروی گشاده شود و شك نیاورد و این است

ع ۹ ۱۱۱ ع مح ۱۱ ۲ ۲ ۱۲ ۱۲ ۱ ۳ سعر ۱ ۸ ۸ ۸ سم
۸ ۲ ۲ ۱ ۱ ع ۱۱ ۲ ۳ ۶ ۱ ۲ ۵ ع ر ع ۹ ۸ ۷ ۵
ا ر م ۵ ۵ ۸ ۹ ۱ / ۱۱ ۲ ۲ ر سه سه سه

نوع دیگر اگر کسی درجائی عاشق باشد وآنکس دل باو ندهد
این طلسم رابنویسد ودرمیان کرده کان بنهد دبسوزاند ازعشق
بیقرار گردد بفرمان خدا تعالی
ها معظم تعالی بم و لوکان وهذه حق حق الحق ۱۱۷۳ ۱۱ مکرنا
۹۹ ھ ا و ۱۱

نوع دیگر محبت هفت پنبه دانه وهفت پاره سنگ سرخ وهفت
استخوان خرما بر هریك چهار الحمد بخواند وبر هریك بسم الله
بخواند ودرآتش اندازد ودراول واخر نام آنکس برد وبر هر
یك آیة زین للناس را تا والانعام والحرث بخواند نزدیك
باشد که هلاك شود

نوع دیگر محبت بیاورد هفت دانه فلفل وبخواند برفافلها
چهل هفت حد وبیاورد پیاز سفید ومیان او را برداد واغمارا
درمیان او بگذارد وبرشته دختر نابالغ گذاشته درآتش بنهد
مطلب حاصل است باذن الله تعالی

نوع دیگر محبت بیاورد چهل یکدانه فلفل وهفت بر هفت این
ایه را بخوان ودانه دانه درآتش اندازد ونام آنکس ومادر
او بزبان جاری کند اگر صد فرسنك دور باشد بیاید
بسم الله الرحمن الرحیم وانه علی ذلك لشهید وانه لحب
الخیر لشدید ودروقت آتش انداختن بگوید سونسم قلب ۲۲۲

۲۶ نوع دیگر محبت اگر کسی عاشق باشد ومطلوب با او محبت ندا
باشد تخم مرغ بیاورد واین طلسم را درمیان تخم مرغ گذارد و
درنزدیك آتش دفن کند چندانکه بسوزد بی آرام گردد مجرب است
صح صح صح عم لومی لوهسی العجل العجل العجل صلح
مسهوالولد ۱۷

۲۷ نوع دیگر اگر زنی خواهد شوهر او را دوست دارد این
طلسم را بنوشته زیر زبان گذارد با شوهر سخن گوید محبت پیدا
شود
ک ۱۱ ۱۳ ھ ی ع الاربا ه

۲۸ نوع دیگر اگر خواهی کسی را محب خود گردانی مشت خاك
بردار از قدمگاه او وهفت بار این ایه را بخوان وبر آن خاك
دمد وبیاورد دهد آنکس محب وفرمان بردار گردد آیت
یا ایها الذین آمنوا لا تقولوا راعنا وقولوا انظرنا و
اسمعوا وللکافرین عذاب الیم

۲۹ نوع دیگر محبت بگیر هفت میخ که مقدار یك انگشت باشد
بر هر میخ یکبار سوره یس را بخوان بنیت هفت اعضای
وی ودر تنگی آتش دفن کن وچون گرمی آتش بان میخها
رسد از دوستی تو بیقرار گردد

نوع دیگر اگر خواهی دل کسی را بجوز متعلق کند چنانکه از همه
کس دل برگیرد و دل بتو بندد در روزی سعد اگر عمل برای مردی
باشد دل گوسفند نر و اگر برای زنی دل گوسفند ماده بستاند
بشکافد و این تعویذ را بر او بمشك و زعفران بنویس و بیست
یکدانه فلفل بر هر یکی یکبار قل اعوذ برب الناس تا آخر سوره
بنیت محبت آنکس بران بخوان و در اندرون دل هفت
سوزن در اطراف دل زند در خمیر گیرد و در پهلوی قلبش
آتش دفن کند عجایب بیند این را عقد القلب گویند اینست
عقدتم قلب فه ۲ فه علی حب فه ۲ فه اَنَّا جَعَلْنَا عَلٰی قُلُوبِهِم
اَکِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوهُ وَفِی آذَانِهِم وَقْرًا وَمِنَ النَّاسِ مَنْ
یَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللهِ اَنْدَادًا یُحِبُّونَهُم کَحُبِّ اللهِ وَالَّذِینَ
آمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ اَلْقَیْتُ عَلَیْكَ مَحَبَّةً مِنِّی وَلِتُصْنَعَ
عَلٰی عَیْنِی الساعة الساعة [illegible]
[illegible]
سوختم دل وجان و
دروح روان فه ۲ فه [illegible]
بمحبت وردستی فه ۲ فه الوحا الوحا النار السعیر السعیر
الحریق الحریق
نوع دیگر فی المحبة

الخ

اکتب باسم من ترید واسم امه وعلقه فی شجرة تراه عجایبا
وهو هذا ۵۵۵۵ عقل ه عسهل ومویل ه [illegible]
معلل العجل العجل التکفیر ه ه الساعة عقدت
نوم فلان بن فلان لمحبة فه ۲ فه [illegible]
الساعة باهیا شراهیا

کنز ۴۲ نوع دیگر محبت هر که بگیرد چهل ویك دانه فلفل و بر هر یکی
یکبار سوره فاتحه را بخواند و آن فلفل ها را درون پیاز
سفید نهد و سر آنرا هم بدان پاره پیاز بر داشته محکم کند
و سه میخ از چوب انار بتراشد و در سر آن پیاز خلال کند
و بعد از آن پیاز را در زیر آتش دان نهد چنانکه از حرارت
آتش بان رسد اما باید که نسوزد و آنگست شور محبت در
دل محبوب اثر کند

کنز ۴۳ نوع دیگر محبت بگیرد خرما و هفت نوبت این آیه را بران بخواند
و بخورد آنکس دهد می خورد از عشق بیقرار گردد اینست
وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَکُوبُهُمْ وَمِنْهَا یَاْکُلُونَ سُبْحَانَ الَّذِی
سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَاِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ
باسم فه ۲ بنت فلانه علی حب فلان الساعة الساعة الساعة
مجرب است

کنز ٤٤ نوع دیگر از جهت محبت چهل یکمرتبه بر چهل یکدانه فلفل
سفید بخواند و در آتش اندازد و هر دانه که بکصد ا کند
یکبار این عزیمت را بخواند اینست عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ یَا اَهْلَ
الرِّیحِ وَالرِّیَاحِ وَمُلُوکِ الاَرْوَاحِ عَجِّلُوا وَاَجِیبُوا وَاَطِیعُوا
وَاَحْضِرُوا وَخُذْ طَرْفَةَ العَیْنِ قلبَ فلان ۲ فی علی حب
ن ۲ ن ۲

کنز ٤٥ نوع دیگر محبت سوره والمرسلات را نه مرتبه بر خون
سیاوش شان بخواند و بدمد و بسوزاند مطلوب بیقرار
و دیوانه او شود

کنز ٤٦ نوع دیگر بجهت محبت سوره والمرسلات را هفت دفعه بر
هفت پاره چوب صندل بخواند و در آتش اندازد مجرب است

کنز ٤٧ نوع دیگر محبت سوره عم را بیست مرتبه بر موی شسته
بخواند و بسوزاند مطلوب دیوان شود از عشق او

کنز ٤٨ نوع دیگر محبت هر که سوره قل یا ایها الکافرون را چهار
مرتبه بر نمک بخواند و بدمد بنام هر کسی خواهد بسوزاند
مراد حاصل شود

کنز ٤٩ نوع دیگر اگر خواهی با کسی اشنائی نمائی و ایشان راضی
نباشند و ابند عادا بر تخم مرغ نوشته و در آن بام انکس اندازد

دبنا

و بشکند البته راضی شود مجرب است عجج عجج عج ع ع ع ع
ع ع اعع عجج عجج لد لد لد لد لد لد لد لد لد لد

نوع دیگر چون کسی خواهد که شخصی را مطیع خود گرداند
بنویسد این آیه را بمشک و زعفران و گلاب در اول ساعت روز
جمعه و شب در زیر سر گذارد و روز ببازوی راست خود ببندد
و مطلوب خود را طالب مشاهده کند وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَتَّخِذُ
مِنْ دُونِ اللهِ اَنْدَاداً یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللهِ وَالَّذِینَ آمَنُوا اَشَدُّ
حُبّاً لِلّهِ وَلَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا اِذْ یَرَوْنَ الْعَذَابَ الله وَهُوَ
السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَالْحَکِیمُ اِلٰهُ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ
الرَّحِیمِ اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِینُ اَللّٰهُمَّ اَلِّفْ بَیْنَ قُلُوبِ
فلان بن فلان و بنت فلان کَمَا اَلَّفْتَ بَیْنَ اسرائیل و یوسف
علیه السلام وَامْرَأَةُ الْعَزِیزِ تُرَاوِدُ فَتٰهَا عَنْ نَفْسِهِ اَنْ اَحْسَنَ
مَثْوَایَ اِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ قَدْ شَغَفَهَا حُبّاً اِنَّا لَنَرَاهَا
فِی ضَلَالٍ مُبِینٍ ع۱۱۱۵۸۹ط۱۱ ط۱۱۹۹ط۱ ۱۱۱۱ھ۸۸۱۸

نوع دیگر این عزیمت را بر آهن پاره بنویس بنام مطلوب
و مادرش و در آتش نهد که سرخ شود هنوز در آتش باشد
که مراد حاصل شود و آن مکرر تجربه شده است و آزموده است
اینست ابا مره و سع یا میمون بن میمون و یا صحاب هذا

الم هامیمون بعد اماللد للهد قلب فم ۲ فم الی حب ۲۲ فم

لبص علیه ملهم غلنلع مه ه عااا۸ ۱۳ ا دی

حاهاه هاهالر دعلالط ا و ا سوور رعد

نوع دیگر کنوز الاسرار بیار شیشه و پاره نفط درانجا کنند و ۷ دانه گندم و ۷ دانه جو و ۷ دانه نمك و ۷ دانه فلفل و این عزیمت را بر کاغذ نوشته و در آن شیشه کند و در راه گذارد انکس دفن کند این از غرایب است و آزموده است

ااااا۷ ۳ ۹ ااا ۳ گ حاه ا ا ۵ ااااا ۷ ااا مه

مه عـ سه ماسا ۲ اا لواسا ما لوا

لهم من الم بسی مداه دفروه اسعد النار

محرق قلب و فؤاد بدن فم ۲ فم دعشق وی ف سوزه محبت فم ۲ فم لا نوم لا قرار لا طعام ولا شراب

نوع دیگر هر کس این طلسم را بر پارچه سفید رزکوب و در چراغ دان نو نهد و بروغن برافروزد در ساعت انکس بیاید و اگر دشمن باشد دوست گردد بفرمان خدا تعالی

اااا ۷ اا ط ا ۶ ۹ ااا ا ـ عـ ااا اا کـ ۹ ۲ ل

الط ااا لو هیجو قلب فم ۲ فم بموره والمحبه والعشق هیا هیا العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا ایها

کنز ۵۴ نوع دیگر اگر بنویسد و در زیر بالین خود نهد بنام انکس که خواهد خواب بروی بسته شود تا روز بیقرار شود بفرمان خدا

ه ۸ ۹ ا ۲ ۸ ۱۸ اا ۱۸ عاح ه لا م ۸ م ۱۸ ل م ۳۲ ا ا ۳ هم

۱۱۱۳۹ ۵ مه ۳ ۲ ۱۱ صم اطه ۱ ۲ و اها صرا ۲ الا ار کعه

ها ۲۷ مه ۸ ۱۸ ۲ ای اسم لا ۶ ۱۱۱ ۳ ۲ ساسم ۱۱۳ د لا لا کر ۹ ۱۱

ه طع ۵ ااااا ۲ ا ااا ۳ ۹ ک ارك مه حا ا سملو ل ها ها

ها ها شراهیا اصاوث اسملون بحق بسم الذی سه دا و ۸ سطر

للکح ک ااو ۹ ۹ ۲ ۳ عجل امل عجل هسطر محط و ااحم ۲ اا

الاع سه دا و ۳ ا

کنز ۵۵ نوع دیگر بنویس بر کاغذ بر درخت بیاویزد مراد حاصل شود والرتاج ذو الرتاج فلان بنت فلان را مهربان گردان بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق اهیا شراهیا و بحق علیهم غیر المغضوب علیهم انعمت علیهم ولا الضالین

کنز ۵۶ ایضاً هرگاه میان زن و شوهر ناسازگاری باشد این طلسم را بنویسد در ایشان دفن کند سازگاری شود

اا ۷ ااا ط ا ه اا

کنز ۵۷ نوع دیگر هرگاه خواهی که کسی را از عشق تو بیقرار گردد که نخوابد و نیاشامد هفت بار سوره الم نشرح بخوان بکار و هفت مرتبه

الم هامیمون بجدا ملله للهند قلب فر ۲ فر الی حب ۲ ۲ ف
لبص علیه ملهم غلنلع [illegible] ۱۳ ۱ دد
[illegible] و علاط ا و ا و و و رعد

نوع دیگر کنوز الاسرار ببار شیشه و پاره نفط در انجا کند
و ۷ دانه گندم و ۷ دانه جو و ۷ دانه نمک و ۷ دانه فلفل
و این عزیمت را بر کاغذ نوشته و در ان شیشه کند و در راه
گذارد انکس دفن کند این از غرایب است و ازموده است
[illegible]
[illegible] ماسا ۱۲ اا لوا اسا ما ۱۱
لهم من الهم [illegible] صداه دفروه اسعد النار
محرق قلب و فواد [illegible] ۲ فر دعشق وی ف سوزنجت
فر ۲ فر لا نوم لا قرار لا طعام و لا شراب

نوع دیگر هرکس این طلسم را بر پارچه سفید زرکوب و در
چراغ دان نو نهد و بروغن برافروزد در ساعت انکس
بیاید و اگر دشمن باشد دوست گردد بفرمان خدا تعالی
[illegible] ۲۹ [illegible]
[illegible] هیجو قلب فر ۲ فر بمحوره والمحبة والعشق هیا هیا
العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة [illegible]

کنز
نوع دیگر اگر بنویسد و در زیر بالین خود نهد بنام انکس که ۵۴
خواهد خواب بروی بسته شود تا روز بیقرار شود بفرمان خدا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سمملو ل ها ها
هاهاها شراهیا اصاوث اسملون بحق بسم الذی [illegible]
للکحک [illegible] عجل عجل [illegible]
الاع [illegible]

کنز
نوع دیگر بنویسد بر کاغذ بر درخت بیاویزد مراد حاصل ۵۵
شود والرتاج ذو الرتاج فلان بنت فلان را مهربان گردان
بحق کهیعص و بحق حمعسق و بحق اهیا شراهیا و بحق
علیهم غیر المغضوب علیهم انعمت علیهم ولا الضالین

کنز
ایضا هرگاه میان زن و شوهر ناسازه کاری باشد این ۵۶
طلسم را بنویسد در ایشان دفن کند سازکاری شود
[illegible]

کنز
نوع دیگر هرگاه خواهی که کسی را از عشق تو بیقرار گردد که نخوابد ۵۷
و نیاشامد هفت بار سوره الم نشرح بخوان بکار و هفت مرتبه

این آیه بخوانند که مَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ
مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ و آنگه کارد بر زمین فرود
برد و بگوید فلان بنت فم بمحبت فم ۲ فم لا نوم لها و لا
قرار لها مقلقل ما باللیل و النهار و مقلقل القلب

نوع دیگر محبت این طلسم را در زیر زبان گیرد با مطلوب
حرف زند که بسیار مؤثر است و مجرب

۹۱ه م ه م ۱۹۹ م۱ ه ۱۱ ه ۱ ه ۱۹۱۹ م ۱

نوع دیگر محبت اَللهُ الصَّمَد را مع موکل بعد از نماز خفتن
صد مرتبه بخواند بطرف خانه مطلوب بدمد باین طریق
اَجِبْ یا اسرافیل یا یدطائیل بحق اَللهُ الصَّمَد

نوع دیگر بستاند ۴۰ عدد مویز و چهل یکبار قُلْ هُوَ اللهُ
اَحَدٌ بخواند و بزبان آورد که اسم فم ۲ فم علی حب فم ۲ فم
مراد حاصل شود اما باید شب چهارشنبه باشد و هر شب
ده دانه را زائد نکند الاجلال و تنعما باشد در محل خلوت
که مجرب است

ایضا اگر در میان زن و شوهر سازکاری نباشد بنویسد
این کلمات را بر زیر سر زن نهد شوهر محبت بهم رساند مجرب است
بستم حلال بهم و محبت فلان بنت فلان بستم طبع را با طبع
بستم دل را با دل بستم موی را با موی آن بحق این کلام

وَمَن یَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللهِ اَندَادًا یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللهِ وَالَّذِینَ
آمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلّهِ وَلَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا اِذْ یَرَوْنَ الْعَذَابَ
اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّهِ جَمِیعًا بستم فلان ابن فلان بمحبت فم بنت فم
بحق هذه الاسماء سهااوع ااالهم
رصالسعالعهعما کفهها الساعة الساعة العجل العجل
العجل

نوع دیگر بجهت محبت بنویسد زیر زبان نگاه دارد با کس
سخن گوید دوستی و محبت زیاد شود

۱۱۱۴ل ۱ ط ۱ه ۱ طس ۲۱ ۱۱ ۸ ۸ ۲ ۱۱ ا سم

نوع دیگر بجهت محبت بنویسد بر کاغذ و در آب بشوید بخورد
هر کس دهد اثر عظیم پیدا شود اینست

م۱۱اع ددع ع داه ۱۱۱م ه ع۱۱۱ ۱۱ ددد ا م
م۱۱۱۱ م ۱۱ م ۳۱ م ربع ۲ لحم ۱۹۸ ۱۱

نوع دیگر محبت بین الزوجین بنویسد بر ۴ پاره کاغذ و بر
چهار کنج خانه دفن کند که در میان ایشان اصلاح شود و اگر
در دشمن را ببندد این را خواند هیچ ضرر باد نرساند
فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِیَهَا سَافِلَهَا وَاَمْطَرْنَا عَلَیْهَا حِجَارَةً
مِنْ سِجِّیلٍ مَنْضُودٍ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّکَ وَمَا هِیَ مِنَ الظَّالِمِینَ

بسعید ایضاً نوع دیگر هرکس این طلسم را بنویسد بر
کاغذ باب اندازد وبشوید وبهرکه دهد بخورد مطیع او گردد

مه مه ۹۹۲ ۱۰م مه صره مسح

نوع دیگر الفت میان زن وشوهر این آیات را بگلاب و
زعفران ومشک بنویسد وبکسی دهد اورا بازن خود الفت
باشد وبگوکه کن الث یبدل بمحبت فلان الفت پیدا شود
هرگز طلاق واقع نشود اینست هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنْسَانِ حِیْنٌ
مِنَ الدَّهْرِ لَمْ یَکُنْ شَیْئًا مَذْکُورًا اِنَّا خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ
اَمْشَاجٍ نَبْتَلِیْهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِیْعًا بَصِیْرًا

نوع دیگر بجهت محبت بنویس درمیان باد بجا ماند دور آتش
بنشان کن تا عجایب مشاهده کنی معطهحال
لسبیطعها مسطا فو سلسم لبوهم یوم القیمة بحق
النقش الخاتم بسوزند دل فلان علی حب ۲ و عشق
۲ الی یوم القیمة العجل العجل الساعة الساعة الساعة
النار النار النار الوحا الوحا الوحا

نوع دیگر بنویس بمشک وزعفران برخیری پاکیزه وبشوی
ودرمیان طعام وشراب بمطلوب خوران تا مطیع وفرمان
برداری شود باذن الله تعالی اِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ

وَالْاِحْسَانِ وَاِیْتَاءِ ذِی الْقُرْبیٰ وَیَنْهیٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْکَرِ
یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُوْنَ وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِی
ذٰلِکَ لَاٰیَةً لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُوْنَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْقُرْاٰنِ الْعَظِیْمِ
رَبَّ کٓهٰیٰعٓصٓ وَرَبَّ الصُّحُفِ وَالزَّبُوْرِ وَرَبَّ التَّوْرَاةِ وَ
الْاِنْجِیْلِ وَرَبَّ طٰهٰ وَیٰسٓ وَالصَّافَّاتِ واجلب قلب فلان
بن فلان ناق حزبنا حتیٰ لا یاربن ولا یسمع ولا یتکلم
الساعة الساعة الساعة العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا

نوع دیگر اگر خواهی کسی را مسخر گردانی بعد از نماز صبح گنز ۶۹
یکشنبه سوره یٰسٓ را بر یکدانه فلفل سفید خوانده درمیان
یکدانه مویز نهد ودر آتش اندازد تا بسوزد وچهل یکروز
این عمل بکند ویکروز خطا نکند که آن کس بیقرار گردد
بی آرام گردد واین عمل بسیار مجرب است

نوع دیگر سوره یٰسٓ را در ساعت زهره یا مشتری هفت گنز ۷۰
بار بر پاره شکر خواند باسم مطلوب ومادرش وطالب و
مادرش قبل از طلوع آفتاب بنشیند وبمطلوب خوراند اگر
فی المثل پادشاه زاده باشد بیقرار گردد

نوع دیگر اگر خواهی مرد را مطیع زن گردانی بگیر جگر گنز ۷۱
خروس را این دعا را در کاغذ بنویس دردرون جگر گذار

در زمین دفن کن که مجرب وازموده است لیلا با هلا مابخا
هما لو بالاسا مکجا کنجا باسم ۳ ۲ ۳ وعلی حب ۳ ۲ ۳

نوع دیگر اگر خواهی کسی را بیقرار کردانی انا انزلناه را چهل
یکمرتبه بر مویز بخوان وبد بخورد مجرب است

نوع دیگر هرکسی خواهد کسیرا مطیع خود کرداند پس چهار
رکعت نماز بگذارد ودر رکعت اول بعد از فاتحه چهل یکمرتبه
این آیه را بخواند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ
مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ
حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ وسه مرتبه قل هو الله احد بخواند ودر رکعت دویم بعد
از فاتحه چهل یکمرتبه ایه مذکور را بخواند وپنج مرتبه قل هو الله
احد را بخواند ودر رکعت سیم بعد از فاتحه چهل یکمرتبه آیه
مذکور را بخواند وهفت مرتبه قل هو الله احد را بخواند ودر
رکعت چهارم بعد از فاتحه چهل یکمرتبه ایه مذکور را بخواند
وده مرتبه قل هو الله احد را بخواند بعد از فراغ از نماز د
ستها را بسوی اسمان بلند کند وسه مرتبه یا الله بگوید
وحاجت خود را بطلبد که روز براورده شود باذن الله تعالی

نوع دیگر هرگاه کسی از زن حلال خود دل سرد شده باشد

دبا و بد سلوکی کند این عارا بنویسد بر کاغذ و بگذارد در
میان بالش مرد گذارد چنان محبتی بهم رساند که بی رضای
او کاری نکند ودر ساعت مشتری بنویسد واین عارا بر
دور مربع بنویسد حب عدیم یابلوکو کر سهر دلوء لول
مال عزی لسی صول لوبا
او بای باسم فلان علی محبة
فلانه الساعة الساعة وبحق
والله الاقبال

۶و	۴و	۶و	۴و
۴و	۶و	۴و	۶و
۶و	۴و	۶و	۴و
۴و	۶و	۴و	۶و

نوع دیگر محبت صلح میان
زن وشوهر آیه وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَ
رْضَ تا الی یَهْتَدُونَ از سوره زخرف بنویسد بر
چهار پاره کاغذ ودر چهار کنج خانه دفن کند میان ایشان
اصلاح شود والله اعلم

نوع دیگر هرگاه درمیان زن وشوهر ناسازکاری
باشد بنویسد این طلسم را در استانه خانه انکس دفن
کند درمیان ایشان اصلاح شود مجرب است

۲۱۱ ۱۴ ۱ ۸۱ ۴۶ ۱ ه ۱۱ ۲   ۲۱۳ ۱۱ ۸ ۱ ۲ سه   ۲۱۱ ۱۴

۲۱ ۱۴ ۲ ص   ۱۳۱ ه ۱ ۸ ۱ ۲ ۶   هو ۱۴ ۱ ۲ ۱ ۸ ۹ ۱ ۲

۳ هھم ابھم ابھم بنام ۴ ۲ ۴ علی حب ۴ ۲ ۴ بنام

نوع دیگر بجهت محبت در ساعت خوب دوشنبه یا پنجشنبه یا جمعه باشد در نزد خود نگاه دارد تا چهل روز مجاب ببیند

ایضاً این طلسم را در استانه خانه مطلوب دفن کند مراد حاصل شود والله اعلم

۲۸۷

۲۸۳	۲۸۵	۲۸۸	۲۷۵
	۲۷۴	۲۸۱	۲۸۴
۲۷۷	۲۹۰	۲۸۳	۲۸۰
۲۸۴	۲۷۶	۲۷۸	۲۸۹

۲۸۳	۲۸۴	۲۸۹	۲۷۴
۲۸۸	۲۷۷	۲۸۲	۲۸۷
۲۷۸	۲۹۱	۲۸۴	
۲۸۵	۲۸۰	۲۷۹	۲۹۰

بنویسد بر ده پاره کاغذ بنام هر کس که خواهد باسم او و مادر او در آتش اندازد

بتو قرار نگیرد و اینست [جمعر] [جعتین] [لواسطه] [سل مداع لهم]

[اعالف فتکه] [ساماطر] [محمد] [سلسلسلا] [ودهر] [۱۱۱۱ ح]

نوع دیگر هر این تعوین را بر کاغذ نویسند و بر چرخ بندد

۱عمہ	۵۵۰ع ح	عع	۱۵ع ط	۱۵ع۵۰
۵عمع	۵ع۵ع	۵ھح	۵۵۰	۱ھ۵ار
رع	۱مھ	طا۵ھ	ھع	۵۵ع۰
۱ع	عع	۱ھ۵۱	ھھھ	ھع۵ع۲۵
۱۲۵ع	ححع	مھع	۳عع	۳ھع۵ھ

خواطر مطلوب پریشان شود تا که او را اندر نبیند و اگر کسی عاشق باشد بهر نوع دنبال او را نگذارد و این است

کنز ۸۱ ایضاً محبت اگر میان زن و شوهر مخالفت باشد از موم زرد صورتی بسازد و بر سینه مرد بسوزنی که از مس باشد نام زن نقش کند و بر سینه زن نام مرد بان طریق نقش کند پس این آیه را بر پوست آهو بنویسد و در میان صور تهانهد صورتها را رو برو نهد و در زیر درخت میوه دار دفن کند مخالفت ایشان برطرف شود و آیه اینست

ثُمَّ قَسَت قُلُوبُكُم مِنَ بَعدِ ذٰلك فَهِیَ كَالحِجَارَةِ اَو اَشَدُّ قَسوَةً وَاِنَّ مِن الحِجَارَةِ لَمَا یَتَفَجَّرُ مِنهُ الاَنهَارُ وَاِنَّ مِنهَا لَمَا یَشَّقَّقُ فَیَخرُجُ مِنهُ المَآءُ وَاِنَّ مِنهَا لَمَا یَهبِطُ مِن خَشیَةِ اللّٰهُ وَمَا اللّٰه بِغَافِلٍ عَمَّا تَعمَلُونَ

کنز ۸۲ نوع دیگر للمحبت سمع من مجرب بگیرد عدد اسم مهرگیاه ۲۸۱ و عدد اسم ودود ۲۰ و عدد مادرش در ساعت مناسب با عدد اسم خود بعد از طرح و جمع در مربع خواص عجیبه ببیند تجربه نموده ام مجرب است

کنز ۸۳ نوع دیگر ۲۸۴۳۳ ۲ مربع الاثر بمشک و زعفران و گلاب و نبات بنویسد و در میان ۳۰۱۳۷ در روغن ۴۱۷ گذارند و این آیه را بخواند وَاَلقَیتُ عَلَیكَ مَحَبَّةً مِنِّی الا اخر و این عزیمت است که میباید نوشته شود بر قرطاس ۲۸۹۱

درساعت سعد یوم الاثنین درساعت زهره اجب یا بطهیان
بحق ببدولاش واجب یا رمیان بحق داو یدوش واجب
یا حطهیال بحق جید روش هیجوا قلب م ۲ قم علی محبة
م ۲ قم وتحرز بالفلفل الابیض لو کان عمل بالنهار و بالا
سود لو کان باللیل یؤثر ان شاء الله تعالی

نوع دیگر اگر خواهی کسی را محب خود کنی بستان یکعدد زبان
گوسفند و روغنش را بگیرد و از ان روغن این کلمات را بنویسد
بر قرطاس و ان قرطاس را با موی سر انکس و پارچه از رخت
ان فتیله کند در چراغ بگذارد و برافروزد البته دل انکس بیقرار
گردد و مجرب است و کلمات اینست یا جمیع فی خطوفر بحق
هذه الاسماء بنام م ۲ قم علی حب م ۲ قم العجل العجل العجل
الساعة الساعة الوحا الوحا الحریق الحریق

ح ۱۱۱۱ م م ه ۹ ۱ ۹ و ۱۹ ۱ ۱۱ ۹ ۱۱۱۱ ه ۱۱ع ۱۱ ی لا ی

نوع دیگر محبت بنویس این عزیمت را بنام هرکه خواهی و ماردشی
بر اسفند و نمک بخواند و در نار ریزد که انکس از عشق
بیقرار گردد و ازموده مجرب است و عزیمت اینست
یا اهل الرواطو افی المع مهمتوا مع الساعة الساعة
العجل العجل الوحا الوحا النار الحریق بنام م ۲ قم علی

مح

۸۶ حب م بنت م نوع دیگر اگر خواهی کسی را ۲۲۱۳۱۲
۵۱۴ بنویس این کلمات را در شب ۴ شنبه بر ورق
۹۷ ۳ وهفت دانه فلفل و قدری مصطکی و صندل
در روغن گوسفند در شیشه کند و اشیاء مذکوره را بر روی
اتش گذارد تا بجوشد که مطلوب بیقرار گردد

ک ۲۴ ۱۲ ۸ ۲ ۳ ۹ ۱۱ — ۱۱۸ ۶ ۶ ۶ ۶ ۸ ۴

۱۱۱۸۹ ۱۱ ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه

ص	ح
۴	۱
و	ک

یحبونهم کحب الله و الذین امنوا اشد حبا ان الذین
كفروا وماتوا وهم کفار فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
بنام م ۲ قم العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا

۸۷ نوع دیگر بنویس این طلسم را بنام هرکس که خواهی و بر در خانه
۱۵۳ ۲ دفن کند انکس از عشق بیقرار گردد و این عمل عبدالله
هلالی است و میگویند هیچ طلسمی بدین نرسد ازموده و مجربست

۱۱۱۲ ۱ ۸ ۹ ۱۱ ۹ ۹ ۱۱ ه ح — ۱۱۱ ۸ ۸ ۹ ۹ ۱۱۱ ح ۱۱ ۸ ۱ ح ۱۱ ۸ ۱۱۱ ه
۲۱۲ ۸ ۱۲ و ۹ ۶ ۱۱۱ ۸ ۱۱۱ ۸ ۲ ۱ ح

۸۸ نوع دیگر بخوان این افسون را بنام هرکس که خواهی بر مویز
سیاه و بده انکس دهد تا بخورد بیقرار گردد ازموده مجرب است

اسکم نو ور کا ور کا ور حلکا سوی بسکو کا کرک د قارق
سعلا سعل بیابد محفا دوق من مخادوق الساعة الشاقر
الرجا الوجا العجل العجل بنام م ۲ م علی حب فلان بن فلانه

نوع دیگر اگر خواهی دل کسی را بیقرار خود گردانی بگیر کبوتری
وسه بال از جانب راست او وسه بال از جانب چپ او بکند و
واین اسم را بر کاغذی بنویسد واین آیة را بخوان بریسمان به
بندد و بر باد بیاویزد دل آنکس بیقرار گردد واز عشق او
اَوَلَمْ یَرَوْا اِلَی الطَّیْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَیَقْبِضْنَ مَا یُمْسِکُهُنَّ
اِلَّا الرَّحْمٰنُ اِنَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ بَصِیرٌ وَیَقُولُونَ مَتٰی هٰذَا الْوَعْدُ
اِنْ کُنْتُمْ صَادِقِینَ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ
وَلَا تَقُولَنَّ لِشَیْءٍ اِنِّی فَاعِلٌ ذٰلِکَ غَدًا اِلَّا اَنْ یَشَاءَ اللهُ
رَبُّ الْعَالَمِینَ وَاَلْقَیْتُ عَلَیْکَ مَحَبَّةً مِنِّی وَلِتُصْنَعَ عَلٰی
عَیْنِی اِذْ تَمْشِی اُخْتُکَ فَتَقُولُ هَلْ اَدُلُّکُمْ عَلٰی مَنْ یَکْفُلُهُ
عَلٰی اَهْلِ بَیْتٍ لَکُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ وَعَلَی اللهِ فَلْیَتَوَکَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ باسم محبت ن م م علی حب م ۲ م ست ۲ ۲ م

نوع دیگر اگر خواهی کسی را عاشق خود گردانی بنویس این
طلسم را بر درخت چنار ببندد از عشق بیقرار گردد وازموده مجرب
۱۱۱۸۱۱ ح ۱۱۱۲ ۱۱۱ ۸۱۱۸۱۱ ۵ ۱۱۱۹۸۱۱۹۲۸۱۱۱

۱۱۸۱۱ ح ۱۱۱۲۱۲ ۹ ۶۹ ۱۱۱۸ ۱۱۱۸ ۱۳۸ مح

کنز ۹۱ نوع دیگر در اعمال محبت بقاعده که در سر مکتوم بیان
کرده انستکه صورتی بوزنک از موم باید ساخت وبا بر
پشم سفید از سر پایه که از چوب ۲۷ باشد باید آویخت
وعزیمتی که مذکور میشود بر قرطاس باید نوشت که وسینه
صورت نهند ودود دیوشر پایه مقل ازرق وکندر کرمانی
ومشک بخور کند ودرجائی دیگر بخور باین ترتیب نوشته
که مشک وزعفران ریشه عود قماری بمرتقد بوهمان عزیمت
که بر قرطاس نوشته اند باید خواند وعلامت اجابت عمل
انست که صورت متحرک شود چون صورت متحرک شد
از از سر پایه باید داشت در لفافه پاک پیچیده درجائی
پاکیزه که اندک حرارتی بان رسد دفن باید کرد اما نه
بوجهی که از حرارت بگدازد والا عمل باطل است

بسم الله الرحمن الرحیم عَزَمْتُ عَلَیْکُمْ یَا اَبَا اللَّیْثِ وَیَا اَبَا
معتصم ویا ابا قرده ویا ابا مالک ویا ابا لوس بالله الذی
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَعَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ خَضَعَتْ
لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْاَصْوَاتُ وَرَجَبَتْ لَهُ الْقُلُوبُ
وَذَلَّتْ لَهُ الْخَلَائِقُ وَمُنْزِلُهُ الْعَرْشِ وَقَامَ بِاَمْرِهِ الرُّوحُ

وانقادت له الجن والانس والشياطين والارواح واذعنت
له المردة وتضعضعت له العفاريت وله الجند ومون
وتعبد له المتعبدون كلهم انا اجيبونی واطيعونی فيما ا
امركم الله به بعزيمتی وكتابی هو كتاب الله وانه لكتاب عزيز
اتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حميد
حكيم وعزمت عليكم بعزيمة التی فوق كل عزيمة العجل العجل
الشاعة الشاعة بعزة من اذا اراد شيئا ان يقول له
كن فيكون وبقدرته من بيد ملكوت واليه ترجعون
وعزمت عليكم بعزيمة محمد بن عبدالله بن عبد المطلب
صلی الله عليه وآله وسلم وعزمت عليكم بعزيمت امير المؤمنين
علی بن ابی طالب ع وعزمت عليكم بعزيمت سليمان بن
داود عليه السلام عزمت عليكم ياروس الزابع بحق شمعون
وشمعون وبحق اهيا شراهيا اذونای اصباوث ال
شدای عزمت عليكم بعزيمة الله الغلاظ الشداد قدوس
قدوس جبرئيل وميكائيل من فوقكم وجعلنا بينكم وبين الجنة
انهم لمحضرون اينما تكونون فی بر او بحر او ای البلاد والبقاع
اينما كنتم بان الله جميعا ان الله علی كل شئ قدير عجلوا
تهيجوا اروحانية المحبة فی جوف وقلب فلان ۲ بن علی حب

۲ فن ۲ هيا هيا عجلوا عجلوا بحق ربنا وربكم الرب الملك
الجبار العزيز القهار وصلی الله نبينا محمد وآله الطاهرين

كنز ۹۲
نوع دیگر اگر خواهی کسی را محب خود گردانی بنویس این طلسم را
در اول ماه ٥١٣١٢٢١٧ آنکس بگذار آنکس محب وبیقرار
گردد واز موده ومجرب است ۲۴۹۱۱ داد
۴ ... ۵۱۹۱۰ ط
بنام ومحب ۲ فن ۲ علی حب ۲ فن ۲ بنت فلان

كنز ۹۳
نوع دیگر اگر خواهی کسیرا دوست خود گردانی بنویس بر
لوح از حدید در آندازد که مجرب است وبنویس بر کف دست
و بخط دیدن هلاک شود ... اردہ سرط و
طاط و لد لو لو بنام ۲ فن ۲ فن علی حب ۲ بنت فلانه

كنز ۹۲
نوع دیگر اگر خواهی کسی را مطیع خود کنی بنویس این عزائم
را بمشک وزعفران در بازوی خود بند که از عشق دیوانه
شود بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم الملكات والشیاطین
والسحر دلاقين دقرطيس بجمعين وسيدوك بالطوارق
بالفل من الشياطين والسحر ولاقلبی عزمت علیکم بخاتم
سلیمان بن داود فیه اسم الله الاعلم وادعون السماحة

بحق قلادیم المتوکلین علیکم والحق سیندوکم فرطی خامی
البلیغ ینظرون قلب العیون ومادون رؤس الارواح
الاسمعتم واطعتم واجسم الان الوحا الوحا العجل العجل
العجل اهیا اهیا هیج قلب ف ۲ م ۲ علی حب ف ۲ م ۲ حامی
بالاب رب والیوم الاخر وعاجل خذ ولها بیمنها دشما
لها وبین یدیها بین اوزارها محم والشفقة والوسواسة
از عشق ف ۲ م ۲ امبرعوا بالنجوت الشیاطین بالکفل او
عادل کفلا ولا بمیل والهیکل مکا واحوالها من السموات
والارض وصار امر دوده ونعمة وحاو عشق حبا الاومن
عن عشقه هیا هیا بحق سلیمان بن داود

نوع دیگر اگر خواهی کسی را مطیع خود گردانی بنویس اینعزیمت
را با خود نگاه دارد بنام او و مادر او که مجرب است
اللهم رب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل ورب
الملائکة المقربین ورب الجن والانس والشیاطین
واعطف قلب محبت ف ۲ م ۲ علی حب ف ۲ م ۲ العجل العجل
العجل الساعة الساعة الوحا

نوع دیگر اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار کنی بنویس
این عزیمت را بر قرطاس بنام او و مادر او دان را ٥ ١ ٣ ١ ٤ ٥
کنز

کنه در چراغ دان سبز برافروزد در روی چراغ را بجانب خانه
مطلوب کند که بیقرار گردد علیکم یا نوربن سلیمان الحمری
یا ملکر و ابو الفضل وعینه و شهو بس و یا شهوروش
یا ذو بعت یا دستش یا ابو الجوس و یا خالین یا مسلم و یا
مالك الجن و یا کبر یا و الجن د مادما ء الجن والسلاطین
الجن واعوانکم واشیاعکم وجنودکم وحبالکم وازواجکم
واولادکم وابائکم وامهاتکم مؤمن او کافر کرد فی مجلس ا
اجیبونی والمعونی احرقت قلب ف ۲ م ۲ علی حب ف ۲ م ۲
العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا کنز

نوع دیگر اینعزیمت را بنویس بر قرطاس در دادیم گیرد ٩٧
بر بازوی راست بندد و برابر مطلوب رود اینست
یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله ولو یری
الذین ظلموا اذ یرون العذاب انی عزمت علیکم یا معشر
الجن والشیاطین والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی
علی عینی از تمشی اختك فتقول هل ادلکم علی اهل
البیت یکفلونه لکم وهم له ناصحون فرجعناك بنا ۲۲۲ کنز

نوع دیگر اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی ٩٨
بنویس این افسون را با بقا ١٥١ بگذار در دو سر ١٢١٥

بخمیر محکم کند و در زیر ۱۵ ۲۱ پنهان کند انکس از عشق
بیقرار کردد و افسون اینست کرجادوان لسبنک کنند
وسنک خورند وسنک برباد بر دارند مهر و محبت ۴ ۴ فم
در دل ۲ ۲ فم بحق برقلیش وتلموش و فنیطیوش بحق
هو بط نمود فراسطه نمود کدامت بحق هذه الاسماء
العظام العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا
الوحا الوحا

نوع دیکر اکر خواهی کسی را محب خود کردانی در ساعت
زهره بجای خالی رود وتنها بنشیند واین عزایم را بپارچه
ارمس تنك بنویسد ودر ۵۲۱۴۲۱ اندازد که از
عشق بیقرار کردد بفرمان خدایتعالی مجرب است اینست
عزمت علیکم یا اصحاب السحر والوسواس اهل الناس و
من احب بحسبه بین ابلیس جمع اعوانك واتباعك واو
لادك بحث وساس بحق ابوك ماحیة عزمت الوحا الوحا
النار النار الطریق

نوع دیکر اکر خواهی کسی را محب خود کردانی بخواند این
کلمات را برخرما و بخورد مطلوب دهد واکر نتواند
[illegible] ببندازد در ساعت محب ومطیع تو کردد

یا شمفولوس یا تمبلیوس یا غلاجیون دغیعون بکیرد دل
و جان و جمیع اندام فم ازفرق سرتا باخر پا دوستی فم بنت
فم الوحا الوحا العجل العجل العجل الساعة الساعة
الساعة الحریق الحریق الحریق النار النار النار مقعقت
بحق بطریقة العین بحق هذه الاسماء العظام برحمتك
یا ارحم الراحمین

لز ۱۰۱ ایضا کنوز الاسرار اکر خواهی میان دشمن صلح اندازی
این طلسم را بر هشت پاره قرطاس بنام هر دو و مادر هر دو
در وقت صبح در کابین اندازد میان ایشان صلح واقع شود
چنانکه بر هم قرار نتوانند کرفت و بر هر پاره کاغذ بنویسد
عقدت فم ۲ فم بسر د کفتن و بدی کفتن کشادم در محبت
بروی ایشان و بستم زبان خلایق و حاسدان ایشان ان
یعلمه بشر لسان الذین یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی
مبین الساعة الساعة لینفروا الی کافة الخلق اجمعین بحق
هذه الاسماء العظام

سلسط	سلطما	مطلو	بطلاطو	لسلطا

مصطظلم	اطسالو	بمعوه بودعید

۱۰۲ نوع دیکر اکر خواهی میان دشمن صلح اندازی بنویسی این
اسم را بر هشت دانه قرطاس بنام هر دو و مادر هر دو در وقت

صبح درکار بر انداز د میان ایشان صلح واقع شود چنانچه
ببیم وار نتوانند گرفت و بر هر پاره کاغذ بنویسد عقدت
۲ ۲ فم ببرد گفتن و بدی گفتن کشادم در محبت بروی
ایشان و بستم زبان خلایق و حاسدان ایشان ان یعلمه
بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی
مبین الساعة الساعة لینفر الی کافة الخلائق اجمعین بحق
هذه الاسماء العظام | سلمسطا |

سلطا	مطلو	بطلاطو	لسلطا	مصطلطم	اسطالو	بیغره و عبدو

ایضاً محبت اگر خواهی دل کسی بوسوسه عشق خود اندازی
بساعت ۵ ۲ ۵۷ این صورت عنیزه دختر ابلیس را
بر قرطاس بنویسد در کار بر آب بنهان کند دل آنکس
بر وسوسه عشق او افتد و اگر صد فرسنگ مسافت داشته
باشد جامه دران نزد تو آید و این صورت را بسیار
خاصیت هست از مجربات عبدالله هلال است زنهار
که انکار نکند الا میان در هلال که بالست اما بدان
این اعمال برای اختلافات بین زوجین خوب بسیار
فایده دارد و اگر کسی بغیر این اعمال بجای دیگر کند
سبب میشود متضرر میشود بجان خود با اولاد خودش

[sigil]	۱۲ و ۵ ۱۸	مه ماه
عزمت	علیکم یا عنیزه بنت ابلیس بن اولاد	
الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة الحریق	الوسواس ٤٩ ۲ ۸ ٤٩ ۳ ۲ ۱۱ ٤٩ ۲ علیه بخصوص ابلیس نفش عسد حو بو جب من عصلب علیهم ملکر صاحب الو سوك سمت هب عنق النوم کالا ینبغی علیه حا دمکتب حرف الغیبا علی یوم المنالم الوحا الوحا العجل العجل الساعة الساعة الحریق العجل العجل لمها العمل الوحا الوحا الساعة الساعة عزمت علیکم یا عنیزه بنت ابلیس و یا ما مالك	الوحا الوحا الساعة الساعة العجل العجل
الوحا		مه

نوع دیگر محبت بنویسد بمشك و زعفران و گلاب و بر بازو ۱۰۲
ببندد از برای مرد بر بازوی راست و از برای زن بر بازوی
چپ ببندد که مجرب است عزمت علیکم برحمة الله و بقدرة
الله تعالی سبحان الله بحق محمد رسول الله و بحق ابراهیم خلیل
الله و بحق موسی کلیم الله و بحق عیسی روح الله و بحق

آدم دحوا المغرب والمشرق وبحق محمد رسول الله وعلیًا
ولی الله وبحق صفا والمروه وبحق شیث وداود وهیجوا
حب ف ۲ ن علی ف ۲ ن هیچ صحلیه هم نسک اوحرحها
السـاوه یحلو بحه سلسه علیکم امرن وبین

نوع دیگر بستانند ۲ دانه فلفل سفید وهفت نوبت این
اول بران خان ودرمیان پیاز سرخ نه بیفزاد کرده عزمت
علیکم ... وتشتب ... ومفلفل وبج وبحق السماء
العلیا اهیًا شراهیًا بحق کبیر کم الذی علیکم السحر انت
یا دهنش وانت یا ذوبعه یا میمون الزنکی وانت یا میمون
الحبشی وانت یا میمون السحابی وانت یا میمون العامی وانت
یا مهادی وانت یا ابامره بحق سلیمان بن داود ع یا ملائکه
رب العزة حاضر کردید ومطیع وفرمان بردار کردید
بحق کلام فرمان خدای تعالی وبسوزانید قلب وجوارح ف ۲ ن
بمحبت ف ۲ ن العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة

نوع دیگر بجهت محبت بنویس ۷ ۷۶۲۳۴۲
۲۵۰ برچیزی پاکیزه وبشوی ودرمیان شراب ...
خوران تا مطیع تو فرمان بردار تو شود باذن الله تعالی
انّ الله یأمر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی

وینهی عن الفحشاء والمنکر یعظکم لعلکم تذکرون وجعلنا
بینکم مودة ورحمة انّ فی ذالک لایة لقوم یتفکرون
اللهم ربّ القرآن العظیم وربّ کهیعص وربّ الصحف
والزبور وربّ التوریة والانجیل وربّ طه ویس والصافات
اجلب قلب ف ۲ ن فلقا عظیما خوفا حتی لا یبصر عنده ولا یسمع
ولا یتکلم الساعة الساعة العجل العجل العجل الوحا الوحا
الوحاء این عمل را برای هرکس نکنیه الی مستحق باشد ...

نوع دیگر بنویس ۱۸۶۴۸۵۲ ودر کوزه فقاعی دیراز
۲۱۸۶۵ سفید کن وبستان ۲۳۷ وسندروس
ومقل ازرق و ... با یکدیگر بکوب ودرآن کوزه کن وسرش
را استوار کن ودر زیر آتش بنهان کن تا بجوشد واگر خواهد
۵۸۱۱۸۶۳۴۲ نقش کند ودر آتش اندازد واگر برورق
آهو بنویسد ودر ۱۵۷۱۶۴۲ نهاده سرش محکم کند وبر بازو
بند دکر بغایت مجرب است علیکم یا اصحاب السحر والوسواس
من جنود ابلیس عزمت علیکم یا ابن جبطمقورش وعلی
اولادک وعشیرتک واقربائک وجمیع من تحت رایتک بهیا
نورش ونذ برونذ رونذ روشور ونذ مشق سفی حنفتشی
حنفسی طهر بوس طهر بوش سجیلا یورش برش بهسطین

الوحا یا ابن حنطیقورش وعجلت قلب فم ۲ فم ان کانت
نایمة فانبتوها وان کانت قاعد فاقیموها وعلی الشرق
تخذوها ومن محبة فم ۲ فم ماذکروها الا اربلکم ببسیسنا
ولا بطرستان انما ارسلکم فی دار فم علی ان هیجتموها
علی حب فم ۲ فم خذدها وزلزلوها والنار فی قلبها وفی
تحت رجلیها بحق قحطوش ساربقوس بهلیقوس وبا
الاسم الموکل علیکم خبرمیطوس وبحق الخاتم عنفره عنجره
ملها مهل سلا اساوش فه

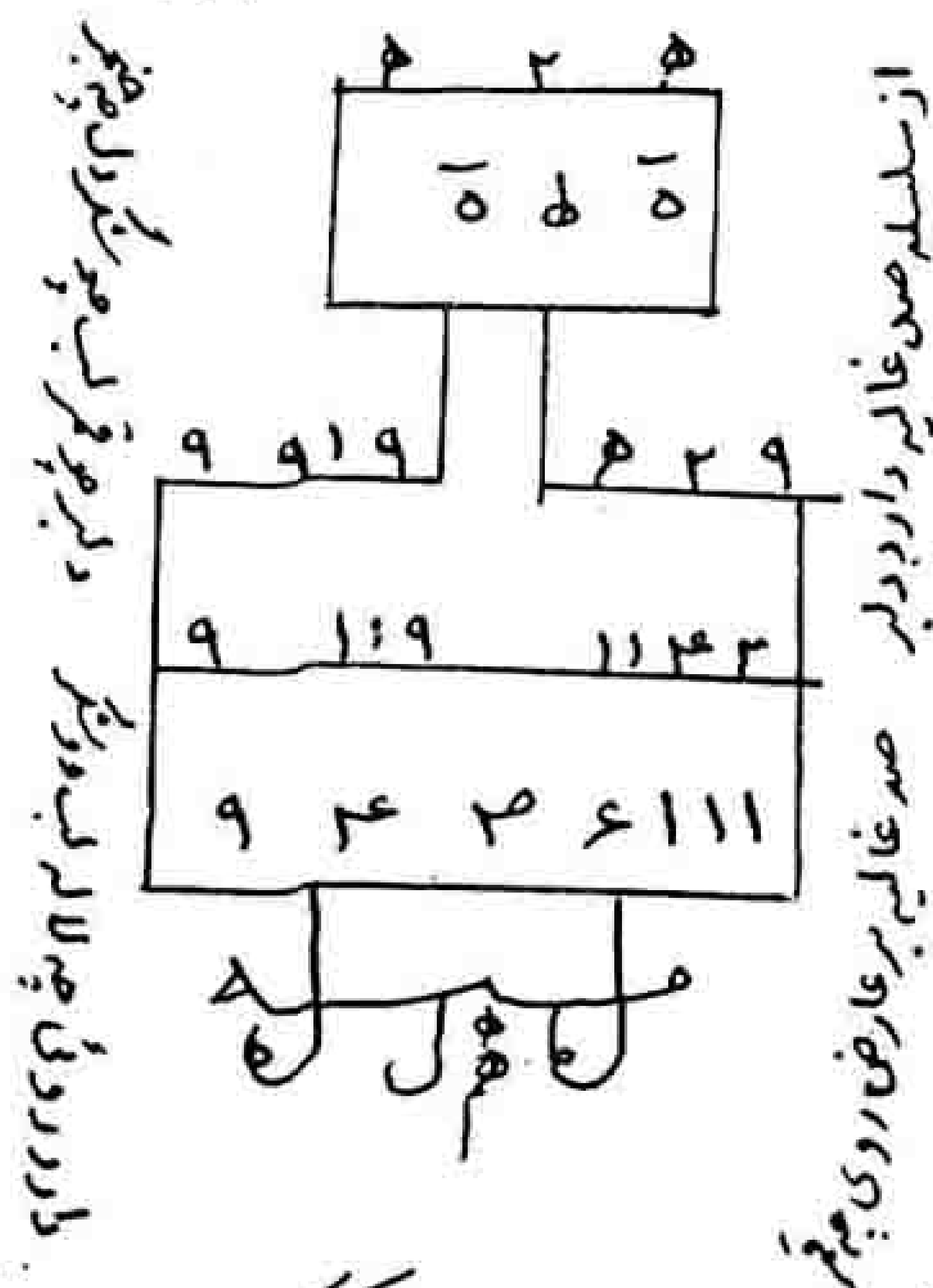
١٤١١١٩٩٩ط٩٥ﻫ١١١ط٥٥٥١١١١١ح ١١
١١٤١١١ط٥٥١٩١١ص٣١٩١٩٣ ٢
١١٤١١١٩٢٢٩١١ﻫ١١١٩١١١١١١١١١
١٥٥١١ص١١٩١٩٩١١١٩٧لا١١١ ط

احرقوا قلب فم ۲ فم کما یحرق هذا الکتاب والاخلاط من حب
وعشق وهوش فم ۲ فم الوحا الوحا الوحا العجل العجل العجل
الساعة الساعة الساعة

نوع دیگر بجهت محبت این عزیمه را بر نعل اسب نوشته ان
نعل و در آتش اندازد انیست عزمت علیکم یا اصحاب السحر
والوسواس من جنود ابلیس عزمت علیکم یا ابی حیطنوزیق
وعلی اولادک وعشیرتک واقربائک واتباعک وجمیع
فن

امرکم انتصف قلبی فم من محبة وعشق ۲ العجل الساعة
الوحا

١٠٩ نوع دیگر هرکس این صورت را با خود دارد ویا بر درخت کل
بیاد بزند وبنام هرکس که خواهد بجان دل عاشق وگرفتار او
شود واین شکل خواص بسیار دارد وهمیشه باده شاهان
بر فولاد نقش کرده در خزانه میگذاشتند مجرب است



١١٠ ایضا کنز الاسرار بجهت محبت بر جگر کبوتر ابلق این ابه را
بخوراند بخورد او دهد که مهربان گردد مجرب است

اولم یروا الی الطیر فوقهم صافات ویقبضن ما یمسکهن
الا الرحمن انه بکل شیء بصیر امن هذا الذی هو جند
لکم ینصرکم من دون الرحمن ان الکافرون الا فی غرور
بسم الله الشافی بسم الله الکافی

نوع دیگر روایت است از شیخ بهاء الدین محمد عاملی که
اگر کسی خواهد که کسی را از عشق بیقرار گرداند باید که این
عزیمت را نوشته بمشک و زعفران بعد از آن موم خاص
شمعی بسازد که این ایه در آن نوشته است و آن شمع را
بخانه آنکس بسوزاند آن شخص بیقرار و بی آرام گردد
مجرب است نوع دیگر بمشک و زعفران نوشته در چراغ
سبز ها روغن یاسمین بسوزاند نوع دیگر لوحی بسازد
از مس و این عزیمت نوشته بر آن لوح در آتش بیفکن تا سرخ
شود آنکس را دل در طپیدن اید و خود را بزودی بآنکس
برساند عزیمت اینست نموده شد

عزمت علیکم یا معشر الاواد واح ذ الشیاطین وبحق
تمود شاد وبحق نوشاد طوهارش قد یشاقد یشاو
جلا وجملا محطلا احطلا طمعا هبطلا ازوطال
اطرطیا حبطلا مهفطلا عیطیا مدهما بحق الطهما
تمی.

بحق تموساه نوساه اصارث محوا قلب فلان علی حب وعشق
فلان بن فلان العجل العجل العجل النار النار النار الساعة الساعة الساعة

١١٤ نوع دیگر محبت بیاورد تخم مرغ و ایه کریمه را لقد جاءکم
رانا اخر ایه بحروف مقطعه نوشته در طرف نهاده ظرف
در آتش نهاده نرم باید باشد آتشی که دفن میما بید و باید
تخم مذکور تحت طبخ نرسد و بنویسد احرقت قلب ف٢٢ن
علی حب ف٢٢ن

١١٥ نوع دیگر بنویس این نسخه را بر ورق آهو بمشک و زعفران
در اندرون دل گوسفند نه و آن دل را در اندرون
کوزه آب ندیده گذارد
و سر آن را محکم کند و در
زیر آتش پنهان کن
آنکس دیوانه گردد
و این عمل از حکمای
هند است مجرب است
و آزموده است

ط ١١ ح ا ع ٣ ا ٨
٩ ٩ ٩ و و و و ٣ ٣ ٣
٣ ٧ ٦ ١١ □ ع ١١
ط ط عه هو هاه

احرقت قلب ف٢٢ن علی حب ف٢٢ن

١١٦ نوع دیگر جهت محبت دایره مدور بکشد و در اطراف دایره

چهل یکمرتبه محمد ص بنویسد بعد درمیان دایره کوچک بکشد
ونظر از دایره برندارد وهزار یکمرتبه این شریفه را بخواند
قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب مطلوب مستخری شود

باب بیستم

در بیان مطالب مهمی ازجهت اسقاط جنین وحامله نشدن
زنان وسبب ایضا وضع حمل واسانی وحفظ فرزند درشکم
مادر ایضا بجهت دفع اسقاط جنین بنویسد وبرشکم زن
بندد بسم الله الرحمن الرحیم لقد خلقنا الانسان من سلالة
ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا الانسان من
سلالة ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة
علقة فخلقنا العلقة مضغة فکسونا العظام لحما ثم انشاناه
خلقا اخر فتبارک الله احسن الخالقین یا شلیمونی
سح وح سح وح سح وح بحق محمد وآله اجمعین صم بکم
عمی فهم لا یبصرون ▭ ااا ق واذا مرضت فهو
یشفین یا اکرم الاکرمین

نوع دیگر چون کسی را فرزند بهم نرسد اینقدر غار بنویسد
ودر موم گیرد ودر کوزه اب اندازد ومرد وزن از آن
اب خورد حق تعالی بایشان فرزندی عطا فرماید ودعا
را زن باخود نگاه دارد مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم یا مونسی فی وحدتی یا صاحبی فی وحشتی
یا عظیم المحض یا اله البشر یا لطیف ادرکنی یا اللطیف الخفی یا کبیر
کل کبیر یا من لا شریک له ولا وزیر یا خالق الشمس والقمر یا عصمة
الخائف المستجیر ویا قاسم کل جبار عنید سبحان من هو دائم
لا یلهو سبحان من اشرف بضوء نوره سبحان من هو حلیم
لا یعجل سبحان من هو قائم لا یسهو سبحان من هو حفیظ
لا یغفل سبحان من هو جواد لا یبخل سبحان الرفیع الاعلی سبحان
الجواد الکریم سبحان الباعث الوارث سبحان الرؤف الرحیم اسئلک
ان تجعل لی مما انا فیه فرجا ومخرجا وهیئ لی فی امری وشدائد
یا شاهدا غیر غائب ویا قائم غیر بعید اغثنی یا مغیث یا عالم
السر والخفیات وصلی الله علی محمد وآله اجمعین حسبنا الله
ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم والحمد لله رب العالمین اللهم صل علی
محمد وآله محمد وبارک وسلم وصل علی جمیع الانبیاء والمر
سلین والحمد لله رب العالمین

نوع دیگر بجهت حامله شدن زنان بگیرد زعفران وعود ۳ کنه
هندی وسماق زاج سفید این جمله را برکوبیده وده کونه

وبخته شیاف سازند وبعد از پاک شدن از حیض بردارد
که حامله شود مجرب واز موده است

نوع دیگر سوره قدر را صد دفعه بخواند و بر کمرگاه دو
میان خود دمد وبعد از ان با زوجه خود صحبت بدارد فرزند
رشید پرورده کار کرامت فرماید بعون الله تعالی

نوع دیگر جهت حامله شدن زنان وماندن فرزند سوره
یس را بمشک وزعفران وگلاب بنویسد ودر موم گیرد و
درآب اندازد ومرد وزن ازان اب بخورند وبعد از زن بر
بازوی راست ببندد که انشاء الله تعالی فرزند بهم رسانند
بفرمان خدا تعالی مجرب است

نوع دیگر زنیکه فرزندش سقط میشود این دعا را بنوشته
و بخ پنج شسته بریسند ونه لا کند وبند دعا نمایند ودعا را
زماه که در شکم ودر رحم است باید که در بیش دو بر کمر
بسته باشد بعد که فرزند بر زمین اید دعا را بر گردن طفل
ببندد دراز عمر شود انشاء الله بسم الله الرحمن الرحیم
طبو ما الرحیم بطلیو ما الرحمن حسبنا الله ونعم الوکیل
نعم المولا ونعم النصیر وصلی الله علی محمد واله اجمعین
تملیخا مشکینا مشلینا مرنوش دبرنوش شاذنوش ر

و

وکسططیطونش وقطمیر حلموس اوس ما وس بطروس
ملوماس حموراه ود باورشاه بنده ماه جاه ببلوس
خلق ه ه ه ه ه ه // ✱ ع ع ع ع ع ع ع و ه
صنم

نوع دیگر اگر زنی فرزند
نشود اگر شود را نارسیده
ساقط شود بگیرد قدری

٥ ۶	ع ع	لجح ٢	٥ لجع ٤ ٢
لجح	۶ ۶	لجح لجح لجح لجح	بجح
بجع	٢	لجح	٢

ابریشم از سرتا پا و هفت کره بزان زنند و بر کمر بندد وهر
کره برآن بخواند این دعا را واصبر وما صبرك الا
بالله ولا تحزن علیهم ولا تك فی ضیق مما یمکرون ان
الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون

نوع دیگر صاحب در النظیم آورده که هرکه این ایه را
واذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت لك ما فی
بطنی محررا فتقبل منی انك انت السمیع العلیم فلما
وضعتها قالت رب انی وضعتها انثی والله اعلم بما
وضعت ولیس الذکر کالانثی وانی سمیتها مریم
وانی اعیذها بك وذریتها من الشیطان الرجیم
فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا و

وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا المحراب وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ
اَنّى لَكِ هذا قالت هُوَ مِنْ عِندِ اللهِ اِنَّ اللهَ يَرْزُقُ
مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ از سوره ال عمران بر پوست آهو
با بره با گلاب وزعفران بنویسد و بر کمر حامله بندد تا
زمان ولادت از جمیع افات وعاهات وامراض که حامله
میباشد واز سقوط جنین ایمن باشد

ایضاً زنیکه فرزند مرده در شکم داشته باشد وضع
حمل او نشود این طلسم را بنویسد بر پیش در بندد بچه بیرون
اید بتوفیق الله تعالی سع مع الف لله اهرا ما ع ۲
۳ ۱۱۱ د اهو ع ب ج اد ر ر ه ح اط ون ای مع
ر ضرب باسم شفاء طشی سی فلج

کرز ۱۰ نوع دیگر زنی که فرزندش نماند این طلسم را بر چهار سنگ
بنویسد در چهار گوشه خانه دفن کند بعون الله تعالی
فرزندش بماند

وعاحاله له	وخلیل الذوه	
عنا نقط سع	لولو لوحو حو ر	

کرز ۱۱ نوع دیگر زنیکه ابستن نمیشود بنویسد اینرا عار وور

در

در میان هر دو پستان خود نقد بار کیرد انشاء الله تعالی مجرب
بسم الله الرحمن الرحیم میه هی هی ولد اللهم ملك
القدوس القدوس القدوس به به به به به او الا
او الا الا الا الا الا الا الا حو هذه الاسماء وكلهو
لك عز وجل بلما ولا اله وجل حمر بیم رحمتك برحمتك
یا ارحم الراحمین

کرز ۱۲ نوع دیگر بنویسد بر بازوی چپ او بندد حامله شود
مجرب است مطلس مبلوس اذونی اهیا اما یا حی
یا قیوم ۱۱۱ه کهیعص حمعسق فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
۲۱۲۱۲ ۱۹۳ ۳۹۹۱

کرز ۱۳ نوع دیگر زنیکه ابستن نشود بنویسد با خود دارد بر بازوی
راست بندد که بار کیرد بامر الله تعالی مجرب است
همه همه همه همه همه همه قدوس قدوس قدوس قدوس
قدوس قدوس سلام سلام سلام سلام بر بر بر به
به به سلیلا سلیلا سلیلا سلیلا سلیلا سلیلا سلیلا
لا هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله
الا هو العزیز الحکیم ما یحمل کل شیء بی هجب ثلاث ۲ ۲

نوع دیگر کنوز الاسرار بول خران لطخ الرجل ذکره وجامع امرئةً فانها حمل ولو کان عاقراً

نوع دیگر این علامات را برنان نویسد وبزن خوراند حامله گردد انشاء الله تعالی

نباه نباه ۱۲ ۱۵/۱۵ ۱۰ لم یحد عا الوه ما

نوع دیگر در مکارم الاخلاق این دعا را جهت درد رحم آورده باشد که بنوشت وصاحب درد باخود دارد مذکور ساخته که چنان بخواند که خود بشنوی بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله الذی قامت السموات والارض فانّ مریم بنت عمران لم یضرها وجع الارحام کذالک یشفی الله ۲ من وجع الارحام اسلم اسلم بسم الله الحی القیوم بسم الله المستغاث یا الله علی ما هو کائن وعلی ما قد کان اشهد انّ الله علی کل شیء قدیر وانّ الله قد احاط بکل شیء علماً کمه سمه ۷ لکه سه مه مه مه مه

نوع دیگر جهت حامله شدن زنان و ماندن فرزند سوره یس را بمشک وزعفران وگلاب بنویسد ودر موم گیرد ودر آب اندازد ومرد وزن از آن آب بخورند

وبعد زن با مردی راست بیند که انشاء الله فرزند بهم رساند بعون الله تعالی

نوع دیگر زنیکه بچه بارش برود بیاورد قفل را بندد اکنون یس را بخواند بهر آیه مبین که برسد بگوید بستم شکم فلانه که بچه در شکم او سالم بماند بخواند تا تمام شود بعد از آن قفل کند اید عا را بنویسد با قفل در کمر زن بندد در ریسمان کبود بباید بند قفل کند محفوظ بماند با مر خدا

اینست هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر ومن یتوکل علی الله فهو حسبه انّ الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون برحمتک یا ارحم الراحمین

نوع دیگر هرگاه زنی حامله نشود ویا مردی او را فرزند نشود بگیرد نه مثقال استخوان دندان فیل کوبیده وصلایه نموده با هیچده مثقال عسل صاف سفید ممزوج نموده بعد از آن که زن از حیض پاک شده باشد واز حمام بیرون آمده باشد با چهار مثقال ونیم از این دوای مذکور زن بخورد وبا زن مباشرت نماید بعون الله فرزند نرینه حاصل شود باید سه روز هر روز چهار مثقال ونیم مرد بخورد وچهار مثقال

دنم زن بخورد بسیار تجربه شده است قریب بصد نفر کرده همه اولاد از برای ایشان حاصل شده است

نوع دیگر زنیکه خواسته باشد آبستن شود بیاورد گل زرد و گل بنفشه و دنبه شیشك سیاه و بیخ گاوزبان و زرده یك تخم مرغ و با پشم شتر برخود بردارد فرزندش شود انشاء الله تعالی

نوع دیگر بگیرد بنفشه را کوبیده ابش را گرفته پنبه تازه اب ندیده را با او تر کند و زن برخود گیرد هرگاه عقیم نباشد حامله شود

نوع دیگر زنی که دشوار زاید این طلسم را بر دو پارچه کاغذ نویسد یکی را در زیر پای راست یکی را زیر پای چپ گذارد چون فارغ شود در حال بردارد که روده‌ها بیرون اید

نوع دیگر اگر فرزند خطا کند این نوشته را در موم گرفته در اب اندازد و بعد از ان با خود دارد که خطا نکند

۳	۹	۲
۴	۵	۶
۸	۱	۷

بسم الله الرحمن الرحیم هو هو هو ال شدای اهیا اهیا شراهیا هو وسراحو اسمانه میکائیل واسرافیل وجبرائیل معصوم موسی

۲۴ نوع دیگر در نسخه دیگر است هرگاه در ماه نهم زن را که کمر او را قفل کرده باشد بخواهد بگشاید این عبارا بخواند و بگشاید کأنهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلك الا القوم الفاسقون کأنهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها

۲۵ کنوز الاسرار از کلام شیخ رئیس ابو علی سینا است که از کلام حکمای یونان است که هرگاه که خواهد معلوم نمایند که علت عدم تولد از مرد می باشد یا از زن چند دانه تخم کدو یا جو را در زمین غرث نمایند زن بر یکی و مرد بر یکی بول کنند هرکدام که سبز نشود علت از ان طرف میباشد وایضا همچنین بوجو کدوئی که سبز شد هرکدام علیحده بول نمایند از هر یك که پژمرده شود علت از ان طرف میباشد

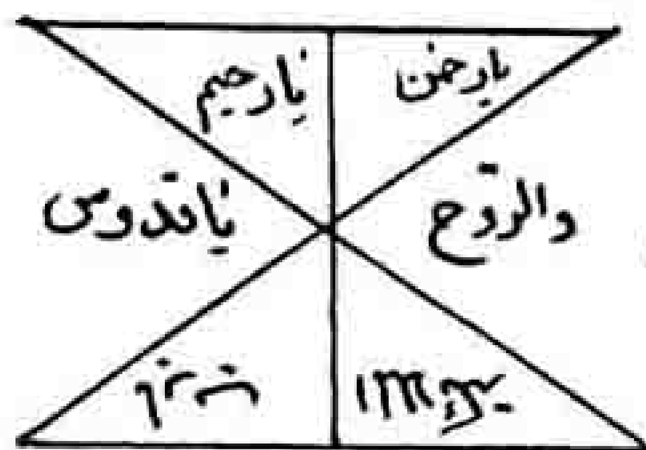
۲۶ ایضا بجهت اسقاط حمل بر رشته معصفری که هفت بار بقد قامت زن باشد بیست گره بران زند و بر هر گرهی یکبار این افسون را بخواند و زن بر کمر ببندد و سالم بماند

ادم حجاجی حجز دجو جو جاره جین جنه

۲۷ نوع دیگر اگر مردی این شکل را نوشته در کمر ببندد

و با زن جماع کند فرزند نشود عقلیطسل
ایضاً بنویسد و زن در کمر بندد عقیم گردد اما باید کردد
حضور و علم او کند چه اگر در غیب او باشد اثر نکند
الله الله عصهر لهاه ع ع ع ع ع ع د ب امد
اه اه اه اه اه اه اه اه اه افسادا هله اهیا شراهیا ادونی
اصاوث سلح سلح د ۲۲ امین یارب العالمین

نوع دیگر اگر زنی فرزند نشود این ایات را بر دو کاغذ بنویسد
یکی را بر بازوی راست بندد و یکی را بشوید زن و شوهر
بخورند و جمع شوند فرزند بهم رسد باذن الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم یا یحیی خذ الکتاب بقوة واتیناه
الحکم صبیاً



ایضاً طریق دیگر حمل گرفتن
این اشکال را روز یکشنبه
بنیت زوال بنویسد بر گردن
زن اندازد چنانچه این نوشته بالای ناف افتد و با شوهر خلوت کند
بعون الله تعالی حمل گیرد و در وقت داد بدست کودکان شیرینا و اگر بر
درخت بندد بار آورد بسم الله الرحمن الرحیم سلو علی علی علی علی
علی علی له له له له له له له له هو

باب بیستم و یکم در بیان گشادن بخت دختران

۱ در بیان گشادن بخت دختران این چهار اسم را بنویسد
در کوزه اب اندازد سر هفت راه ان کوزه اب بخورد بختش
گشاده گردد شوماًلج ملحی هملوخیم

۲ ایضاً این طلسم را در زیر جامه او دوزد کند بختش گشاده
گردد هطیطلا هنا سلمسلا بطیمله ههر
برحه مهسسر کهلهمه بلع عجایب

۳ نوع دیگر گشایش بخت دختران بنویس در چاه
اندازد بسم الله الرحمن الرحیم من یحیی العظام وهی
رمیم رب العرش العظیم من کان لکم افتح بخت فـ
۲/فـ دارد بازوجاً صالحاً

۴ کنز الاسرار اگر زنی را بخواهد باو بدهند این طلسم را
نوشته بر بیضه مرغ سیاه بر دیوار خانه انگشی بزند
تا شکسته شود او راضی شود
ع ع ع ع ع ع ع ع له له له له له
له له له له له له

۵ نوع دیگر اگر دختری خواهد باو بدهند این طلسم را

در خانه و در آستانه او دفن کن راضی شوند

ع ع ع ل ا ح م ااا ه ﻫ ح م اا م اا اا ه م

ع ا ح اا ح م ع ا ح ۹ ااا ع ۹ م ۱ ۳ ۱ ۳ اااا

ه ااا س اا ۳ ل ح ع ع س ۱۵۱ م ۹ ۰ ۳

نوع دیگر اگر دختر را باوند هند باید که از نهر آب بر دارند و این عمارا بنویسید و باب بشوید و بر در خانه آنکس افشانند بفرمان خدا راضی شوند صلح صلح صلح اصل الی الجل جا بهاسم سحره ۹۶ ه

اع ااا ع والله اعلم

نوع دیگر کسیکه زنی خواهد باوند هند این عمارا بنویسد و در آب اندازد و بشوید و آب را در خانه آن باشد آن زن باو بدهند یا شفیا یا شفیها یا بلقها یا طملسیا یا ستما یا انجا یا بع باسم فلان ۲ فلانه

نوع دیگر اگر خواهی کسی را بنکاح خود داروری سوره یس را دو بار بر مغز بادام بخواند بر دوری هم بندد و ابریشم هفت رنگ بپیچید و بر درخت سیب شیرین یا ابرود شیرین بیاورد بوی خوش دود کند البته مراد

حاصل گردد بامر خدا و بادام را جدا کند بهم مبند و یا زنی را خواهد یا بریشم بپیچید

کنز ۹ ایضاً محبت اگر خواهی کسی را دوست و مهربان خود گردانی چنانکه یک ساعت بی او آرام نداشته باشد بنویس در محل آفتاب بر آمدن روز جمعه در زیر سنگ گران نهد که بغایت آزموده است یُحِبُّونَهُم کَحُبِّ اللهِ وَالَّذِینَ آمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا بگوید بستم سر فلان را با سر خویش اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ بستم دل فلان را با دل خویش مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ بستم پای فلان را با پای خویش اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ بستم زبان فلان را با زبان خویش صِرَاطَ الَّذِینَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّینَ

کنز ۱۰ کنز الاسرار گشادن بخت دختران این عمارا بنویسید و بو کردن دختر بندد بروزی بختش گشاده گردد و در ما بین اربعین بسمله سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیراً وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ کَبِیراً اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ وَرَحْمَتِکَ فَاِنَّهُمَا بِیَدِکَ وَلَا تَمْلِکُهُمَا اَحَدٌ غَیْرُکَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ

کنز ۱۱ کنز الاسرار شیخ ابو العباس بونی آورده که از اول

سوره کهیعص تا اینجا که وجعله رب رضیا بنویسد باب
بشوید و بخورد هفت روز متوالی بعد ازان صحبت دارند
فرزند بهم رسد

نوع دیگر والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا
وذریاتنا قرة اعین واجعلنا للمتقین اماما چون کسی
عزب بود وخواهد و فرزند رشید حاصل این باسانی تزوج
دست دهد سه روز متوالی روزه بدارد و هر شب وقت
خواب بیست یکبار این ایه را بخواند وازخدا تعالی حاجت
خود را بخواهد پس درخواب دردهرماه یکبار باین دستور
عمل کند مطلوب باسانی حاصل شود

ایضا اگر دختری را خواهد بعقد درآوردی نه هند
بنویس این را دراب بجوشان وان آب را درخانه دختر
بریز فی الحال راضی شوند بفرمان خدا تعالی
یا فخشا یا فخشینا یا سین مانعسا یا طنا یا سمنا اه
اه اه نصیر یا کهیع یا کهکهیع یا ارحم الراحمین

ایضا اطاعت بودن زن شوهر را و دیگر خواهد
قوله ومن الانعام حمولة وفرشا کلوا مما رزقکم الله
ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدوا مبین

این ایه را بربنان بنویسد و زن ازاباردعن بخورد مطیع و منقاد
شوهر گردد و این ایه را اگر بر لوح نقری بنویسد و باخود دارد
بر هرچهار پائی که سوار شود ذلیل و رام گردد باذن الله تعالی

ایضا محبت و مودت قوله تعالی وهو الذی انشاء کم
من نفس واحدة فمستقر ومستودع قد فصلنا الایات
لقوم یفقهون این ایات را بر پوست اهو بنویسد بنام
هر کسی که خواهد و نام مادر او و با خود دارد انکس طاقت
مفارقت او نیاورد بی او صبر نتوان کرد

للحمل یکتب علی ستة اخبار وکل یوم یاکل زوج واحد
و زوجه واحدة و یواقع حادث ذات حمل انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحیم رب لا تذرنی فردا وانت خیر
الوارثین وعلی علی علی علی علی علی لم لم لم
لم لم لم لم هم هم هم هم هم هم هم اه اه اه اه اه اه اه
لیس لیس لیس لیس لیس لیس لیس اواه اواه اواه
اواه اواه اواه اواه اهیا شراهیا اماس اماس العزیز
لها له له له له له له له اه اه اه اه
اه اه اه اه اه اه اه اه اه اه اه اه لها ااا

۴ ۲ ۳ ۴ ۴ ع ۵ ۰ ۲ ۲ ۶ ۷ ۸ ۸ ۲ ۴ ۴ ۵ ۵
سوسو ۹ بصر ۶ ۷ ۹ لا اسم بر نان نویسد بجوزد

ایضاً روایت است که این | ماه نیا ۱۲ ۷ ۱۷ ۵ ۸ لم بحدما الوه ما |
ایات را بر سیب خواند و
بمطلوب دهد یا بجورد چنان شود که یک دقیقه بی او ارام
نگیرد و هرکه این ده ایه را با خود دارد در چشم مردم عزیز و با
حرمت باشد و اگر کسی را با کسی محبتی نباشد و بر روی او نکند
این ده آیه را بنویسد و بر شاخ درخت بند د بیقرار گردد
و اگر کسی زنی خواهد و بوی نه دهند بر ورق آهو و بر
درخت بیاو یزد کسی را به طلب او فرستد راضی گردد
و اگر بر کلاب بخواند و بر روی خود مالد از در که در آید
مورد او در دل انکس ظاهر شود و اگر بر سیب خواند و بخورد
هرکس که خواهد دهد بی قرار گردد و اگر بر نمک خواند
و در آتش اندازد و بنام هرکس که خواهد انکس بیقرار
گردد منقول است که خدیجه چهل و یک نوبت بر سیب
خواند که بحضرت رسول بدهد از دستش افتاد و اسب
انحضرت بخورد و ان اسب از در حجره رسول جائی دیگر
از

نوبت چون با سب چنین اثر کند عجب باشد که در آدمی
اثر نکند و ان ده ایه این است ۱
بسم الله الرحمن الرحیم وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ
اللهِ اَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا اَشَدُّ
حُبًّا لِلّٰهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا اِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ
اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا ۲ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ
وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْاَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذٰلِكَ
مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاللهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاٰبِ ۳ قُلْ
اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَاللهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۴ وَيُحِبُّونَ اَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا
فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۵
يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ اَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ
۶ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَاَةُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتٰيهَا عَنْ
نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا اِنَّا لَنَرٰيهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۷ وَاَلْقَيْتُ
عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلٰى عَيْنِي اِذْ تَمْشِي اُخْتُكَ فَتَقُولُ
هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ اِلٰى اُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ
عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ

فتونا ۸ فقال انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی حتی
توارت بالحجاب ردوها علی فطفق مسحا بالسوق و
والاعناق ۹ فاتیهم الله ثواب الدنیا وحسن ثواب
الآخرة والله یحب المحسنین ۱۰ واخری تحبونها نصر
من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین

کنز الاسرار اگر کسی دل گوسفند را بردارد و این دعا را
چهل یکبار بنام انکس که خواهد بران خواند و دل را
چهار شاخ کند وان دل را در آب بجوشاند که آن آب
یکشربت شود وان دل را بخورد و آب را هم بخورد انکس
دهد چنان شود که اگر یکدم اورا نه بیند دیوانه شود
و بیم ان باشد که هلاک شود اگر کسی را ناشکیبائی کنی
که یکساعت بی تو ارام نگیرد بیار افتابه مس و پر آب
کن و در تنور سوزان نه و چهل و یکبار این دعا بران بخوان
بنام انکس که خواهی تا عجایب بینی و اگر خواهی که کسی را
از راه دور بیاوری که صد فرسنگ باشد بیاید این دعا را
بمشک و زعفران بنویسد و در کدنه باد بیاویزد اگر در
زندان و یا بند آهن باشد که بیاید و اگر خواهی که کسی را
چنان کنی که یکدم بی تو ارام نگیرد و از عشق تو بفریاد کرد
و این

واین دعا را بر سیب یا بر حلوا یا بر نبات یا مویز یا خرما یا
بر پالوده از هرچیز خوردنی که باشد هفت مرتبه بران بخواند
و بدان کسی دهد تا بخورد تا زنده باشد ان مهر از دل وی
بیرون نرود و اگر خواهی که کسی را حاضر گردانی چهل یکبار
بنام او بخوان حاضر گردد و هرچه تو گوئی چنان کند مطیع
و فرمان بردار تو گردد بفرمان خدا تعالی و اگر خواهی میان
دو کس دشمنی افکنی بگیر بیشاب انکس را و خود گل کن
و در صورت بساز کرباس پاره از جامه انکس بیار در
روی بپیچ و هفت بار این دعا به نیت دشمنی بران بخوان
و در گور کهنه یا در گور جهودان نه که هرگز یکدیگر را نه بینند
مجرب است و ازموده و این دعا را دو بیت خاصیت است
و اگر خواهی که کسی را از راه دور بیاوری دو مغز بادام را
بیاور و هفت بار این دعا را بخوان و ریسمان را بدان
مغز بادام به بند و بر باد بیاویز از درخت اگر صد فرسنگ
باشد بیاید و اگر زنی را فرزند نباشد این دعا را بر صحن
چینی بمشک و زعفران بنویسد و بدهند تا بخورد خدا تعالی
فرزندی سایسته اش بدهد و اگر خواهی که کسی را اگر بسته
اند بگشائی این دعا را بر طشتی بنویس بمشک و زعفران

وکلاب وبدان کسی بده تا بخورد درحال کشاده شود بفرمان خدایتعالی اکرخواهی کسی به بندی بند زیرجامه خودرا هفت کره کن دبر هرکره یکبار اینده عارابخوان ودر دیواری که روبسوی قبله باشد دراویز تا عجایب بینی واکر بر بیست ویك چیز بران هرچیز که یکبار این دعارا بخواند و ومز بان کسی دهد بخورد درحال کشاده شود بفرمان خدایتعالی واکراین دعارا بر پوست شیر نویسد وباخوددارد پیوسته درچشم خلق باهیبت باشد وهرکه اورابیند دوست داردواز و ترسان باشد وباآب رای باشد به برکت این دعا اکر دشمن صعب داشته باشد ایندعارا برکند م خواند ودر بام مسجد ریزد زبان خصمان براوبسته شود واکر خواهی کسی رامطیع خود کردانی بیار نعل اسب که چهار سوراخ داشته باشد ایند عارا هفت مرتبه بران بخوان ودر اتش انداز چنان که سرخ شود اکر تزانه بنید بیم ان باشد که هلاك شود واکر خواهی که کسی را دوست خود کردانی بنویس بمشك و زعفران وباخود دار دوست تو کردد بفرمان خدایتعالی ودعاء این است بسم الله الرحمن الرحیم یامن الجم الجن بکلماته واطفی النار علی ابراهیم بقدرته وظلل

الجبارة

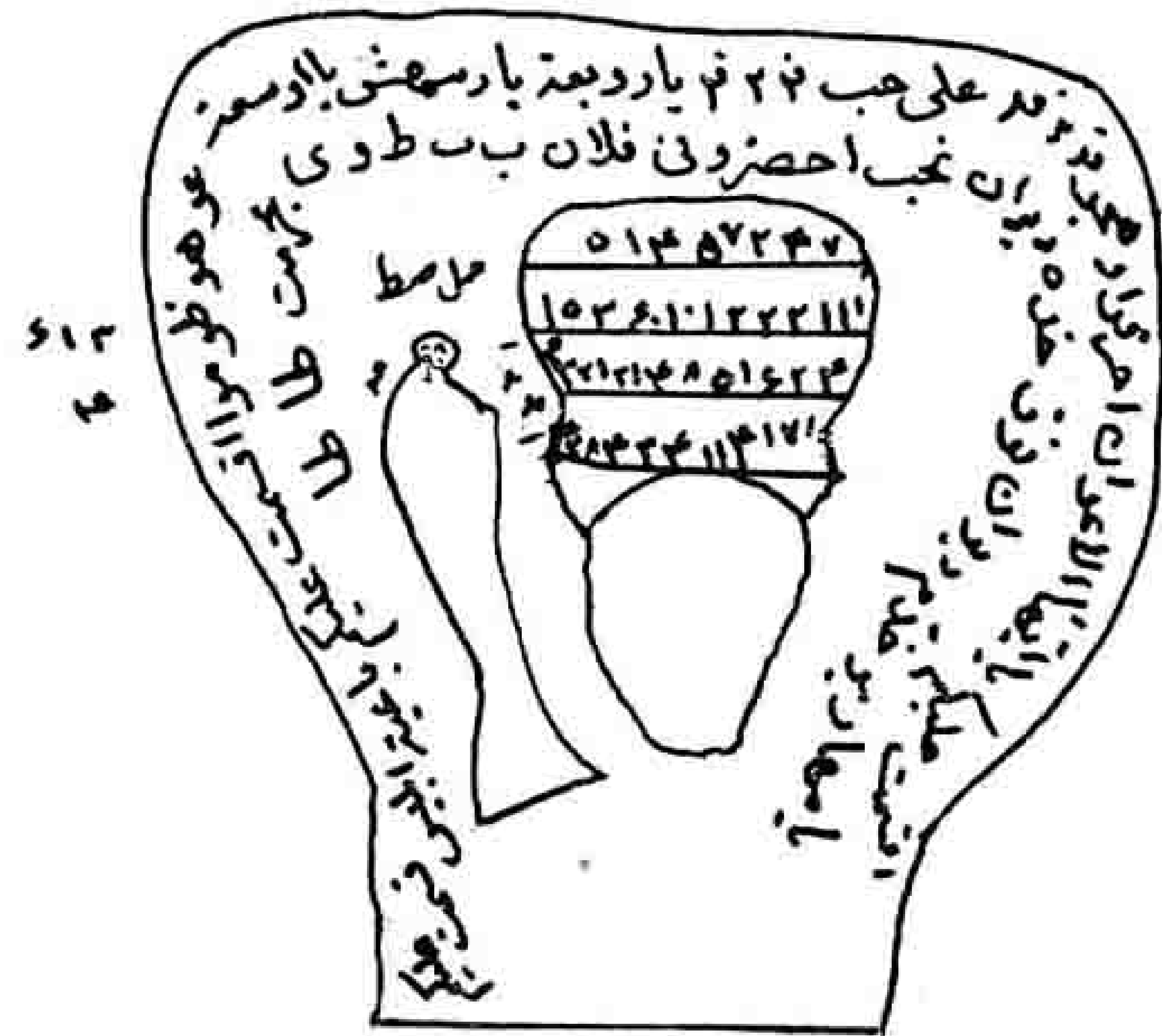
الجبابرة بعظمته دبرق النور علی جبل فتدکدك وتدعزع بخشیته وعنت الوجوه لعظمته واذاو بقدرته الفلك وسیر الشمس فتبارك الله رب العالمین سبحانه من ذاته دائم وملکه منیع وصنعه بدیع وامره غالب و سلطانه قاهر فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم احفظ حامل کتابی هذا حلیفن ابن لیفن اللهم احفظنی یا واحد القهار تحصنت بذالملك والملکوت واعتصمت بذالعزة والجبروت وتوکلت علی الحی الذی لا یموت ابداً وصلی الله علی محمد النبی بحق هذا الکلام وبحق سلیمان واصف ابن برخیا وصلی الله علی محمد واله اجمعین والله اعلم بالصواب والیه مرجع والماب وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً برحمتك یاارحم الراحمین

۱۹ ایضاً محبت واکر خواهد کسی را محب کرداند بیاورد عسل وروغن این نعل را بجوشاند بعدازان حلوا کند بخورد انکس دهد البته بیقرار کردد واکر خواهد کسی را باکسی دل سرد کند این نعل را بموم کافوری نقش کند یا نعل را بجوشاند وان موم را در طعام هرکس کند بکوید ای دیوان وجنیان که بر این نعل موکل هستید بنید از جدائی و دل سردی

درمیان ۴ ۲ ۴ واگر خواهد زبان کسی را ببندد این
نعل را بر خمیر نقش کند که ترش باشد بر دهن گاو سیاه
نهد به نیت زبان بند البته زبان او بسته وزبان تمام
دشمنان بسته گردد واگر خواهد کسی را آواره کند باید
خاک از هفت قبر ویران با قبر مقتول وآب منجلاب وآب
مرده شور خانه که آن روز مرده شسته باشد تر کند
بعد از آن این نعل را نقش کند وبگوید ای دیوان وای
جنیان که بر این نعل موکل هستید شما را بحق دهنش
وسلیمان قسم میدهم که فلان بن فلان را از این مکان
آواره کنید بلکه از این شهر البته آواره شود باید روز
شنبه اول آفتاب این عمل کند که مجرب است واما بدان
که این اعمال همه باید دانست برای شرعی باشد واگر در
جای غیر از شرعی نباشد ضرر جانی ومالی یا آسیب خواهد
خورد متوجه باشد در این اعمال واگر خواسته باشی که
که غایبی را از سفر بیاوری بداین نعل را در شب چهار
شنبه یا پنجشنبه نقش کند بنام آنکس ومادرش وبنام
خود ومادر خود وبا عسل وروغن چرب ومشرین کند
بر آتش ملایم نهد واگر نشد باشد ضرر جانی داشته
باشد

باشد نیت کند چند روز تا مکان آن غایب کجا باشد بر
سر نیت البته بیاید واگر خواهد کسی را بر پیش خود حاضر
سازد این نعل را چرب ومشرین کند بنام هرکسی که باشد
بنام خود ومادر خود در آتش نهد وچند دانه فلفل و
زیره کرمانی وهل ومیخک ونبات بر روی نعل اندازد
البته دیوانه گردد واگر در زنجیر باشد یا در حصار آهنی
باشد در پای آتش حاضر گردد ودر وقت نقش کردن بوی
خوش مشک وزعفران وچند بر آتش نهد البته از برای
حلال نکند گناه است وایضاً وبر روی دیگر نعل این عظمت
را نقش کند واین طلسم حضرت سلیمان است که تمام دیوان
وجنیان وپریان در فرمان او بودند وبا این عظمت دهنش
باید بهمین شکل باشد مجرب است وهر دو را باید بر عسل
وروغن چرب ومشرین کند وهفت دانه فلفل سفید در پیش
اندازد وباید عدد اسم آنکس ومادرش وعدد ستاره آنکس
را بگیرد واو را در این شکل بنویسد وعدد موکل آن روز را
ساعت احتیاج نیست چندین بار تجربه شده است و
بسیار مجرب است والله اعلم





نوع دیگر هرکه این دعا را بخواند بر شکر بمطلوب دهند
تا بخورد یک ساعت قرار نگیرد یا بر بلور بخواند در آتش
اندازد و قدرت خدا را مشاهده کند یا بر عنبر خواند در
حال حاضر شود مسخر وی شود و مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم بستم کردن فلان را بحق حرمت
لا اله الا الله بستم هوش را و بردم بعقول تو لا اله
الا الله خود را عزیز کردم بحکم حکمت تو لا اله الا الله
بریدم از خلق جهان بحرمت تو و قدرت تو لا اله الا
الله بستم چشمش را بحکم جلال تو لا اله الا الله بکام زبان
خودم کردم بفضل و کرم تو لا اله الا الله زود را آشنای
منش کن بحرمت محمد رسول الله بیچاره و سفارش کردن
چنانچه این بر تو عزیز است مرا در دل فلان عزیز کردان
بحرمت شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة وبحق ن والقلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین
عند الله الاسلام الا للناس یا خالق الرأس مهر من
بر دل فلانی افکن بحق کهیعص وبحق طه والقرآن و
طسم وبحق الحمد لله الذی کیف کیف وبحق یس والقرآن
الحکیم وحمعسق وبحق حم والکتاب المبین وبحق ص

وَالقرآن وبحق والطّارقات وبحق والنّازعات وبحق
اذا جآء نصر الله بحبت من روان کردان وبحق این کلام
خدای عزّوجلّ وبحق قُل هُوَ اللهُ اَحَد وبحق قل اعوذ بربّ
الفلق وبحق قل اعوذ بربّ النّاس وبحق الحمد لله ربّ
العالمین وبحق جمیع قرآن وبحق محمد رسول الله که در قبله
من کردان بحق محمد واله

در باب بیست و دویم حوائج مطلوبه

فائدة از برای وسعت رزق وکشایش در امور
در مدت چهل روز بعد از نماز صبح این آیة را هر روز
پنجاه مرتبه بدون تکلم روی بقبله باوضو بخواند ودر روز
اوّل دو رکعت نماز به نیت حاجت بعمل آورد وصد مرتبه
صلوات فرستد وشروع کند وروزهای دیگر نیز ده دانه
صلوات را هر روز ده مرتبه بفرستد وقصد مطالب نماید
وهرگاه در اوّل شروع قمر زائد النّور باشد اولی است
وآیه اینست رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَآءِ تَکُونُ
لَنَا عِیدًا لِاَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآیَةً مِنْکَ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَیْرُ
الرَّازِقِینَ

فائدة از برای قضاء حوائج نماز بیست که نامیده شده

است بصلوة المضطر وتاثیر غریب دارد وموجب فرج
وکشایش بی اندازه است ومن حیث لا یحتسب اسباب
فرج از برای عامل رو میآورد در رکعت اوّل بعد از
فاتحه بیست وپنج مرتبه بکوید وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللهِ
اِنَّ اللهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ ودر رکعت دوم بعد از فاتحه
بیست وپنج مرتبه بکوید لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی
کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذلِکَ
نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ ودر رکعت سیم بعد از حمد بیست وپنج
مرتبه بکوید حَسْبِیَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ ودر رکعت چهارم بعد
از حمد بیست وپنج مرتبه بکوید لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا
بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وبعد از سلام بیست وپنج مرتبه
صلوة بفرستد واز خدا واهب العطایا مطلب بخواهد
که انشآء الله برآورده میشود ومجربست — از لآلی محمد تقی

خواص والسّمآء ۸ — نوع دیگر سوره والسّمآء والطّارق را بنویسد ودرمیان
نی پنهان کند ودر زمین دفن کند درحال از محبت بی
قرار کردد

خواص سوره سبّح اسم ۷ — نوع دیگر سوره سبّح اسم رَبِّکَ الاعلی این سوره را
درمیان دو نماز بخواند وبنویسد باخود دارد در نزد

سلاطین وخوانین وود عزیز ومکرم گردد

(خواص سوره والضحی) نوع دیگر سوره والضحی پانزده مرتبه برنارنج بخواند باسم هرکس که خواهد درآتش اندازد آنکس ازعشق او بیقرار گردد انشآءالله

(خواص سوره واللیل) نوع دیگر سوره واللیل دوازده روز هرروز هفتاد بار بخواند ازز خم تیر ونیزه ایمن باشد

(خواص سوره والضحی) نوع دیگر سوره والضحی را جهت زبان بند هفت مرتبه بخواند زبان آنکس بسته گردد واگر نوزده بار بخواند

۱۰ بر پنبه دانه وبسوزاند ازعشق او بیقرار شود واگر بر شصد دانه بخواند بآب اندازد هرکس که خواهد ازمقام آواره گردد واگر نود دانه باقالا بخواند ودر قبرستان بجودان دفن کند بنام محبوب ازمحبت بیقرار شود واگر این سوره را بر کاغذ آبی بنویسد باخود دارد آنکس مطیع او شود

نوع دیگر ازبرای دولت وگشایش در امور میباید هرروز این آیه را سیصد وپنجاه مرتبه بخواند که ازمجربات است آیه اینست قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللّٰهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشَآءُ وَاللّٰهُ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِیمِ ازلیلای مجنون قینو

(خواص سوره یس ۱۲) نوع دیگر سوره یس جهت بیماری که مرض او سخت باشد ومعالجه پذیر نباشد سوره یس چهارده مرتبه بدعای مشلول بیست یکمرتبه بخواند به چهار پیمانه آرد و وبعد آن آرد را چهل یک گلوله کند وانها را سه دسه کند یک دسه بخورده صور دهد یکدسه بحیوانات حربی مانند ماهی وغیره دهد یکحصه دیگر را بان مریض خورانند صحت شفا یابد

(خواص سوره اذا جاء نصر ۱۳) نوع دیگر سوره اذا جاء نصر الله جهت غالب شدن برخصم هرکه این سوره را برقطعه ازجامه کبود بنویسد درروز شنبه که قمر مسعود وساعت نوشتن عطارد باشد بعد ازنوشتن آن نوشته را دردستار خود نگاه دارد با هرکه منازعه یا مجادله کند بروی غالب شود

فائده یا واحد الباقی یا اول کل شئ واخره من اغتسل وقت الظهر ثم صلا ها وقرء هذا الاسم خمسین مرة امنه الله ممن یخافه ویعافیه من الوسواس والافکار الردیه

(خواص سوره الهیکم التکاثر ۱۵) نوع دیگر سوره الهیکم التکاثر هرکه براین سوره مداومت کند باین طریق که هرروز دوشنبه وچهارشنبه بخواند مال عظیم بدست او اید ازجائی که گمان نداشته باشد

نوع دیگر سوره ارایت الذی جهت برآمدن حاجات

ازائمه اطهار مرویست که در شب جمعه سوره مبارکه جهل
یکبار بخواند بلاشک مرادش حاصل گردد و در هر مرتبه بعد
از خواندن سوره بگوید یا اله الالهة الرفیع جلاله

نوع دیگر سوره چهار قل هر که از جهت شر کید اعدا
و کفایت مهمات و قبول عامه و مطالب و وسعت معاش
رفع ملک و اقسام و طول عمر و حصول غنا و مروت و عزت
و احترام بعد از فراغ نماز صبح پیش از تکلم چهار قل را باین
ترتیب بخواند اول قل یا ایها الکافرون دوم قل هو الله احد
سیم قل اعوذ برب الفلق چهارم قل اعوذ برب الناس
و بعد از آن این دعا را بخواند چون بفقره مسبب لنا برسد
مطلب خود را در دل بگذارد بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک
الوهاب و یا هازم الاحزاب یا مفتح الابواب و یا مسبب
الاسباب

بجهت اداء دین این دو رکعت نماز بجا بیاورد بغایت
سریع الاجابة است چون ثلث از شب بگذرد برخیزد
و دو رکعت نماز بجا بیاورد و در رکعت اول بعد از حمد
سوره ملک و در رکعت دوم حم تنزیل سجده بخواند
و بعد از فراغ بگوید یا رب قد نامت العیون وغارت

النجوم

النجوم وانت الحی القیوم لا تاخذک سنة ولا نوم
لن یواری عنک لیل داج ولا ارض ذات مهاد ولا
بحر لجی ولا ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار
وغیاث المستغیثین برحمتک استغیث فصل علی محمد وآله
واقض لی حاجة کذا و کذا و نام دین مذکور ببرد ولا
تردنی خائبا ولا محروما یا ارحم الراحمین

نوع دیگر دعای توسل حضرت امام جواد علیه السلام بجهت 18
ادای دین بعد از هر نماز و رسیدن نعمتهای پی در پی و توانگری
و بخشش بسیار مجرب است و آن اینست اللهم انی اسالک
بحق ولیک محمد بن علی الا جدت به علی من فضلک و
تفضلت به من وسعک و وسعت علی من رزقک واغنی
بحلالک عن حرامک وجعلت حالی الیک انک لما تشاء قدیر

نوع دیگر ختم سوره فتح از مشایخ و اولیا منقولست که ختم 19
کردن سوره فتح در جمیع مهمات مجربست و استفتاح این
عمل در ماه رجب و شعبان و رمضان بهتر باشد و چون خواهد
که این عمل بجای آورد اول غسل کند و سر دعوت در سوره
مبارکه فتح وضع کرده اند کبری و وسطی و صغری دعوت
کبری آنست که چهل و یکروز هر روز چهل و یک نوبت بخواند

روز اول و دهم و بیستم و سی‌ام و چهلم و چهل و یکم روزه
باشد و غسل کند و افطار بشیرینی نماید و نصیب در
درویشان بدهد که مقبول باشد انشاء الله تعالی و د
عوت وسطی انست که روز شنبه استفتاح کند و یک
نوبت بخواند و روز دوم دو بار و هم چنین هر روز یکبار
زیاده کند تا چهل و یکروز روز چهل و یکم چهل و یکبار
بخواند و همچنین بطریق که در دعوت کبیره مذکور شد روزه
بدارد و اکثر مشایخ بدین دعوت مداومت نموده اند و
دعوت صغری انست که روز شنبه استفتاح کند و پنج نوبت
بخواند و روز یکشنبه پنج نوبت بخواند و هم چنین هر روز
پنج نوبت بخواند تا روز جمعه و روز جمعه یازده مرتبه بخواند
چنانچه بیکهفته چهل و یکنوبت تمام شود و این دعوت پسند
یده است و اسان است و هر نوبت که سوره فتح بخواند یکنو
بت اذا جاء نصر الله را بخواند و بعد از ان این دعا را بخواند
یَا مَنْ اِذَا تضایقتِ الْاُمُوْرُ تَفتحُ لَهُ بَابًا لَا تصِلُ اِلَیهِ
الْاَوْهَامُ ضاقت عَلَیَّ اُمُورِی فَافتح لِی بَابًا لَا یَصِلُ
اِلَیهِ وَهمی اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَبِالْاِجَابَةِ جَدِیرٌ
وَصَلَّی اللهُ عَلی خَیْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ از کتاب لآلی عزونه

فائده

فائده از جهت کفایت مهمات
هر کس سوره والنازعات را در مکان مخوف بخواند
از ان مکان بسلامت اید و از بعضی از اکابر منقولست
که هر که از سلطان جابر و یا از ظالم جابر و یا از شر دیگر
خوف داشته باشد یازده مرتبه بگوید یَا مَالِکَ یَوْمِ
الدِّینِ اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِینُ از سلطان یا از ان
ظالم یا از ان فتنه و هول هیچ آسیبی بوی نرسد و هم
چنین اگر قاطع الطریق باشد یا سبعی سر راه بروی
بگیرد چون بعدد مذکور بخواند مانع از سر راه برخیزد
وی بسلامت بگذرد و فرمود که این معنی بکرات
و مرات بتجربه رسیده و بصحت پیوسته از لیالی عزونه

خواص آیه سوره مزمل ۲۷ نوع دیگر آیه فَعَصَی فِرْعَوْنُ اِلی وَبِیلًا از سوره مزمل
چون از کسی چیزی دزدیده باشند چند قرص نان بعدد
جمعی که بر ایشان تهمت برده بر هر قرص این آیه را بنویسد
و هر قرصی را بیکی از ایشان دهد تا بخورند انکسیکه دزد
باشد در گلویش بند گردد

خواص سوره الحاقه ۲۸ نوع دیگر سوره الحاقه را بنویسد و بشوید و بکودک

دهد شیرخواره صاحب ذهن وفطنت گردد

نوع دیگر آیه عَسَىٰ رَبُّهُ اِنْ طَلَّقَكُنَّ اَنْ يُبْدِلَهُ از سوره تحریم زنیکه صالحه بنکاح فاسقی ومبتدعی در آمده باشد وپشیمان شده وخواهد که میان ایشان تفریق شود این آیه را در کاسه کبود بسیاهی وقطران نویسد ونام ایشان را وباب بشوید ودران سرا ریزد که در آن ساکن باشند میان ایشان جدائی ومفارقت افتد ودیگر اصلاح نپذیرد

نوع دیگر سوره ابراهیم الٓر الی صراط العزیز این آیه را بر قدحی نویسد باب خالص بشوید واین آیات را چهل بار بران آب بخواند ودر مسجد بیاشد تعلیم علوم وعلم برانکس آسان شود واگر این آیات را بر کاغذی نویسد وباب باران خزانی شوید وچند دفعه بخورد شك واعتقادات بد ازاو زایل گردد

نوع دیگر آیه وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا از سوره فرقان چون عزب باشد وخواهد که فرزند رشید او را حاصل شود وباسانی تزویج دست دهد سه روز متوالی روزه دارد وهر شب در وقت خواب این آیات را بیست یکبار

بخواند

بخواند واز خدا تیم حاجت خود را بخواهد پس در خواب رود هر ماه یکبار باین دستور العمل عمل کند مطلوب باسانی حاصل شود

نوع دیگر سوره مدثر حضرت صادق علیه السلام منقولستکه هرکه در نیمه شب جمعه برخیزد ونماز تهجد بگذارد که در داشته باشد وبعد ازان چهار رکعت نماز کند ودر هر رکعتی بعد از فاتحه سه بار سوره مدثر بخواند وبعد از نماز صد بار صلوٰة بفرستد پس حاجت از خدا تعالی در خواهد حاجت برآورده شود

نوع دیگر آیه لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوٓءِ از سوره نساء چون کسی این آیات را در پیش کسی بنویسد بسیار گو باشد ومعجب پس خاموش گردد وسخن کمتر گوید

نوع دیگر آیه يَا اَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا هرکه این آیات را در نیمه شب جمعه بزعفران بر پاره حلوا نویسد چنانکه کسی او را نبیند پس از انجورد وبازن صحبت دارد سه شب جمعه باین دستور عمل کند فرزند پیدا شود مجرب است

فائدة بجهت امان یافتن از شر جن وانس وسایر مکروهات خواندن یا مؤمن بسیار مفید است

فائده برای رفع اعداء هفت نوبت بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم شتّت شملة الاعداء و فرّق جمعهم و زلزل اقدامهم و خرّب بنیانهم و بدّل احوالهم و اشغلهم بابدانهم و اموالهم و اقطع ارزاقهم و خذهم اخذ عزیزٍ مقتدرٍ یا کاسر یا قاهر   از لئالی مخزونه نقل

نوع دیگر از سوره آل عمران یا ایها الذین امنوا صبروا این ایات بر نان جو نویسد و بر بنده که گریزان باشد یا بزنی که سلیطه که ناسازکاری و گریزد و ناسازکاری از ایشان زایل شود و در کتب که از ابر نان منده نویسد و بدو دهد و شیخ ابوالعباسی آورده که از بر کاسه سفال نویسند و باب پاك بشویند یا بر کره نان نویسند و بشرابخواره دهند بخورد شراب بر طبع او مکروه شود و ازان توبه کند

فائده از برای قضاء حوائج و نجات یافتن از مهالك و رفع ضرر اعدا حسبی الله را باید صد و چهل و شش مرتبه بخواند که بسیار نافع است   از لئالی مخزونه منقول

فائده آیه ثمّ انزل علیکم الی بذات الصّدور

اگر کسی مهمی صعب پیش اید چهل روز هر روز چهل نوبت این ایات را بخواند ان مهم کفایت شود اگر بیست نه روز بجهت دفع دشمن بیست نه بار بخواند دفع شود و اگر نوزده روز نوزده بار بخواند توانگر شود و اگر بجهت اهل عیال هر روز پنج بار بخواند مطلوب حاصل شود و بجهت دفع درد سر هفت بار بخواند و اگر در مقابل دشمن بخواند مقهور شود و بر گردن اسب بندد و باز نماند

حواشی آیه ۳۹ نوع دیگر طسم تلك ایات الکتاب المبین لعلك باخع نفسك الا یکونوا مؤمنین ان نشا ننزل علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم لها خاضعین چون این آیه را بر کف خاك خواند که آفتاب ندیده باشد در خانه دشمن ریزد مخذول و منکوب گردد

حواشی آیه ۴۰ نوع دیگر و اذ نادی ربك موسی ان ائت القوم الظالمین قوم فرعون الا یتقون این آیه بنویسد و بشوید و در طعام کند و بجمعی دهد که شرارت و نفاق کرده اند متفرق گرداند و میان ایشان عداوت پیدا شود و دیگر اجتماع منصور نباشد

۴۱ حواشی آیه نوع دیگر آیه تدمّر کل شیءٍ بامر ربها فاصبحوا الا

یری الا مساکنهم کذلک نجزی القوم المجرمین این آیه را
برخانه زنبور انگبین بنویسند انشاء الله تعالی از آن خانه
متفرق شوند

نوع دیگر واصبح فؤاد ام موسی فارغا ان کادت لتبدی
به لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین این آیات
را در ظرف سفال نو که چیزی در آن نرسیده باشد بنویسید
پس از آب باران بشویند بکسی دهد که بچه در شکم او
مرده باشد بسلامت از آن خلاص شود

فائدة مروی است که هر کس هر صباح در این چهار کلمه
نظر کند و باخود دارد بر اعداء غالب شود و اگر چهل
روز بامداد پیوسته نظر کند بر خلایق غالب گردد
و مقبول القول باشد بسم الله الرحمن الرحیم
همهعفولین نیروما نیفوش فرنطوطنیش شرور
از لآلی مخزون فیض
عما یسبط

نوع دیگر والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید
فی لوح محفوظ این آیه را بر پوست آهو بنویسد و بعد از
آن بنویسد یا حفیظ احفظ احفظ یا حفیظ و آن را بر
گردن کودک بندد از همه آفات محفوظ ماند و اگر کسی
در بر

در سفر است باخود دارد از دزدان و قطاع الطریق ایمن
باشد و اگر در وقت بیرون رفتن این آیه را سه بار در خانه
خواند اهل و عیال و مال او همه محروس باشند تا وقت
مراجعت او و اگر بر خود و بر فرزندان خود خواند همه محفوظ مانند

خواص آیه ٤٥ نوع دیگر افرأیتم النار التی تورون ءانتم انشأتم
شجرتها ام نحن المنشئون نحن جعلناها تذکرة و متاعا
للمقوین این آیه را بر برگ جو بنویسد و در سایه نهد تا
خشک شود پس از آن نرم بساید و با روغن گل بر سوختگی
آتش طلا کند بزودی شفا یابد

خواص آیه ٤٦ نوع دیگر ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون چون
کسی را تب داشته باشد این آیه را بر سه پاره کاغذ بنویسد
و سه روز و در هر روز یکی را بناشتا بخورد انشاء الله تب
او زایل شود

خواص آیه ٤٧ نوع دیگر در بحر المنافع آورده اند که بجهت ریختن موی
سبیل بر روغن بخواند و بر آن بمالد یرسل الصواعق
فیصیب بها من یشاء و هم یجادلون فی الله و هو
شدید المحال

خواص آیه ٤٨ نوع دیگر موی ریش بجهت ریختن موی ریش

بروغن خواند بما لد بسم الله الرحمن الرحیم فاستغفروا
الله واستغفر و لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله
ولم یصبروا علی ما فعلوا وهم یعلمون

نوع دیگر از حضرة امام محمد باقر و امام موسی کاظم ع
مروی است که خوردن شلغم رگ خوره را مبکند اگر خواه
خام باشد و خواه بخته واز حضرت ام مروی است شارب
گرفتن در هر جمعه امان است از خوره

نوع دیگر در بحر المنافع اورده اند که بجهت خوره این
ایات را تعویذ نماید انه من ایاته ربه مجرما فان له
نار جهنم لا یموت فیها ولا یحیی ومن یاته مؤمنا قد
عمل الصالحات فاولئک لهم الله درجات العلی کل
نفس ذائقة الموت ونبلوکم بالشر والخیر فتنة والینا
ترجعون

نوع دیگر در بحر المنافع بجهت سرفه این ایات را تعویذ
نماید و بخواند سمه ملعونین اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا
تفصیلا و یوم تشقق السماء والغمام ونزل الملائکة تنزیلا
لقد انزلنا مبینات والله یهدی من یشاء الی صراط
مستقیم

خواص سوره ۵۱ نوع دیگر در بحر المنافع آورده اند که هر که سوره والطارق
را بخواند بر چیزی بخورد از قی ایمن گردد

خواص نوع دیگر بجهت دفع قی این آیه را براب بخواند و بخورد
آیه ۵۲ مجرب است وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع
العلیم قل اغیر الله اتخذ ولیا فاطر السموات والارض
وهو یطعم ولا یطعم

خواص نوع دیگر در دفع نزله جمع کثیر تجربه کرده اند که هرگاه
آیه ۵۳ سوره انا انزلناه را بر رشته که دختر غیر بالغ رشته باشد
هفت لا کرده هفت نوبت بران بخواند و بعد مدد گره زند و
بگوید عقدت نزلة فلان بن فلان و بقوله و ننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و صاحب نزله از رشته را باخود
دارد دفع شود باذن الله تعالی

خواص ۵۴ نوع دیگر صاحب در مکنون آورده که این اشکال را
برکف دست چپ بنویسد و بان نظر کند قولنج زایل
گردد ه ه ه ه ـــ ی ی ی ی ی ی ه

قسطومات

خواص نوع دیگر دفع قولنج سوره قدر را تا تنزل الملائکة آخر
آیه ۵۵ این شکل نیز بنویسد ـــ مـــ ملانو و در آب اندازد

و بخورد و دیگر را نوشته با خود دارد قولنج دفع شود این اشکال را
بهمین خاصیت گفته اند ااااع اااا د و ای اااا و د اع ۲۹
دم د لادم د لا و الاه د د و اع ادم بو و مو ل برده سلح

نوع دیگر بجهت طفلی که بسیار گریه کند بخواب نرود
بنویسد و بر عود گهواره ببندد یا در زیر سر او گذارد و یا براو
تعلیق نماید بخواب رود و بعد بگوید لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا
الله یا الله لسه لسه لسه لسه لا ای مرا شراهیا

نوع دیگر اگر کودکی گل خورد و عادت کرده باشد این
ایه را بر قرص نان نوشته بوی خوراند ترک گل خوردن کند
ولا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین لا نأکل
بخوبیس و لا نأکل التراب بحق المر ذلك الکتاب بعد ها
حمعسق کهیعص بالف لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم

نوع دیگر از سوره سبا این ایات را نوشته بر طفل ببندد
که خاک میخورد برطرف کند و یقذفون بالغیب من مکان
بعید و حیل بینهم و بین ما یشتهون کما فعل باشیاعهم
و

من قبل و انهم کانوا فی شک مریب

نوع دیگر در بحر المنافع آورده اند که اگر این ایه را بر
کاغذ نویسد و نام طفل که بیمار شده نیز بنویسد و در
اب اندازد اگر غرق شود فرو نشیند بدانکه ان کودک
زحمت بسیار کشد و بعد صحت یابد و اگر در میان اب
بماند زحمت کشد و اما زودتر صحت یابد و اگر در بالای
اب بماند زود صحت یابد پس ان قرص را بردارد و بشوید
و بان کودک خوراند صحت یابد بسمله و لو یؤاخذ الله
الناس بظلمهم ما ترك علیها من دابة و لکن یؤخرهم
الی اجل مسمی فاذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة
و لا یستقدمون

نوع دیگر اگر طفلی بسیار از شیر باز گرفتن بجوش شده
باشد و بسیار گرید بر تخم مرغ پخته نوشته بار خوراند
از انجا ان بدید رفته باسانی ترک شیر خوردن کند و
و تأکلون التراث اکلا لما و تحبون المال حبا جما ام
ابرموا امرا فانا مبرمون

نوع دیگر اگر طفلی دیر براه افتد این ایات را بر ظرف
سفال نویسد و بشوید و قدری از ان بوی دهند و

و قدری بر بدن او بمالد و دیگر برا بنوشته بر طفل بندد براه
افتد ارکض برجلك هذا مغتسل بارد وشراب والله
خلق کل دابة مومنا فمنهم من یمشی علی بطنه ومنهم من
یمشی علی الرجلین ومنهم من یمشی علی اربع یخلق الله
ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر برحمتك یا ارحم الراحمین

نوع دیگر اگر که گوش صبی طفل را سوراخ کند از مجروح شدن ...اص
و درد کردن ایمن باشد بسمله اللهم انی عزمت علی الحدید ...یه
وعلی الشاعة الشدید بحق العلم العلماء وسکان السماء ...۶
وبحق عیسی بن مریم ان لا اوجعنی لحما ولا اخرج لی دما
ادخل سالما واخرج سالما فلان بن فلان

خواص نوع دیگر در بحر المنافع بجهت یرقان در زردی و بشره
سوره ۶۲ وجله گفته اند که سوره سبا را بنویسد و بشوید و بخورد
روی خود را نیز از آن بشوید نافع آید و همچنین آورده که
بجهت یرقان که چشم را زرد کند این آیات را بنویسد و تعلیق
نماید قالوا سبحانك انت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون
الجن اکثرهم بهم مؤمنون قالوا ربنا یعلم انا الیکم لمرسلون
وما علینا الا البلاغ المبین قالوا انا تطیرنا بکم لئن لم
تنتهوا لنرجمنکم ولیمسنکم منا عذاب الیم

خواص آیات ۶۳ نوع دیگر در بحر المنافع مذکور است که اگر طفلی را باد فتق
بهم رسد و ورم خصیه عارض شود گوش را بر عکس سوراخ
کند و اگر هر دو خصیه او بهم رسد هر دو گوش او را سوراخ
کند بفضل خدای تعالی زایل گردد

خواص آیه ۶۴ نوع دیگر دفع موش بر پوست شتر بنویسد و دفن بر بجیند
و در سوراخ موش داخل کند موشها بیرون آیند باذن الله
تعالی فاعرضوا فارسلنا علیهم سیل العرم وبدلناهم
بجنتیهم جنتین ذواتی اکل اللهم بدلنا خیرا منهم وبدل
لهم بنا خیرا لهم منا واجعل ذلك عاجلا معجلا

خواص آیه ۶۵ نوع دیگر گفته اند از خاصیت اسم وهاب است که
پیش از غروب آفتاب روز شنبه در ظرف سفال نوشته
در انبار غله نهد از موش و سوس ایمن باشد

خواص آیه ۶۶ نوع دیگر این مربع را بر چهار کاغذ بنویسد و بر زوایای
خانه دفن کند موش گرد آنجا نگردد این است مربع

خواص آیه ۶۷ نوع دیگر در بحر المنافع
آورده دفع موشان این
مثلث را بنویسد غله
نبارد و اگر در انبار باشد

٥	و ٢	طا	دی
٥	٨عا	٥ی	ار
٥	ع ح	١٢	ح ٨

۵ واگر در کشت زار است بنویسد و بر چوب بندد و بر چهار گوشه کشت کند واگر در خانه باشد در زوایای خانه دفن کند این است مثلث

دو ۲	هفت ۷	شش ۶
نه ۹	پنج ۵	یک ۱
چهار ۴	سه ۳	هشت ۸

نوع دیگر بر چهار کاسه سفال آب ندیده بنویسد و چهار دیگر سرپوش نماید و در گوشه خانه یا کشت مدفون باشد و هر یک را بگوشه فرو برد بلکه نماز بجوید موشان دفع شوند بسمله انّ الفاره جند من جنودك وخلق من خلقك فالقو شرها واصرف عنا ضرها اللهمّ صلّ علیٰ محمّد وال محمد والهِ اجمعینُ برحمتك یاارحم الراحمین

نوع دیگر این نقش را در سفال بنویسد و در میان کشت بازگونه نهد و فرو برد موشان از کشت دفع شوند

۹۹۰ اا ب اکا اا ااا ح ها

نوع دیگر گفته اند مغز ساق شتر را باب مخلوط سازند و در سوراخ موش بریزند همچنین اگر موشی زنده بسوزاند هر موش که در خانه بود خود را در آتش اندازد و بسوزد اگر خاکستر چوب بلوط را در سوراخ موش افکند بعضی را بخورند وهمچنین اگر سر خاش را در سوراخ موش اندازد باعث

گریختن

گریختن موشان از آن خانه است

نوع دیگر دفع مورچه بر چیزی بنویسد و بر زوایای خانه بباد و بریزد مورچه گان فرار نماید بسمله اِن کنتم مؤمنون بالله وَالیومُ الاخر والنبیینَ وما انزل الیهم اسئلکم بحق الله وبحق بینکم ونبینا وما انزل الیهما الا تحولتم عن مسکننا بنویسد و بشوید و در مکان ایشان بریزد و دیگر بنویسد و در سوراخ ایشان نهد از منزل فرار نماید یا ایها النمل ادخلوا اخرجوا من بعد المکان وهذه الدار واسرعوا الخروج اخرجکم کما خرج سلیمان وجنوده فی الیم

نوع دیگر ابریشم باموی بخواند و در سوراخ ایشان گذارد و بگریزد یاایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لایشعرون

نوع دیگر شبش در خواص آیات از ابن عباس روایت کرده که اگر کسی را شبش آزار کند از سوره کهف آیه اذ قالوا یاذا القرنین انّ یاجوج وماجوج الی قوله فجمعناهم جمعاً را بسیار تلاوت کند و بدان خاصیت کند تا از آن آزار خلاصی یابد

نوع دیگر در بحر المنافع آمده که بجهة دمامیل دامی کردا

کرد بنویسد یا منبوث فی جسد الذی یموت مت مؤمنة
بحق الحی الذی لایموت بنویسد وبران چسباند

مح✱ر الوع

نوع دیگر لکه که در بدن بهم رسد مانند خشکی وجوشش
که رزه ترا خطی بر دور آن بکشد و در وسط آن بنویسد
یوما یوما مرتا یا ادعی احصوانا ف فی تمرمر السحاب صنع الله
الذی اتقن کل شیءٍ انّه خبیرٌ بما تفعلون

نوع دیگر بهمان دستور در صبا بناشتا بنویسد واگر
در روز چهارشنبه باشد بهتر است هر بقر مربقه حتی
تحت الطریق

نوع دیگر بجهة دفع خنزیر و دمامل و اماس کالو وغیره
وجراح درا موضع بنویسد که مؤثر است بسم الله الرحمن الرحیم
یا منبوث فی جسد من یموت اخرج بحق الحی الذی
لایموت

نوع دیگر افسون هندی که بجهت باد سرخ و آتشك
سه روز بعد از طلوع وغروب افتاب بران بخواند وکارد
آهنین که دسته وی نیز آهن باشد بدست بکیرد وبدان
حمله آورد و اشاره نماید بر طرف شود یا چند خاشاك
بمانر

بستاند وبر صاحب باد سرخ واتشك فرود آورد بعوض
کارد دو سه روز چنین کند دفع کردد این است ای سرخ
برآید باران سرخ ببارد دکیاه سرخ برآید دبز سرخ
بچرد هل هو هو هل هو هو نه بار دیگر بگوید وننزل
من القرآن ما هو شفاءٌ ورحمة للمؤمنین ولا یزید
الظالمین وبالحق انزلناه وبالحق نزل هل هو هو
هل هو هو پنج بار بگوید بعد ایتها الحمراء من من
یزعم انّ مع الله الهًا اخرفانه یشهد ان لا اله
الا الله محمدًا رسول الله بحق بسم الله الاکبر بحق
کهیعص وبحق حم عسق ای رحمت بزرك شو
خدای من بزرك است رسول خدا درد نبا بود واورا
جان نشد تونیز از جان بشو همچون کوه آمده همچون
نمك بگذارد بسم الله الرحمن الرحیم کانّهم حمرٌ
مستنفرة فرّت من قسورة ان یشا یسکن الریح
فیظللن رواکد علی ظهره انّ فی ذلك لآیات لکل
صبار شکور یا ایتها الریح دزونی کما یذوب الملح فی
الماء نی والنحاس فی النارمات محمد صلی الله علیه و
آله وسلم وارتحل من الدنیا فارتحلی من هذه الصّوبحق

بحق محمد واله اجمعین

نوع دیگر جهت خنازیر فرمودند علی بن موسی الرضا ع
که از گردن کنیز با خنازیر بیرون آمد شخصی امد گفت یا علی
بفرما کنیز را که بگوید یا روف یا رحیم یا رب یا سیدی پس
ان کنیز این کلمات را گفت شفا یافت

نوع دیگر آن علتی است که دست وپا واعضاء را بیحس
سازد که تصور می کند که ان اعضا افتاده است این آیات
را بنویسد وباخود دارد وبران نیز بخواند نافع است بعد از
بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده
ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل
الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم [illegible]

نوع دیگر معالجه لغوه منقول است که صلاح ابن محارب
بحضرت امام موسی کاظم ع عرض کرد که شخصی را لغوه
بهم رسیده وهر دو چشمش را برگردانیده فرمود که پنج مثقال
از قرنفل بگیرد ودر شیشه کند ودرش را محکم ببندد وگل
بمالد ودر آب بگذارد وبقدر یک روز در تابستان وبقدر
یک روز در زمستان پس از شیشه بیرون آورد ونرم بکوبد
وباب باران مخلوط سازد وبرپشت بخوابد وبران مطلوب

بده که گذشته است بمالد وبران حال خوابیده باشد تا قرنفل
خشک شود وچون چنین کند آن مرض از او برطرف شود

خواص ایات ۸۱ نوع دیگر در نسخه بنظر رسیده است که اگر کسی را روی
ودهان کج شود بنویسد این آیات را وبشوید وبیاشامد
ودر ابرآن بشوید فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث
اصاب والشیاطین کل بناء وغواص وآخرین مقرنین فی
الاصفاد هذا عطاؤنا فامنن او امسک بغیر حساب
الم نجعل له عینین ولسانا وشفتین وهدیناه النجدین

خواص ایات ۸۲ نوع دیگر در بحر المنافع بجهت مفلوج شدن اندام این
ایات را ذکر کرده است که بر ظرف بنویسد وهر روز بدهد
تا بخورد صحت یابد بسم الله الرحمن الرحیم من یطع الرسول
فقد اطاع الله ومن تولی فما ارسلناک علیهم حفیظا و
یقولون طاعة فاذا برزوا من عندک بیت طائفة
منهم غیر الذی تقول والله یکتب ما یبیتون فاعرض
عنهم وتوکل علی الله وکفی بالله وکیلا

خواص ایات ۸۳ نوع دیگر هر که بنویسد این دو آیه را بر لوح چوب وبیاویزد
در سقف دکان یا در سر باغ یا دفن کند در وسط بنا
یا بنویسد بر کاغذ وبگذارد در میان متاع نفع بسیار بهم

رسد وروزی وسیع کردد ودرختان میوه وزراعت
خوب وبابرکت شوند وَالْاَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَاَلْقَيْنَا فِيهَا
رَوَاسِىَ وَاَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَجَعَلْنَا لَكُمْ
فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ

خواص ایات ۸ نوع دیگر اگر کسی بنویسد این ایه را بعد از نماز جمعه و
بگذارد انرا درخانه یا دکان یا مسکن خود بروزی او وسیع
کردد وبرکت وخیر بسیار بهم رسد وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِى
الْاَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ

خواص ایه ۸ نوع دیگر اگر کسی بنویسد این ایه شریفه را برلوح چوب
زیتون بگذارد برسر درباغ خود بزودی میوه ان نمو کند
وبسیار خوب شود واگر بنویسد برپوست نوج که دباغت شده
باشد وبیاویزد انرا درکردن حیوانات انها بسیار وخوب
۲ ازافات محفوظ کردد وَهُوَ الَّذِى اَنْشَاَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ
وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا اُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا
وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ اِذَا اَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ
وَلَا تُسْرِفُوا اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

خواص ۸ نوع دیگر بنویس این شکل را وبخورد انکس ده که حیوانات
دیوانه باو زخم بعد ازانکه سوره حمد بران نان خوانده

بالمی

باشی شفا یابد ۱۱ح۳ح۵ ب۱۸۵د

خواص ایات ۸۷ نوع دیگر آورده بجهت یرقان درچشم را درد کند این ایات
را بنویسد و تعلیق نماید قَالُوا سُبْحَانَكَ اَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ
دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ اَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ
قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ اِنَّا اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا اِلَّا الْبَلَاغُ
الْمُبِينُ قَالُوا اِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ
وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ اَلِيمٌ

خواص شکل ۸۸ نوع دیگر این شکل را بنویس ودرنظر او بیار بسیار نظر کند
یرقانش زایل شود این است

٨	ح	٧
۶	٧	٨
٧	٨	۶

خواص شکل ۸۹ نوع دیگر ودرکتاب در مکنوت
آورده اند که هرکه این اشکال که ارقام
هندی است وخط ایشان در
طاس نو یا تازه تلعی نویسد بمشک وزعفران وگلاب پس
باب شیرین محو ساختم بصاحب ناسور یا نقرس یا یرقان
یا طحال یا کبد یا ذات الصدر یا ذات الجنب ازان آب
بیاشامد شفا یابد ے بلع که تاح نظ مرکه

خواص منتر هندی ۹۰ نوع دیگر افسون هندی که ازا منتر گویند بجهت امراضی
که بهیچ وجه بهبود نشود وسه روز متعاقب بران خواند

باد بران دمد شفا یابد موسرة مسرخا القنا وبالقنا
بجی مرنجی البسا بلبسا حنا بروما ای تودانی خدا چنانکم
مصطفی ص از دنیا رفت توهم بروخدا بزرك است تو
زك مثوبحق توراة وانجیل وزبور وفرقان محمد ص والد
لا اله الا الله محمد رسول الله وعلی ولی الله

نوع دیکر بجهت خون شکم هرروز برنان بنویسد تا یکهفته
ناشتا بخورد از روز یکشنبه نماید صحت یابد بسم الله الرحمن الرحیم
لکیلا یعلم بعد علم شیئا ان الله علیم قدیر فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم ایاك نعبد وایاك نستعین بسم
الله ارقیك الله یشفیك من کل یؤذیك

نوع دیکر بنویسد وسه روز بخورد خوب شکم ببندد و
صحت یابد مرقوس مرقوس مرقوس مرقوس مرقوس سلام
قولا من رب رحیم برحمتك یا ارحم الراحمین

بجهت دوستی این اسم را بنویسد ودر اب روان اندازد
یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان یا مالك بنور
وجهك الکریم واسمك العظیم الا ۱۱۱۴۷۱۱۱۱۱۱۱ لهه
علیا هیه اهیا شراهیا ادونی احباوث ایل شدی
وبحق توراة وانجیل وزبور وفرقان وصحف وانبیا و
و ملائکه

وملائکه کلهم اجمعین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون

ایضاً برای دل درد این ایات را براب بخواند دبا شامد — خواص ایات ۹۴
وبنویسد دبو کردن اویزد بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد اذ هدیتنا تا الی حسن المآب از اول آل عمران وآیه
ولئن انجیتنا لنکونن من الشاکرین بر ظرف کاشی بنویسد
وبشوید دبیاشامد بسم الله الرحمن الرحیم سبح اسم ربك
الاعلی فهدی هذا هذا هذا ایها الوجع بعزة الله لا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ابلس ناجج ودمروس
ش ص ض ط ظ ع غ ف ق کلامی هولای

ایضاً دیکر این اشکال را بنویسد شسته بیاشامد واکر — خواص ایات ۹۵
خواهد باخود نکاه دارد شفا یابد انشاء الله تعالی
هه هه هه هه هه // ✲ مــ ـهع ع ع ع ع ع ع ع
ابل ابل ابل

نوع دیکر در بحر المنافع که این ایات را نوشته تعویذ نماید — خواص ایات ۹۶
و بر ظرف نوشته صبح بخورد که ساکن کردد دفوقهم الله شر
ذلك الیوم ولقیهم نضرة وسرورا وجزاهم بما صبروا جنة
وحریرا اشفع فرادنا یاشافی

نوع دیگر بنویسد بر سر دل بقصد درد ساکن گردد وَلَئِنْ اَنْجَیْتَنا مِنْ هٰذِهٖ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشّاکِرِینَ وَاَنْ وَیُسْکِنِ الرِّیحَ فَیَظْلَلْنَ رَواکِدَ عَلیٰ ظَهْرِهٖ اِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبّارٍ شَکُورٍ الَّذِینَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللهِ اَلا اِنَّ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

نوع دیگر در بحر المنافع آورده که بجهت درد بازو و دست بنویسد و بر آن بندد وَقِیلَ یا اَرْضُ ابْلَعِی ماءَکِ تا آخر آیه سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِاَخِیکَ وَنَجْعَلُ لَکُما سُلْطاناً

نوع دیگر بازوی راست هرگاه درد کند بنویسد و بر آن بندد اِنَّ الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ اِنَّما یُبایِعُونَ اللهَ یَدُ اللهِ فَوْقَ اَیْدِیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَاِنَّما یَنْکُثُ عَلیٰ نَفْسِهٖ وَمَنْ اَوْفیٰ بِما عاهَدَ عَلَیْهُ الله فَسَیُؤْتِیهِ اَجْراً عَظِیماً

نوع دیگر درد بازوی چپ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَاَصْحابُ الشِّمالِ ما اَصْحابُ الشِّمالِ فِی سَمُومٍ وَحَمِیمٍ تا آخر عَلَی الْحِنْثِ الْعَظِیمِ

نوع دیگر درد مرفق چپ وَما لَنا اَلّا نَتَوَکَّلَ عَلَی اللهِ وَقَدْ هَدانا سُبُلَنا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلیٰ ما آذَیْتُمُونا وَعَلَی اللهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

نوع دیگر درد بستان اشکال را نوشته در زیر بستان کند …

خواص آیات ١٠٣ مـحـحـه ده مـه مـه نوع دیگر بجهت درد بستان زنان در زیر بستان نگاه دارد این است
مـه
دعا ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ١٣٩×١٢٣٨ کا ٥
١٧ ع ٤ ١١٥ ١٢×١٨

خواص آیات ١٠٤ نوع دیگر از کفعمی مذکور است که این افسون را بنویسد و بشوید و کسیکه درد دل داشته باشد بیاشامد ساکن گردد وَاِنَّ ذٰلِکَ لَذِکْریٰ لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ اَوْ اَلْقَی السَّمْعَ وَهُوَ شَهِیدٌ

خواص آیات ١٠٥ نوع دیگر بجهت طپیدن دل بنویسد و بشوید و کسیکه دل او طپان باشد بیاشامد آرام گیرد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ رَبِّ عَبَقٍ عابِسٍ وَنَفْسٍ نافِسٍ وَحَجَرٍ یابِسٍ وَشِهابٍ قابِسٍ وَنارٍ فارِسٍ بحق اِسْمِکَ الْعَظِیمِ وَبِحَقِّ اَسْمائِکَ الْحُسْنیٰ وَبِحَقِّ یا حَنّانُ یا دَیّانُ یا بُرْهانُ یا سُبْحانُ یا سُلْطانُ سَلامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحِیمٍ ٥ ااا مرح ااا ه ی

خواص آیات ١٠٦ نوع دیگر از حضرت امام صادق مرویست که هرکه درد سر داشته باشد یا بولش بند باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اُسْکُنْ سَکَّنْتُکَ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ ما فِی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

خواص آیات ١٠٧ نوع دیگر مروی است هرکه درد سر داشته باشد این

حروف را بر سر آویزد زایل گردد دلـ دلـص دق ف کـ
ز ل م و د — در حدیث پیغمبر از حضرت صادق مروی است
ایضا که هر که دردی داشته باشد بر موضع درد بگذارد و شنوت بگوید اللّهُ اللّهُ رَبّی حَقّاً وَلا اُشرِکُ بِهِ شَیئاً اللّهُمَّ اَنتَ لَها وَلِکُلِّ عَظیمَةٍ عَزیمَةٍ فَفَرِّجها عَنّی

نوع دیگر بجهت درد پشت و کمر که درد کند دست خود را بموضع درد بگذارد و بگوید وَما کانَ لِنَفسٍ اَن تَموتَ اِلّا بِاِذنِ اللّهِ کِتاباً مُؤَجَّلاً وَمَن یُرِد ثَوابَ الدُّنیا نُؤتِهِ مِنها وَسَنَجزِی الشّاکِرینَ و بعد ان هفت مرتبه سوره اِنّا اَنزَلناه را بخواند که خدا او را شفا بخشد

خواص آیات — نوع دیگر درد ناف دست را بر موضع درد گذارد و سه مرتبه بگوید وَاِنَّهُ لَکِتابٌ عَزیزٌ لا یَأتیهِ الباطِلُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَلا مِن خَلفِهِ تَنزیلٌ مِن حَکیمٍ حَمیدٍ

خواص آیات — نوع دیگر درد سنانه که محل بول باشد وارد است که در وقت خواب سه مرتبه بعد از خواب یکمرتبه بگوید اَلَم تَعلَم اَنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اَلَم تَعلَم اَنَّ اللّهَ لَهُ مُلکُ السَّمواتِ وَالاَرضِ وَما لَکُم مِن دونِ اللّهِ مِن وَلِیٍّ وَلا نَصیرٍ

خواص آیات — نوع دیگر هر که این ایه را بنویسد در متاع بگذارد و نفع بسیاری ببیند این است بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ اَلَّذینَ
بقیه

یَتلونَ کِتابَ اللّهِ وَاَقامُوا الصَّلوةَ وَاَنفَقوا مِمّا رَزَقناهُم سِرّاً وَعَلانِیَةً

خواص آیات — نوع دیگر هر که خواهد در تجارة سود بسیار ببیند دهر روز بگوید یَرجونَ تِجارَةً لَن تَبورَ زُیِّنَ لِلنّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ ۱۱۳

خواص آیات ۱۱۴ — نوع دیگر بجهت محافظت متاع بنویس این طلسم را در میان متاع گذارد بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ د و ۱۱ ✶ ۱۱ ۱۱ ه ح ۹ ۱۱ ۱۱ ✶ ز باه د و ۱۱ ۱۱ ✶ باه الحکم لله

خواص آیات ۱۱۵ — نوع دیگر تب ربع است بر کاغذ بنویسد بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ابجد هوز حطی عن ۲ ۲ نم باذن الله و بر پای انکاغذ بنویسد خاتم سلیمان و کاغذ را بر هم بپیچیده بعد ازان ریسمان که اب دهن هیچ کس ندیده باشد گره بر هم بپیچد بران بزند پس بر جانب راستش چهار گره و بر جانب چپ سه گره زند و در وقت گره زدن ریسمان را بپیش دهن برد و هر گره الحمد و معوذتین و قل هو الله احد و ایة الکرسی بخواند و بان جماع نکند

خواص آیات — نوع دیگر توبه بنویسد سه عدد هر روز یکی در وقت توبه باو دهد شفاء یابد بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ اِنّا اَعطَیناکَ الکَوثَرَ میشوما یاشا فی کل مریض بحق محمد و آل محمد

مل لربک وانحر میشوما یا شافی کل مریض بحق محمد وآل محمد
ان شانئک هو الابتر میشوما یا شافی کل مریض بحق
محمد وآل محمد

ایضاً این آیات را بر تخم مرغ سیاه بنویسد در محل فرو رفتن آفتاب در قبرستان دفن کند مجرب است واز موده است
وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا مبشراً
ونذیراً قل یا نار کونی برداً وسلاماً علی ابراهیم لا یرون
فیها شمساً ولا زمهریراً بسم الله الرحمن الرحیم ابرسوما
ابرسوما ابرسوم ببند تب لرز فلان بن فلان را یا رب

ایضاً بجهت بستن تب لرز بنویس بر تخم در قبرستان
دفن کن بسم الله الرحمن الرحیم ببند تب لرز فلان بن فلان را
بحکم سلیمان بن داود وبحکم ط ی یا اط ی طعامی یا حکیم

نوع دیگر بر کاغذ بنویسد که آن تب لرز گناه چهار کس
بگردن تو که بگردن این بنده مؤمن نگردی اول قاضی
دوم محتسب سیم طحال چهارم ریش ده دو کاغذ را بپیچد
چنانکه دیگر باز نکند در زیر دامن او بسوزانند که دود
باندام او رود

نوع دیگر دفع تب لرز در بحر المنافع آورده که بر کف دست
وباهای

وباهای مریض بنویسد قوس قوس شاماخ شاماخ
مجل مجل صحت صحت

نوع دیگر بجهت خصیه وباد فتق بر روغن کنجد خواند خواص آیات
وبدهد وبدن طلا بکنند ساکن گردد وتلک آیات الله ۱۲۱
یتلی علیکم ثم یصر مستکبراً کان فی اذنیه وقراً فبشره
بعذاب الیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنین وصلی الله علی محمد وآل اجمعین

نوع دیگر معالجه حبس بول بجهت حبس بول این اشکال را خواص آیات
بنویسد ودر زیر ناف بندد فتح شود بسمله سکمهیا یا ماغفیتا ۱۲۲
یا دیناسا انواره بلا حول ولا قوة الا بالله

نوع دیگر در بحر المنافع آورده از سرگین موش را زهار خواص آیات
مالند بول گشاده گردد ۱۲۳

نوع دیگر در دفع درد دل وطپیدن آن در مکارم الاخلاق خواص آیات
مسطور است که بجهت آورده که آیه فاذا قرأت القرآن فاستعذ ۱۲۴
بالله من الشیطان الرجیم را با معوذتین بخواند وبنویسد
وبا خود دارد نافع باشد

نوع دیگر معالجه طپیدن دل بنویسد وبشوید وبر کسیکه خواص آیات
دل او طپیدن نماید بیاشامد آرام گردد وبعد از بسمله ۱۲۵

عبسَ عابس ونفس نافس وحجر یابس وشهاب قابس
وماء فارس بحق اسمك العظیم وبحق اسمائك الحسنیٰ
وَبحق یامنان یادیان یابرهان یاسبحان یاسلطان یاسلام
قولاً مِن رَبّ رَحیم ▭ ااا آ مر اا اا ▭ ووووع
ع ه ه ه ه و ه صم لا

نوع دیگر بجهت باد نزله نوشته برسر بندد بسم الله الرحمن
الرحیم روایت است که کلاهی بدست ملك حبشه افتاده بود که
هرکس این کلاه را برسر نهادی اگر درد سر داشتی در حال شفا
یافتی واگر کور برسر نهادی روشن شدی واگر کنك برسر نهادی
گویا شدی واگر لنك برسر نهادی درست شدی واگر بیمار
برسر گذاشتی صحت یافتی واگر کر برسر نهادی شنوا شدی و
ان کلاه را سکینه حضرت رسول بردند حضرت فرمود که کلاه
شکافتند این دعا در آن کلاه بود و حضرت سید عظیم این دعا
مکرم ومعزز داشته فرمود که هرکس را گوش درد کند یا درد باد
نزله گرفته باشد ابند عارا بنویسد وبرسر بندد شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم لا اِلهَ الّا الله الملكُ الحق
المبین محمدٌ رسول الله صادق الامین لا اله الّا الله الحلیم
الکریم لا اِله الّا الله العزیز العلیم لا اِلهَ الّا الله ربّ
السّموات السّبع وَرَبّ العرش العظیم لا اِلهَ الّا الله وا

(۱)

وَحدَه لا شریكَ لَهُ لَهُ المُلكُ وَلَهُ الحمدُ یحیی وَیُمیتُ و
هُوَ حیّ لا یموت بیَدِكَ الخیر انّك علیٰ کُلِّ شیءٍ قدیر شهد
الله انّهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ وَالملائکة وَاُولوا العِلم قائماً با
القِسطِ لا اِلهَ اِلّا هُوَ العزیز الحکیم اِنّ الدّین عندَ الله
الاسلام اَللهُ نور الحکمة ولا حولَ ولا قوّةَ وبرهان وحجة •
وسلطان وقدرة وسبحان ومنه وقیّوم لا ینال اِلّا
الله ادم صلّی الله علیه وآله لا اِلهَ الّا الله نوح نجیّ
الله لا اله الّا الله ابراهیم خلیلَ الله لا اِله اِلّا الله
موسیٰ کلیمُ الله لا اِله اِلّا الله محمّد رسولَ الله العربی الها
شمی المدنی رَسُول الله صادق الامین وَصلّی الله علیٰ
محمّدٍ وَالِهِ وَالِه اَجمعینَ الطیّبینَ الطاهرینَ اسکن ایها
الوَجع سکنتك کما کنت ساکناً بالذی سکن له ما فی اللّیل
والارض وَهُوَ السّمیعُ العَلیم یاحیّ یاقیوم یاذوالجلال
والاکرام ولا حول ولا قوّة اِلّا بالله العلیّ العظیم
برحمتك یاارحم الراحمین

نوع دیگر دفع باد نزله برسر بندد که مجرب است بسمله
لا اِله الّا الله هو الحلیم الکریم سبحانه وتعالیٰ عمّا یشرکون
ربّ العرش العظیم وَالحمدُ لله ربّ العالمینَ

خواص آیات ۱۲۷

۹	۲	۶	۱۷	۹	۷	۷	٤

نوع دیگر باد نزله بنویسد و بر سر بندد بسم الله الرحمن الرحیم
بسم دفع درد سر و باد نیم سر و درد شقیقه و باد روح
از عضو و چشم و همه اندام دارنده این دعا بحق حرمت
وَلَوْ اَنَّ قرآناً سُیِّرَتْ به الجبال او قطعت به الارض او کُلِّمَ
بِهِ المَوْتیٰ بَلْ لِلّٰهِ الامر جمیعاً فَسَیَکفیکهم الله وَهُوَ
السَّمیعُ العلیمُ صِبْغَةَ اللهِ وَمَنْ اَحْسَنُ من الله صبغة وَ
نحن له عابدون بحق بسم الله الرحمن الرحیم بحق کهیعص
ذِکْرُ رَحْمَةِ رَبِّکَ عَبْدَهُ زَکَرِیّا اذ نادیٰ رَبَّهُ نِداءً خَفِیّاً
قالَ رَبِّ اِنّی وَهَنَ العَظْمُ منّی وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَیْباً وَلَمْ
اَکُنْ بِدُعائِکَ رَبِّ شَقِیّاً بحق طه ما انزلنا علیک القرآن
لِتَشْقیٰ طسم طس و طسم وَهُوَ یَشْفِینَ وَعَنَتِ الوُجُوهُ
لِلْحَیِّ القَیُّومِ وَقَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً اِنَّهُ من سلیمان وَاِنَّهُ
بسم الله الرحمن الرحیم الّا تعلوا علیّ وَأْتُونی مُسْلِمینَ بحق
بحق ن وَالْقَلَمِ وَما یَسْطُرُونَ یا رَبَّ العالمین وَعَلیٰ خَیْرِ
خلقه محمد و آله اجمعین

نوع دیگر نزله باید نوشت بر صاحب نزله بست و ننزل
من القرآن ما هو شفاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ الحمد لله الذی
سکن کما ما فی اللیل وَالنهار وَیَعلم ما فی البرّ والبحر و

۵۱

وَهُوَ السَّمیعُ العَلیمُ
کنوز الاسرار چله بریدن زنان که چله داشته باشد می باید حرامی ۱۳۰
بیاورد ابریشم سه رنگ یا هفت رنگ حاضر کند و هم قد
و بالای وی کیرد و دو نفر یکی سر و یکی در پائین ابریشم
بگیرد و کارد تیز را بیاورد و بعد از آن این دعا را بخواند
هفت مرتبه با کارد به برد بسم الله الرحمن الرحیم انا اعطیناک
الکوثر فصل لربک وانحر ان شانئک هو الابتر ولسوف
یعطیک ربک فترضیٰ و بگوید بریدم چله ۲ ۲ ۲ را که
بر سر افتاده باشد بریدم بحق کهیعص بحق یس
وَالقرآنِ الحکیم و بحق صد بیست و چهار هزار پیغمبر و بحق
محمد ص که سرور انبیاست و بحق جمیع اولیاست العجل
العجل العجل الساعة الساعة الساعة و هفت مرتبه بخوانند
و ابریشم را که به برند و سه تقسیم کند بهمراه این سه طلسم
هر روز یکی را در زیر دامن خود بسوزاند بهمراه مرد خود
جفت شود و مراد حاصل شود

۸ ۵ ۱۱۱ ۲ ۲ ۱۱۱۲ ۲ ه ۷ اول

۸ ۴ ۹ س ۸ ۸ ۱۰ ط ی

۱ ۵ ۴ ۸ ۱ ۴ ۸ ۱ ۴ ۳ ۸ ۱ ۴ ع

دویم ۵

۴ ۱ ۵ م ۳ ۲ ۲ ۴ ۱ م ۳ ۳ ۲ ۶ ۲

باب بيست سه ٢٣٠

خواص و فضائل سوره فاتحة الكتاب بجهت امرزش گنا
هان و برآمدن مهمات و مرادات و عزت یافتن در نزد
خلایق منقولست از حضرت امیر المؤمنین ع که هر کسی که
بخواند سوره فاتحة الكتاب را باین طریق روزی یکمرتبه مجبر
گردد از برای او مرادات دنیا و آخرت و تسخیر میشود از
برای او قلوب جمیع مخلوقات الهی و دور میشود از او
جمیع بلیات و هرگز محتاج کسی نشود اینست سوره مزبور
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين يا حي
يا قيوم اجب يا روقائيل و سخر لي قلوب جميع المخلو
قات الروحانيات من العلويات و السفليات سميعا
مطيعا بحق الحمد لله رب العالمين و بحق الحي القيوم
و بحق الملك الابجد الموكل بالقوائم العرشية الرحمن
الرحيم يا رحمن يا رحيم يا عطوف اجب يا جبرائيل و
سخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من
العلويات و السفليات سميعا مطيعا بحق الرحمن
الرحيم و بحق الرؤف العطوف و بحق الملك هوزح

الموكل بالقوائم العرشية مالك يوم الدين يا مقلب
القلوب اجب يا سمسائيل و سخر لي قلوب جميع المخلوقا
ت الروحانيات من العلويات و السفليات سميعا مطيعا
بحق مالك يوم الدين و بحق مقلب القلوب و بحق
ملك طيكل الموكل بالقوائم العرشية اياك نعبد
و اياك نستعين يا سريع يا قريب يا مستعان اجب يا ميكائيل
و سخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلويا
ت و السفليات سميعا مطيعا بحق اياك نعبد و اياك نستعين
و بحق سريع القريب المستعان و بحق الملك المنيع الموكل
بالقوائم العرشية اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا
مقتدر اجب يا سرفيائيل و سخر لي قلوب جميع المخلوقات
الروحانيات من العلويات و السفليات سميعا مطيعا
بحق اهدنا الصراط المستقيم و بحق القادر المقتدر
و بحق الملك المصقرا الموكل بالقوائم العرشية صراط
الذين انعمت عليهم يا الله يا حكيم يا عليم اجب يا عنيائيل
و سخر لي قلوب جميع المخلوقات الروحانيات من العلو
يات و السفليات سميعا مطيعا بحق صراط الذين

انعمت علیهم و بحق الله الحکیم العلیم و بحق الملک سمنشیخ
المتوکل بالقوائم العرشیة غیر المغضوب علیهم و
ولا الضالین یا قائم یا عزیز اجب یا عزرائیل دسخر لی
قلوب جمیع المخلوقات الروحانیات من العلویات و
السفلیات سمیعا مطیعا و بحق غیر المغضوب علیهم
ولا الضالین و بحق القائم العزیز و بحق الملک ذخطغ
المتوکل بالقوائم العرشیة اللهم انه لیس فی السموات
دورات ولا فی الارضین غمرات ولا فی البحار قطرات
ولا فی الجبال مدرات ولا فی الاشجار ورقات ولا
فی العباد حرکات ولا فی العیون لحظات ولا فی الا
الانفاس خطرات الا بد یموتیک عارفات ولک
شاهدات وعلیک دالات و فی ملکک مسخرات
و بالقدرة التی سخرت بها اهل السموات والارض
سخر لی مطلوبی دسخر لی قلوب جمیع المخلوقات
الروحانیات من العلویات والسفلیات سمیعا
مطیعا بحق امین رب العالمین انک علی کل شیء
قدیر تمت

۲
نوع دیگر قرائت فاتحة الکتاب طریق قرائتش باین
قرار است صد و چهل شش نوبت است در هر نوبت که بایاک
نستعین رسد مراد در خاطر گذارند و اگر که بسلامتی
سفر خواند در اهدنا الصراط المستقیم سلامتی سفر در
خاطر گذارد و بجهت دفع خوف از خصمان و دشمنان
و در غیر المغضوب علیهم مقصود را در خاطر گذارند
و بجهت اندیشه در عواقب امور در ولا الضالین مقصود
باین خواست و اشارات سوره مبارکه بسبیل اختصار
اینها است و در الرحمن الرحیم اشاره محبت است و در
مالک یوم الدین اشاره مال و جاه و در ایاک نستعین
اشاره مقصود کلی و جزوی و در اهدنا الصراط المستقیم
اشاره سلامتی و در غیر المغضوب علیهم اشاره دفع
اعادی از خود و بجهت هر مهمی که باشد سوره مذکور
بعدد همان ملفوظ قرائت باید کرد ولیکن این معنی موقوف
بانستکه چهل روز متعاقب هر روز در وقت معین سوره
فاتحه را صد و چهل شش نوبت بخواند الغرض خوانده باشد
انعزیمت اجابت روحانیات و بخور بکار داشته باشد تا
بعد از آن بجهت هر مهمی که خواند مفید این ذکر بجهت

هر چمی نتواند خواند بیست دیگر نوبت بخواند و بخور بسوزاند
فایده میدهد و بجهت غایب که از سفر باز آید سالم و غانم
چهل شب متعاقب هر شب اگر تواند صد و چهل سه نوبت
بخواند و اگر نتواند هر شب بیست یکنوبت بخواند و همه شب
بخور کند و حضور غایب را طلب کند و بجهت محبت بدانها
فلفل باید دمید که بنام مطلوب در آتش اندازد بدفعات
و بگوید احرقت قلب فلان بن فلان فی محبت فلان بن فلان
و اگر بشیرینی خواند و بمطلوب خورانند مفید است و باعث
الفت است و اگر بتلخ ترش خواند و بدو شخص دهند
که با هم بحرام رسیده باشند به نیت تفرقه البته جدائی
افتد و تایب گردد اما بجهت سلامتی سفر چهل سه باید
خواند و بجهت سبکباری قرض هزار صد نوبت میباید
خواند و بجهت صحت ۴۹۸ و بجهت مرض ۱۴ مرتبه
خواند بجهت محبت ۴۰۵ بجهت کشف ارواح ۲۱۴
و بجهت تسخیر جن ۱۳۷۲ میباید خواند و رضا بجهت
محبت بین الشخصین این چنین عمل باید کرد مثلا ط
فاطمه مثلاً محبت مطه علی مثلاً جمعش باین عدد میباید
۱۳۵ ۴۰ ۲۰ ۹۰
خواند مفید است انشاء الله و هکذا میکه چهل روز لا

تکلون

لا للفرض قرائت بنوعیکه گذشت بکنند در هر روز بیست
یکنوبت بعد از فاتحه این دعا را بخواند اللّهمّ یا غیاث
المستغیثین اغثنی وادرکنی بلطفک الخفی قد کفی لا
اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین اللّهمّ
اکفنی فی کنفک الوافی المنیع السائل الکافی واعنی
وسعت رزقک یا غیاث المستغیثین اغثنی وسخر لی
عبدک الاخضر یا الله یا الله یا الله یا رباه یا رباه یا رباه
یا لطیف انت اللطیف اسئلک باسمک الملک الموکل
ان میسر لی امری وتقضی حاجتی بقدرتک یا قدیر
انک علی کل شیء قدیر وبالاجابة جدیر وصلی
الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین

خواص ۳ نوع دیگر بجهت دفع قضاها و بلاها بنویسند با خود دارد

خواص ۴ نوع دیگر اگر خواهی نزد بزرگی بروی و احمد داری این طلسم را بنویس در زیر سر کذا و اگر هزار دشمن

الرا	الرا	الرا	الرا
کهیعص	کهیعص	کهیعص	کهیعص
طه	طه	طه	طه
الم	الم	الم	الم

داری ضرری بتو نتواند برساند اینست طلسم

نوع دیگر بجهت نظربندی بنویسد نگاه دارد نافع است وشك ندارد اینست

م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
هی	هی	هی	هی	هی	هی	هی	هی	هی	هی	هی	هی

نوع دیگر این مربع را برای چشم زخم باخود دارد نافع است اینست مربع تجربه رسیده

لالالا	لالالا	لالالا	لالالا
هه	هه	هه	هه
ودو	ودد	ودد	ودد
ععع	ععع	ععع	ععع

نوع دیگر هرگاه کسی ازراه ترس داشته باشد باسفر یا غیره بردارد پنج سنگ ریزه را اول باسم الله دویم باسم جبرائیل سیم باسم موسی چهارم باسم محمد پنج

۲۱	۲۴	۲۷	۱۳
	۱۴	۲۰	۲۵
۱۵	۲۹	۲۲	۱۹
۲۳	۱۸	۱۶	۲۸

۲۶

باسم ابراهیم باخود نگاه دارد ایمن گردد انشاء الله

خواص ۸ نوع دیگر بجهت باطل سحر نوشته این مربع را باخود نگاه دارد اینست

وزهق	الحق	جاء	وقل
الباطل	وزهق	الحق	جاء
ان	الباطل	وزهق	الحق
الباطل كان زهوقا	ان	الباطل	وزهق

خواص ۹

نوع دیگر ختم احزاب چنانست که از روز جمعه شروع کرده که روز پنجشنبه باتمام رساند و بعد از فراق از قرائت سر بسجده نهاده هرحاجت که دارد از قاضی الحاجات بخواهد انشاء الله باجابت مقرون است روز جمعه از فاتحه الی آخر نساء شنبه از مائده الی آخر سوره توبه براءة یکشنبه از سوره یونس الی آخر سوره نحل دوشنبه از بنی اسرائیل الی آخر سوره فرقان سه شنبه از سوره شعراء الی آخر یس چهارشنبه از والصافات الی آخر حجرات پنجشنبه از سوره ق والقرآن الی آخر قرآن بخواند

نوع دیگر قاعده دیگر درختم احزاب ۱۰

جهت کشایش کارها وحصول مطالب وبرآمدن
حاجات دنیوی واخروی وازاکابر صحابه ومشایخ
منقولست که دراثنای خواندن سخن نکوید جمعه از
فاتحه الی آخر مائده شنبه از انعام الی آخر برائة
یکشنبه از یونس الی آخر مریم دوشنبه از سوره
طه الی سوره طسم قصص سه‌شنبه از سوره
عنکبوت الی اخر سوره ص چهارشنبه از سوره
تنزیل زمر الی اخر سوره الرحمن پنجشنبه از سوره
اذا وقعه الی آخر قرآن وهر روز بعد از اتمام
قرائت این دعا را بخواند اللّهمّ لَكَ الحَمدُ وَاِلَیكَ
المُشتَكیٰ وَبِكَ المُستَغاثُ وَاَنتَ المُستَعانُ وَ
لاحَولَ وَلاقُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلیِّ العَظیمِ د
وسجده کند وطلب حاجت نماید هنوز برنخواسته
باشد از جای خود که حاجت حاصل شود ان شاء الله
نوع دیگر ختم سوره فاتحة الکتاب برای انجاح مطا
لب ومقاصد ده روز بدین طریق خوانده شود
که ان شاء الله برآورده است بعد از نماز خفتن

هجده بار بعد از نماز صبح هجده بار بعد از نماز
ظهر وعصر هریک هجده بار بعد از نماز مغرب
بیست وهشت بار بخواند ومیباید در هروقت از
اوقات خمسه بعد از قراءت سوره مبارکه پس از اتمام عدد
معین بگوید بسم الله الرَّحمٰن الرَّحیم اللّهمّ یا مالِكَ
العَوالِمِ کُلِّها وَلا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ
وسه بار بگوید یارَبِّ تَدارَکنی بِرَحمَتِكَ وبعد بگوید
یارَبُّ یا غَنیَّ الغَنیّ هر حاجتی که دارد ذکر کند وبعد
از آن بگوید ذٰلِكَ اللهُ رَبُّ العالَمینَ اَللّهمّ اِنّی
اَسئَلُكَ بِحَقِّ فاتِحَةِ الکِتابِ وَهِیَ اُمُّ القُرآنِ وَهِیَ
سَبعُ المَثانی وَاَسئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الاَسماءِ اَن تُصَلّی
عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَجمَعینَ بقول ابتدای این ختم
پس از نماز صبح است که بترتیب بعد از هر نمازی
هجده بار خوانده شود که پس از نماز عشا بیست وهشت
بار خوانده شود خوشا که بحاجت محضاً لله بهر دو قسم
خوانده شود لاحول ولا قوة الا بالله
نوع دیگر الفاتحه لقضاء الحاجة تقرأ الفاتحة الی

ياك نستعين ثم يقرأ سورة الاخلاص ثلث مرات
بقول اللهم كما جمعت بين صفاتك واسمائك و
نعالك اجمع بيني وبين حاجتي بحق محمد واله ثلاث
رات ثم تقرء تمة الفاتحة من اهدنا الصراط المستقيم
لى اخر ويدعوا بهذا الدعاء اللهم انى اسئلك بعلم
لعالمين وحكمتهم ومعرفة العارفين ومحبتهم وخوف
ائفين وخشيتهم وتوحيد الموحدين ومشاهدتهم و
لاية الاولياء وكراماتهم وطاعة الطائعين وعبادتهم
كاء العاصين وندامتهم ان تقضى حاجتى يا قاضى
حاجات ويا مجيب الدعوات وصلى الله على سيدنا
ن واله وسلم وهى مجرب لحصول المرام معجم است
ربعضى كتب نوشته اند كه جهت برآمدن حاجات ودفع
ات ونیستی اعدا وسلامتی از بلا وفاتحه را بدین ترتیب
ند کرد روز شنبه هفتاد بار یکشنبه شصت بار دوشنبه پنجاه
سه شنبه چهل بار که روز جمعه ده بار خوانده شود که
دویست وهشتاد مرتبه باشد تمام شد بعون الملك
مجلد اول از کتاب کنوز الاسرار بید این بنده العاصی شیخ حبیب
موسى الرضا افشاری ارومیه‌ئی فی تاریخ یوم ٢٣ شهر رمضان المبارك ١٤٠٢ سنه